

مؤسسه جهانی مکنزی

ایران: فرصت رشد یک تریلیون دلاری؟

ژوئن ۲۰۱۶

نویسندگان:

ریچارد دابز
همایون حاتمی
ترا الاس
صبا عرب
ارسلان مهتافر

ترجمه:

حنظله سلیمانی
جواد عرب یارمحمدی

شهریورماه ۱۳۹۵

پیش‌گفتار ترجمه فارسی

توافق هسته‌ای بین ایران و کشورهای ۵+۱، با کنار زدن ابرهای تیره تحریم و بازگرداندن امید، افق روشنی را در مقابل اقتصاد ایران ترسیم نمود. دورنمای سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی در ایران، اینک بسیار روشن‌تر از گذشته است و فرصت‌های سرمایه‌گذاری قابل توجهی فراروی سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی قرار گرفته است. گزارش «ایران: فرصت رشد یک تریلیون دلاری؟» با بررسی ویژگی‌ها و ظرفیت‌های بخش‌های مختلف اقتصاد ایران (۱۸ بخش و صنعت) و توجه به موتورهای محرک رشد، به فرصت‌های پیش‌روی اقتصاد ایران پرداخته و پتانسیل ایجاد اشتغال و رشد اقتصاد ایران در دو دهه آینده، یعنی تا سال ۲۰۳۵ را به تفکیک بخش‌های مختلف برآورد نموده است. همچنین دستور کاری برای اقدام در راستای ایجاد زمینه بارور شدن این پتانسیل ارایه شده است.

گزارش تهیه شده در مؤسسه جهانی مکنزی، هم برای کارگزاران دولتی و هم برای فعالان بخش خصوصی می‌تواند با اهمیت باشد. سرمایه‌گذاران، با مطالعه این گزارش دانش عمیق‌تری از فرصت‌های موجود و فرصت‌هایی که در آینده ایجاد می‌شود، خواهند داشت و تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران دولتی نیز با الزاماتی که شکوفایی اقتصادی و به فعلیت رساندن ظرفیت‌های موجود با آن مواجه است، بهتر آشنا خواهند شد.

متن فارسی گزارش «ایران: فرصت رشد یک تریلیون دلاری؟» به تأیید نویسندگان گزارش در مؤسسه جهانی مکنزی رسیده و آقایان ارسلان مهتافر و عطا سیفی از مؤسسه جهانی مکنزی، با بازخوانی متن فارسی و تطبیق آن با نسخه انگلیسی آن، نقش به سزایی در انطباق کامل برگردان فارسی با متن انگلیسی داشته‌اند. همچنین آقایان ابوالقاسم اسکندری و ابوالفضل غیاثوند نیز در نظارت بر ترجمه گزارش، نقش داشته و موجبات افزایش کیفیت این اثر را فراهم نموده‌اند که شایسته سپاسگذاری است.

امید می‌رود که این گزارش ضمن شناساندن فرصت‌های سرمایه‌گذاری در ایران به سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، با افزایش دانش کارگزاران دولتی در مورد پتانسیل‌ها و نقاط قوت و ضعف اقتصاد ایران، به تبلور ظرفیت‌های موجود کمک نماید.

مؤسسه جهانی مکنزی

مؤسسه جهانی مکنزی (MGI)^۱ اتاق فکر و بازوی تحقیقاتی شرکت مکنزی است که طی ۲۵ سال فعالیت خود، با هدف کمک به رهبران کسب و کارها، نهادهای عمومی، و مؤسسات غیردولتی برای درک عمیق‌تر تحولات اقتصاد جهانی، گزارش‌هایی را در مورد موضوعات مربوط به کسب و کارها و اقتصاد منتشر می‌نماید. انگیزه MGI ارائه نتایج روش‌مند و مبتنی بر داده‌های دقیق است، تا در اتخاذ تصمیمات مهم مدیریتی و سیاست‌گذاری‌های عمومی مورد استفاده قرار گیرند. مؤسسه لادر^۲ مستقر در دانشگاه پنسیلوانیا^۳، مؤسسه MGI را در صدر اندیشکده‌های خصوصی در فهرست اندیشکده‌های جهانی خود در سال ۲۰۱۵ قرار داده است.

تحقیقات این مؤسسه با ادغام دو حوزه اقتصاد و مدیریت، ابزارهای تحلیلی اقتصادی را با استفاده از نقطه‌نظرات رهبران اقتصادی و کسب و کارها به کار می‌بندد. در شیوه «خرد-به-کلان» مورد استفاده در تحقیقات این مؤسسه، روندهای خرد موجود در سطح صنایع، برای درک بهتر نیروهای گسترده‌تر در سطح کلان، که بر فضای کسب و کار و سیاست‌گذاری عمومی تأثیر گذارند، مورد بررسی قرار می‌گیرند. گزارشات مفصل و عمیق MGI تا به حال بیش از ۲۰ کشور و ۳۰ صنعت را پوشش داده‌اند. تحقیقات کنونی بر شش محور زیر تمرکز می‌کنند: بهره‌وری و رشد، منابع طبیعی، بازار نیروی کار، تحولات بازارهای مالی جهانی، تأثیر اقتصادی فناوری و نوآوری و شهرنشینی. گزارش‌های اخیر مزایای اقتصادی برطرف کردن نابرابری جنسیتی، مصرف‌کنندگان جهانی، دوران جدید رقابت جهانی، نوآوری در چین، و جهانی‌شدن فناوری دیجیتال را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. این مؤسسه توسط سه تن از شرکای ارشد شرکت مکنزی مدیریت می‌شود: جاک بوگن^۴، جیمز مانیگاه^۵ و جاناتان وتزل^۶. همچنین مایکل چویی^۷، سوزان لاند^۸، آنو مدگاوکرا^۹ و یانا رمس^{۱۰} به عنوان شرکای MGI فعالیت می‌کنند. تیم‌های پروژه توسط شرکای MGI و گروهی از محققین ارشد، از جمله مشاورینی از دفاتر شرکت مکنزی در سراسر جهان اداره می‌شوند. این تیم‌ها از مشورت شرکای جهانی شرکت مکنزی و متخصصین صنعتی و مدیریتی این شرکت و نظرات اعضای شورای MGI –

¹ McKinsey Global Institute

² Lauder Institute

³ University of Pennsylvania

⁴ Jacques Bughin

⁵ James Manyika

⁶ Jonathan Woetzel

⁷ Michael Chui

⁸ Susan Lund

⁹ Anu Madgavkar

¹⁰ Jaana Remes

شامل اریک لابی^{۱۱} (رئیس هیات مدیره MGI)، آندرس کدنا^{۱۲}، ریچارد دابز^{۱۳}، کتی جرج^{۱۴}، رجات گوپتا^{۱۵}، اریک هازان^{۱۶}، آچا لکه^{۱۷}، اسکات نایکوئست^{۱۸}، گری پینکاس^{۱۹}، شیریش سانکه^{۲۰}، الیور تانبای^{۲۱} و ایکارت ویندهاگن^{۲۲} - بهره می گیرند. علاوه بر این افراد، عده‌ای از نخبگان حوزه اقتصاد، از جمله برندگان جایزه نوبل، به عنوان مشاور تحقیقاتی با این شرکت همکاری می کنند.

هزینه تحقیقات این مؤسسه به صورت کاملاً مستقل از هر کسب و کار، نهاد یا دولت، و تنها توسط شرکای اصلی شرکت مکنزی تأمین می شود. برای اطلاعات بیشتر در مورد MGI و دانلود گزارش‌ها، از تارنمای www.mckinsey.com/mgi بازدید نمایید.

شرکت مکنزی

شرکت مکنزی (McKinsey & Company)^{۲۳}، شرکتی جهانی است که با ارائه خدمات مشاوره مدیریت به نهادهای عمومی، خصوصی و غیردولتی، آنها را در دستیابی به موفقیت‌هایی پایدار یاری می نماید. به مدت بیش از هشت دهه، هدف ما این بوده که قابل اعتمادترین مشاور برای مشتریان خود باشیم. ما با برخورداری از متخصصانی در زمینه صنایع مختلف و حوزه‌های متنوع مدیریتی، در ۱۰۹ دفتر واقع در ۶۱ کشور جهان، دانش و تخصصی منحصر به فرد را در اختیار مشتریانمان در گوشه و کنار جهان قرار می دهیم. ما با تیم‌هایی از سطوح مختلف سازمان‌ها همکاری نزدیک می کنیم تا استراتژی برنده را شکل داده، انگیزه و منابع ضروری برای تغییر را فراهم آورده، قابلیت‌ها و توانمندی‌های لازم را ایجاد کرده و در نهایت اجرا و پیاده‌سازی موفقیت‌آمیزی را رقم زنیم.

شرکت مکنزی، در طول ۵ سال گذشته به بیش از ۲۰۰۰ مشتری - شامل ۹۳ شرکت از فهرست جهانی ۱۰۰ شرکت برتر - خدمات ارائه کرده است. بیش از ۹۵۰۰ مشاور ما - از بیش از ۱۰۰ ملیت مختلف که در مجموع به ۱۳۰ زبان صحبت می کنند - ۱۸۰ حوزه تخصصی پیشرفته در ۲۲ صنعت

¹¹ Eric Labaye

¹² Andres Cadena

¹³ Richard Dobbs

¹⁴ Katy George

¹⁵ Rajat Gupta

¹⁶ Eric Hazan

¹⁷ Acha Leke

¹⁸ Scott Nyquist

¹⁹ Gary Pinkus

²⁰ Shirish Sankhe

²¹ Oliver Tonby

²² Eckart Windhagen

²³ www.mckinsey.com

مختلف و ۸ حوزه مدیریتی را پوشش می‌دهند. شرکت مکنزی سالانه حدود ۵۰۰ میلیون دلار در تحقیق و توسعه دانش سرمایه‌گذاری می‌کند.

پیش‌گفتار

چشم‌انداز اقتصاد ایران پس از اجرای توافق هسته‌ای بین ایران و ایالات متحده، اتحادیه اروپا، چین، فرانسه، آلمان، روسیه و انگلستان در ژانویه ۲۰۱۶ و سبک شدن تحریم‌های بین‌المللی متعاقب این توافق، توجه زیادی را به خود جلب می‌کند. نمایندگان دولتی و تجاری متعددی به تهران و شهرهای دیگر ایران سفر نموده‌اند تا فرصت‌های احتمالی را بررسی و توافقات تجاری را امضا نمایند. ایران برای سال‌های متمادی از روند جهانی شدن که پشتیبان رشد در سرتاسر دنیا است، کنار گذاشته شده بود. با لغو برخی از تحریم‌ها، این کشور در حال حاضر فرصت ارتباط مجدد با اقتصاد جهانی را دارد، اما سؤالات زیادی همچنان باقی مانده است. بزرگی این فرصت برای ایران و اقتصاد جهانی چقدر است؟ شرکت‌های ایرانی و بین‌المللی چگونه می‌توانند از این فرصت‌ها استفاده کنند؟ چه ابزارهایی باید اتخاذ شوند تا به ایران در ورود به این عصر جدید شکوفایی کمک کنند؟

این گزارش در مورد نقاط قوت و چالش‌های اقتصاد ایران و پتانسیل‌های آن طی دو دهه آینده تا سال ۲۰۳۵ بحث می‌کند. این ثمره چندین ماه تحقیقات عمیق از جمله بررسی بخش‌های کلیدی اقتصاد ایران از نفت و گاز تا کالاهای مصرفی روزانه، کشاورزی، و فناوری اطلاعات و ارتباطات است. ما به این نتیجه رسیدیم که ایران پتانسیل افزودن یک تریلیون دلار به تولید ناخالص داخلی و ایجاد ۹ میلیون شغل جدید را تا سال ۲۰۳۵ دارد. تحقق این پتانسیل مستلزم بسترسازی عوامل کلیدی رشد سریع، شامل اقداماتی برای افزایش جذابیت کشور برای سرمایه‌گذاران خارجی، تضمین ثبات اقتصاد کلان، تقویت و تعمیق نظام مالی و ارتباط بین‌المللی آن، افزایش بهره‌وری، و ارتقای زیرساخت‌های صنعتی است.

با وجود اهمیت و تأثیر شرایط سیاسی بر پیامدهای اقتصادی، ما در این گزارش از اظهار نظر در مورد مسائل سیاسی خودداری می‌کنیم.

این تحلیل توسط ریچارد دابز^{۲۴}، یکی از شرکای ارشد مکنزی در لندن و همایون حاتمی شریک ارشد مکنزی در پاریس هدایت شده است. ترا الاس^{۲۵} عضو مدعو مؤسسه جهانی مکنزی در لندن، سرپرست تیم پروژه‌ای بود که توسط صبا عرب و ارسلان مهتافر مدیریت شد و با همکاری جولیان باکتر^{۲۶}، ساموئل بایرن^{۲۷}، مگی دسموند^{۲۸}، آلیستار فرنی^{۲۹}، اوون گالوگلی^{۳۰}، سجاد گلی، بابک هاشمی،

²⁴ Richard Dobbs

²⁵ Tera Allas

²⁶ Julian Buckner

²⁷ Samuel Byrne

²⁸ Maggie Desmond

²⁹ Alistair Fernie

³⁰ Owen Gallogly

امیر حسینی، امیرعلی مطهری، خوان دی فرانسیسکو رشید^{۳۱}، کوین راسل^{۳۲}، عطا سیفی و پگاه سلطانی اجرا گردید. پیتر گامبل^{۳۳} ویراستار ارشد مؤسسه جهانی مکنزی و مت کوک^{۳۴} مدیر ارتباطات خارجی مؤسسه نیز در تهیه این گزارش سهیم بودند، در حالی که ماریسا کارد^{۳۵}، ژولیت فیلیپوت^{۳۶}، مارگو شیماساکی^{۳۷} و پاتریک وایت^{۳۸} پشتیبانی‌های ویرایشی را انجام دادند.

ما برای نقطه‌نظرات و اطلاعاتی که بسیاری از همکاران مکنزی در سرتاسر جهان در راستای تحلیل مسائل فنی و تحلیل صنایع مختلف به ما ارایه نمودند، سپاسگزاریم.

همچنین از دانشگاهیان، کارشناسان، مدیران کسب و کار، سیاست‌گذاران و افراد ذینفع در مؤسسات مختلف که نظرات و دیدگاه‌های خود را در بحث‌های خصوصی ارائه نمودند، تشکر می‌کنیم.

مؤسسه جهانی مکنزی کاملاً مطابق با قوانین و مقررات جاری از جمله قوانین ایالات متحده فعالیت می‌کند. مؤسسه جهانی مکنزی این سند را تنها جهت ارائه اطلاعات منتشر می‌کند. این مؤسسه و این گزارش به دنبال تسهیل، ترغیب یا پشتیبانی از فعالیت‌های مشتریان نیست.

این گزارش در راستای مأموریت مؤسسه جهانی مکنزی به منظور کمک به رهبران کسب و کار و رهبران سیاسی برای درک نیروهای تغییردهنده اقتصاد جهانی، شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های راهبردی، و آماده‌سازی برای موج بعدی رشد، تهیه شده است.

در حالی که ما قدردان نظرات دریافت شده هستیم، اما این گزارش به همراه تمام اشتباهات آن متعلق به ما است. همانند تمام تحقیقات مؤسسه جهانی مکنزی، این اثر نیز مستقل است و به درخواست هیچ شرکت تجاری، دولت و یا نهادی صورت پذیرفته است.

جاک بوگن

شریک ارشد، مؤسسه جهانی مکنزی / بروکسل

جیمز مانیکا

شریک ارشد، مؤسسه جهانی مکنزی / سان فرانسیسکو

جاناناتان وتزل

شریک ارشد، مؤسسه جهانی مکنزی / شانگهای

³¹ Juan de Francisco Rasheed

³² Kevin Russell

³³ Peter Gumbel

³⁴ Matt Cooke

³⁵ Marisa Carder

³⁶ Julie Philpot

³⁷ Margo Shimasaki

³⁸ Patrick White



فهرست مطالب

پیش گفتار	۶
خلاصه - ایران: فرصت رشد یک تریلیون دلاری؟	۱۱
خلاصه مدیریتی	۱۵
۱. شش نقطه قوت اصلی	۴۱
متنوع: اقتصاد ایران، بسیار فراتر از نفت و گاز است	۴۲
تحصیل کرده: ایران به اندازه ایالات متحده، مهندس تربیت می کند	۴۵
طبقه مصرف کننده رو به رشد: بیش از نیمی از خانوارهای ایرانی درآمد سالانه‌ای بالاتر از ۲۰ هزار دلار دارند	۴۸
نرخ بالای شهرنشینی: تولید ناخالص داخلی تهران بیشتر از ریودوژانیرو است	۵۱
فرهنگ کارآفرینی: یک فرهنگ کسب و کار با قدمت چندین قرن که هنوز زنده است	۵۴
موقعیت جغرافیایی: ایران می تواند مجدداً به کانون تجارت منطقه‌ای تبدیل شود	۵۶
۲. فرصت رشد یک تریلیون دلاری	۶۳
۲-۱. بهره‌برداری از منابع طبیعی	۶۷
نفت و گاز: افزایش تولید و صادرات	۶۷
محصولات پتروشیمی: خوراک کم هزینه، یک مزیت برای ایران به عنوان یک تولیدکننده جهانی است	۷۶
معادن: ایران دارای برخی از غنی ترین ذخایر روی، مس و سنگ آهن در جهان است	۸۰
کشاورزی: از غلات تا زعفران، یک بخش بزرگ و متنوع که نیاز به نوسازی دارد	۸۴
۲-۲. پرورش صنایع قابل رقابت در سطح بین المللی	۸۹
صنعت خودرو: مسیر حرکت از خودکفایی تا صادرات منطقه‌ای	۸۹
مصالح اصلی: صادرات سیمان و دستیابی به خوداتکایی در فولاد	۹۷
کالاهای مصرفی روزانه و خرده‌فروشی: برندهای داخلی بازار پر مصرف را در اختیار دارند	۱۰۲
گردشگری: پیست‌های اسکی، خطوط ساحلی و گنجینه‌های باستان‌شناسی که می‌توانند به جاذبه‌های جهانی تبدیل شوند	۱۰۷
۲-۳. گذار به یک اقتصاد دانش بنیان	۱۱۲
خدمات مالی: بازسازی عمیق و آزادسازی، ضروری خواهد بود	۱۱۳
بیمه: پس از دو مرحله خصوصی سازی، رقابت در یک بازار توسعه نیافته در حال رشد است	۱۲۲
خدمات حرفه‌ای: ایجاد یک اکوسیستم رقابتی برای توانمندسازی خصوصی سازی و یکپارچگی	۱۲۴
فناوری اطلاعات و ارتباطات: استفاده از فرصت‌های دیجیتال برای خیز به جلو	۱۲۸
محصولات دارویی: ایران دارای توانایی‌های علمی پیشرفته از جمله در بیوتکنولوژی و تحقیقات سلول‌های بنیادی است	۱۳۶
۲-۴. گسترش و نوسازی زیرساخت‌ها	۱۴۳
حمل و نقل: تبدیل مجدد به یک کانون ترانزیت بین المللی	۱۴۴
خدمات عمومی: کاهش تلفات و افزایش تجدیدپذیرها	۱۴۷
املاک: قیمت‌های فزاینده و وام‌های مسکن دور از دسترس	۱۵۰
صنعت ساختمان: تقاضا برای انجام پروژه‌های بزرگ بالا می‌رود، اما ایران باید به موضوع متداول تأخیرهای طولانی بپردازد	۱۵۳

۱۵۸.....	۲-۵. تمرکز خاص: سرمایه‌گذاری در ایران
۱۶۴.....	۳. چالش‌ها و دستور کاری برای اقدام
۱۶۶.....	ایجاد محیط اقتصاد کلان با ثبات
۱۷۵.....	رقابتی‌تر کردن محیط کسب و کار و قانونگذاری
۱۸۲.....	یک بازار نیروی کار منعطف‌تر که مهارت‌ها را با نیازها تطبیق می‌دهد
۱۸۸.....	ایران نیاز به یک نظام مالی با کارکرد مناسب دارد که محرک رشد باشد
۱۹۲.....	تعیین یک دستور کار برای اقدام
۱۹۸	ضمیمه؛ معاملات بین‌المللی از زمان توافق هسته‌ای
۱۹۹	ضمیمه فنی

خلاصه – ایران: فرصت رشد یک تریلیون دلاری؟

عصری جدید برای اقتصاد ایران آغاز شده است. در پی کاهش تحریم‌های بین‌المللی در ژانویه ۲۰۱۶، ایران که تا این زمان در خوداتکایی نسبی به سر می‌برده و از روابط گسترده‌ای با کشورهای غربی برخوردار نبوده، بار دیگر خواهد توانست پیوندهای خود را با اقتصاد جهانی تجدید کند. انتظار رشد سریع اقتصادی در بین دولت ایران، افراد عادی، و جوامع تجاری داخلی و بین‌المللی در حال افزایش است. ما در این گزارش، فرصت رشد ایران تا سال ۲۰۳۵ را با بررسی بخش به بخش پتانسیل‌ها و چالش‌های اقتصاد، می‌سنجیم.

- با خروج از دوران تحریم‌ها، ایران قادر خواهد بود رشد آینده خود را بر مبنای شش توانمندی اصلی پایه‌ریزی نماید. اقتصاد متنوع، سطح بالای تحصیلات علمی، طبقه مصرف‌کننده در حال رشد، درجه بالای شهرنشینی، فرهنگ ریشه‌دار کارآفرینی و موقعیت جغرافیایی ایران بین شرق و غرب، می‌تواند به ارتباط مجدد این کشور با اقتصاد جهانی و چشم‌انداز آینده‌ی آن کمک کنند.
- ذخایر عظیم نفت و گاز ایران، محرک‌های اساسی برای رشد اقتصادی هستند، اما این کشور دارای بخش‌های متعدد دیگری نیز هست که پتانسیل کمک به رشد تولید ناخالص داخلی و اشتغال را دارند. اینها سایر صنایع مبتنی بر منابع، همچون پتروشیمی و معدن؛ بخش‌هایی همچون خودروسازی، کالاهای مصرفی روزانه، و گردشگری که توانایی رقابت بین‌المللی را دارند؛ فناوری اطلاعات و ارتباطات، بانکداری، بیمه، و خدمات حرفه‌ای که برای تبدیل ایران به یک اقتصاد دانش‌بنیان، ضروری هستند؛ و صنایع مرتبط با زیرساخت همچون حمل و نقل، خدمات عمومی، و ساختمان که زمینه‌ساز رشد هستند را شامل می‌شوند.
- بر اساس رویکرد خرد به کلان ما که تصویری جامع از تحلیل بخش به بخش ایجاد می‌کند، ایران پتانسیل رشد یک تریلیون دلاری تولید ناخالص داخلی و ایجاد ۹ میلیون شغل را تا سال ۲۰۳۵ دارد. این امر معادل نرخ رشد اقتصادی سالانه ۶/۳ درصدی بر مبنای نرخ ارز حقیقی است که پیش‌بینی شده این نرخ طی دو دهه آینده به تدریج افزایش یابد. چنین رشدی مستلزم سرمایه‌گذاری حدود ۳/۵ تریلیون دلاری است و تولید ناخالص داخلی جهان را بیش از یک درصد افزایش می‌دهد.

- برای تحقق این فرصت‌ها، ایران نیاز به این موارد دارد: بهبود بهره‌وری و ارتقای زیرساخت‌های صنعتی به گونه‌ای که اقتصاد بهتر بتواند سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی، فناوری‌های نو و روش‌های نوین مدیریت را جلب و جذب نماید، یک نظام مالی که به طور کارا، پس‌اندازها را به سمت سرمایه‌گذاری مولد هدایت کند و به خوبی با نظام‌های بین‌المللی ارتباط برقرار نماید، یک

بازار نیروی کار با انعطاف‌پذیری بیشتر و مهارت‌های کاری و مشارکت بالاتر نیروی کار، و یک محیط کسب و کار که مشوق رقابت و نوآوری پویاتر باشد. شفافیت، حاکمیت قانون، حاکمیت شرکتی و سرعت اصلاحات نیز نیاز به بهبود دارد.

■ در کنار بنگاه‌های ایرانی، شرکت‌های بین‌المللی هم نقش مهمی در تقویت و ایجاد رقابت‌پذیری جهانی در اقتصاد ایران دارند. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در دوره تحریم‌ها وجود نداشت، اما در حال حاضر جریان آن مجدداً در حال آغاز است. از زمان اجرای توافق هسته‌ای در ژانویه ۲۰۱۶، بسیاری از نمایندگان شرکت‌های خارجی برای شروع مذاکرات به ایران سفر کرده و در برخی موارد، توافقات تجاری نیز امضا کرده‌اند.

■ تحقق فرصت‌های ایران برای رشد و ارتباط مجدد کامل آن با اقتصاد جهانی، مستلزم زمان و تلاش چشمگیر است. تمام تحریم‌های بین‌المللی لغو نشده‌اند، و دولت ایران در حالی که قصد خود برای اصلاحات گسترده را بیان می‌کند، باید به این اصلاحات سرعت بخشد. اگر ایران بخواهد آرزوهای مردم خود را برای یک اقتصاد شکوفا در دو دهه‌ی پیش رو محقق سازد، ثبات در کشور و در روابط بین‌المللی ضروری خواهد بود.

اتصال مجدد به اقتصاد جهانی



نقاط قوت

اقتصاد متنوع که تنها یک چهارم GDP آن مربوط به نفت و گاز است

آموزش علمی که به اندازه آمریکا مهندس تربیت می‌کند

طبقه مصرف‌کننده به میزان دو برابر این نسبت در چین و برزیل

نسبت شهرنشینی معادل دو برابر این نسبت در هند

فرهنگ کارآفرینی همراه با مجموعه‌ای پویا از شرکت‌های نوپا

موقعیت استراتژیک در محل اتصال شرق و غرب



چالش‌ها

ثبات اقتصاد کلان به منظور کاهش تورم و تعدیل نوسانات نرخ ارز

رقابتی کردن محیط کسب و کار به وسیله مقررات زدایی

بازار کار انعطاف‌پذیر برای افزایش مشارکت و کاهش بیکاری

نظام مالی کارا با سرمایه‌گذاری مجدد و ایجاد ارتباط مجدد بانکی

جذب و استقرار سرمایه‌گذاری به میزان ۳/۵ تریلیون دلار





خلاصه مدیریتی

متعاقب اجرای توافق هسته‌ای بین ایران و ایالات متحده، چین، فرانسه، آلمان، روسیه و انگلستان در ۱۶ ژانویه ۲۰۱۶، تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران تا اندازه‌ای کاهش یافت. اما هیئت‌های تجاری و نمایندگان دول، حتی قبل از «روز اجرا»^{۳۹} وارد ایران شدند. وزیر اقتصاد آلمان، گروهی از مدیران کسب و کار این کشور را در ژوئیه ۲۰۱۵ به ایران برد. ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه چهار ماه دیرتر به ایران رفت. حدود ۱۰۰ نفر از مدیران بنگاه‌های فرانسوی در فوریه ۲۰۱۶ به ایران رفته و ماتیو رنزی نخست وزیر ایتالیا در رأس هیئتی ۶۰ نفره از مدیران بخش خصوصی این کشور در آوریل ۲۰۱۶ رهسپار ایران شدند. در همین اثنا، نمایندگان دولت ایران نیز برای مذاکره در خصوص فرصت‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی به نقاط مختلف دنیا سفر کردند. دکتر حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران در ژانویه ۲۰۱۶ نمایندگان بخش تجارت و کسب و کار این کشور را در سفر به فرانسه و ایتالیا هدایت نمود و توافقات تجاری با ارزش چندین میلیارد دلار به امضا رساند.

توافق هسته‌ای برای ایران یک نقطه تحول بود و به نوبه‌ی خود برای اقتصاد جهانی نیز آغاز فصل جدیدی از تعاملات به حساب می‌آمد. در طول دو دهه قبل، روابط تجاری و مالی ایران با بسیاری از کشورهای جهان، مشمول تحریم‌های بین‌المللی بود که این باعث منزوی شدن اقتصاد این کشور و در نتیجه رشد نامتوازن آن گردید. در آن دوره، ایران از موج ارتقای بهره‌وری و جهانی‌شدن که باعث تقویت رشد در دیگر نقاط جهان گردید، عقب ماند. در سال ۱۹۸۹، اقتصاد ایران، به ارزش اسمی، برابر و همتراز اقتصاد ترکیه بود؛ در حال حاضر، با تولید ناخالص داخلی ۴۱۵ میلیارد دلاری و تولید ناخالص داخلی سرانه ۵۳۰۰ دلاری (اسمی) در سال ۲۰۱۴، نصف اندازه اقتصاد ترکیه است. بر اساس برابری قدرت خرید، اقتصاد ایران در سال ۱۹۸۹ به اندازه ۵۰ درصد بزرگ‌تر از اقتصاد ترکیه بود؛ در سال ۲۰۱۴ با قدرت خرید ۱/۴ میلیارد دلاری، اندکی کوچک‌تر از ترکیه بود.

تا سال ۲۰۳۵، ایران فرصت افزودن یک تریلیون دلار به تولید ناخالص داخلی و ایجاد ۹ میلیون شغل جدید را دارد.

رفع تحریم‌های سازمان ملل و اتحادیه اروپا، فرصت ارتباط مجدد با اقتصاد جهانی و جبران فرصت‌های از دست‌رفته را به ایران داد؛ اگرچه تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا هنوز پابرجا است. در حال حاضر، انتظارات در ایران و جامعه تجارت بین‌الملل، بالا است. طی ده ماه از ابتدای پذیرش توافق هسته‌ای در ژوئیه ۲۰۱۵، ارزش قراردادهای تجاری ابتدایی ایران با شرکت‌های جهانی حداقل

³⁹ Implementation Day

۱۳۰ میلیارد دلار اعلام گردیده است (برای جزئیات بیشتر به ضمیمه‌ی «معاملات شرکت‌های بین‌المللی از زمان توافق هسته‌ای» در انتهای این گزارش مراجعه کنید). اما سؤالات زیادی باقی می‌ماند. چگونه بنگاه‌های داخلی و بین‌المللی می‌توانند از این فرصت‌های رشد استفاده کنند؟ کدام بخش‌ها احتمالاً موتور محرک رشد خواهند بود؟ دولت ایران باید چه اقداماتی انجام دهد تا پتانسیل خود را محقق سازد؟

در تلاش برای پاسخ به این سؤالات، ما تحقیقی عمیق در ۱۸ بخش که منابع رشد تولید ناخالص داخلی و اشتغال هستند انجام داده‌ایم. این بخش‌ها از نفت و گاز و خودرو تا فناوری اطلاعات و ارتباطات و زیرساخت‌ها را شامل می‌شود. ما همچنین برای تحلیل نقاط قوت، شناسایی چالش‌های اصلی و فرصت‌های رشد، با کارشناسان اقتصادی و مدیران بنگاه‌های کسب و کار در داخل و خارج از ایران مصاحبه کرده‌ایم.

بر اساس این تحلیل، دریافتیم که طی ۲۰ سال تا ۲۰۳۵، ایران فرصت افزودن یک تریلیون دلار به تولید ناخالص داخلی و ایجاد ۹ میلیون شغل را دارد. شرکت‌های داخلی بیشترین تأثیر را در رشد آتی دارند اما شرکت‌های بین‌المللی هم نقش به‌سزایی ایفا خواهند کرد، آنها علاوه بر سرمایه‌گذاری، تکنولوژی و دانش مدیریت را نیز وارد می‌کنند که می‌تواند باعث بهبود چشمگیر در بهره‌وری گردد. ایران در دستیابی به رشد، می‌تواند بر برخی نقاط قوت کلیدی تأکید کرده و آنها را پرورش دهد که از آن جمله، تنوع اقتصادی بالا در ایران است. اما همچنین باید اصلاحات قابل توجهی را انجام دهد تا اقتصاد خود را بر پایه‌های قوی‌تری بنا نهد تا بتواند از رشدی پویا، پایدار و بلندمدت پشتیبانی نماید. دولت نیاز به تسریع در اصلاحاتی دارد که بیشترین اثر را در کوتاه‌ترین زمان دارند. بنگاه‌های چندملیتی باید مدل‌های کسب و کار خود را تغییر داده و خود را با یک محیط کسب و کار منحصر به فرد تطبیق دهند. بنگاه‌های ایرانی باید بهره‌وری خود را در مواجهه با رقابت جهانی ارتقا دهند. مؤسسات مالی در ایران و خارج از آن، برای بازگشایی جریان‌های مالی باید مجدداً با هم مرتبط شوند. اگر این موارد مدنظر قرار گرفته و ایران در تحقق پتانسیل‌های خود موفق شود، این کشور می‌تواند مجدداً نقشی در اقتصاد جهانی ایفا کند که متناسب با تاریخ طولانی و موقعیت جغرافیایی استراتژیک این کشور بین شرق و غرب باشد.

ایران شش نقطه قوت اصلی دارد که می‌تواند رشد آتی را بر آنها بنا نهد

اقتصاد ایران در سال ۲۰۱۴ از لحاظ برابری قدرت خرید، هجدهمین اقتصاد بزرگ دنیا بود. با این حال در سال‌های اخیر، در خود اتکایی نسبی به فعالیت پرداخته و در تعامل با اقتصادهای دیگر جهان

محدود بوده است. اگرچه اقتصاد ایران نسبت به شوک‌های خارجی، از جمله تحریم‌ها و پایین آمدن قیمت نفت، نسبتاً انعطاف‌پذیر بوده، لیکن اقتصاد کشور به سبب بازدهی پایین، بیکاری و تورم بالا (که اخیراً تحت کنترل درآمده است) در شرایط مطلوبی قرار نداشته است. از آنجایی که ایران در حال حاضر به دنبال ارتباط مجدد با اقتصاد جهانی، شتاب دادن به رشد تولید ناخالص داخلی و اشتغال، و برآوردن آرزوهای جمعیت جوان، شهری و رو به رشد خود است، قادر خواهد بود از شش نقطه قوت اصلی کمک بگیرد. این نقاط قوت عبارتند از:

▪ **تنوع اقتصادی.** ایران دارای بزرگترین ذخایر اثبات‌شده گاز و چهارمین ذخایر اثبات‌شده نفت در جهان است و هزینه تولید نفت و گاز در این کشور، جزء کمترین‌ها در میان هم‌تایان خود است. اینها دارایی‌های اصلی هستند که می‌توانند باعث رشد اقتصاد گردند. در عین حال، اقتصاد ایران دارای تنوع بالایی بوده و وابستگی شدید به نفت و گاز ندارد، به طوری که در سال ۲۰۱۴، این بخش تنها ۲۳ درصد از ارزش افزوده ناخالص را تشکیل می‌داد. این در حالی است که این رقم برای امارات متحده عربی ۳۰ درصد و برای کویت ۵۰ درصد است. تجارت خرده‌فروشی، املاک، مستغلات و خدمات حرفه‌ای سهم بیشتری نسبت به نفت و گاز در اقتصاد ایران دارند (شکل الف). ایران صاحب ذخایر عظیم معدنی مس و روی است. در سال ۲۰۱۴، این کشور ۱۴ میلیارد دلار محصولات پتروشیمی صادر نمود و بخش خودرو آن، بیش از یک میلیون دستگاه وسیله نقلیه تولید کرد. در واقع، یکی از ویژگی‌های نامتعارف اقتصادی با این حجم، اتکای شدید آن به تولیدکنندگان داخلی کالاها و خدمات، از لوازم آرایش گرفته تا محصولات دارویی و تجهیزات الکترونیک، است.

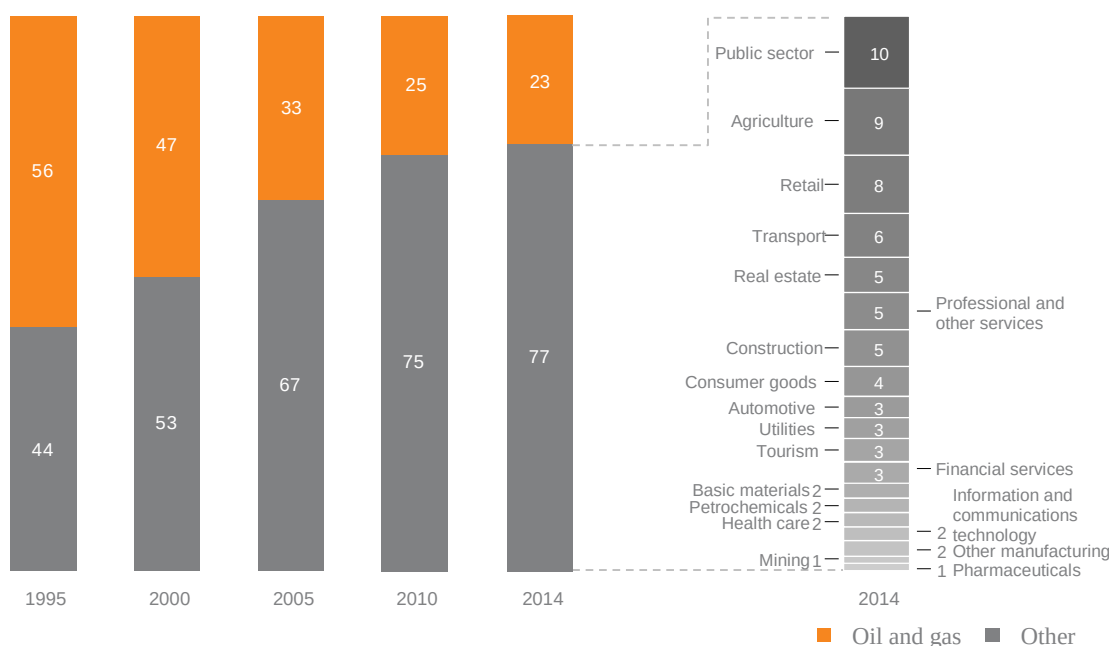
▪ **آموزش علمی.** ایران دارای یکی از بالاترین سطوح مشارکت در آموزش عالی در دنیا و بالاتر از انگلستان، فرانسه و آلمان است و بیش از یک سوم این افراد نیز در رشته‌های مهندسی فارغ‌التحصیل شده‌اند.^{۴۰} این آمار، ایران را در میان ۵ کشور اول دنیا از لحاظ تعداد فارغ‌التحصیلان رشته‌های مهندسی در هر سال قرار می‌دهد و این تقریباً هم‌تراز با ایالات متحده آمریکا و بالاتر از ژاپن و کره جنوبی است. دانش فنی یک عامل قدرتمند است که می‌تواند محرک بهره‌وری و اشتغال باشد، اگر استعدادهای پرورش‌یافته توسط نظام آموزشی وارد مشاغل ارزشمند در اقتصاد شوند. در گذشته، برخی از بهترین و با استعدادترین این افراد برای ادامه تحصیل، اشتغال یا کارآفرینی روانه خارج از کشور شده‌اند. یکی از این افراد، مریم میرزاخانی، اولین زنی است که

^{۴۰} مؤسسه آمار یونسکو، رشته‌های مرتبط با مهندسی شامل مهندسی، تولید و ساخت است.

موفق به کسب نشان فیلدز^{۴۱}، معتبرترین جایزه جهانی ریاضیات، گردید. تقریباً دوسوم اعضای کابینه فعلی دولت ایران دارای مدرک دکترای تخصصی (PhD) هستند، که شش نفر آنها مدارک خود را از دانشگاه‌های غربی از جمله سه نفر از ایالات متحده دریافت کرده‌اند. در مقام مقایسه، تنها دو نفر از اعضای کابینه باراک اوباما دارای مدرک PhD و ده نفر دارای مدرک دکترای حقوق (JD) هستند.

شکل الف

ایران دارای اقتصادی متنوع، فراتر از نفت و گاز است
سهم بخش‌ها از کل ارزش افزوده ناخالص ایران^۱ - درصد



¹ Gross value added (GVA) plus taxes minus subsidies equals GDP; at the sector level, GVA is used in place of GDP.

SOURCE: IHS Global Insight; McKinsey Global Institute analysis

▪ **طبقه مصرف‌کننده در حال رشد.** تحقیقات مؤسسه جهانی مکنزی، اندازه و پویایی طبقه مصرف‌کننده را به عنوان یک عامل پیش‌بینی‌کننده رشد اقتصادی در اقتصادهای نوظهور تشخیص داده است.^{۴۲} در حال حاضر حدود ۵۶ درصد از خانوارهای ایرانی دارای درآمد سالانه ۲۰ هزار

^{۴۱} Fields Medal

^{۴۲} جهان شهری، ترسیم قدرت اقتصادی شهرها، مؤسسه جهانی مکنزی، مارس ۲۰۱۱. درآمدها بر مبنای برابری قدرت خرید است.

دلار بر اساس برابری قدرت خرید هستند، سطحی که ما آن را به عنوان «خانوارهای مصرف‌کننده» تعریف می‌کنیم. این نسبت، بیش از دو برابر نسبت‌های مربوط به چین و هند است و در کشورهای BRIC^{۴۳} نیز تنها روسیه است که با ایران برابری می‌کند. در واقع، از لحاظ برابری قدرت خرید، خرده‌فروشی سرانه ایران، بالاتر از ترکیه، مالزی یا مکزیک است.

▪ **جمعیتی با نرخ شهرنشینی بالا.** تحقیقات مؤسسه جهانی مکنزی نشانگر اهمیت شهرهای پویا برای رشد اقتصادی است و بیان می‌دارد که در ۲۵ سال آینده، بیش از ۵۰ درصد از رشد جهانی مربوط به شهرهای در اقتصادهای در حال ظهور خواهد بود.^{۴۴} درجه شهرنشینی ایران، از رتبه جهانی آن در تولید ناخالص داخلی سرانه پیشی می‌گیرد که این بیانگر این است که پتانسیل رشد در آینده وجود دارد. ایران دارای ۸ شهر با جمعیت بیش از یک میلیون نفر است که بزرگترین آنها یعنی تهران، بیش از ۸ میلیون جمعیت و تولید ناخالص داخلی بیشتری از ریودوژانیرو دارد.^{۴۵} ایران با نسبت سه چهارم جمعیت شهرنشین، دارای درجه شهرنشینی بیش از دو برابر هند است. این کشور همچنین از این لحاظ بالاتر از کشورهای متعدد اروپایی از جمله ایتالیا، پرتغال، اتریش و ایرلند قرار دارد. در حالی که این کشور دارای زیرساخت‌های شهری و صنعتی گسترده است، اما اینها نیاز به روزآمدسازی دارند. جاده‌ها، بنادر، راه‌آهن و فرودگاه‌ها به سرمایه‌گذاری سنگین نیاز دارند و زیرساخت دیجیتال از جمله شبکه‌های پهن‌بند سرعت بالا هم در بخش ثابت و هم سیار نیز نیازمند ارتقاء است.

▪ **فرهنگ کارآفرینی.** بر اساس گزارش دیده‌بان جهانی کارآفرینی^{۴۶}، کارآفرینان در ایران از جایگاه برتری نسبت به هم‌تایان خود در فرانسه برخوردار بوده و هم‌تراز این افراد در ایالات متحده هستند و نوآوری کارآفرینان ایرانی در ابعاد متنوعی نمایان است. در حالی که بسیاری از شرکت‌های بین‌المللی از جمله غول‌های دیجیتال دارای محدودیت برای کار با ایران بودند، اما کارآفرینان ایرانی وارد میدان شدند تا این شکاف را پر کنند. هر ده برند برتر محصولات غذایی، شرکت‌های داخلی هستند، ضمن اینکه ایران خود دارای نسخه‌های داخلی آمازون، یوتیوب، پی‌پل^{۴۷} و دیگر وبگاه‌های اینترنتی است. برخی از سه میلیون یا بیشتر ایرانی ساکن خارج از کشور،

^{۴۳} برزیل، روسیه، هند و چین

^{۴۴} جهان شهری، ترسیم قدرت اقتصادی شهرها، مؤسسه جهانی مکنزی، مارس ۲۰۱۱. درآمدها بر مبنای برابری قدرت خرید است.

^{۴۵} در سال ۲۰۱۵ بر مبنای برابری قدرت خرید، Cityscope مؤسسه جهانی مکنزی.

^{۴۶} Global Entrepreneurship Monitor

^{۴۷} PayPal

کارآفرینان برجسته از جمله آرش فردوسی، همکار مؤسس دراپ باکس^{۴۸} و امید کردستانی، از مدیران سابق گوگل هستند.

▪ **موقعیت راهبردی برای جریان‌های بین مرزی.** جاده افسانه‌ای ابریشم بین شرق و غرب زمانی امپراطوری ایران را می‌پیمود. اندازه و موقعیت ایران، به صورت تاریخی آن را به توقفگاهی مهم در مسیرهای تجاری شرق-غرب و شمال-جنوب تبدیل نموده بود. همین خصوصیات می‌تواند به ایران فرصت تبدیل به کانون منطقه‌ای برای تجارت و مرکزی برای تجارت متنوع را بدهد. ایران با ۷ کشور مرز خاکی دارد که مجموعاً ۴۳۰ میلیون نفر جمعیت و ۴۰ میلیون خانوار مصرف‌کننده دارند که پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۵ سالانه ۵/۲ درصد رشد نمایند. ایران در حال حاضر دارای کمترین حجم و جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در خاورمیانه است که این تا اندازه‌ای به دلیل تحریم‌ها است. با این وجود، اقتصاد ایران قادر بوده تا در جریان جهانی تجارت باقی بماند، اما الگوی تجارت آن به طور محسوسی تغییر یافته است. تا قبل از انقلاب ۱۹۷۹، ایالات متحده آمریکا دومین شریک تجاری بزرگ ایران بود. در حال حاضر، شریک شماره یک ایران، کشور چین است که به تنهایی سهمی حدود ۴۰ درصدی از تجارت ایران دارد. هند و ترکیه نیز روابط تجاری خود با ایران را تقویت نموده‌اند. روی هم رفته، صادرات ایران طی سال‌های اخیر دارای نوساناتی بوده اما باز هم مانند ژاپن و استرالیا، میزان صادرات به حدود یک سوم تولید ناخالص داخلی بالغ می‌گردد. به طور مطلق، صادرات ایران بیشتر از کل صادرات مصر، پاکستان و مراکش است که البته بخش عمده آن محصولات نفتی است.^{۴۹}

ایران این پتانسیل را دارد که تا سال ۲۰۳۵ یک تریلیون دلار به تولید ناخالص داخلی افزوده و ۹ میلیون شغل ایجاد نماید

ایران این فرصت را دارد که با تقویت این نقاط قوت، رشد اقتصاد خود را شتاب بخشد - اما با چه سرعتی می‌تواند این کار را انجام دهد؟ علاوه بر تحلیل شاخص‌های اقتصاد کلان، ما با استفاده از رویکرد متمایز مؤسسه جهانی مکنزی به اقتصاد، یعنی «خرد-به-کلان»^{۵۰}، مطالعه‌ای عمیق در مورد ۱۸ بخش صنعتی در ایران انجام دادیم. ما دریافتیم که دامنه و سرعت پیشرفت‌های اقتصادی ایران در آینده، اصولاً بر چهار عامل محرک رشد و همچنین اصلاحات اقتصاد کلان برای بهبود محیط کسب و کار استوار است.

⁴⁸ Dropbox

⁴⁹ شاخص‌های توسعه جهانی، بانک جهانی، ۲۰۱۵.

⁵⁰ micro-to-macro

بهینه کردن بازده منابع طبیعی ایران به خصوص نفت و گاز، اولین موتور محرک است. دومین عامل، تبدیل صنایع بزرگ تولیدی داخلی همچون خودرو، مصالح اصلی و کالاهای مصرفی روزانه، به بخش‌های قابل رقابت در سطح بین‌المللی است. سومین عامل، ایران را ملزم می‌کند که گذر به سمت اقتصاد دانش‌بنیان، تقویت نقاط قوت برای رشد بخش‌هایی همچون فناوری اطلاعات و ارتباطات، و خدمات مالی را سرعت ببخشد. نهایتاً، برای پی‌ریزی رشد، زیرساخت‌های فیزیکی و دیجیتال نیاز به نوسازی و گسترش دارند.

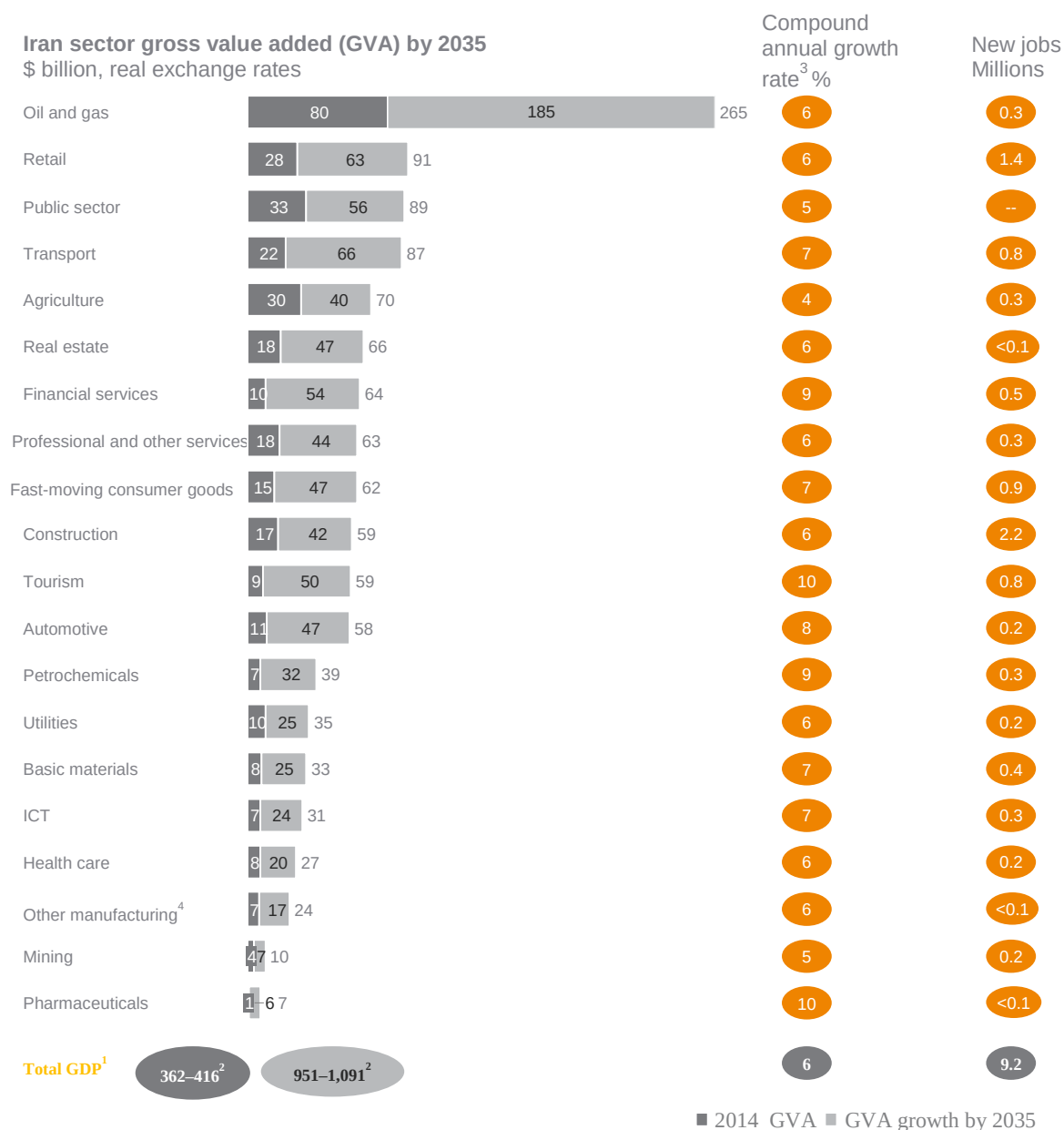
رسیدن به رشد یک تریلیون دلاری مستلزم سرمایه‌گذاری تجمعی حدود ۳/۵ تریلیون دلار تا سال ۲۰۳۵ است

تحلیل ما نشان می‌دهد که با تقویت این چهار موتور رشد، ایران پتانسیل اضافه کردن یک تریلیون دلار به اقتصاد - با احتساب نرخ ارز واقعی پیش‌بینی شده - را در ۲۰ سال آینده دارد.^{۵۱} چنین حجم افزایشی می‌تواند تولید ناخالص داخلی ایران بر مبنای سرانه را به تولید ناخالص داخلی اسپانیا در سال ۲۰۱۴ و بالاتر از تولید ناخالص داخلی ترکیه، روسیه، مالزی و مکزیک در سال ۲۰۱۴ برساند. این امر همچنین باعث افزایش بیش از یک درصدی تولید ناخالص داخلی جهانی خواهد گردید. این امر به معنای رشد میانگین سالانه ۶/۳ درصدی در ارزش دلاری اقتصاد ایران است که طی دو دهه آینده افزایش می‌یابد و ۹ میلیون شغل نیز ایجاد می‌گردد. همانطور که در شکل ب نشان داده شده، این رشد به طور وسیعی بین تعداد زیادی از بخش‌هایی توزیع خواهد شد که در آینده، تاب‌آوری اقتصاد ایران را در برابر شوک‌های خارجی تقویت خواهند نمود.

این حجم از افزایش در تولید ناخالص داخلی، مستلزم بهبود گسترده در بهره‌وری نیروی کار ایران است به گونه‌ای که بهره‌وری نیروی کار سالانه به طور متوسط ۳/۴ درصد افزایش یابد - این افزایش نظیر تجربه ترکیه بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۲ است. این افزایش در تولید ناخالص داخلی همچنین تعداد بیشتری نیروی کار را می‌طلبد: جمعیت ایران در حال حاضر با نرخ نسبتاً کم ۰/۶ درصد در سال رشد می‌نماید اما نرخ مشارکت نیروی کار هم، به خصوص برای زنان، باید افزایش یابد. اگر نرخ مشارکت نیروی کار در ایران متناسب با تولید ناخالص داخلی رشد نماید، در سال ۲۰۳۵ به ۴۳ درصد می‌رسد که بیشتر از مقدار ۴۱ درصدی آن در سال ۲۰۱۴ است. افزایش ۹ میلیون شغل جدید، باعث کاهش بیکاری از حدود ۱۳ درصد در سال ۲۰۱۴ به ۷ درصد در سال ۲۰۳۵، حتی با در نظر گرفتن رشد جمعیت پیش‌بینی شده، می‌گردد.

^{۵۱} تمام ارزش افزوده ناخالص و پیش‌بینی‌های سرمایه‌گذاری بخش‌ها در این گزارش برای سال ۲۰۳۵ بر مبنای نرخ‌های واقعی ارزش پیش‌بینی شده است. برای جزئیات بیشتر ضمیمه فنی را ملاحظه کنید.

ایران این پتانسیل را دارد که تا سال ۲۰۳۵ یک تریلیون دلار به تولید ناخالص داخلی افزوده و ۹ میلیون شغل ایجاد نماید



Note: Numbers may not sum due to rounding.

¹ Difference between the sum of the sector GVAs and GDP is explained by taxes and subsidies.

² Estimates for 2014 GDP vary from \$362 billion to \$416 billion, depending on source; the range in future GDP is driven by this baseline variance.

³ Includes 1.12 percentage points per sector from real exchange rate appreciation.

⁴ Other manufacturing includes textiles, paper and pulp, printing and publishing, machinery, equipment, appliances, and others.

SOURCE: McKinsey Global Institute analysis

رسیدن به چنین رشدی مستلزم سرمایه‌گذاری تجمعی حدود ۳/۵ تریلیون دلاری از حالا تا سال ۲۰۳۵ است. ایران با استفاده از نسبت بدهی پایین و نرخ پس‌انداز بالای خود، پتانسیل تأمین بسیاری از این سرمایه‌گذاری را از منابع داخلی دارد، گرچه تقریباً یک تریلیون دلار از این سرمایه‌گذاری احتمالاً باید از محل سرمایه‌گذاری خارجی باشد. ایران می‌تواند علاوه بر انتفاع از سرمایه وارده توسط سرمایه‌گذاران بین‌المللی، از دانش و رویه‌های مدیریتی شرکت‌های جهانی نیز استفاده کند. در حالی که نفت و گاز و دیگر منابع طبیعی ایران سهم بزرگی از سرمایه‌گذاری مورد نیاز را به خود اختصاص می‌دهند، ما برآورد می‌کنیم که سه موتور محرکه دیگر رشدی که معرفی می‌کنیم، نیاز سرمایه‌گذاری حداقل به اندازه بخش‌های مزبور و حتی بیشتر از آن را نیاز داشته باشند. بر اساس تحلیل ما، به خصوص گسترش و نوسازی زیرساخت احتمالاً نیاز به بیش از ۱,۵ تریلیون دلار سرمایه‌گذاری تجمعی تا سال ۲۰۳۵ دارد و این در مقایسه با ۵۵۰ میلیارد دلار برای منابع طبیعی، حدود ۶۵۰ میلیارد دلار برای فروش صنایع رقابتی و تقریباً ۸۰۰ میلیارد دلار برای گذر به اقتصاد دانش‌بنیان است.

دولت ایران در برنامه پنج ساله خود برای دوره ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۱، نرخ رشد ۸ درصدی و کاهش بیکاری و تورم به ۸ درصد را هدف‌گذاری نموده است.^{۵۲} برای دستیابی به این آرزو، که برخی اوقات از آن به «۸-۸-۸» یاد می‌شود، دولت ۳۱ اولویت اقتصادی مشخص نموده که از آن جمله، بهبود محیط کسب و کار، تقویت نظام مالی، و به روز رسانی صنعت و زیرساخت از طریق اتخاذ فناوری‌های نوین است. برنامه دولت همچنین تشویق به سرمایه‌گذاری توسط خارجیان و ایرانیان مقیم خارج می‌نماید.

بهره‌برداری از نفت، گاز و دیگر منابع طبیعی ایران

با تحویل یک میلیون بشکه نفت از نفتکش مونت تولیدو^{۵۳} به پالایشگاه Cespa اسپانیا در ۶ مارس ۲۰۱۶، صادرات نفت خام ایران به اروپا مجدداً آغاز گردید. نفت و گاز، نقشی حیاتی در تقویت رشد ایران ایفا می‌کنند. آغاز مجدد صادرات نفت، نیروی محرکی برای رشد اقتصادی سریع‌تر خواهد بود، در حالی که گاز در بلندمدت می‌تواند به رشد کمک کند. در دوره تحریم‌های بین‌المللی، صادرات نفت بیش از ۵۰ درصد کاهش یافت و قیمت‌ها نیز از نیمه سال ۲۰۱۴ با افت شدید مواجه گردید، اما تولید گاز طبیعی ایران طی دو دهه اخیر رشد چشمگیری داشته است. این به دلیل توسعه میدان عظیم گازی پارس جنوبی بود که بزرگترین ذخیره قابل بهره‌برداری گاز در ایران با حجم ۱۴ تریلیون متر

^{۵۲} هدف‌گذاری ۸ درصد رشد برای برنامه پنج ساله ششم، فایننشال تریبون (Financial Tribune)، ۲ ژوئیه ۲۰۱۵.

^{۵۳} Monte Toledo

مکعب است. در حالی که گاز عمدتاً در داخل مصرف می‌شود و نقش کلیدی در تحریک اقتصاد داخلی در آینده دارد، صادرات قابل توجه گاز احتمالاً در آینده از طریق خط لوله یا در قالب گاز طبیعی مایع شده، امکان‌پذیر خواهد شد.

ما برآورد می‌کنیم که نفت و گاز با هم تا سال ۲۰۳۵ بین ۱۲۵ تا ۳۷۵ میلیارد دلار به تولید ناخالص داخلی ایران افزوده و حدود ۳۰۰ هزار شغل ایجاد نمایند. دامنه بزرگ برآورد ما، در اصل به دلیل نااطمینانی زیاد در خصوص مسیر قیمتی نفت و گاز در آینده است. این همچنین بستگی به حجم سرمایه‌گذاری دارد که این بخش برای افزایش تولید در آن دوره می‌تواند جذب کند و اینکه چگونه با چالش‌های فنی، همچون گسترش زیرساخت در طول صدها کیلومتر خلیج فارس و جنوب ایران، مواجه می‌شود. برآورد می‌کنیم که نفت و گاز در ۱۰ سال آینده قریب به ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری جذب نمایند.

برنامه توسعه پنج ساله دولت برای ۲۰۲۱-۲۰۱۶ مستلزم ۱۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در نفت و گاز با اولویت میادین نفتی مشترک است. اولویت دولت برای گاز، افزایش سریع تولید فازهای باقیمانده از میدان پارس جنوبی است، جایی که خروج شرکت‌های نفتی بین‌المللی از آن در دوره تحریم‌ها، باعث تأخیر، افزایش هزینه‌ها و از دست دادن گاز به نفع طرف قطری گردید. بر اساس قراردادهای نفتی فعلی، شرکت‌های بین‌المللی ملزم به عملیات از طریق بنگاه‌های داخلی تحت کنترل هستند و عواید را نیز بر مبنای قرارداد بیع متقابل^{۵۴} دریافت می‌نمایند که مختص این کشور است. اما ایران به دنبال تجدیدنظر در شرایط تجاری قراردادهای خود است و ممکن است مانند دیگر کشورهای تولیدکننده نفت، بیشتر به سمت مدل مشارکت در تولید^{۵۵} پیش برود.^{۵۶}

گاز طبیعی و میعانات گاز طبیعی، خوراک کم‌هزینه بخش پتروشیمی ایران هستند و برای آن یک حاشیه سود رقابتی ایجاد می‌کنند. به عنوان مثال، هزینه تولید ۲۰۰ دلاری برای هر تن اتیلن در ایران، حدود یک پنجم میانگین قیمت نقد جهانی این فرآورده در سال ۲۰۱۵ است. ایران در حال حاضر، از لحاظ حجمی، دهمین تولیدکننده محصولات پتروشیمی در دنیا است که حدود ۲ درصد از کل تولید جهانی را به خود اختصاص می‌دهد. برآورد می‌کنیم که بخش پتروشیمی ایران این پتانسیل را دارد که سهم ۷ میلیارد دلاری خود از تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۱۴ را طی ۱۰ سال آینده به

^{۵۴} buy-back contract

^{۵۵} production-sharing model

^{۵۶} یک کمیته بازرنگری دولتی که در سال ۲۰۱۳ ایجاد شده، اصول کلی سیستم قراردادی جدید را توصیف کرده که طی آن، شرکت‌های بین‌المللی یک سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت ملی نفت ایران تشکیل داده و سهمی از سود را دریافت می‌کنند، در حالی که اصول کنترل حاکمیت بر منابع در قانون اساسی ایران را نیز رعایت می‌کنند.

۴۰ میلیارد دلار رسانده و ۳۰۰ هزار شغل جدید ایجاد نماید. دولت به دنبال در مجموع ۸۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری برای پروژه‌های برنامه‌ریزی شده است که ۱۲۰ میلیون تن به ظرفیت این بخش تا سال ۲۰۲۶ اضافه می‌کند.

معدن نیز می‌تواند یک بخش مهم در رشد باشد، گرچه تحقق پتانسیل‌های آن ممکن است زمان‌بر باشد؛ چراکه با توجه به قیمت‌های رو به کاهش محصولات، شرکت‌های معدنی جهانی نیز سرمایه‌گذاری در پروژه‌های جدید را کاهش داده‌اند. ایران دارای ثروتی عظیم از ذخایر معدنی از جمله روی و مس است؛ هر یک از معادن مس سرچشمه و سنگ آهن گل گهر در سال ۲۰۱۴ بیش از یک میلیارد دلار درآمد ایجاد نمودند. ایران، سرمایه‌گذاری ۲۹ میلیارد دلاری را در بخش معدن هدف‌گذاری کرده است. انجام این کار باعث تقویت فعالیت اقتصادی در مناطق کمتر توسعه‌یافته این کشور می‌گردد. با این حال، این بخش در مسیر خود برای رشد، با چالش‌های مهمی مواجه می‌شود و مستلزم سرمایه‌گذاری عظیمی است. به عنوان مثال، بودجه اکتشاف ایران در سال ۲۰۱۲ تنها ۴۰ میلیون دلار بود که برابر یک پانزدهم بودجه اکتشاف شیلی، بزرگترین تولیدکننده مس، است.

در نهایت، کشاورزی یک بخش نسبتاً بزرگ است که حدود ۱۸ درصد از نیروی کار این کشور را به خود اختصاص داده است. ایران که بیشتر به خاطر پسته، زعفران و خاویارش شناخته می‌شود، همچنین تولیدکننده بزرگ بسیاری از میوه‌ها، غلات و محصولات دامی است. مالکیت مزارع بسیار غیرمتمرکز است و خرده مالکان آنها را در اختیار دارند. استفاده از فناوری‌های نوین همچون فناوری پیشرفته آبیاری و یکپارچه کردن مزارع می‌تواند باعث رشد پایدار بهره‌وری گردد. اگرچه احتمالاً این کشور، واردکننده خالص محصولات کشاورزی باقی خواهد ماند، اما برآورد می‌کنیم که ایران این فرصت را دارد که بخش کشاورزی خود را طی ۲۰ سال آینده سالانه ۴ درصد رشد دهد، ارزش افزوده ناخالص بخش را بیش از دو برابر کند و تا سال ۲۰۳۵ حدود ۲۵۰ هزار شغل جدید اضافه نماید. چنین رشدی مستلزم حدود ۷۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری است. دولت در حال حاضر متعهد به ۱۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری برای زیرساخت و بهبود بهره‌وری طی ۵ سال آینده شده است. این تلاش‌ها باید همراه با مدیریت دقیق منابع آبی باشد که کمیاب هستند و بعضاً مسرفانه مصرف می‌شوند.

توسعه صنایع رقابتی در سطح بین‌المللی با پتانسیل صادرات

با وجود بازار داخلی بزرگ، ایران در اکثر بخش‌های صنعتی، همچون خودرو و کالاهای مصرفی روزانه، خودکفا شده و برخی از این صنایع می‌توانند در سطح بین‌المللی قابل رقابت باشند. این

مستلزم تلاش چشمگیر برای بهبود بهره‌وری و کارایی و کاهش تدریجی موانع و تعرفه‌های حامی تولیدکنندگان داخلی است، چرا که وجود تعرفه‌های بالا، مانعی برای نوآوری، به‌سازی و تبدیل آن‌ها به صنایع رقابتی در سطح بین‌المللی محسوب می‌شود.

ایران هم بزرگترین بازار خودرو در منطقه منا (خاورمیانه و شمال آفریقا) است و هم یک تولیدکننده بزرگ در این بخش است و با فروش ۱/۱ میلیون دستگاه خودرو در سال ۲۰۱۴، بازاری بزرگ‌تر از بازار اسپانیا دارد. در حال حاضر، تولیدکنندگان ایران از جمله شبکه داخلی عظیم تولیدکنندگان قطعات، ۹۰ درصد تقاضای داخلی را تأمین می‌کنند. اما خودروهای تولیدی، از جمله مدل‌های رنو و پژو، نسبتاً قدیمی و منسوخ هستند و نظرسنجی از مشتریان، نشانگر نارضایتی قابل توجه آنها از کیفیت این محصولات است.^{۵۷} کارخانه‌ها در سال ۲۰۱۴ تنها کمی بیش از ۴۰ درصد، از ظرفیت تولید خود بهره‌برداری کردند.

اگر بخش خودروی ایران بتواند از طریق افزایش بهره‌وری و نزدیک شدن به سطوح استانداردهای بین‌المللی، رقابتی‌تر شود، می‌تواند به مرکز منطقه‌ای تولید خودرو تبدیل شود. برآورد می‌کنیم که بخش خودرو بتواند ارزش افزوده ناخالص خود را از ۱۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ به ۵۸ میلیارد دلار با نرخ ارز واقعی در سال ۲۰۳۵ افزایش دهد، سالانه بیش از ۸ درصد رشد کرده و حتی با وجود بهبود قابل توجه بهره‌وری، ۱۸۰ هزار شغل تولیدی ایجاد نماید. برای تحقق این آرزو، خودروسازان باید سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی را جذب کنند. دسترسی بیشتر به وام‌های مصرفی و خدمات پس از فروش با استانداردهای بالاتر نیز می‌تواند تقاضا را تحریک کند. سیاستگذاران اعلام نموده‌اند که برنامه دارند خصوصی‌سازی را افزایش داده و حمایت از این صنعت را کاهش دهند.^{۵۸} آنها باید انتخاب‌های دقیقی در مورد چگونگی و سرعت گشایش بازار به روی رقابت بین‌المللی انجام دهند.

در مصالح اصلی، ایران جزء معدود کشورهایی است که به همسایه‌های خود سیمان صادر می‌کند. هم سیمان و هم فولاد از افزایش زیرساخت‌های داخلی منتفع می‌شوند. دولت به دنبال افزایش سه برابری تولید فولاد تا سال ۲۰۲۵ است تا از واردکنندگی خالص، به خودکفایی برسد.^{۵۹} تولیدکنندگان فولاد از مزایای سنگ آهن با کیفیت و انرژی ارزان برای تولید به روش احیای مستقیم به جای استفاده از آهن قراضه بهره می‌برند. اما بخش فولاد تحت حمایت تعرفه واردات است و باید بر چالش‌های

^{۵۷} گزارش ژانویه ۲۰۱۶ وزارت صنعت، معدن و تجارت که خودروها را بر اساس کیفیت و در یک مقیاس ۵ ستاره‌ای رتبه‌بندی نمود (امتیاز ۵ نشانگر بهترین) به دو سوم خودروهای تولید داخل تنها یک ستاره داد.

^{۵۸} اظهارات حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران در سومین کنفرانس بین‌المللی صنعت خودرو ایران در تهران، ۲۹ فوریه ۲۰۱۶

^{۵۹} برنامه راهبردی برای ۲۰۲۵، وزارت صنعت، معدن و تجارت، ژوئیه ۲۰۱۵.

متعدد برای تولید محصولات با ارزش افزوده‌ی بالاتر از جمله بهره‌وری نیروی کار که کمتر از یک چهارم بهره‌وری نیروی کار ترکیه است، غلبه نماید.

کالاهای مصرفی روزانه و تجارت خرده‌فروشی عمدتاً تحت تسلط تولیدکنندگان داخلی است. تمام ده برند برتر محصولات غذایی، داخلی هستند و توسط شرکت‌های ایرانی فراوری می‌شوند، گرچه شرکت‌های خارجی همچون بیرسدورف و هنکل آلمان نیز تاخت و تازهایی در محصولات بهداشت خانگی، محصولات آرایشی-بهداشتی داشته‌اند. ایران بزرگترین بازار محصولات آرایشی در خاورمیانه است. تعرفه‌های بالا، واردات را محدود و ترغیب به تولید داخلی می‌کند. بازیگران داخلی باید رقابتی‌تر شوند، زیرا برندهای بین‌المللی نیز به دنبال توسعه بازار هستند. شرکت‌های خارجی هم می‌توانند فرصت‌هایی را برای تولید کالاهای مصرفی روزانه در ایران از جمله برای صادرات به کشورهای همسایه پیدا کنند. پیش‌بینی می‌کنیم که تا سال ۲۰۳۵، ارزش افزوده ناخالص بخش کالاهای مصرفی روزانه ایران به ۶۲ میلیارد دلار افزایش یابد که معادل رشد سالانه ۷ درصد بوده و منجر به ایجاد ۸۵۰ هزار شغل می‌شود. بخش خرده‌فروشی، غیرمتمرکز و آماده نوین‌سازی است. حرکت به سمت قالب‌های جدید و اتخاذ فناوری‌های نو و مدیریت پیشرفته زنجیره عرضه می‌تواند بهبود قابل توجهی در بهره‌وری ایجاد نماید. ما پیش‌بینی می‌کنیم که تا سال ۲۰۳۵، بخش خرده‌فروشی می‌تواند با نرخ سالانه ۵/۷ درصد رشد نموده و ارزش افزوده ناخالص آن به ۹۱ میلیارد دلار رسیده و ۱/۴ میلیون شغل ایجاد نماید.

در نهایت، پتانسیل بخش گردشگری ایران در جاذبه‌های فراوان آن، از پیست‌های اسکی در نزدیکی تهران و باقی‌مانده‌های ۲۵۰۰ ساله دوره هخامنشی در تخت جمشید تا باغ ارم در شیراز، نهفته است. ایران ۱۹ سایت میراث جهانی یونسکو (بیشتر از یونان)، خط ساحلی دریای خزر، ۲۰ تفریحگاه کوهستانی برای ورزش‌های زمستانی، سواحل خلیج فارس و حرم امام رضا (ع) در مشهد به عنوان مقصد زیارتی مذهبی را دارد. با این حال در سال ۲۰۱۴ ایران تنها ۴ میلیون گردشگر خارجی جذب نمود، در حالی که این رقم برای ترکیه ۳۸ میلیون نفر و برای مالزی ۲۷ میلیون نفر بود. دولت به دنبال افزایش تعداد گردشگران خارجی تا سالانه ۲۰ میلیون نفر، تا سال ۲۰۲۵ است. دولت ۱۳۰۰ پروژه سرمایه‌گذاری شناسایی نموده و برای ساخت هتل‌های جدید و تسهیلات گردشگری، مشوق‌های مالیاتی در نظر گرفته است.^{۶۰} ایران برای گردشگران تمام کشورها جزئی کشور، در زمان ورود ویزا صادر می‌کند. برآورد می‌کنیم که ایران بتواند ارزش افزوده ناخالص بخش گردشگری را که در سال

^{۶۰} مسعود سلطانی‌فر، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری ایران این برنامه‌های را در سال ۲۰۱۵ اعلام نمود؛ نگاه کنید به علی اکبر دارینی، «ایران در حال آماده شدن برای سونامی گردشگران»، آسوشیتدپرس، ۱۸ اکتبر ۲۰۱۵.

۲۰۱۴ تنها ۹ میلیارد دلار بوده، به ۶۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۳۵ رسانده و ۸۰۰ هزار شغل ایجاد نماید.

گذار به سوی اقتصاد دانش‌بنیان

سابقه علمی و مهندسی قوی و جمعیت جوان آشنا با فناوری و مشتاق برای مشارکت در اقتصاد دیجیتال، ایران را قادر به توسعه‌ی بخش دانش‌بنیان خود می‌نماید. نوآوری، کلید رشد در حوزه‌های مختلف از نرم‌افزار تا محصولات دارویی است و ایران این فرصت را دارد که نیروی کار ماهر و نسبتاً کم‌هزینه خود را در انجام کارهای با ارزش افزوده بالا به کار گیرد.

یک نقطه آغاز حیاتی برای اینکه ایران، اقتصادی با رشد بالا داشته باشد و تریلیون‌ها دلار سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی را جذب کرده و به کار گیرد، تقویت بخش خدمات مالی است. بانک‌های ایران، که بسیاری از آنها دولتی یا نیمه‌دولتی هستند و اعضای هیئت مدیره آنها را دولت تعیین می‌نماید، سطحی از دسترسی‌های مالی اصلی را برای جمعیت وسیع فراهم می‌کنند که در میان کشورهای معیار، نسبتاً بالا است؛ به عنوان مثال در ایران در سال ۲۰۱۳ تعداد دستگاه‌های خودپرداز (ATM) به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر بزرگسال، بیشتر از ایالات متحده آمریکا، فرانسه و آلمان بود. اما به طور کلی بخش بانکی به لحاظ جذابیت محصولات پیشنهادی، مدیریت ریسک، کفایت سرمایه و کارایی وام‌دهی، عقب است. برای تأیید پیش‌بینی‌های ما درباره پتانسیل رشد ایران در آینده، بخش خدمات مالی باید تا سال ۲۰۳۵ به طور میانگین سالانه ۹ درصد رشد داشته باشد و ۵۰۰ هزار شغل ایجاد نماید. دستیابی به چنین نرخ رشدی مستلزم تجدید سرمایه بانک‌ها، به‌روز سازی سیستم‌ها، زیرساخت و فرآیندهای فناوری اطلاعات بانکی، و گسترش بازارهای بدهی است. بازار بیمه برای محصولات بیمه عمر و سایر انواع بیمه‌ها، از ضریب نفوذ بالایی برخوردار نیست و بازار سرمایه ایران نیز برای اقتصادی با این اندازه و ثروت، به اندازه کافی توسعه‌یافته نیست. بانکداری سرمایه‌گذاری^{۶۱} هنوز به خوبی جا نیافتاده است؛ سرمایه‌گذاری خطرپذیر^{۶۲} و سرمایه‌گذاری خصوصی^{۶۳} هم در حال ظهور هستند. تا حد زیادی به دلیل تحریم‌ها، بخش مالی از باقی دنیا جدا شده است؛ تنها یک درصد از سهام و اوراق قرضه به صورت بین‌المللی نگهداری می‌شوند، در حالی که میانگین جهانی آن ۳۰ درصد است. اولویت دولت، توسعه بازار اوراق قرضه است و در سال ۲۰۱۶ نیز چهار ابزار بدهی جدید را برای تأمین مالی مخارج خود معرفی نمود.

⁶¹ Investment banking

⁶² venture capital

⁶³ private equity

در خدمات حرفه‌ای، ایران دارای بنگاه‌های داخلی نسبتاً قوی حقوقی، بازاریابی و ارتباطات است که هم به شرکت‌های چندملیتی و هم شرکت‌های داخلی خدمات ارائه می‌کنند. اما باز هم فضای زیادی برای گسترش بنگاه‌های خدمات حرفه‌ای بین‌المللی از جمله حسابداری، حسابرسی و مشاوره مدیریت وجود دارد. خدمات حرفه‌ای در ایران بین سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۴ به دلیل تحریم‌های بین‌المللی کاهش یافته است؛ برای مثال سه مؤسسه از چهار مؤسسه بزرگ حسابداری و حسابرسی که تا قبل از سال ۲۰۱۰ در ایران بودند، از این کشور خارج شدند. از زمان رفع تحریم‌ها، هر چهار مؤسسه برنامه‌های خود برای بازگشت به ایران را اعلام نموده‌اند. از آنجایی که شرکت‌های چندملیتی به دنبال سرمایه‌گذاری و فرصت‌های مشارکت در ایران هستند، نیاز به اکوسیستم خدمات حرفه‌ای دارند که بتواند به آنها در شرکت‌آزمایی^{۶۴} و دیگر الزامات ورود به بازار از جمله بنگاه‌های مشاوره ادغام و تملک برای یکپارچه کردن صنایع غیرمتمرکز داخلی، کمک کند.

فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان یکی از اولویت‌ها در برنامه پنج‌ساله ششم توسعه دولت شناخته شده است. در حال حاضر این بخش، نسبتاً کوچک است. به عنوان مثال بازار ۸ میلیارد دلاری ارتباطات تقریباً یک سوم اندازه این بازار در مکزیک و یک ششم برزیل است. علیرغم قیمت‌های پایین، میانگین سرانه مصرف داده تلفن همراه در ایران کمتر از کشورهای مشابه است و این می‌تواند تا اندازه‌ای به دلیل ضریب نفوذ پایین تر تلفن‌های هوشمند و سرعت پایین تر شبکه‌ها باشد. ما معتقدیم که در آینده، ایران فرصتی را برای خیز در توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات دارد و آن، حرکت به سمت نسل جدید فناوری و ارائه خدمات بهتر به مشتریان اعم از افراد و کسب و کارها است. ایران همچنین می‌تواند صنعت نرم‌افزار خود را که عمدتاً به کاربران داخلی خدمات می‌دهند، رشد دهد. همچنین این کشور دارای پتانسیل برای تبدیل به مرکز برون‌سپاری فناوری اطلاعات از طریق به‌کارگیری استعداد مهندسی ارزان خود است. ما برآورد می‌کنیم که ارزش افزوده بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند تا سال ۲۰۳۵ بیش از چهار برابر شود و ۲۵۰ هزار شغل ایجاد نماید. دستیابی به چنین رشدی مستلزم برخی اصلاحات از جمله اصلاحات تنظیم‌گری (رگولاتوری) برای تسهیل محدودیت‌ها بر شرکت‌های مخابراتی، سرمایه‌گذاری بیشتر در زیرساخت‌های فیزیکی، و تمرکز بر کسب درآمد از خدمات ارزش افزوده است. ایران همچنین نیاز اساسی به بهبود محیط کسب و کار برای فناوری اطلاعات و ارتباطات از طریق به‌کارگیری و اجرای قوانین حفاظت از داده‌ها و کپی رایت، دارد.

⁶⁴ due diligence

حوزه دیگری که ایران می‌تواند توانمندی‌های علمی خود را در آن به کار گیرد، محصولات دارویی است. به پشتوانه هدف دولت در خودکفایی در محصولات دارویی، شرکت‌های ایرانی بیش از ۹۰ درصد از حجم مصرف محصولات دارویی داخلی را تأمین می‌کنند و توسعه‌های چشمگیری در زیربخش‌های پیچیده متعدد داشته‌اند؛ به عنوان مثال، ایران در تحقیقات سلول‌های بنیادی در سال ۲۰۱۵ رتبه چهارم را در دنیا داشت و در منطقه نیز رتبه اول استفاده از بیوتکنولوژی را دارد.^{۶۵} دانش علمی می‌تواند به عنوان یک مبنای مهم برای توسعه این بخش باشد که ۰/۳ درصد از ارزش افزوده ناخالص و اشتغال را تشکیل می‌دهد. الگوهای جمعیتی و بار بیماری^{۶۶} در ایران نیز نشان‌دهنده این است که بازار قابل توجهی برای محصولات دارویی وجود دارد. به عنوان مثال، شیوع بیماری‌های مزمن که هزینه درمان دارویی آنها بالا است افزایش یافته است، و از سال ۲۰۰۰ میزان بروز دیابت ۵۶ درصد، عوارض عصبی ۲۸ درصد و بیماری‌های تنفسی مزمن به اندازه ۳۲ درصد افزایش یافته است.^{۶۷} دولت اعلام کرده که به دنبال تشویق سرمایه‌گذاری و رشد در بخش دارویی از طریق واگذاری سهم دولت در این بخش به بخش خصوصی است.^{۶۸} ما برآورد می‌کنیم که تا سال ۲۰۳۵ ارزش افزوده ناخالص این بخش می‌تواند ۷ برابر شده و به ۷ میلیارد دلار برسد.

مراقبت بهداشتی نیز آماده دگرگونی است. یک نظام بیمه ملی وسیع حدود ۹۰ درصد از جمعیت را پوشش می‌دهد و ۴۹ دانشگاه پزشکی، پزشکان و متخصصان مراقبت بهداشتی و سلامت را آموزش می‌دهند. این سیستم به طور فزاینده‌ای تحت فشار است؛ علیرغم جمعیت جوان، ایران دارای بار بیماری بالایی است و پیش‌بینی می‌گردد که تا سال ۲۰۳۵، بیشترین سرعت رشد جمعیت مربوط به افراد بالای ۵۰ سال باشد. ایران به نسبت هم‌تایان خود مانند برزیل و روسیه به صورت سرانه حدود ۲۵ درصد کمتر روی مراقبت‌های بهداشتی خرج می‌کند. این منجر به پایین بودن نسبی تعداد سرانه تخت‌های بیمارستانی، زیرساخت‌ها و تجهیزات قدیمی و منسوخ، و افزایش فشار روی پزشکان شده است. دولت می‌خواهد با این چالش از طریق گسترش تعداد افراد تحت پوشش و کیفیت پوشش روبرو شود، اما باید سرمایه‌گذاری‌های عظیمی برای نوین‌سازی و گسترش این تسهیلات صورت گیرد.

^{۶۵} «کسب رتبه چهارم جهانی ایران در تحقیقات سلول‌های بنیادی»، خبرگزاری مهر، ۱۷ مه ۲۰۱۵؛ «رتبه ۲۱ ایران در تولیدات علمی بیوتک»، خبرگزاری مهر، ۷ ژوئیه ۲۰۱۵.

^{۶۶} disease burden

^{۶۷} برآوردهای ۲۰۱۲-۲۰۰۰ بار جهانی بیماری، سازمان بهداشت جهانی؛ سال‌های زندگی با ناتوانی تعدیل‌شده، تعداد سال‌های از دست رفته عمر به دلیل مرگ زودرس یا ناتوانی را در کل جمعیت می‌سنجد.

^{۶۸} وبگاه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، www.behdasht.gov.ir

گسترش و نوسازی زیرساخت‌ها

زیرساخت‌های ایران نسبتاً وسیع و گسترده است اما به ارتباطات جاده‌ای و ریلی بیشتر و مدرن‌تر درون و بین شهری نیاز دارد. بنادر و فرودگاه‌های این کشور نیز آمادگی گسترش را دارند. با رشد اقتصاد، ایران نیاز به ساخت کارخانجات و تسهیلات زندگی از قبیل تأسیسات تصفیه آب دارد. در حال حاضر نیاز به ده‌ها هزار تخت بیمارستان است و عرضه مسکن ارزان قیت نیز با کمبود مواجه است. این نیازهای زیرساختی تنها بخشی از یک فهرست طولانی است. این موارد به فرصت‌های قابل توجه بخش ساختمان ایران طی ۲۰ سال آینده – و همچنین احتمالاً برای شرکت‌های خارجی – اضافه می‌گردند. با توجه به رشد تقاضای زیرساخت، ایران باید با کارایی بیشتری به این تقاضا پاسخ دهد. ایران می‌تواند بیشتر روی جلوگیری از مصرف بی‌رویه انرژی و آب کار کند و همچنین باید کارایی عملیاتی و مدیریت را در بخش ساختمان خود جهت حذف تأخیرها بهبود بخشد.

زیرساخت‌های حمل و نقل دارای اهمیت به خصوصی خواهند شد زیرا ایران به دنبال افزایش تجارت بین قاره‌ای است. شبکه‌های جاده‌ای و ریلی ایران در حال حاضر به روز شده‌اند و بسیاری از بنادر نیز طرح توسعه دارند. اولین قطار از چین از طریق کمربند اقتصادی جاده ابریشم در تاریخ ۱۵ فوریه ۲۰۱۶ وارد تهران شد که ۳۲ کانتینر را حمل می‌کرد و ۳۰ روز سریع‌تر از میانگین مسیر دریایی به مقصد رسید. پیشرفت مشابهی در پروژه کریدور حمل و نقل شمال-جنوب صورت گرفته است که شمال اروپا را به جنوب آسیا از طریق ایران متصل می‌کند. دولت ایران، اتصال با اروپا و آسیا را به عنوان اولویت‌های راهبردی می‌نگرد.^{۶۹} در داخل شهرها نیز فرصت بهبود حمل و نقل از جمله پروژه‌های بزرگ ساخت و توسعه مترو در ۸ شهر پرجمعیت ایران وجود دارد. برآورد می‌کنیم که تا سال ۲۰۳۵، ارزش افزوده ناخالص بخش حمل و نقل بتواند از ۲۲ میلیارد دلار سال ۲۰۱۴ به ۸۷ میلیارد دلار برسد و ۸۰۰ هزار شغل ایجاد کند.

خدمات عمومی نیز هم برای برآوردن نیاز ایرانیان و هم تحقق بلندپروازی‌های کشور برای صادرات برق، باید توسعه پیدا کند. ضمناً باید تغییراتی برای کاهش مصرف بی‌رویه صورت پذیرد. مصرف داخلی گاز، برق و آب در ایران به طور قابل توجهی بیشتر از بسیاری از کشورهای دیگر است. مصرف سرانه گاز از سال ۲۰۰۶ سالانه ۵/۸ درصد رشد نموده و در حال حاضر بیشتر از دو برابر کشورهای هم‌تا شامل برزیل، مالزی، مکزیک و ترکیه است.^{۷۰} خانوارهای ایرانی نزدیک به سه برابر خانوارهای ترکیه، برق مصرف می‌کنند. به طور مشابه، مصرف آب در ایران که حدود ۹۰ درصد

^{۶۹} «اتصال نقاط»، اکونومیست، ۲ آوریل ۲۰۱۶.

^{۷۰} بررسی آماری انرژی جهانی، بریتیش پترولیوم، ژوئن ۲۰۱۵.

آن مربوط به بخش کشاورزی است، بسیار بالاتر از محدوده‌های پایدار از لحاظ زیست‌محیطی است. دولت برنامه‌های سخت‌گیرانه‌ای برای کاهش مصرف، به خصوص برای آب، دارد و می‌خواهد طی ۵ سال آینده، قیمت‌ها را افزایش دهد. دولت همچنین برنامه‌های متعددی را با هدف کارایی انرژی و آب آغاز نموده که از آن جمله، برنامه ملی اندازه‌گیری هوشمند آب کشاورزی است.

قیمت املاک به ویژه در تهران، طی ۱۵ سال گذشته اوج گرفته و با نرخ قابل توجهی سریع‌تر از شهرهای مهم دنیا همچون پاریس، نیویورک و لندن افزایش یافته است. در همین حال، حتی رهن کردن مسکن نیز برای خانوارها دشوار است. این عوامل با هم به کمبود مسکن ارزان قیمت دامن زده است. در آینده ایران می‌تواند با آزادسازی زمین‌های بلااستفاده، کاهش مقررات دست و پاگیر برای سازندگان، ترویج استفاده از مصالح ساختمانی مقرون به صرفه و تعدیل نظام تسهیلات خود، تعداد بیشتری مسکن ارزان قیمت ارائه نماید.

بخش ساختمان در سال ۲۰۱۴ و پس از تحلیل در دوره ۲۰۱۳-۲۰۱۱، دوباره رونق گرفت و از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ سالانه ۶ درصد رشد یافته است.^{۷۱} با توجه به تقاضای زیاد مسکن و دیگر ساختمان‌ها، ما شاهد تداوم این رشد هستیم به گونه‌ای که تا سال ۲۰۳۵، بخش ساختمان از نظر اندازه دو برابر شده و ارزش افزوده ناخالص آن از ۱۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ به ۵۹ میلیارد دلار خواهد رسید و ۲ میلیون شغل جدید نیز اضافه خواهد کرد.

پروژه‌های ساختمان و زیرساخت، باید با چالش‌های متعدد در مسیر پیشرفت خود مواجه شوند. یکی از آنها، زمینه و گرایش کارهای پروژه‌ای بزرگ برای لغو یا تعلیق است. به عنوان مثال، پروژه‌های گاز به طور میانگین با تأخیر ۶۰ درصدی همراه هستند که منجر به افزایش به طور متوسط ۲۰ درصدی هزینه‌ها می‌گردد. پروژه‌های صنایع فرآیندی^{۷۲} همچون پروژه‌های پتروشیمی نیز همواره با تأخیر روبرو هستند. در نتیجه، زمان ساخت در ایران به طور قابل توجهی طولانی‌تر از این زمان در کشورهای هم‌تراز از قبیل کشورهای منطقه است. به عنوان مثال، یک پروژه پایین‌دست نفت و گاز در ایران به طور میانگین ۵/۴ سال به طول می‌انجامد در حالی که این رقم در عراق، قطر و امارات متحده عربی ۳/۳ سال است.^{۷۳} بهره‌وری نیز باید ارتقا یابد؛ در حال حاضر، بهره‌وری نیروی کار در بخش

^{۷۱} آی‌اچ‌اِس گلوبال اینسایت.

^{۷۲} process industries

^{۷۳} ابزار تحلیلی پیش‌بینی‌های زیرساخت مکنزی (IPAT).

ساختمان در ایران حدود نصف بهره‌وری در ترکیه و بسیار کمتر از کشورهای همچون لهستان است.^{۷۴} کنترل کیفیت ساختمان نیز به نسبت بسیاری از کشورهای همتراز، پایین است.^{۷۵}

ایران برای تحقق بخشیدن به پتانسیل‌های خود باید بر چالش‌های عمده‌ای غلبه کند

برای انتفاع از مزایای کامل ارتباط مجدد با اقتصاد جهانی، ایران به اقتصادی نیاز دارد که بهتر بتواند سرمایه‌گذاری خارجی، تکنولوژی و تخصص را جلب و جذب نماید. این مستلزم یک نیروی کار با انعطاف‌پذیری و مهارت‌های کاری بالاتر و محیط کسب و کاری است که ترغیب به رقابت پویاتر و نوآوری نماید. شفافیت، حاکمیت قانون و حاکمیت شرکتی نیز باید بهبود یابند. به طور کلی ایران باید شاخص‌های بهره‌وری خود را ارتقا بخشد (شکل ج).

تمام این تغییرات باید در زمینه مساعدتر اقتصاد کلان با تورم قابل کنترل، نرخ‌های ثابت ارز، و سیاست مالی پاسخگو و باثبات صورت پذیرد. برنامه‌ریزی و اجرای این اصلاحات و حرکت به سوی اقتصاد با بهره‌وری بالاتر، مستلزم زمان و مشارکت تکمیل‌کننده بین دولت و بخش خصوصی، اعم از شرکت‌های ایرانی و بین‌المللی، است.

در سال‌های پیش، اقتصاد ایران از بی‌ثباتی رنج می‌برد. رشد تولید ناخالص داخلی دارای نوسانات شدید از ۷- درصد در سال ۲۰۱۲ تا ۴+ درصد در سال ۲۰۱۴ بود، گرچه بخش‌های دیگر غیر از نفت و گاز دارای ثبات بیشتری بودند. از سال ۱۹۹۷، بیکاری بالای ۱۰ درصد بوده است، پول متحمل کاهش شدید ارزش و افت بها گردیده و تورم در اوج خود در ژوئن ۲۰۱۳ به ۴۵ درصد رسید. ایجاد یک محیط اقتصاد کلان باثبات به پشتوانه نهادهای معتبر، پیش‌شرط توانمند شدن ایران برای جذب سرمایه‌گذاری و افزایش صادرات، مصرف داخلی، اشتغال و استانداردهای معیشت طی ۲۰ سال آینده است. رسیدن به این توازن مستلزم سیاست مالی با تمرکز بر رشد واقعی، سیاست پولی برای حفظ ثبات قیمت‌ها، و مؤسسات شفاف و معتبر است.

ایران همچنین باید به محیطی سهل‌تر برای کسب و کار تبدیل شود. در حال حاضر، ایران در رتبه‌بندی جهانی از نظر مقصد سرمایه‌گذاری دارای امتیاز پایینی است؛ به عنوان مثال در شاخص‌های سهولت کسب و کار بانک جهانی در سال ۲۰۱۶ از میان ۱۸۹ کشور رتبه ۱۱۸ام را کسب نموده و در گزارش رقابت‌پذیری جهانی ۲۰۱۵-۱۶ مجمع جهانی اقتصاد، رتبه ۷۴ام از میان ۱۴۰ کشور را داشته است. برای ارتقای رتبه و جذب کسب و کار بین‌المللی، ایران باید یک چارچوب مقرراتی شفاف و

^{۷۴} آی‌اچ‌اِس گلوبال اینسایت؛ آمارهای اشتغال سازمان جهانی کار ILOSTAT

^{۷۵} شاخص کسب و کار ۲۰۱۶: سنجش کیفیت و کارایی قانونگذاری، بانک جهانی، اکتبر ۲۰۱۵.

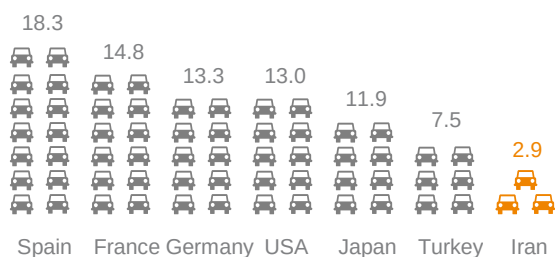
درست را به کار گیرد که مشوق رقابت باشد، موانع کارایی و بهره‌وری را از بین ببرد و یک زمین بازی یکسان را برای همه ایجاد نماید. قیمت‌ها با یارانه‌های دولتی بر کالاهای اساسی از جمله انرژی، برخی مواد غذایی و محصولات دارویی از شکل اصلی خود خارج شده است. تعرفه‌های بالا و الزام استفاده از توان داخلی نیز می‌توانند انگیزه‌های سرمایه‌گذاری و نوآوری را کاهش دهند. کاهش تدریجی این انحراف بازار، برداشتن حمایت‌های جاری حاکم بر بخش‌هایی نظیر صنایع خودروسازی و دارویی، و تسهیل فرآیندهای اداری، گام‌های اولیه برای کاهش هزینه‌های انجام کسب و کار هستند. به عنوان مثال، اخذ مجوز برای ساخت یک انبار در ایران مستلزم طی ۱۵ رویه مجزا و ۹۷ روز است و بر اساس همین گزارش گزارش بانک جهانی، این تشریفات بیش از ۲ درصد ارزش خود انبار هزینه به بار می‌آورد. ایران همچنین باید حمایت‌های قوی‌تری را از حقوق مالکیت فیزیکی و معنوی انجام دهد و مقررات ورشکستگی را بهبود بخشد.

شکل ج

ایران دارای بهره‌وری پایین در بخش‌های مختلف است

Labour productivity in automotive

Automobiles per manufacturing employee, 2014



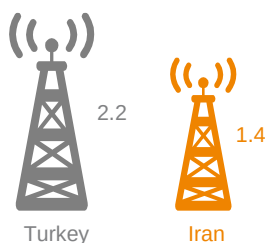
Labour productivity in metals

Output per worker, \$ thousand, 2014



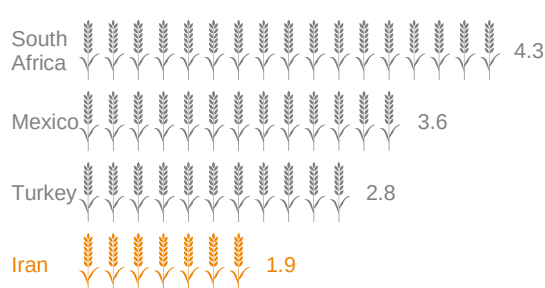
Capital productivity in telecommunications¹

Revenue per unit of plant, property, and equipment



Agricultural productivity

Cereal yield, thousand kg per hectare, 2014



¹Based on largest telecom operators in each country.

SOURCE: IHS; ILOSTAT; World development indicators, World Bank; Spanish Ministry of Industry; French CCFA; German STABU; VDA; US BLS; SIE; Turkey Workplace & Insured Persons Statistics; company financial statements; McKinsey Global Institute analysis

ایران نیاز به یک نیروی کار مولد و منعطف با مهارت‌های لازم دارد که کارفرمایان داخلی و خارجی به دنبال آن هستند. بازار نیروی کار به طور کلی با نقاط ضعف قابل توجهی همچون سطح پایین مشارکت نیروی کار به خصوص برای زنان و جوانان، سطح بالای بیکاری و اشتغال ناقص و کمبود مهارت‌های مدیریتی و کسب و کار، مواجه است. عدم تناسب چشمگیری بین مهارت‌های نیروی کار و نیازهای کارفرمایان وجود دارد. مضاف بر این، باید اقداماتی صورت گیرد تا مانع افزایش بیکاری ناشی از تغییر الگوی جمعیتی گردد. تنها در چهار سال آینده، ۲/۲ میلیون ایرانی به سن اشتغال می‌رسند و بسیاری از آنها به نیروی کار می‌پیوندند و احتمالاً نرخ بیکاری را افزایش خواهند داد؛ مگر اینکه شغل جدید به اندازه کافی ایجاد شود.

همچنین نظام مالی به یک بازبینی کامل نیاز دارد. بانک‌های ایرانی حجم زیادی از دارایی‌های کم‌بازده^{۷۶} را در ترازنامه خود دارند و نیازمند تجدید سرمایه کلان هستند. سال‌ها دوری از بانکداری بین‌المللی باعث قدیمی شدن رویه‌های ریسک و انطباق شده است. به عنوان مثال، بانک‌های ایرانی هنوز با قواعد بازل ۱ در ارتباط با کفایت سرمایه و قبول ریسک اداره می‌شوند، و احتمالاً باید سریعاً به سمت استانداردهای بین‌المللی بازل ۲ و بازل ۳ برای ایفای الزامات ریسک شرکت‌های بین‌المللی حرکت نمایند. به طور مشابه، باید شفافیت، حساسی و رویه‌های افشا را بهبود بخشیده و رتبه‌های اعتباری خود را قبل از انجام کسب و کار با بسیاری از بنگاه‌های خارجی ارتقا دهند. لذا در حال حاضر، شرکت‌های چندملیتی که می‌خواهند از طریق بانک‌های ایرانی معاملات خود را انجام دهند، مردد هستند. مضاف بر این، در حالی که تحریم‌های سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا رفع شده‌اند، اما تداوم تحریم‌های اولیه ایالات متحده آمریکا باعث پیچیده شدن تراکنش‌های بین‌المللی بلافاصله پس از توافق هسته‌ای گردیده است.

دستورکاری اجرایی برای دولت و کسب و کار

اصلاحاتی که در این گزارش طرح می‌کنیم در هر شرایطی دشوار هستند اما در محیطی مملو از ابهام که استقرار مجدد اقتصادی در آن الزامی است، حتی از این هم دشوارتر است. پرداختن به این نااطمینانی بستگی به زمان‌بندی، تداوم و کیفیت اصلاحات دولت و پاسخگویی شرکت‌های داخلی و بین‌المللی دارد. دولت باید یک برنامه تغییر بلندپروازانه را در میان وزارتخانه‌ها و استان‌ها آغاز کند. توانایی دولت برای ارتباط با سرمایه‌گذاران و صاحبان کسب و کارها و ایفای نقش به عنوان یک الگو برای تغییر اثربخش، خصوصاً به دلیل درهم‌تنیدگی بالای بخش عمومی و خصوصی در ایران از

⁷⁶ underperforming assets

اهمیت به سزایی برخوردار است. برخی ابتکارات برای بهبود خدمات عمومی در آخرین برنامه پنج ساله‌ی دولت گنجانده شده است اما به بیشتر از این نیاز است. کاهش بروکراسی مستلزم تغییر ساختار و مدل اجرایی دولت است.

علاوه بر خصوصی‌سازی، دولت به دنبال اصلاح یارانه‌ها و تعرفه‌ها، تسهیل چارچوب‌های قانونی برای سرمایه‌گذاران خارجی و کاهش تعداد مجوزها و گواهی‌های مورد نیاز برای انجام کسب و کار در ایران است. اگر این اصلاحات با سرعت و به طور کامل اجرا شود، می‌تواند ایران را به مقصدی جذاب‌تر برای سرمایه‌گذاران تبدیل نماید.

لازم است اصلاحات پی‌درپی مبتنی بر یک استراتژی توسعه صنعتی شفاف و مشخص که تغییرات مورد نیاز برای توانمند ساختن هریک از چهار موتور رشد و بخش‌های درون آن‌ها را به منظور ایجاد رونق را مشخص می‌نماید، اعمال شود. اصلاحات پیچیده‌تر مستلزم برنامه‌ریزی سنگین و مکانیزم‌های پاسخگویی برای دستیابی به نتایج است. ایران برای ایده گرفتن در خصوص چگونگی اجرای سریع و با موفقیت تغییرات، می‌تواند به بسیاری از کشورهای دیگر از استونی تا مالزی بنگرد. دولت باید با اقتباس از دگرگونی‌های اثربخش کسب و کار، اهداف شفاف و نقاط ارزیابی عملکرد را مشخص کرده و مسیر پیشرفت را به سمت آنها مدیریت کند. آهنگ سریع حرکت اصلاحات نیز منوط به این است که دولت، نیروی کار و ظرفیت‌های خود را به خصوص در ارتباط با مدیریت تغییر، تقویت نماید.

شرکت‌های ایرانی و بنگاه‌های جهانی هم در رشد و نوسازی اقتصاد نقش دارند. شرکت‌های داخلی می‌توانند از تخصص و شبکه خود در بازار ایران استفاده کنند، اما با رقابت جدید از ناحیه شرکت‌های بین‌المللی مواجه خواهند شد که شروع به بررسی شرایط ایران هم به عنوان یک بازار و هم به عنوان یک جایگاه تولید، کرده‌اند. شرکت‌های ایرانی ممکن است پشت تعرفه‌ها و دیگر موانع حمایتی پنهان شوند. اما این موضوع تنها تلاش مورد نیاز برای افزایش کیفیت و کارایی را به تعویق می‌اندازد.

شرکت‌های ایرانی برای رقابت باید ساختارهای هزینه خود را مطابق با شرکت‌های بین‌المللی تنظیم کنند و بهره‌وری نیروی کار و سرمایه را بهبود ببخشند بسیاری از شرکت‌ها برای سال‌ها به تخصص‌های سطح بالا دسترسی نداشته‌اند؛ آنها باید به تجهیزات و دانش جدید دست پیدا کنند. به عنوان مثال در بخش خودرو، شرکت‌ها نیاز به بهبود کیفیت محصولات از طریق سرمایه‌گذاری در تکنولوژی‌ها و امکانات جدید دارند و در غیر این صورت با ریسک از دست دادن بازار مواجه خواهند شد. برخی شرکت‌ها می‌توانند از طریق مشارکت با بنگاه‌های بین‌المللی وضعیت خود را

بهبود بخشند و برای این کار باید خود را با شرایط این بنگاه‌ها انطباق دهند. با وجود رقابت بیشتر، حفظ استعدادها بسیار دشوارتر خواهد بود؛ تقاضا برای کارکنان دارای مهارت‌های مدیریتی قوی و تجربه بین‌المللی، نسبتاً بالا خواهد بود.

شرکت‌های ایرانی برای رقابت در سطح بین‌المللی باید بهره‌وری نیروی انسانی و سرمایه خود را بالا ببرند

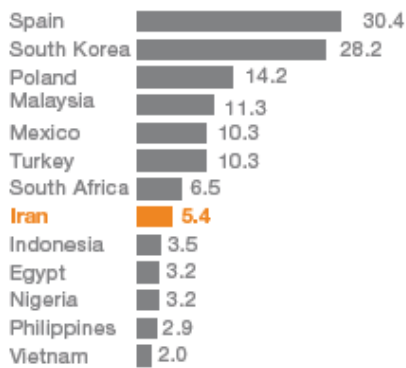
برای شرکت‌های جهانی، ایران نمایانگر فرصت و چالش به صورت همزمان است. شرکت‌هایی که تصمیم می‌گیرند وارد ایران شوند از بازار بزرگ و غیرمتمرکز با فرصت‌های رشد در بسیاری از بخش‌ها، بهره‌مند خواهند شد. اما آنها با کمبود توانایی مدیریت محلی مواجه خواهند شد و باید برای حل آن، چه از طریق آموزش و چه از طریق انتقال دانش، اقدام کنند. محیط عملیاتی در ایران، منحصر به فرد است. برای شرکت‌های بین‌المللی، نااطمینانی در خصوص تأمین مالی، تحریم‌ها و دیگر محدودیت‌ها بر فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و کسب و کارشان وجود دارد. آنها با بازاری روبرو خواهند شد که در آن، کپی رایت و حفاظت از داده‌ها به اندازه‌ای که انتظار دارند، قوی نیست. دولت ایران، تمایل خود را برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی نشان می‌دهد و در واقع اگر این کشور بخواهد پتانسیل‌های رشد خود را محقق نماید، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، حیاتی خواهد بود. بنگاه‌های بین‌المللی می‌توانند از این تمایل به منظور فشار برای تغییراتی استفاده کنند که ایران را قادر به رشد سریع‌تر و تبدیل به مکانی آسان‌تر برای کسب و کار خواهد ساخت.

شاعر بزرگ فارسی زبان قرن چهاردهم (میلادی)، حافظ شیرازی در یکی از غزل‌های مشهور خود درباره ماهیت غیرقابل پیش‌بینی تغییر، هشدار می‌دهد که: «ز انقلاب زمانه عجب مدار که چرخ / از این فسانه هزاران هزار دارد یاد». در این گزارش، ما درباره فرصت ایران برای سرعت بخشیدن به رشد تولید ناخالص داخلی و خلق میلیون‌ها شغل جدید در سال‌های پیش رو بحث می‌کنیم. هنوز گذر ایران به این دوره جدید، غیرقابل پیش‌بینی است و استفاده از این فرصت‌ها مستلزم زمان و تلاشی چشمگیر است. با ارتباط مجدد با اقتصاد جهانی، ایران نیاز به یک نظام مالی نیرومند و رویکردی دقیق به موضوعات پیچیده اقتصاد کلان، همچون سیاست پولی و سیاست نرخ ارز، دارد. بازار نیروی کار نیاز به توجه ویژه دارد تا اطمینان حاصل شود که گروه عظیمی از جوانان ایرانی که بسیاری از آنها فارغ‌التحصیلان دانشگاهی هستند، و در دهه آینده به سن اشتغال می‌رسند، قادر خواهند بود شغلی سودمند پیدا کنند. بانکداری و نظام مالی با عملکرد بالا، باید در آینده همراه با رشد باشند. ایران اگر بخواهد در صحنه جامعه کسب و کار بین‌المللی پیروز شود، باید به مقصدی مطمئن‌تر و جذاب‌تر برای کسب و کار تبدیل شود، و این در حالی است که دولت برای دستیابی به رشد سریع، به تأمین بخش قابل توجهی از سرمایه‌گذاری سنگین مورد نیاز، توسط جامعه کسب و کار بین‌المللی، نیازمند است. در تمام این موضوعات، نشانه‌هایی وجود دارد که دولت ایران در حال حرکت برای پرداختن به این موضوعات، تقویت نهادها، و تضمین محیط تنظیمی بهتر است. سرعت انجام این کارها نقشی تعیین‌کننده در تسریع توانمندسازی ایران برای ارتباط مجدد و کار با اقتصاد جهانی و شروع تحقق رشد بالقوه دارد.

Macroeconomic indicators, 2014

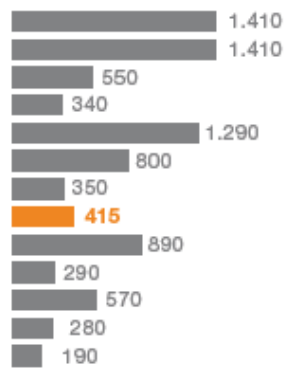
GDP per capita

\$ thousand, nominal



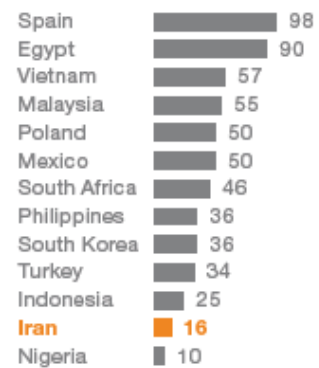
GDP

\$ billion, nominal

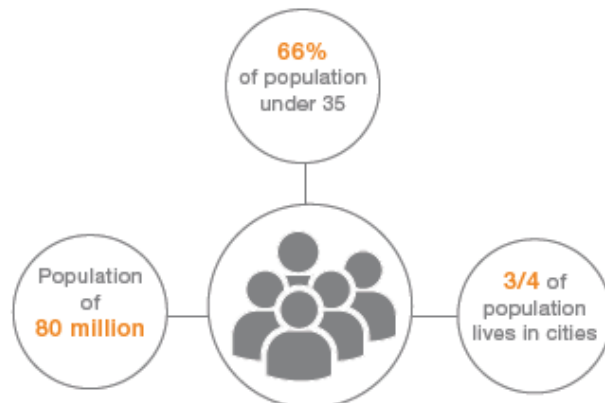
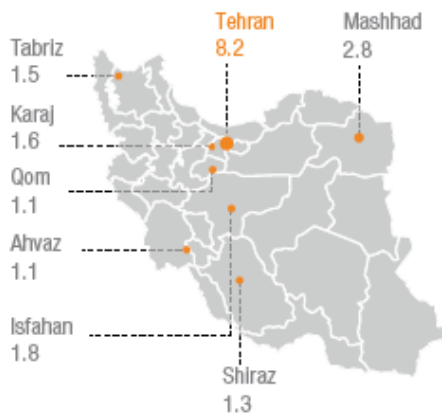


Government debt-to-GDP ratio

% of GDP



8 cities have more than one million inhabitants



¹ In purchasing power parity.

SOURCE: UNCTAD, *World Investment Report 2015*; IMF World Economic Outlook Database, October 2015; McKinsey Global Institute Cityscope; McKinsey Global Institute analysis



۱. شش نقطه قوت اصلی

اقتصاد ایران در سال ۲۰۱۴ با تولید ناخالص داخلی قریب به ۱/۴ تریلیون دلاری بر حسب برابری قدرت خرید، هجدهمین اقتصاد بزرگ دنیا بود. به لحاظ اسمی، تولید ناخالص داخلی ایران برابر ۴۱۵ میلیارد دلار یعنی به اندازه اتریش بود.^{۷۷} ایران دارای ثروتی از منابع و مواهب طبیعی از قبیل بزرگترین ذخایر اثبات شده گاز و چهارمین ذخایر اثبات شده نفت در جهان است، اما در عین حال اقتصاد آن تنوع بالایی دارد. ایران همچنین صاحب ذخایر عظیم معدنی همچون مس و روی و بخش پویای خدمات مانند خرده فروشی، گردشگری، خدمات مالی است، و دارای بخش صنعتی است که سهمی ۱۰ درصدی در ارزش افزوده ناخالص دارد. به عنوان مثال در سال ۲۰۱۴، این کشور معادل ۱۴ میلیارد دلار محصولات پتروشیمی صادر نمود و بخش خودرو بیش از یک میلیون دستگاه وسیله نقلیه تولید نمود.^{۷۸}

تنوع اقتصادی، ایران را قادر به تأمین اکثر نیاز داخلی و مقاومت نسبی در دوره تحریم‌های بین‌المللی نمود. در واقع، در این دوره از جهانی شدن، یکی از ویژگی‌های نامعمول اقتصادی با این حجم، اتکای شدید آن به تولیدکنندگان داخلی کالاها و خدمات، از لوازم آرایش گرفته تا محصولات دارویی و تجهیزات الکترونیک، است. در حالی که برندهای بین‌المللی به خصوص در کالاهای مصرفی در ایران در دسترس هستند، اما بسیاری از حجم مصرف مربوط به تولیدات ایرانی است که در عوض صادرات چندانی ندارند.

یکی از ویژگی‌های نامتعارف اقتصادی با این حجم، تکیه زیاد آن به تولیدات داخلی در طیف وسیعی از کالاها و خدمات، از لوازم آرایشی گرفته تا تجهیزات الکترونیکی است

وضعیت و ساختار فعلی اقتصاد ایران می‌تواند نشانگر پتانسیل آن باشد، اما این تنها یک نقطه آغاز است. مطالعات مؤسسه جهانی مکنزی و دیگر تحقیقات بیان می‌دارند که برخی عواملی که ارتباط مستقیم کمتری با کارکرد اقتصادی دارند هم می‌توانند از اهمیت یکسانی برخوردار باشند. به عنوان مثال، میزان شهرنشینی یا ساختار جمعیتی یک کشور می‌تواند نشانگر پتانسیل رشد باشد و شاخص‌های دیگری همچون سرمایه انسانی مانند سطح آموزشی، یا آزادی اقتصاد و موقعیت جغرافیایی در ارتباط با جریان‌های جهانی کالاها، افراد و سرمایه، نیز می‌توانند این چنین باشند.

^{۷۷} پایگاه داده برنامه مقایسه بین‌المللی بانک جهانی.

^{۷۸} گزارش پتروشیمی ایران، مؤسسه بین‌المللی بیزنس مانتور، مه ۲۰۱۵؛ سازمان بین‌المللی تولیدکنندگان وسایل نقلیه موتوری (OICA)، ۲۰۱۴.

در این فصل، به شش نقطه قوت اصلی اقتصاد ایران نگاهی خواهیم داشت. اگر ایران بتواند اقتصاد خود را برای غلبه بر چالش‌های فراوان پیش رو اصلاح نماید، این شش مؤلفه می‌توانند به مبانی قوی برای رشد و رونق آینده تبدیل شوند.

متنوع: اقتصاد ایران، بسیار فراتر از نفت و گاز است

ایران دارای بزرگترین ذخایر اثبات‌شده گاز و چهارمین ذخایر اثبات‌شده نفت در جهان است.^{۷۹} اینها دارایی‌های اصلی هستند که باعث رشد اقتصاد در کوتاه‌مدت و میان‌مدت می‌گردند. میادین نفتی و گازی ایران، کمترین هزینه را در میان کشورهای تولیدکننده نفت و گاز دارند؛ به گونه‌ای که میانگین هزینه عملیاتی آنها کمتر از نصف روسیه است.^{۸۰} علیرغم فراوانی ذخایر گاز طبیعی، میادین گازی ایران به دلیل ناکافی بودن سرمایه‌گذاری و دانش، توسعه یافته نیستند و زیرساخت‌های صادراتی محدودی دارند. یکی از اولویت‌های برنامه پنج ساله ۲۰۱۶-۲۱ دولت ایران، افزایش ارزش افزوده در صنعت نفت و گاز، به خصوص در محصولات پایین دست، و بهبود نرخ بازیابی است.^{۸۱}

تجارت خرده‌فروشی، املاک، ساختمان و خدمات حرفه‌ای مجموعاً سهم بزرگتری از اقتصاد را نسبت به نفت و گاز تشکیل می‌دهند.

در عین حال، اقتصاد ایران کمترین وابستگی را به نفت خام و گاز در میان کشورهای عمده تولیدکننده نفت در خاورمیانه دارد. در واقع در سال ۲۰۱۴ درآمد دولت ایران از نفت و گاز کمتر از درآمد مالیاتی آن بود.^{۸۲} در همان سال، تنها ۲۳ درصد از ارزش افزوده ناخالص ایران ناشی از نفت و گاز بود.^{۸۳} این رقم با ۳۰ درصد در امارات متحده عربی، ۵۰ درصد در کویت و ۵۱ درصد در قطر مقایسه می‌گردد.^{۸۴} تحریم‌های بین‌المللی و سقوط قیمت نفت، که از نیمه سال ۲۰۱۴ حدود ۷۰ درصد کاهش یافت و سپس تا حدی جبران شد، تا اندازه‌ای این سطح نسبتاً پایین وابستگی را توضیح می‌دهند؛ در سال ۲۰۰۰ از لحاظ درصد از ارزش افزوده واقعی، اهمیت نفت برای اقتصاد ایران دو برابر میزان کنونی بود.^{۸۵}

^{۷۹} بررسی آماری انرژی جهانی، بریتیش پترولیوم، ژوئن ۲۰۱۵.

^{۸۰} اطلاعات انرژی مکنزی.

^{۸۱} «هدفگذاری رشد ۸ درصدی برای برنامه پنج ساله توسعه ششم»، فایننشال تریبون (Financial Tribune)، ۲ ژوئیه ۲۰۱۵.

^{۸۲} «برای اولین بار طی ۵۰ سال گذشته، درآمد مالیاتی ایران بیشتر از درآمد نفتی آن شد»، گاردین، ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۵.

^{۸۳} ارزش افزوده، برابر کل فروش منهای هزینه‌های خرید نهاده‌ها و هزینه‌های عملیاتی مورد نیاز تولید است.

^{۸۴} آی‌اچ‌اِس.

^{۸۵} همان.

اقتصاد ایران، متنوع است؛ تجارت خرده‌فروشی در کنار املاک و مستغلات، ساختمان و خدمات حرفه‌ای، سهم بیشتری در اقتصاد نسبت به نفت و گاز دارند (شکل ۱). در واقع، جدا کردن نفت و گاز تصویری دقیق‌تر از تاب‌آوری (یا مقاومت) اقتصاد^{۸۶} ایران ارائه می‌کند. در حالی که کل اقتصاد از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ سالانه ۱/۱ درصد کوچک شده، اما بخش نفت و گاز سالانه ۳ درصد منقبض شد و این در حالی است که بخش‌های دیگر غیر از نفت و گاز تنها سالانه ۰/۴ درصد کاهش داشتند.^{۸۷}

بیش از ۲۰ شرکت ایرانی فروش بالای ۵ میلیارد دلار دارند و تنها ۶ شرکت از میان آنها، بنگاه‌های نفت و گاز هستند.^{۸۸} به عنوان بخشی از برنامه‌های اقتصادی خود، دولت ایران به دنبال تقویت صنعت از طریق ترغیب آن به استفاده از تکنولوژی‌های مدرن، اولویت‌گذاری عرضه مواد خام به صنایع، و ایجاد استانداردها و گواهی‌های کیفیت برای تمام محصولات داخلی است. دولت بخش‌های راهبردی مختلف از قبیل نفت و گاز، پتروشیمی، حمل و نقل، مواد پیشرفته، ساختمان، فناوری اطلاعات و ارتباطات (فناوری اطلاعات و ارتباطات)، بخش هوافضا، بخش دریایی، کشاورزی و آب را شناسایی نموده است.^{۸۹}

بخش خودروی ایران به عنوان بزرگترین در منطقه، ۶۰ درصد از صنعت خودروی ترکیه بزرگ‌تر است و حدود ۹۰ درصد از خودروهای فروخته‌شده در ایران را تولید می‌کند که از آن جمله، مدل‌های پژو و رنو هستند که تحت لیسانس تولید می‌شوند.^{۹۰} بخش پتروشیمی، دهمین بخش پتروشیمی بزرگ دنیا، طی ۵ سال گذشته دارای رشد دورقمی بوده است.^{۹۱}

ایران یک صادرکننده خالص برق به همسایه‌های خود است و دارای معادن غنی از جمله ذخایر عظیم مس، سرب و روی است. این کشور همچنین یکی از بخش‌های کشاورزی پیشرو در جهان را دارد. این بخش بیشتر به خاطر پسته، زعفران -ملقب به طلای سرخ به دلیل قیمت آن- و البته خاویار شناخته می‌شود. بخش کشاورزی ایران همچنین طیف وسیعی از محصولات کشاورزی را تولید می‌کند و در میان ۵ تولیدکننده برتر بادمجان، پیاز و میوه‌هایی مانند به، انجیر و هندوانه قرار دارد.

^{۸۶} Economic resilience

^{۸۷} همان

^{۸۸} مؤسسه مدیریت صنعتی.

^{۸۹} «هدفگذاری رشد ۸ درصدی برای برنامه پنج ساله توسعه ششم»، فایننشال تریبون (Financial Tribune)، ۲ ژوئیه ۲۰۱۵.

^{۹۰} سازمان بین‌المللی سازندگان وسایل نقلیه موتوری (OICA)؛ خدمات صنعتی جهانی آی اچ اس، ۲۰۱۴

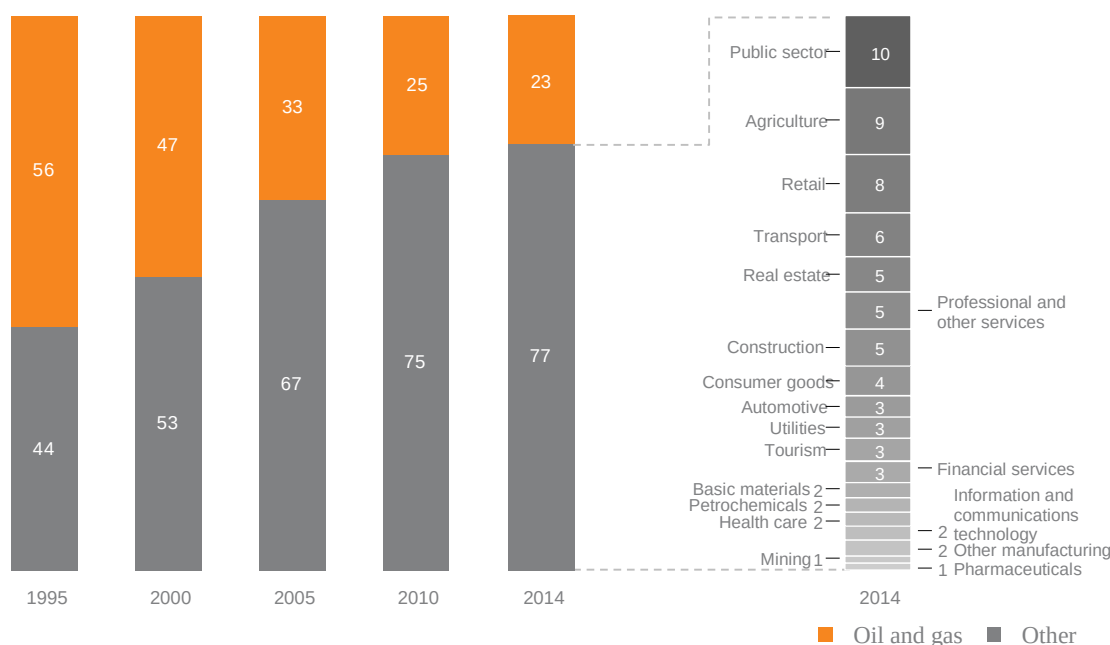
^{۹۱} پایگاه داده عرضه و تقاضا ICIS

سطح اراضی قابل کشت ایران بیشتر از اسپانیا و آفریقای جنوبی است.^{۹۲} برای تداوم موفقیت در کشاورزی، ایران باید به چالش‌هایی همچون خشکسالی، جنگل‌زدایی و دیگر مسائل زیست محیطی توجه داشته باشد.

شکل ۱

ایران اقتصاد متنوعی فراتر از نفت و گاز دارد

Sectoral contribution to Iran's total gross value added¹
%



¹ Gross value added (GVA) plus taxes minus subsidies equals GDP; at the sector level, GVA is used in place of GDP.

SOURCE: IHS Global Insight; McKinsey Global Institute analysis

بانک‌های ایرانی بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار دارایی دارند. این از نظر حجم قابل مقایسه با بخش بانکی امارات متحده عربی است اما از بانک‌های ترکیه کمتر است که بیش از ۸۰۰ میلیارد دلار دارایی دارند. تمام دارایی‌های بانکی ایران منطبق بر شریعت اسلام هستند که این بخش را به بزرگترین نظام بانکداری اسلامی در دنیا تبدیل می‌کند.^{۹۳} بانک‌های ایرانی دارای سودآوری نسبتاً پایین و نرخ بالای

^{۹۲} سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد، ۲۰۱۳، م. قربانی، «اقتصاد زعفران در ایران»، در دومین سمپوزیوم بین‌المللی بیولوژی و تکنولوژی زعفران، ISHS Acta Horticulturae ۳۷۹، آوریل ۲۰۰۷؛ س. الوانی، امهدی خانی و ح. روحانی، «رکوردهای جدید Boleodorus Thorne، ۱۹۴۱ از Berberis vulgaris L. در ایران»، مجله نماتولوژی پاکستان، جلد ۳۱، شماره ۱، ۲۰۱۳.

^{۹۳} «مؤسسات مالی اسلامی برتر در سال ۲۰۱۴»، بنکر، نوامبر ۲۰۱۴.

تسهیلات غیرجاری هستند؛ دو سوم بانک‌ها، دولتی یا نیمه‌خصوصی هستند. اما بانک‌های خصوصی مانند بانک سامان و بانک خاورمیانه با سرعت بیشتری نسبت به رقبای دولتی خود رشد می‌کنند.^{۹۴}

ایران دارای بخش خدمات پویایی است؛ به عنوان مثال بخش خرده‌فروشی بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۴ سالانه ۷ درصد رشد داشت.^{۹۵} میانگین مخارج خرده‌فروشی اسمی هر خانوار پس از مالیات، حدود ۵۵۰۰ دلار در سال است که با آفریقای جنوبی برابری می‌کند اما از ترکیه، مالزی و مکزیک کمتر است.^{۹۶} در گردشگری، ایران سالانه حدود ۴/۴ میلیون گردشگر بین‌المللی جذب می‌کند که اصولاً گردشگران مذهبی به مقصد مشهد هستند.^{۹۷} البته ایران می‌تواند انواع دیگر گردشگران را نیز برای اماکن تاریخی و معماری خود از جمله در اصفهان به خاطر معماری تاریخی و زیبای آن جذب نماید. تفریحگاه‌های کوهستانی ایران در برخی موارد مرتفع‌تر از تفریحگاه‌های آلپ هستند و اگر امکانات و هتل‌های آنها به استانداردهای بین‌المللی نزدیک شوند می‌توانند به تفریحگاه اسکی‌بازان و اسنوبوردکاران تبدیل شوند.

معاملات تجاری بین‌المللی اخیر، این تنوع را منعکس کرده است. از میان ۲۲۰ معامله در نتیجه توافق هسته‌ای، بیش از ۷۵ درصد آنها در بخش‌هایی غیر از نفت و گاز هستند. شرکت ایرباس بیش از ۱۰۰ هواپیما به ارزش بیشتر از ۲۵ میلیارد دلار به وزارت راه ایران فروخت. فرووی دلو استاتو^{۹۸} ایتالیا توافقی را برای ساخت دو خط آهن پرسرعت در ایران امضا نموده است. در محصولات شیمیایی، شرکت ب‌آ‌اس اف^{۹۹} آلمان برنامه دارد که ۴ میلیارد دلار در پتروشیمی سرمایه‌گذاری کند و گروه دانیلی^{۱۰۰} توافقی را به ارزش بیش از ۶ میلیارد دلار برای تولید فولاد در ایران امضا کرده است.

تحصیل کرده: ایران به اندازه ایالات متحده، مهندس تربیت می‌کند

هزار سال پیش یک دانشمند ایرانی به نام ابن سینا (که در لاتین به عنوان آویسینا شناخته می‌شود) کتاب «شفا» را نوشت که به متن پزشکی معیار دانشگاه‌های قرون وسطی برای تقریباً ۷ قرن تبدیل شد. این رویه علمی امروز نیز ادامه دارد: ۳۶ درصد از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی ایران در سال ۲۰۱۳

^{۹۴} گزارش بانکداری تجاری ایران، بانک ملی ایران، بهار ۲۰۱۶.

^{۹۵} داده‌های خرده‌فروشی یورومانیتر. این شامل به طور میانگین سالانه ۶ درصد رشد برای خرده‌فروشان خواروبار و ۸ درصد برای غیرخواروبار است.

^{۹۶} همان.

^{۹۷} خلاصه آمارهای گردشگری سازمان گردشگری جهانی سازمان ملل متحد

^{۹۸} Ferrovie dello Stato

^{۹۹} BASF

^{۱۰۰} Danieli

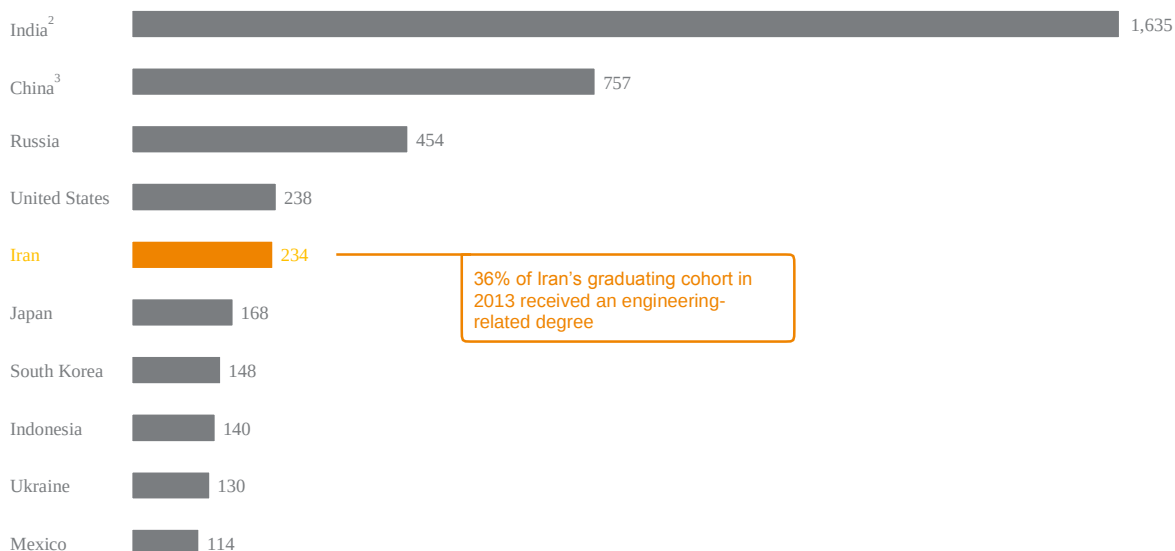
مدرک مهندسی دریافت نموده‌اند.^{۱۱} این آمار، ایران را در میان ۵ کشور اول دنیا از لحاظ تعداد فارغ‌التحصیلان رشته‌های مهندسی در هر سال قرار می‌دهد و این تقریباً هم‌تراز با ایالات متحده آمریکا و بالاتر از ژاپن و کره جنوبی است (شکل ۲).^{۱۲} دو دانشگاه ایرانی در فهرست شانگهای از مؤسسات دانشگاهی جهانی پیشرو، رتبه‌بندی می‌شوند. در مقام مقایسه، تنها یک دانشگاه از هند در این فهرست وجود دارد. ایران همچنین دارای سریع‌ترین رشد علمی در دنیا است که با معیار تعداد مقالات چاپ‌شده در نشریات بین‌المللی سنجیده می‌شود.^{۱۳}

تعداد فارغ‌التحصیلان مهندسی ایران در هر سال برابر ایالات متحده و تقریباً یک چهارم میلیون نفر است.

شکل ۲

سالانه تقریباً ۲۵۰ هزار مهندس از دانشگاه‌های ایران فارغ‌التحصیل می‌شوند

Number of graduates in engineering-related degrees, 2013¹ Thousand



¹ Engineering, manufacturing, and construction fields of study, except for India and China (see below).

² India figures based on 2013 intake figures, for engineering only.

³ China figures based on 2012 graduates in materials science, mechanical engineering, instrument and meter, electronics and information, civil engineering and agriculture, hydraulics, survey and measure, chemical engineering and pharmaceuticals, transportation, light industry, textiles and food, aeronautics and astronautics, weaponry, engineering mechanics, and biotechnology.

SOURCE: UNESCO Institute for Statistics; government statistics for India and China; McKinsey Global Institute analysis

^{۱۱} مؤسسه آماری یونسکو. رشته‌های مرتبط با مهندسی شامل مهندسی، تولید و ساخت است.

^{۱۲} مؤسسه آماری یونسکو؛ آمارهای دولتی، وزارت آموزش، جمهوری خلق چین.

^{۱۳} شاخص‌های علمی و مهندسی ۲۰۱۴، بنیاد ملی علوم، فوریه ۲۰۱۴.

به عنوان درصدی از جمعیت، ایران یکی از بالاترین سطوح مشارکت در آموزش عالی را در جهان دارد و از این لحاظ بالاتر از انگلستان، فرانسه و آلمان قرار دارد و فاصله کمی با فنلاند برای قرار گرفتن در ده رتبه برتر دارد.^{۱۰۴} سهم ایرانیان دارای نوعی از تحصیلات دانشگاهی بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ بیش از دو برابر شده است، اما این تا حدی به دلیل آغاز به کار نظام دانشگاهی نیمه وقت و از راه دور بود که می‌تواند منجر به کاهش کیفیت گردد.^{۱۰۵} در حال حاضر نرخ باسوادی در میان سنین ۱۵ تا ۲۴ سال، ۹۸ درصد است که بالاتر از میانگین جهانی و همسطح اکثر کشورهای توسعه یافته است. در آزمون‌های بین‌المللی ریاضی تیمز^{۱۰۶} (مطالعه بین‌المللی روند آموزش ریاضیات و علوم) میانگین امتیازات دانش‌آموزان ایرانی پایه چهارم ابتدایی از سال ۱۹۹۵ به طور پیوسته افزایش داشته است، اگرچه هنوز از همتایان خود در اروپا و ایالات متحده عقب هستند.^{۱۰۷}

در کشورهای دیگر به خصوص هند و چین و البته ژاپن، کره جنوبی و کشورهای اروپای شرقی، شاهد این بوده‌ایم که نیروی کار دارای دانش فنی اگر استعدادش کشف شود و در مشاغل متناسب به کار گرفته شود با چه سرعتی می‌تواند ثروت و اشتغال ایجاد کند. در هند، صادرات خدمات فناوری اطلاعات و ارتباطات در حال حاضر ۶۶ درصد صادرات خدمات این کشور را شامل می‌شود.^{۱۰۸} بر اساس برنامه پنج‌ساله توسعه ۲۰۱۱-۲۰۱۶ نیز فناوری اطلاعات و ارتباطات یک اولویت اصلی برای دولت ایران است.

در حال حاضر، به نظر می‌رسد ایران در آموزش جوانان بهتر از اشتغال آنان عمل می‌کند. بیکاری جوانان از سال ۲۰۰۷ به طور پیوسته افزایش یافته و به ۳۰ درصد رسیده است.^{۱۰۹} بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶، اقتصاد ایران حدود ۶ میلیون شغل ایجاد نمود اما با این وجود باز هم نرخ بیکاری جوانان افزایش یافت و این تا حدودی به دلیل موج ورود متولدین دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به بازار کار بود که دولت قادر به ایجاد مشاغل کافی برای پشتیبانی از این موج جدید نبود. از سال ۲۰۰۶ تاکنون حدود نیم میلیون شغل ایجاد شده است که تقریباً برابر تعداد دانشجویانی است که تنها در سال ۲۰۱۳

^{۱۰۴} ثبت نام آموزش عالی بانک جهانی.

^{۱۰۵} جواد صالحی اصفهانی، آینده بازار کار ایران: جمعیت و آموزش، مؤسسه لگاتوم، سپتامبر ۲۰۱۳.

106 TIMSS

^{۱۰۷} مطالعه بین‌المللی روند آموزش ریاضیات و علوم، اتحادیه بین‌المللی ارزیابی موفقیت‌های آموزشی، ۲۰۱۱.

^{۱۰۸} شاخص‌های توسعه جهانی، بانک جهانی، ۲۰۱۵.

^{۱۰۹} همان.

فارغ التحصیل شدند.^{۱۱۰} فارغ التحصیلان جدید ایرانی معمولاً فاقد مهارت‌های مورد نظر کارفرمایان هستند، که اکثراً مهارت‌های کسب و کار و مدیریتی است.

دشواری یافتن شغل مناسب در داخل کشور، باعث مهاجرت بهترین و باهوش‌ترین دانشجویان ایران به خارج از کشور برای ادامه تحصیل یا اشتغال می‌گردد. میزان فرار مغزها، نامعلوم است، زیرا از سال ۱۹۹۹ که صندوق بین‌المللی پول در مطالعه‌ای دریافت که سهم جمعیت ایرانی دارای تحصیلات عالی ساکن در کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^{۱۱۱} حدود ۲۵ درصد بود، مطالعه مستقلی در این خصوص صورت نگرفته است.^{۱۱۲} اما شواهد داستان‌گونه کافی، از جمله حضور هزاران دانشجوی ایرانی در دانشگاه‌های ایالات متحده، موجود است که چنین پدیده‌ای وجود دارد.

یکی از افرادی که ایران را ترک نمود، مریم میرزاخانی، اولین زنی است که در سال ۲۰۱۴ موفق به کسب نشان فیلدز، معتبرترین جایزه جهانی ریاضیات، گردید. وی پس از تکمیل دوره کارشناسی در دانشگاه صنعتی شریف در تهران، به دانشگاه هاروارد و سپس استنفورد رفت. بروس ای وولی رئیس سابق دپارتمان مهندسی الکترونیک استنفورد، دانشگاه صنعتی شریف را به صورت «بی‌شک بهترین دانشگاه جهان» برای آماده‌سازی دانشجویان مهندسی الکترونیک توصیف می‌کند.^{۱۱۳}

بسیاری از دانشجویان تحصیل کرده در خارج تصمیم می‌گیرند که به کشور بازگردند. تقریباً دو سوم اعضای کابینه فعلی دولت ایران دارای مدرک دکترای تخصصی (PhD) هستند، که شش نفر از آنها مدارک خود را از دانشگاه‌های غربی از جمله سه نفر از ایالات متحده: مؤسسه تکنولوژی ماساچوست، دانشگاه جورج واشنگتن و دانشگاه دنور دریافت کرده‌اند. در مقام مقایسه، تنها دو نفر از اعضای کابینه‌ی باراک اوباما دارای مدرک PhD و ده نفر دارای مدرک دکترای حقوق (JD) هستند.

طبقه مصرف‌کننده رو به رشد: بیش از نیمی از خانوارهای ایرانی درآمد سالانه‌ای بالاتر از ۲۰ هزار دلار دارند

از برزیل تا تایلند، یکی از نشانگرهای مهم رشد اقتصادی سریع در اقتصادهای در حال ظهور، افزایش طبقه مصرف‌کننده با قدرت خرید بیش از پیش و انتظارات همراه آن است. ایران، از این مصرف‌کنندگان به میزان فراوان دارد.

^{۱۱۰} گزارش سرمایه انسانی، مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۵.

^{۱۱۱} OECD

^{۱۱۲} ویلیام جی. کارینگتون و انریکا دتراجیاچه، «فرار مغزها چقدر شدید است؟» مالی و توسعه، شماره ۲، ژوئن ۱۹۹۹.

^{۱۱۳} «موفقیت شگفت‌انگیز دانشگاه‌های ایران»، نیوزویک، ۸ اوت ۲۰۰۸.

حدود ۵۶ درصد از خانوارهای ایرانی در حال حاضر درآمد سالانه بالای ۲۰ هزار دلار دارند، یعنی سطحی که ما آن را خانوار مصرف‌کننده تعریف می‌کنیم.^{۱۱۴} نسبت فعلی خانوارهای مصرف‌کننده، دو برابر این نسبت در چین (۲۴ درصد) و هند (۲۱ درصد) است. از میان کشورهای BRIC یعنی برزیل، روسیه، هند و چین، تنها روسیه است که با ۵۵ درصد خانوار با درآمد بالای ۲۰۰۰۰ دلار، هم‌تراز ایران است (شکل ۳).

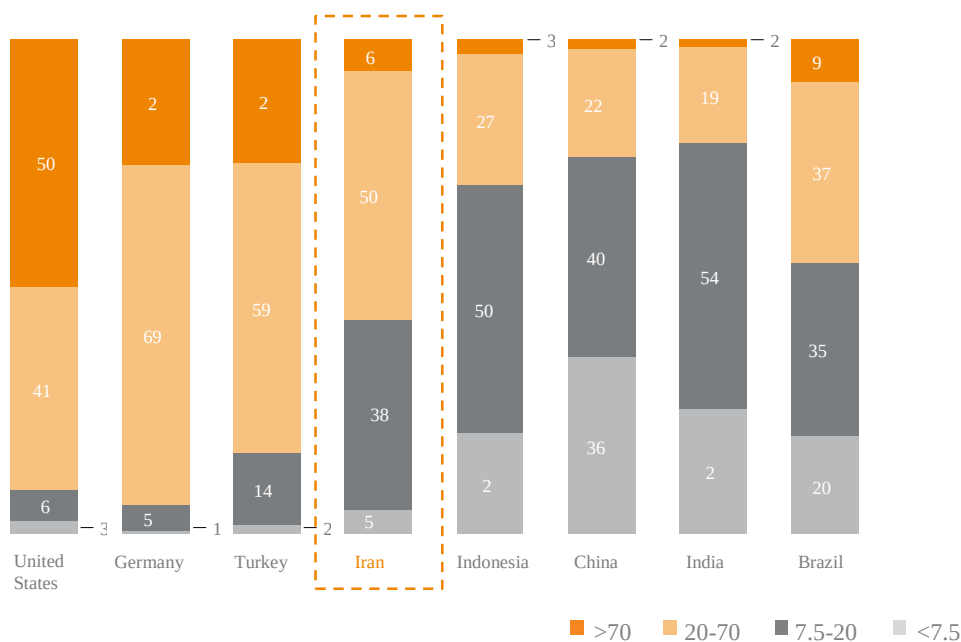
به عنوان نسبتی از جمعیت، تعداد خانوارهای ایرانی با درآمد سالانه بالای ۲۰ هزار دلار، دو برابر چین و هند است.

شکل ۳

درآمد سالانه بیش از نیمی از خانوارهای ایرانی بالای ۲۰۰۰۰ دلار است

Household income distribution, 2015

%



Income categories

\$ Thousand, 2005 purchasing power parity

Note: Numbers may not sum due to rounding

SOURCE: McKinsey Global Institute Cityscope

^{۱۱۴} ارقام بر مبنای برابری قدرت خرید هستند. ما طبقات درآمدی سالانه را بر مبنای برابری قدرت خرید بدین صورت تعریف می‌کنیم: خانوارهای درگیر مسائل معیشتی با درآمد کمتر از ۷۵۰۰ دلار؛ خانوارهای رو به ترقی از ۷۵۰۰ تا ۲۰ هزار دلار؛ خانوارهای مصرف‌کننده از ۲۰ تا ۷۰ هزار؛ و خانوارهای جهانی با درآمد بیش از ۷۰ هزار دلار. برای جزئیات بیشتر نگاه کنید به جهان شهری، ترسیم قدرت اقتصادی شهرها، مؤسسه جهانی مکنزی، مارس ۲۰۱۱.

به طور کلی، الگوهای مصرف ایرانیان، رشد انتظارات طبقه متوسط را نشان می‌دهد. بر اساس پایگاه داده‌های جهت‌یاب رشد جهانی مکنزی^{۱۱۵}، ایران در «منطقه داغ» رشد برای ۴۵ دسته از کالاها، از غذا و نوشیدنی تا پوشاک و لوازم جانبی، آرایشی و بهداشتی، بهداشت منزل، مراقبت از حیوان خانگی و لوازم بهداشتی جزئی، قرار دارد.^{۱۱۶}

شرکت اپل^{۱۱۷} نمی‌تواند محصولات خود را به صورت مستقیم در ایران به فروش برساند، هر چند آیفون^{۱۱۸}، آی‌پد^{۱۱۹} و مک‌بوک^{۱۲۰} به راحتی در تهران در دسترس است. اینها غالباً از طریق دویی وارد می‌شوند که به یک کانون صادرات مجدد به ایران تبدیل شده است و بیش از ۹۰ درصد محصولات الکترونیک فروخته‌شده در تهران را تأمین می‌کند.^{۱۲۱}

با آغاز ارائه خدمات نسل سوم، تقاضای گوشی‌های هوشمند شروع شد که در حال حاضر دارای ضریب نفوذ ۲۶ درصدی و کمی پایین‌تر از ترکیه (۳۰ درصد) است. ضریب نفوذ تلفن همراه با ۱۴۲ خط برای هر ۱۰۰ نفر، بیشتر از ۱۳۴ در آلمان و ۱۲۵ در ایالات متحده است.^{۱۲۲} برای ارتقای ضریب نفوذ پهن‌بند همراه، دولت و رگولاتوری‌های ارتباطات راه دور، یک سقف با قیمت پایین را برای داده همراه تعیین کرده‌اند اما شرکت‌هایی که به دنبال تصرف بازار هستند، با قیمت‌هایی بسیار کمتر از این سقف به ارائه خدمات می‌پردازند.

در ایران همچنین کسب و کار مونتاژ وسایل الکترونیک وجود دارد. سامسونگ الکترونیک^{۱۲۳} و ال‌جی تولیدکنندگان اصلی هستند. اکثر رایانه‌ها به طور داخلی مونتاژ می‌شوند.

ایرانیان، مصرف‌کنندگان بزرگ محصولات بهداشتی و زیبایی هستند. برخی از برندهای بین‌المللی مراقبت از پوست مانند داو^{۱۲۴} در ایران تولید می‌شوند اما در حال حاضر اکثر محصولات آرایشی توسط شرکت‌های ایرانی تولید می‌شوند که برخی اوقات، از محصولات موفق شرکت‌های جهانی نمونه‌برداری یا کپی می‌کنند. بازار محصولات زیبایی در ایران، در میان بازارهای برتر جهانی قرار

¹¹⁵ McKinsey's Global Growth Compass

¹¹⁶ جهت‌یاب رشد جهانی مکنزی، نفوذ طبقات مصرف‌کننده اقلام خرد را نسبت به سرانه تولید ناخالص داخلی می‌سنجد.

¹¹⁷ Apple

¹¹⁸ iPhone

¹¹⁹ iPad

¹²⁰ MacBook

¹²¹ گزارش مصرف محصولات الکترونیک ایران، سه ماهه سوم ۲۰۱۵، بانک ملی ایران، ژوئن ۲۰۱۵.

¹²² تحلیل راهبرد، WCIS/Analysys Mason.

¹²³ Samsung Electronics

¹²⁴ Unilever's Dove

دارد. ایران از لحاظ فروش محصولات آرایشی رتبه هفتم و از لحاظ جراحی‌های زیبایی، رتبه دهم دنیا را دارد.^{۱۲۵}

بخش‌های دیگر همچون محصولات مصرفی و آرایشی و بهداشتی نیز در سیطره بازیگران داخلی است. با لغو تحریم‌ها، احتمالاً اینها تغییر می‌کند. به عنوان مثال، برند لوکس پوشاک روبرتو کاوالی^{۱۲۶} در فوریه ۲۰۱۶ یک بوتیک دوطبقه در تهران افتتاح نمود و بنا بر گزارشات، شرکت فرانسوی محصولات آرایشی سفورا^{۱۲۷} نیز برنامه دارد در سال ۲۰۱۶ فروشگاه‌های متعددی در ایران افتتاح نماید.^{۱۲۸} گروه اپیرل^{۱۲۹}، یک خرده‌فروشی زنجیره‌ای جهانی، برنامه‌های خود را برای حضور در ایران در انتهای سال ۲۰۱۷ اعلام نموده است. به طور مشابه، شرکت خرده‌فروشی آلمانی مترو^{۱۳۰} نیز به دنبال افتتاح ۸ فروشگاه بزرگ در ایران است.^{۱۳۱}

نرخ بالای شهرنشینی: تولید ناخالص داخلی تهران بیشتر از ریودوژانیرو است

ایران دارای ۸ شهر با جمعیت بیش از یک میلیون نفر است که بزرگترین آنها یعنی تهران، بیش از ۸ میلیون نفر جمعیت دارد. ایران با نسبت سه چهارم جمعیت شهرنشین، دارای درجه شهرنشینی بیش از دو برابر هند است. این کشور همچنین از این لحاظ بالاتر از کشورهای متعدد اروپایی از جمله ایتالیا، پرتغال، اتریش و ایرلند قرار دارد. این کشور همچنین بسیار بالاتر از چین با سطح شهرنشینی ۵۶ درصد است (شکل ۴).^{۱۳۲}

نسبت جمعیت ساکن در شهرها در ایران بالاتر از بسیاری از کشورهای اروپایی شامل اتریش، ایرلند، ایتالیا و پرتغال است.

تولید ناخالص داخلی تهران از لحاظ برابری قدرت خرید، بیشتر از ریودوژانیرو، ملبورن، برلین، هامبورگ و ژنوا است.^{۱۳۳} تهران همچنین گسترده‌ترین سیستم مترو در خاورمیانه را دارد که کمترین قیمت را در دنیا دارد.

^{۱۲۵} «ایران جدید»، لوپوئن، ۷ آوریل ۲۰۱۶.

^{۱۲۶} Roberto Cavalli

^{۱۲۷} Sephora

^{۱۲۸} «سفورا فرانسه به دنبال افتتاح فروشگاه در ایران در سال آینده»، رویترز، ۳۰ اکتبر ۲۰۱۵.

^{۱۲۹} Apparel

^{۱۳۰} Metro

^{۱۳۱} «گشایش ۸ فروشگاه در ایران توسط مترو آلمان»، شبکه مالی خاورمیانه و شمال آفریقا، ۱۳ آوریل ۲۰۱۶.

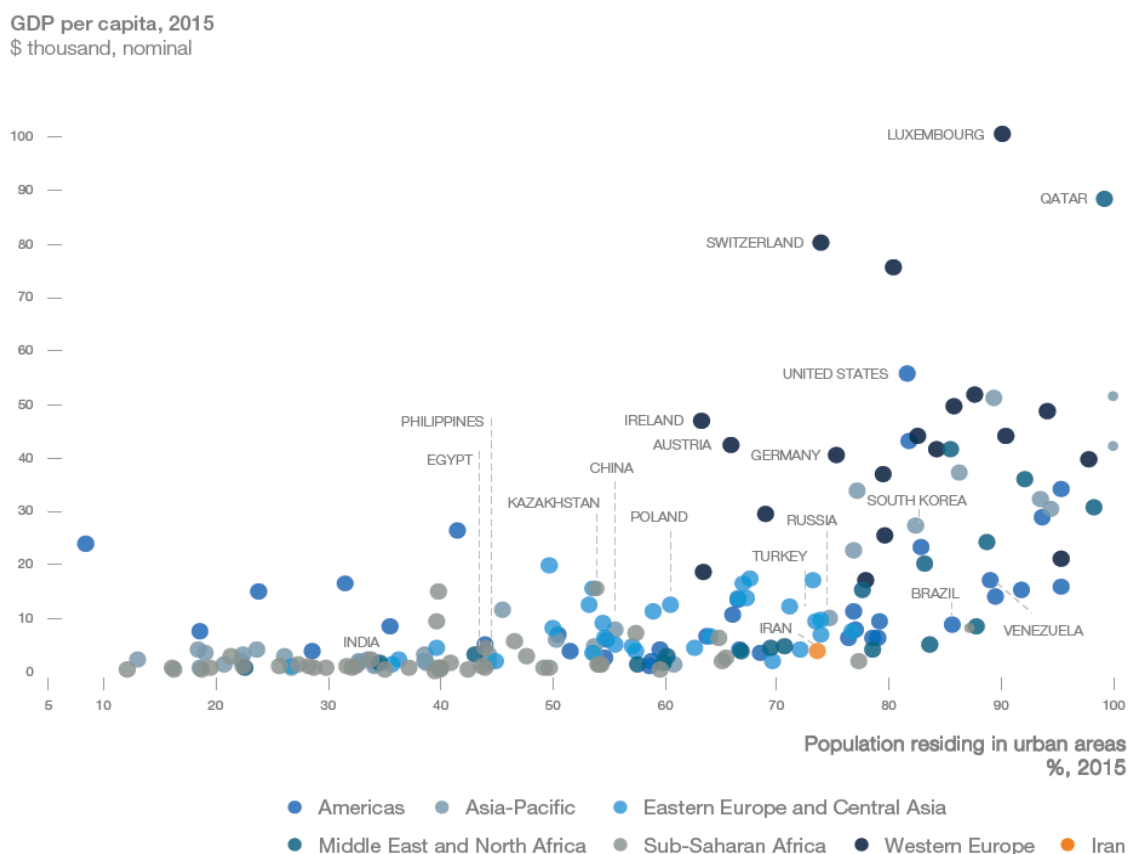
^{۱۳۲} چشم‌اندازهای شهری شدن جهانی، بخش جمعیت سازمان ملل.

^{۱۳۳} Cityscope مؤسسه جهانی مکنزی.

تحقیقات مؤسسه جهانی مکنزی اهمیت شهرهای رو به توسعه را برای رشد اقتصادی نشان داده است، لذا درجه شهرنشینی ایران یک دارایی است.^{۱۳۴} مراکز جمعیتی متراکم، عواید بهره‌وری را از طریق صرفه‌جویی در مقیاس، تخصصی کردن نیروی کار، سرریز دانش، و تجارت ایجاد می‌کنند. در واقع، تحقیقات ما نشان می‌دهد که تراکم شهرنشینی می‌تواند محرک عواید بهره‌وری غیرخطی^{۱۳۵} باشد، زیرا موجب فرصت‌هایی برای تعاملات بیشتر اجتماعی و اقتصادی می‌گردد. به عنوان مثال، سه چهارم شکاف تولید ناخالص داخلی اروپا با ایالات متحده می‌تواند با این واقعیت توضیح داده شود آمریکایی‌های بیشتری در شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند و اینکه حتی شهرهای با اندازه متوسط هم در آمریکا بیشتر از اروپا است.^{۱۳۶}

شکل ۴

درجه شهرنشینی ایران همانند بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته است



SOURCE: IHS Economics; World urbanization prospects 2014 revision, UN, June 2015; McKinsey Global Institute analysis

^{۱۳۴} جهان شهری، ترسیم قدرت اقتصادی شهرها، مؤسسه جهانی مکنزی، مارس ۲۰۱۱.

^{۱۳۵} super-linear productivity

^{۱۳۶} ریچارد دابس، جیمز مانیکا، و جانانان ووتزل، بدون هیچ قطع معمولی: چهار نیروی جهانی تمام روندها را قطع می‌کنند، امور عمومی، ۲۰۱۵.

در ایران، تهران کانون فعالیت اقتصادی است و تولید ناخالص داخلی آن از مجموع تولید ناخالص داخلی چهار شهر بزرگ پس از خود، بیشتر است. اما هر یک از ۷ شهر دیگر با جمعیت بالای یک میلیون نفر، سهمی در توزیع و تنوع بخشی به رشد اقتصادی در سطح کشور دارند. در میان دیگر شهرهای بزرگ، مشهد در شمال شرقی کشور (با ۲/۸ میلیون نفر جمعیت) است که در قدیم یک آبادی در جاده ابریشم بود اما در حال حاضر مقر برخی از واحدهای عمده صنعتی از جمله صنایع خودروسازی است. مشهد با وجود حرم امام رضا (ع) به عنوان یک مقصد زیارتی دارای صنعت گردشگری پر رونق است. اصفهان (با ۱/۸ میلیون نفر جمعیت) نیز به خاطر وجود معماری های مشهور ایرانی، گردشگران را جذب می کند و البته دارای یک پالایشگاه نفت عظیم، واحدهای تولیدی صنایع دستی و بزرگترین مرکز خرید در ایران است. شیراز (با ۱/۳ میلیون نفر جمعیت) که ویرانه های باستانی تخت جمشید و آرامگاه حافظ، شاعر قرن چهاردهم، در آن قرار دارد، مرکز اقتصادی جنوب ایران است و بسیاری از شرکت های الکترونیکی کشور در این شهر مستقر هستند.

درجه شهرنشینی ایران از رتبه جهانی این کشور از لحاظ تولید ناخالص داخلی سرانه پیشی گرفته است و این بیانگر پتانسیل قابل توجه آن برای رشد در آینده است. زیرساخت های شهری و صنعتی ایران از قبیل حمل و نقل بین شهری، با وجود گستردگی آن، نیاز به روزآمدسازی و بهبود کیفیت دارد؛ اگر کشور به دنبال انتفاع کامل از شهرنشینی باشد. برخی مناطق مانند بندر انزلی در دریای خزر و بندر عباس در خلیج فارس، کاملاً مجهز هستند. ضریب نفوذ پهن باند ثابت، در حال اوج گرفتن است: درصد کاربران اینترنت از ۱۹ درصد در سال ۲۰۱۱ به ۳۹ درصد در سال ۲۰۱۴ رسیده است.^{۱۳۷} در شاخص ۲۰۱۵-۱۶ رقابت پذیری مجمع جهانی اقتصاد، ایران پیشرفت های اندکی داشته اما هنوز هم از لحاظ کیفیت زیرساخت ها در رتبه ۸۰ام در بین ۱۴۰ کشور قرار دارد. در حالی که امتیاز ایران برای کیفیت جاده ها (۶۳ام) و راه آهن (۴۵ام) خوب است اما از لحاظ کیفیت زیرساخت های حمل و نقل هوایی (۱۱۸ام) در وضعیت مناسبی قرار ندارد. دولت، راه آهن را اولیتی برای نوین سازی در نظر گرفته و اعلام نموده که برنامه هایی برای شبکه ملی پهن باند پرسرعت دارد.

^{۱۳۷} شاخص های توسعه جهانی، بانک جهانی، ۲۰۱۵.

فرهنگ کارآفرینی: یک فرهنگ کسب و کار با قدمت چندین قرن که هنوز زنده است

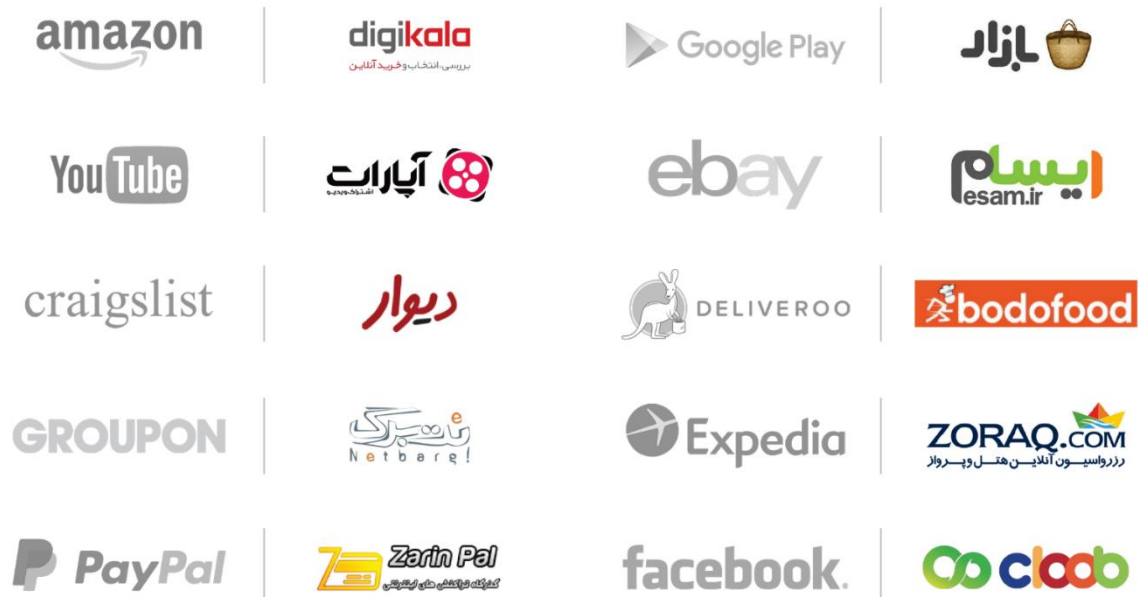
آمازون^{۱۳۸} و اوبر^{۱۳۹} در ایران حضور ندارند زیرا شرکت‌های آمریکایی از فروش در ایران منع شده‌اند. اما این بدین معنی نیست که ایرانی‌ها با محدودیت‌های شدید دیجیتالی مواجه هستند. برعکس، نسخه‌های داخلی ایرانی از تمام این سرویس‌ها ایجاد شده‌اند.

آنها عبارتند از دیوار، کرگ لیست^{۱۴۰} ایرانی؛ ایسام^{۱۴۱} نسخه داخلی ای بی^{۱۴۲} (که خود آن نیز توسط یک ایرانی به وجود آمده)؛ کافه بازار، یک فروشگاه برنامه مانند گوگل پلی و کلوب که همانند فیس‌بوک است. یکی از موفق‌ترین وبگاه‌های دیجیتال، دیجی کالا است که بزرگترین پایگاه تجارت الکترونیک در خاورمیانه است. این وبگاه در سال ۲۰۰۶ تأسیس شد و در حال حاضر ماهانه ۲/۴ میلیون نفر بازدیدکننده منحصر به فرد دارد (شکل ۵).^{۱۴۳}

شکل ۵

کارآفرینان ایرانی، نسخه‌های داخلی سرویس‌های فناوری جهانی را ایجاد نموده‌اند

Example companies



SOURCE: Griffon Capital; Small Media, Iranian internal infrastructure and policy report, July 2014; company websites; McKinsey Global Institute analysis

¹³⁸ Amazon

¹³⁹ Uber

¹⁴⁰ Craigslist

¹⁴¹ Esam

¹⁴² eBay

¹⁴³ پایگاه داده روند رسانه‌ای ComScore

بخش خصوصی کارآفرین در ایران، بسیار بزرگتر از شرکت‌های فناوری مقلد است. این بخش شامل شرکت‌هایی همچون شرکت سرمایه‌گذاری فیروزه، یک بانک سرمایه‌گذاری که ادعا می‌کند بیش از ۹۰ درصد تمام سبدهای سرمایه‌گذاری خارجی در بورس تهران را مدیریت می‌کند، گریفون کپیتال^{۱۴۴} یک بنگاه مدیریت دارایی پیشرو در توسعه صنعت خصوصی ایران، و سیناژن یک تولیدکننده بیودارو در تهران است که تخصص آن، آنتی‌بادی‌های منوکلونال برای انواع گروه‌های خونی است.

این گونه ابتکارات برای فرهنگی که ریشه‌های کارآفرینی و فرهنگ تجاری آن به بیش از دو هزار سال قبل بازمی‌گردد، معمول است. جاده ابریشم از مسیری عبور می‌کرد که امروزه همان ایران است - در اواخر قرن سیزدهم، تاجر ونیزی مارکو پولو، مسحور ثروت و زیبایی آن شده‌بود- و در طی اعصار، تجار ایرانی شهرت جهانی پیدا کردند.

امروزه نیز قوه ابداع و هوش تجاری ایرانیان، جهانی است: بر اساس سرشماری ملی، حداقل ۳ میلیون ایرانی در خارج از ایران زندگی می‌کنند که برخی از آنها کارآفرینان قابل توجهی هستند. اینها عبارتند از پیر امیدیار، مؤسس ایرانی متولد فرانسه ای بی (ثروت خالص: ۸ میلیارد دلار)؛ امید کردستانی، مدیر سابق تجاری گوگل^{۱۴۵} (۱/۹ میلیارد دلار)؛ فرهاد مشیری، یک سرمایه‌گذار که از سهامداران تیم فوتبال اورتون انگلستان است (۱/۳ میلیارد دلار)؛ و آرش فردوسی، همکار مؤسس دراپ‌باکس (۰/۵ میلیارد دلار).^{۱۴۶}

فرهنگ کارآفرینی یک دارایی چشمگیر خواهد بود. تحقیقات گسترده، نقش حیاتی بنگاه‌های کوچک و متوسط را در ایجاد شغل نشان می‌دهند. به عنوان مثال در ایالات متحده، بنگاه‌های با کمتر از ۵۰۰ کارکن تقریباً دو سوم تمام شغل‌های جدید را ایجاد می‌کنند، و به طور نامتناسبی به ابداعات و ابتکارات کمک می‌کنند، به گونه‌ای که تعداد ثبت اختراعات به ازای هر کارمند، توسط این شرکت‌ها ۱۳ برابر شرکت‌های بزرگ است.^{۱۴۷}

در ایران، یک نشانه از تاریخ طولانی و فرهنگ کسب و کار، تصور کارآفرینان است: بر اساس آمار دیده‌بان جهانی کارآفرینی، کارآفرینان ایرانی هم‌تراز با آمریکایی‌ها بوده و در موقعیت بهتری نسبت به فرانسه قرار دارند.^{۱۴۸}

¹⁴⁴ Griffon Capital

¹⁴⁵ Google

¹⁴⁶ جزئیات خالص ثروت از فوربس.

¹⁴⁷ راه اندازی مجدد موتور رشد کسب و کارهای خرد در ایالات متحده، مکنزی و شرکت، نوامبر ۲۰۱۲.

¹⁴⁸ گزارش جهانی ۲۰۱۴، دیده‌بان جهانی کارآفرینی، ۲۰۱۵.

کارآفرینان در ایران از جایگاه برتری نسبت به همتایان خود در فرانسه برخوردار بوده و همتراز این افراد در ایالات متحده هستند.

بخش خصوصی و سازمان‌های غیردولتی در سال‌های اخیر به واسطه خصوصی‌سازی بنگاه‌های تحت مالکیت دولت، فضای کار بیشتری پیدا کرده‌اند و تمام مقررات اعمال‌شده بر آنها، لزوماً محدودکننده نیستند. بر اساس داده‌های بانک جهانی، شروع یک کسب و کار در ایران به عنوان درصدی از درآمد سرانه ملی، تنها یک ششم ترکیه هزینه دارد. ایران همچنین امتیاز نسبتاً بالایی در خصوص اجرای قراردادها دارد. اما به طور کلی، در رتبه‌بندی سهولت کسب و کار بانک جهانی، ایران در جایگاه ۱۱۸ام در میان ۱۸۹ کشور قرار دارد و امتیازات آن در برخی موضوعات از قبیل ثبت دارایی، حمایت از سرمایه‌گذاران اقلیت و ورشکستگی، بسیار ضعیف است.^{۱۴۹}

موقعیت جغرافیایی: ایران می‌تواند مجدداً به کانون تجارت منطقه‌ای تبدیل شود

ایران که در شمال تا ارمنستان یا ترکمنستان و در جنوب تا خلیج فارس گسترده است، با طولی به اندازه فاصله ایالت نیوجرسی تا میانه مکزیک، هجدهمین کشور بزرگ دنیا از لحاظ وسعت است. اندازه و موقعیت این کشور، به صورت تاریخی آن را به توقفگاه مهم در مسیرهای تجاری شرق-غرب و شمال-جنوب تبدیل نموده است. همین خصوصیات می‌تواند به ایران فرصت تبدیل به کانون منطقه‌ای برای تجارت، مرکز تجارت گسترده و یک مقصد گردشگری جذاب را بدهد.

ایران با ۷ کشور مرز خاکی دارد که مجموعاً ۴۳۰ میلیون نفر جمعیت و ۴۰ میلیون خانوار مصرف‌کننده دارند که پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۵ سالانه ۵/۲ درصد رشد نمایند.^{۱۵۰} مؤسسه جهانی مکنزی پیش‌بینی می‌کند که در سال ۲۰۲۵، مرکز ثقل اقتصادی دنیا روی مرز هند و چین باشد و این باعث ایجاد این پتانسیل برای ایران می‌گردد که به عنوان یک رابط بین شرق و غرب عمل نماید.^{۱۵۱} ایران همچنین دارای موقعیت مناسب برای تجارت منابع طبیعی است. در جنوب، مرزهای آبی ایران شامل خلیج فارس و تنگه هرمز است که یک مسیر حیاتی برای حمل و نقل نفت خام است.

الگوی تجارت ایران به طور محسوسی تغییر یافته است. در حال حاضر، شریک شماره یک ایران، کشور چین است که به تنهایی سهمی حدود ۴۰ درصدی از تجارت ایران دارد.

^{۱۴۹} شاخص کسب و کار ۲۰۱۶: سنجش کیفیت و کارایی قانونگذاری، بانک جهانی، اکتبر ۲۰۱۵.

^{۱۵۰} Cityscope مؤسسه جهانی مکنزی.

^{۱۵۱} دنی کوآ، «تغییر مرکز گرانث اقتصاد جهانی»، سیاست جهانی، نسخه ۱، ژانویه ۲۰۱۱؛ ریچارد دابس، جیمز مانیکا، و جانانان ووترل، بدون هیچ قطع معمولی: چهار نیروی جهانی تمام روندها را قطع می‌کنند، امور عمومی، ۲۰۱۵.

برای تحقق بخشیدن به پتانسیل تبدیل به یک کانون تجاری، ایران باید زیرساخت‌های نسبتاً خوب حمل و نقل داخلی خود را به روزرسانی کرده و آنها را به کشورها و مناطق همسایه متصل کند. در حال حاضر هم برنامه‌هایی برای گسترش و به روزرسانی حمل و نقل ریلی، توسعه بنادر، و احداث خطوط لوله با سرمایه‌گذاری‌های احتمالی بین‌المللی وجود دارد. یک خط آهن از چین اخیراً تکمیل شده است؛ این مسیر، زمان حمل و نقل از چین را به نسبت مسیر دریایی، تا یک ماه کاهش می‌دهد و قطعه حیاتی سمت غربی کریدور حمل و نقل شرق-غرب را کامل می‌کند.

برای ایجاد صنعت گردشگری پیشرفت‌دهنده، توسعه بیشتر خدمات باید صورت گیرد. فعالیت در این حوزه در حال حاضر هم رو به افزایش است و توسعه فرودگاه‌های بین‌المللی توسط شرکت‌هایی همچون وینچی^{۱۵۲}، ویتالی^{۱۵۳} و فرودگاه پاریس^{۱۵۴} به تسهیل گردشگری بین‌المللی کمک خواهد کرد. اولین برندهای خارجی که گردشگران بین‌المللی به محض فرود در تهران می‌بینند، هتل‌های نووتل^{۱۵۵} و ایبیس^{۱۵۶} در مجاورت فرودگاه است.

پتانسیل ایران برای احیای جاده ابریشم هم ریشه در تاب‌آوری آن دارد. با وجود اینکه ایران کمترین میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را در خاورمیانه دارد، اما اقتصاد آن به طور شگفت‌انگیزی باز است و علیرغم تحریم‌ها، توانسته به گونه‌ای مدیریت کند که در جریان جهانی تجارت باقی بماند. الگوی تجارت ایران به طور محسوسی تغییر یافته است. تا قبل از انقلاب ۱۹۷۹، ایالات متحده آمریکا با حجم سالانه ۳ میلیارد دلار دومین شریک تجاری بزرگ ایران بود. تجارت با ایالات متحده و اروپای غربی از آن زمان رو به افول نهاده و در حال حاضر، شریک شماره یک ایران، کشور چین است که به تنهایی سهمی حدود ۴۰ درصدی از تجارت ایران دارد. هند و ترکیه نیز روابط تجاری خود با ایران را تقویت نموده‌اند و هر یک حدود ۱۶ درصد از تجارت ایران را تشکیل می‌دهند.^{۱۵۷} روی‌هم‌رفته، صادرات ایران طی سال‌های اخیر دارای نوساناتی بوده اما باز هم مانند ژاپن و استرالیا، به حدود یک سوم تولید ناخالص داخلی بالغ می‌گردد (شکل ۶). به طور مطلق، صادرات ایران بیشتر از کل صادرات مصر، پاکستان و مراکش است.^{۱۵۸}

^{۱۵۲} VINCI

^{۱۵۳} Vitali

^{۱۵۴} Aéroports de Paris

^{۱۵۵} Novotel

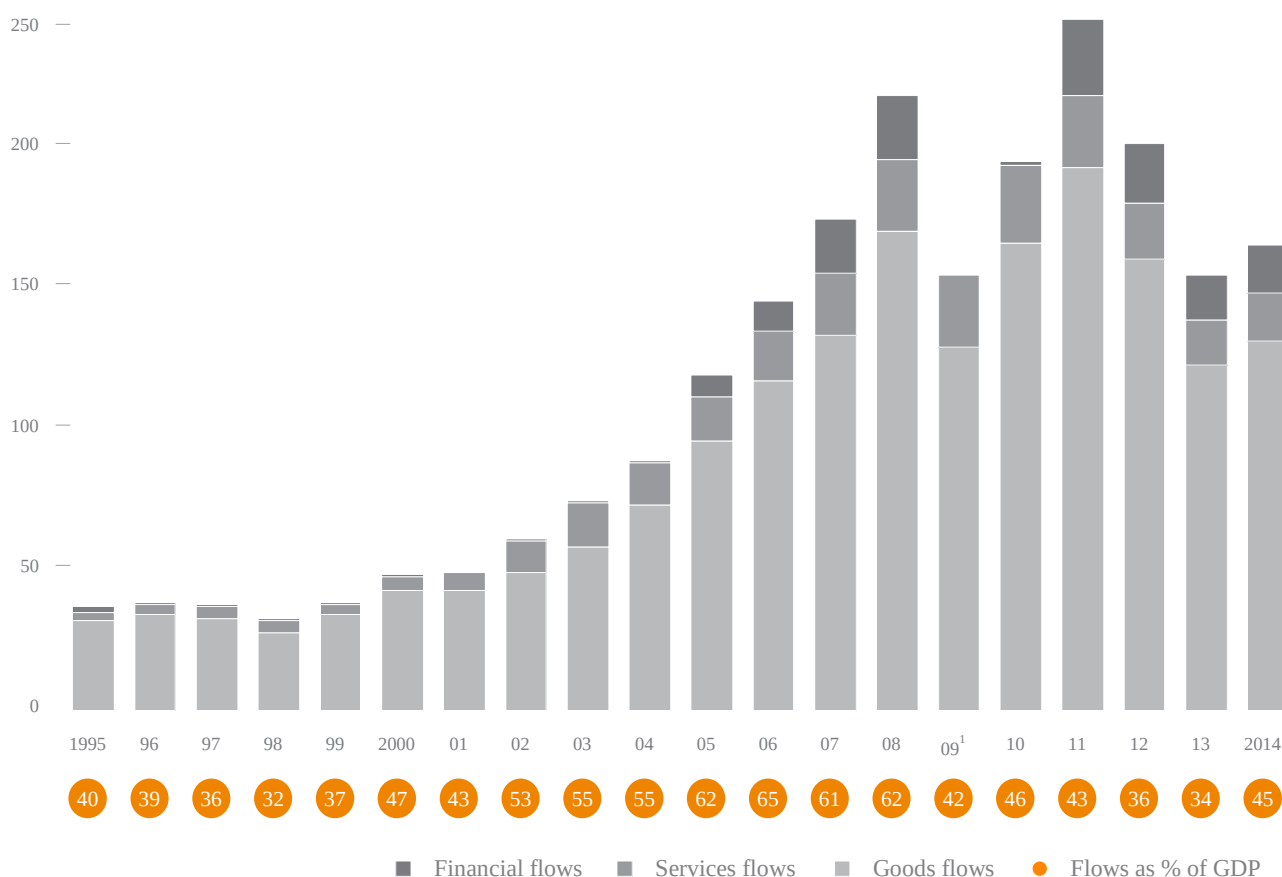
^{۱۵۶} Ibis

^{۱۵۷} Comtrade سازمان ملل متحد.

^{۱۵۸} شاخص‌های توسعه جهانی، بانک جهانی، ۲۰۱۵.

جریان‌های برون‌مرزی ایران کاهش یافته اما هنوز هم بیش از ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی را شامل می‌شود

Iran's cross-border flows, 1995–2014
\$ billion, nominal



¹ In 2009, nominal capital flows were -\$3 billion.

SOURCE: UNCTADstat; World development indicators 2015, World Bank; McKinsey Global Institute analysis

نفت و محصولات آن هنوز هم بیش از ۶۰ درصد از صادرات ایران را تشکیل می‌دهند، گرچه این درصد از سال ۲۰۱۲ با تحریم‌های اتحادیه اروپا کاهش پیدا کرده‌است. صادرات گاز طبیعی ایران اندکی رشد یافته اما هنوز هم سهم کوچکی از تولید گاز ایران را شامل می‌شود و اکثر گاز تولیدی، به مصرف داخلی می‌رسد.^{۱۵۹} با توجه به تنوع اقتصاد ایران، این کشور همچنین بسیاری از سایر انواع کالاها را نیز صادر می‌کند. بر اساس آمار سازمان تجارت جهانی، ۲۰ درصد از صادرات در سال ۲۰۱۴ مربوط به تولیدات صنعتی بوده‌است. ایران سهمی ۶ درصدی از بازار جهانی سولفور را در اختیار

^{۱۵۹} ایران: داده‌ها و تحلیل بین‌المللی انرژی، اداره اطلاعات انرژی ایالات متحده آمریکا، ژوئن ۲۰۱۵.

دارد. این کشور یک بازیگر جهانی در آجیل، غلات و کاه و سبوس است. ایران ۱۳ درصد از بازار صادرات جهانی قیر و آسفالت را در اختیار دارد. این کشور حتی در بازار کلم و گل کلم نیز سهم یک درصدی از کل دنیا را دارد.^{۱۶۰}

به دلیل همین تنوع و تداوم فعالیت تجاری، اقتصاد ایران به طور چشمگیری وابستگی کمتری به تجارت جهانی نسبت به یک دهه قبل دارد. از نتایج تحقیقات مؤسسه جهانی مکنزی می‌دانیم که رشد تولید ناخالص داخلی در صورتی که کشورها ارتباط نزدیک با اقتصاد منطقه‌ای و جهانی در حوزه جریان‌های کالا، خدمات، مالیه، افراد و داده‌ها داشته‌باشند، به طور کلی سریع‌تر است.^{۱۶۱} حجم کل جریان‌های ایران در سال ۲۰۱۳ تنها ۳۴ درصد از تولید ناخالص داخلی یا حدود نصف این رقم در سال ۲۰۰۵ بود. برای مقایسه، در ترکیه این جریان‌ها ۶۳ درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دادند.

این الگوها بیانگر این است که ایران پتانسیل‌های زیادی برای بازگشت به عنوان یک کشور با حجم تجارت بالا را دارد. این به معنای آسان بودن تغییر و گذار نیست. تأمین مالی از خارج یک چالش است زیرا بسیاری از بانک‌های بزرگ هنوز هم تمایلی برای ورود به ایران ندارند. برای سرمایه‌گذاران خارجی، نااطمینانی‌ها و سؤالات زیادی وجود دارد از قبیل اینکه محیط کسب و کار تا چه حد باثبات خواهد بود و اینکه آیا آنها قادر به خروج عواید خود از ایران خواهند بود. شرکت‌های چندملیتی در خصوص چگونگی ورود به بازار و لزوم شراکت می‌پرسند. حکومت قوانینی را برای تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی تصویب نموده اما باید در عمل بتواند نشان دهد که ریسک سیاسی و دیگر ریسک‌های عملیات در ایران برای شرکت‌های چندملیتی در حد مطلوب است.

^{۱۶۰} تحلیل مؤسسه جهانی مکنزی از داده‌های تجارت.

^{۱۶۱} جریان‌های جهانی در عصر دیجیتال: چگونه تجارت، مالیه، افراد و داده‌ها، اقتصاد جهانی را اتصال می‌دهند؟، مؤسسه جهانی مکنزی،

آوریل ۲۰۱۵

جمعیت جوان، موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد، اقتصاد متنوع و منابع غنی طبیعی، مزایای قابل توجه ایران هستند که این کشور را در جایگاهی قوی برای رشد، با وجود ارتباط مجدد با اقتصاد جهانی، قرار می‌دهند. در دیگر شاخص‌ها هم ایران در وضعیت مناسبی قرار گرفته است، و نقاط قوتی دارد که این نقاط قوت در شرایط مشابه به دیگر کشورها کمک کرد تا رفاه و رونق خود را افزایش داده و رشد خوبی به دست آورده و شغل ایجاد کنند. اینها شامل استانداردهای آموزشی همچون سواد پایه و افراد ماهر و تحصیل کرده علمی؛ اندازه جمعیت با درآمدی بالاتر از حد آستانه‌ای و با میل به مصرف؛ و آزادی اقتصاد به سوی جریان‌های جهانی مالی و تجاری است. همه اینها باعث ایجاد پتانسیل نه فقط برای ایران بلکه همچنین برای اقتصاد جهانی و شرکت‌های بین‌المللی می‌گردد. اینکه این پتانسیل چقدر بزرگ است، بیشتر در چه بخش‌هایی از اقتصاد وجود دارد و اینکه ایران با چه سرعتی می‌تواند آنها را محقق کند، در فصل بعدی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.





۲. فرصت رشد یک تریلیون دلاری

برای سنجش واضح تر و دقیق تر فرصت ها و چالش هایی که ایران با آنها مواجه می شود، ما مطالعه ای عمیق در مورد ۱۸ بخش صنعتی انجام داده ایم. از دیدگاه ما، دامنه و سرعت موفقیت های اقتصاد ایران در آینده بر چهار محور محرک رشد تکیه دارد که در این فصل به تفصیل آنها را شرح می دهیم.

مهار و کنترل کردن منابع طبیعی ایران به خصوص نفت و گاز، اولین موتور محرک است. دومین عامل، تبدیل صنایع بزرگ تولیدی داخلی همچون خودرو، مصالح اصلی و کالاهای مصرفی روزانه، به بخش های رقابتی در سطح بین المللی است. سومین عامل، ایران را ملزم می کند که گذر به سمت اقتصاد دانش بنیان، تقویت نقاط قوت برای رشد بخش هایی همچون فناوری اطلاعات و ارتباطات، و خدمات مالی را سرعت ببخشد. نهایتاً، زیرساخت های فیزیکی و دیجیتال نیاز به نوسازی و گسترش برای پی ریزی رشد دارند.

دولت ایران، نرخ رشد سالانه ۸ درصدی را در برنامه پنج ساله بعدی خود تا ۲۰۲۱ هدف گذاری نموده و در صدد تشویق ایرانیان خارج از کشور و خارجی ها برای سرمایه گذاری در ایران است.

تحلیل ما نشان می دهد که با تقویت این چهار موتور رشد، ایران پتانسیل اضافه کردن یک تریلیون دلار، بر اساس نرخ ارز واقعی پیش بینی شده، به اقتصاد جهانی در ۲۰ سال آینده را دارد. این بیش از سه برابر تولید ناخالص داخلی است که آلمان غربی بین سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ پس از اتحاد با آلمان شرقی، به اقتصاد جهانی اضافه نمود. چنین حجم افزایشی می تواند تولید ناخالص داخلی ایران بر مبنای سرانه را به تولید ناخالص داخلی اسپانیا در سال ۲۰۱۴ و بالاتر از تولید ناخالص داخلی ترکیه، روسیه، مالزی و مکزیک در سال ۲۰۱۴ برساند. این امر همچنین باعث افزایش بیش از یک درصدی تولید ناخالص داخلی جهانی خواهد گردید. این امر معادل رشد میانگین سالانه ۶/۳ درصدی در ارزش دلاری اقتصاد ایران طی دو دهه آینده است و ۹ میلیون شغل نیز ایجاد خواهد شد. این رشد به طور وسیع در بخش های متعدد توزیع می گردد، که این نشانگر ماهیت متنوع اقتصاد ایران است، و به تدریج در طول زمان افزایش می یابد.

دولت ایران در برنامه پنج ساله خود برای دوره ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۱، نرخ رشد ۸ درصدی و کاهش بیکاری و تورم به ۸ درصد را هدف گذاری نموده است. برای دستیابی به این آرزو، دولت ۳۱ اولویت اقتصادی مشخص نموده که از آن جمله، بهبود محیط کسب و کار، تقویت نظام مالی، و به روز رسانی

صنعت و زیرساخت از طریق اتخاذ فناوری‌های نوین است. برنامه دولت همچنین تشویق به سرمایه‌گذاری توسط خارجیان و ایرانیان مقیم خارج می‌نماید.^{۱۶۲}

دستیابی به رشد ۶ یا ۸ درصدی مستلزم دگرگونی قابل توجه اقتصاد است. ایران باید به سطح معیار عملکرد تعیین‌شده توسط کشورهای دیگر برسد و دولت نیز باید به چالش‌های اقتصادی اصلی که پتانسیل اقتصاد را محدود می‌کند، بپردازد. به عنوان مثال، رشد بهره‌وری نیروی کار با ۰/۴ درصد در دوره زمانی بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۲ در مقایسه با کشورهای معیار، ضعیف است. این رقم با نرخ‌های ۷ درصد چین، ۴ درصد هند و ۳ درصد ترکیه مقایسه می‌گردد. رشد بهره‌وری در دهه ۲۰۱۰-۲۰۰۰ به ۲/۴ درصد افزایش یافت که این افزایش تا حدی به دلیل افزایش قیمت‌های نفت و گاز بود، اما هنوز هم عقب‌تر از ۴/۱ درصد ثبت‌شده توسط کشورهای بریک^{۱۶۳} است.^{۱۶۴} مضاف بر این، ایران یک کشور متفاوت از لحاظ مشارکت نیروی کار است: در سال ۲۰۱۴ تنها ۴۱ درصد از جمعیت در سن اشتغال، از نظر اقتصادی فعال بودند و این بسیار پایین‌تر از نرخ‌های سال ۲۰۱۴ چین (۷۱ درصد)، روسیه (۶۹ درصد) و ترکیه (۵۱ درصد) است. نرخ مشارکت ۶۹ درصدی مردان اندکی پایین‌تر از کشورهای معیار است، اما بیشترین تفاوت مربوط به مشارکت زنان با ۱۳ درصد است که یکی از کمترین نرخ‌ها در جهان به حساب می‌آید.^{۱۶۵} دولت امید دارد که بیکاری را تا ۸ درصد کاهش دهد؛ از سال ۱۹۹۷ تاکنون نرخ بیکاری ایران زیر ۱۰ درصد نیامده است. ایران همچنین با اشتغال ناقص به خصوص در جمعیت جوان خود مواجه است. ما به این موضوع و چالش‌های دیگر در فصل ۳ می‌پردازیم.

اگر ایران می‌خواهد به رشد یک تریلیون دلاری طی ۲۰ سال آینده برسد، نیاز به سرمایه‌گذاری اساسی دارد. بر اساس بررسی پایین به بالای بخش‌های مختلف، برآورد می‌کنیم که رسیدن به چنین رشدی مستلزم سرمایه‌گذاری تجمعی حدود ۳/۵ تریلیون دلاری است که حداقل یک سوم آن از محل سرمایه‌گذاری خارجی است.

البته سناریوهای مختلفی برای اقتصاد ایران محتمل است که با نااطمینانی‌های مختلفی همراه است. این‌ها عبارتند از اینکه ایران با چه سرعتی می‌تواند صادرات نفت و گاز خود را تقویت کند و چه کاری می‌تواند با قیمت‌های انرژی و رشد تولید ناخالص داخلی جهانی نماید؛ میزان باز بودن اقتصاد

^{۱۶۲} هدفگذاری ۸ درصد رشد برای برنامه پنج ساله ششم، فایننشال تریبون (Financial Tribune)، ۲ ژوئیه ۲۰۱۵.

^{۱۶۳} BRIC

^{۱۶۴} آی‌اچ‌اس گلوبال اینسایت؛ آمارهای اشتغال سازمان جهانی کار ILOSTAT

^{۱۶۵} ایران یکی از کشورهای متعدد در خاورمیانه و شمال آفریقا است که نرخ مشارکت نیروی کار زن در آنها، در گزارش قدرت برابری کم بوده است: چگونه ارتقای برابری زنان می‌تواند ۱۲ تریلیون دلار به رشد جهانی اضافه نماید، مؤسسه جهانی مکنزی، سپتامبر ۲۰۱۵.

ایران به روی سرمایه‌گذاری بین‌المللی و متقابلاً سرعت و شدت ورود سرمایه‌گذاران خارجی به ایران چه میزان است. سرعت اجرای اصلاحات نیز یک عامل مهم است. ما ۱۸ بخش را در ۴ موتور محرک به شرح زیر دسته‌بندی کردیم (شکل ۷):

بهره‌برداری از منابع طبیعی:

نفت و گاز، پتروشیمی، معدن و کشاورزی

پرورش صنایع رقابت‌پذیر در سطح بین‌المللی:

خودرو، مصالح اصلی، کالاهای مصرفی، تجارت خرده‌فروشی و گردشگری

گذار به اقتصاد دانش‌بنیان:

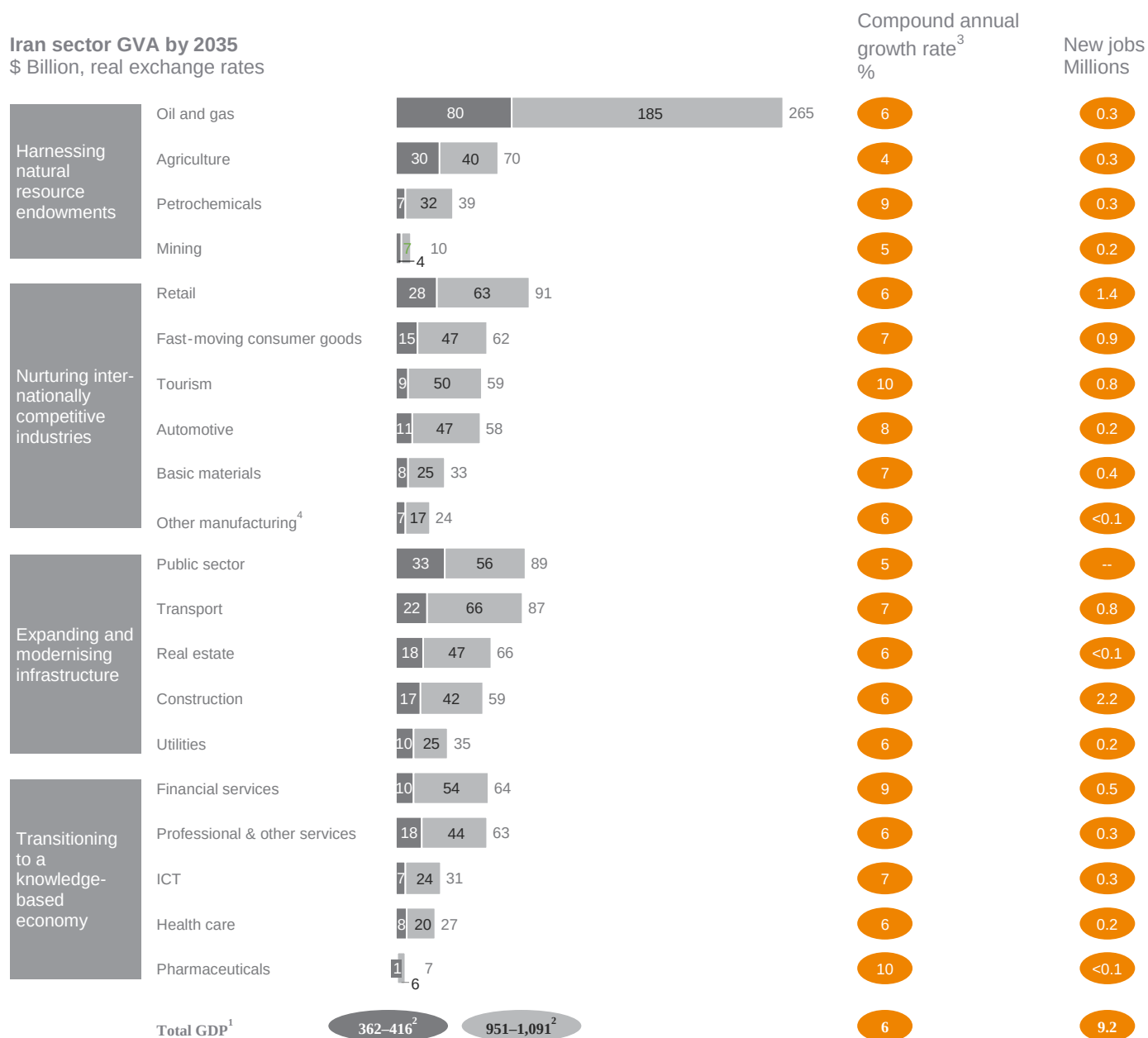
خدمات مالی، خدمات حرفه‌ای، فناوری اطلاعات و ارتباطات، محصولات دارویی و بهداشت و درمان

گسترش و نوین‌سازی زیرساخت‌ها:

حمل و نقل، خدمات عمومی، املاک و ساختمان

برای هر یک از این بخش‌ها، ما پیش‌بینی‌هایی در مورد ارزش افزوده ناخالص (GVA)، اشتغال و سرمایه‌گذاری تجمعی تا سال ۲۰۳۵ انجام داده‌ایم. همه اینها با هم باعث افزایش یک تریلیون دلار به تولید ناخالص داخلی و ایجاد ۹ میلیون شغل طی ۲۰ سال آینده می‌گردد (شکل ۷).

چهار موتور محرک رشد می‌توانند تا سال ۲۰۳۵ یک تریلیون دلار به تولید ناخالص داخلی ایران افزوده و ۹ میلیون شغل ایجاد کنند



Note: Numbers may not sum due to rounding

¹ Difference between the sum of the sector GVAs and GDP is explained by taxes and subsidies.

² Estimates for 2014 GDP vary from \$362 billion to \$416 billion, depending on source; the range in future GDP is driven by this baseline variance.

³ Includes 1.12 percentage points per sector from real exchange rate appreciation.

⁴ Other manufacturing includes textiles, paper and pulp, printing and publishing, machinery, equipment, appliances, and others.

SOURCE: McKinsey Global Institute analysis

۱-۲. بهره‌برداری از منابع طبیعی

نفت و گاز نقشی حیاتی در تقویت رشد ایران هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت ایفا می‌کنند. احیای صادرات نفت از افزایش رشد کوتاه‌مدت پشتیبانی خواهد کرد در حالی که گاز می‌تواند به ثبات و پایداری رشد در بلندمدت کمک کند. همانطور که اشاره شد، ایران دارای بزرگترین ذخایر اثبات‌شده گاز در جهان است و چهارمین ذخایر اثبات‌شده نفت را نیز در اختیار دارد.^{۱۶۶} علیرغم سقوط شدید قیمت‌ها از میانه سال ۲۰۱۴، هزینه تولید نفت و گاز در ایران هنوز هم در سطحی بسیار پایین‌تر از قیمت بازار است. اگرچه گاز این کشور در حال حاضر غالباً به صورت داخلی مصرف می‌شود، اما امکان خالص صادرات گاز برای اولین بار در دهه پیش رو وجود دارد.

گاز و میعانات گاز طبیعی ایران نیز خوراک ارزان‌قیمت را برای بخش پتروشیمی ایران فراهم می‌کنند به طوری که این کشور بالاتر از روسیه، دهمین تولیدکننده بزرگ دنیا از لحاظ میزان و حجم تولید است. محصولات پتروشیمی دارای بازار داخلی در حال رشد است و زیرساخت‌های مناسبی برای دستیابی به بازارهای صادراتی نیز دارد. با توجه به ذخایر معدنی غنی ایران از جمله مس و روی، بخش معدن نیز احتمالاً نقش مهمی در رشد خواهد داشت. نهایتاً، کشاورزی نیز یک بخش قابل توجه از نظر اندازه و زمینه اشتغال به کار مهمی است، که امکان بهبود آن وجود دارد. مالکیت مزرعه‌ها به شدت غیرمتمرکز است و خرده‌مالکان غالب زمین‌ها را در اختیار دارند، و در این شرایط ایران احتمالاً همچنان واردکننده خالص محصولات کشاورزی باقی خواهد ماند. اتخاذ روش‌های نوین همچون روش‌های مدیریت آب و یکپارچه‌سازی اراضی، می‌تواند باعث رشد بهره‌وری گردد.

تمام این بخش‌ها نیاز به سرمایه‌گذاری عمده برای نوسازی ماشین‌آلات یا فرآیندهای بعضاً منسوخ و توسعه منابع بهره‌برداری نشده دارند. به ویژه نفت و گاز در کنار برخی دیگر از منابع معدنی ایران، جذابیت خاصی برای سرمایه‌گذاران خارجی دارند. دولت باید توازنی بین حفظ مالکیت حکومت بر دارایی‌ها و پیشنهاد بازگشت سرمایه با ریسک تعدیل شده برای سرمایه‌گذاران بین‌المللی برقرار نماید.

نفت و گاز: افزایش تولید و صادرات

با تحویل یک میلیون بشکه نفت از نفتکش مونت تولیدو^{۱۶۷} به پالایشگاه Cespa اسپانیا در ۶ مارس ۲۰۱۶، صادرات نفت خام ایران به اروپا مجدداً آغاز گردید.^{۱۶۸} ما برآورد می‌کنیم که نفت و گاز با هم تا سال ۲۰۳۵ بین ۱۲۵ تا ۳۷۵ میلیارد دلار به تولید ناخالص داخلی ایران بیافزاید. بازه گسترده برآورد

^{۱۶۶} بررسی آماری انرژی جهانی، بریتیش پترولیوم، ژوئن ۲۰۱۵

^{۱۶۷} Monte Toledo

^{۱۶۸} ریک گلدستون، «با برداشته شدن تحریم‌ها، نفت ایران اروپا را تغذیه می‌کند»، نیویورک تایمز، ۷ مارس ۲۰۱۶.

ما، عمدتاً به دلیل نااطمینانی قابل توجه درباره مسیر قیمتی نفت و گاز در آینده است؛ زیرا الگوهای مصرف با تغییر تقاضای بازارهای در حال ظهور، توسعه فناوری‌های جایگزین برای حمل و نقل و واکنش‌ها به تغییرات اقلیمی، تغییر می‌یابند. این میزان افزایش در تولید ناخالص داخلی همچنین بستگی به حجم سرمایه‌گذاری دارد که این بخش برای افزایش تولید در آن دوره می‌تواند جذب کند. برای تجاوز از حجم تولید چهار میلیون بشکه‌ای و صادرات بیش از دو میلیون بشکه در روز مربوط به قبل از تحریم‌ها، ایران نیاز به سرمایه‌گذاری اساسی هم در بازیابی نفت برای میادین نفتی قدیمی و هم توسعه میادین جدید دارد.

دولت ایران اشاراتی مبنی بر قصد خود برای افزایش تولید نفت و گاز داشته و برنامه پنج‌ساله دولت نیز نیاز ۲۰۰ میلیارد دلاری برای سرمایه‌گذاری در این بخش را مشخص می‌کند: ۱۳۵ میلیارد دلار برای پروژه‌های بالادستی، ۵۰ میلیارد دلار برای محصولات پتروشیمی، و ۱۵ میلیارد دلار برای پالایشگاه‌ها.^{۱۶۹} دولت همچنین بیان داشته که از شرکت‌های نفتی بین‌المللی برای رسیدن به این هدف کمک خواسته و در حال بازبینی مبانی قراردادی خود با این شرکت‌ها است. دولت ایران اشاره داشته که شکل جدید «قرارداد نفتی ایران»، از ترتیبات بیع متقابل به سیستمی جدید با جذابیت‌های بیشتر برای بنگاه‌های چندملیتی حرکت خواهد کرد که شامل قراردادهای بلندمدت‌تر و تسهیم ریسک و بازده است.

گاز نقش کلیدی را در اهداف توسعه بلندمدت ایران ایفا می‌کند.

افزایش تولید گاز طبیعی، امکانات و انتخاب‌های سیاستی جدیدی را برای دولت به منظور دستیابی به اهداف توسعه خود، خلق می‌کند. در داخل کشور، افزایش عرضه گاز می‌تواند برای تأمین تقاضای صنعتی در حال رشد از جمله در بخش پتروشیمی و همچنین تکمیل گازسوز کردن نیروگاه‌ها به منظور صرفه‌جویی در مصرف انرژی، مورد استفاده قرار گیرد. این باعث آزاد شدن نفت تخصیص داده شده برای مصرف داخلی، به نفع صادرات می‌گردد. به طور مشابه، تزریق مجدد گاز به میادین نفتی قدیمی می‌تواند باعث افزایش بازیابی آنها گردد. در مورد صادرات، گاز می‌تواند از طریق خط لوله یا در قالب گاز طبیعی مایع شده (LNG) تحویل گردد، گرچه رسیدن به این نقطه مستلزم صرف زمان و سرمایه عظیم است.

^{۱۶۹} اظهارات بیژن زنگنه وزیر نفت ایران در کنفرانس ۱ مارس «تبیین برنامه ششم توسعه و اولین برنامه اقتصاد مقاومتی»، اشاره شده در گزارش «صنعت نفت ایران سالانه ۴۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در برنامه ششم توسعه نیاز دارد» خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۲ مارس ۲۰۱۶

بازگشت سطح تولید و صادرات مایعات نفتی به قبل از تحریم‌ها

ایران در دهه ۱۹۷۰ روزانه ۶ میلیون بشکه نفت تولید می‌کرد، اما این رقم در دهه ۱۹۸۰ به ۲ میلیون بشکه تقلیل یافت. جنگ ایران و عراق در ۸۸-۱۹۸۰ مانع سرمایه‌گذاری خارجی گردید و اخیراً نیز تحریم‌های بین‌المللی بر میزان تولید تأثیر داشتند. میزان تولید نفت ایران در سال ۲۰۱۵ به طور میانگین روزانه ۳/۴ میلیون بشکه (که ۲/۸ میلیون بشکه از آن، نفت خام بود) یا به عبارتی حدود ۲۰ درصد کمتر از حجم ۴/۳ میلیون بشکه‌ای روزانه قبل از تحریم‌ها بود.^{۱۷۰} علت عمده این کاهش تولید، سقوط ۵۰ درصدی صادرات به یک میلیون بشکه در روز بود.^{۱۷۱}

بخش نفت ایران، مسیر خود را در کاهش تولید مرتبط با تحریم‌ها، به جای بستن تمام چاه‌ها از طریق بستن یکی یکی چاه‌های قدیمی به صورت گردشی مدیریت نمود. این بدین معنی است که راه‌اندازی مجدد آنها آسان‌تر است، گرچه زیرساخت‌های تخریب و مستهلک شده، نیاز به نوسازی دارند. حتی در دوره تحریم‌ها هم بخش نفت به توسعه برخی میادین جدیدتر از جمله یادآوران و آزادگان ادامه داد.

پس از تحریم‌ها، دولت هدف خود را تولید مایعاتی معادل روزانه ۴ میلیون بشکه تا پایان سال ۲۰۱۶ و روزانه ۵/۷ میلیون بشکه در پایان برنامه پنج‌ساله در سال ۲۰۲۱ مشخص نموده که تا یک میلیون بشکه آن از طریق میعانات و عمدتاً از میدان گازی پارس جنوبی حاصل می‌شود. این افزایش در تولید مایعات مستلزم سرمایه‌گذاری ۷۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلاری و هماهنگی بسیاری از پروژه‌های جدید با هم است. پیش‌بینی‌کنندگان دیگر انتظار افزایش کوتاه مدت تولید را دارند، اما در مورد سرعت این افزایش که نیاز به سرمایه‌گذاری جدید دارد، اظهار نااطمینانی می‌کنند.^{۱۷۲}

۱۵ میلیارد دلاری که دولت برای سرمایه‌گذاری در پالایشگاه‌ها برنامه‌ریزی کرده، عمدتاً برای میعانات و شامل تکمیل پالایشگاه سیراف (۴۸۰ هزار بشکه در روز)، پالایشگاه ستاره خلیج فارس (۳۶۰ هزار بشکه) و فاز دوم پالایشگاه فارس (۱۲۰ هزار بشکه) است. با این ظرفیت، تمام میعانات به جای صادرات به صورت پالایش‌نشده، در ایران پالایش می‌شوند.^{۱۷۳} این می‌تواند باعث حذف واردات بنزین شود که روزانه ۷۴ هزار بشکه در سال ۲۰۱۵ بوده است.^{۱۷۴} با توجه به ظرفیت مازاد

^{۱۷۰} ابزار داده‌ای بالادست وود مکنزی، فصل چهارم ۲۰۱۵؛ «مایعات» شامل نفت خام، میعانات، و میعانات گاز طبیعی است.

^{۱۷۱} چشم‌انداز اقتصادی منطقه‌ای: خاورمیانه و آسیای مرکزی، صندوق بین‌المللی پول، اکتبر ۲۰۱۵.

^{۱۷۲} فصلنامه مرور اقتصادی خاورمیانه و شمال آفریقا، شماره ۵، بانک جهانی، ژوئیه ۲۰۱۵، چشم‌انداز اقتصادی منطقه‌ای: خاورمیانه و آسیای

مرکزی، صندوق بین‌المللی پول، اکتبر ۲۰۱۵.

^{۱۷۳} اظهارات بیژن زنگنه وزیر نفت در کنفرانس ۱ مارس ۲۰۱۶.

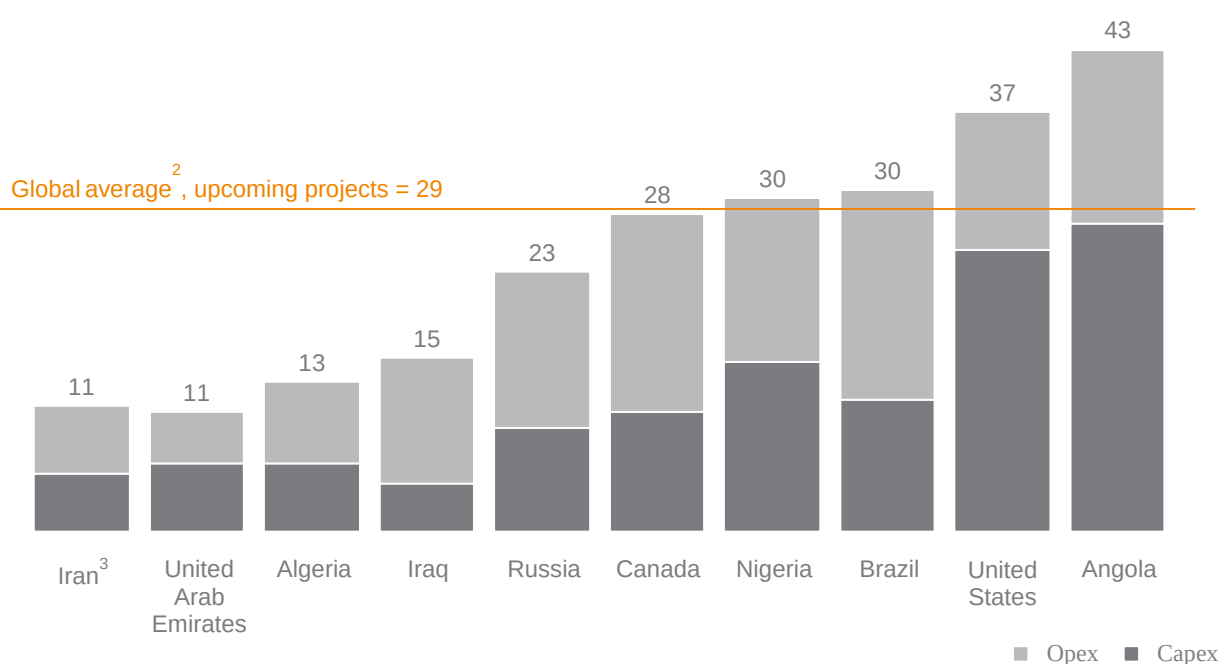
^{۱۷۴} «توازن محصولات پالایش‌شده»، فکتس گلوبال انرژی، مه ۲۰۱۵.

مراکز تقطیر آسیایی و اروپایی، سرمایه‌های عظیم دیگر ممکن است صرفاً محصولات با حاشیه سود پایین تولید کنند. برخی سرمایه‌گذاری‌های خارجی در پالایشگاه‌ها در ایران و سرمایه‌گذاری ایرانیان در خارج از کشور می‌تواند باعث تحکیم روابط بلندمدت به خصوص با آسیا شود.

شکل ۸

هزینه‌های تولید میادین مختلف در ایران، در زمره پایین‌ترین هزینه‌ها در جهان است

Technical cost per barrel of commercially recoverable reserves, upcoming projects¹
\$ per barrel, 2015 real



¹ Total expenditure (not including taxes and royalties) over lifetime of field in real 2015 USD divided by total commercially recoverable reserves; includes fields with associated gas counted as million barrels of oil equivalents (mmboe); "upcoming projects" includes "probable development" and "under development" fields in the Wood Mackenzie Upstream Data Tool Q1 2016.

² Weighted average for all countries with upcoming projects

³ Assessment based on government estimates, industry analysts, and Iraq's adjacent Majnoon field operated by international players.

SOURCE: Wood Mackenzie Upstream Data tool Q1 2016; Syd Nejad, "Is Iran worth the risk?" *Oil & Gas Journal*, December 2015; McKinsey Global Institute analysis

به لحاظ تاریخی، هزینه هر بشکه نفت تجاری قابل حصول در ایران، با در نظر گرفتن هزینه سرمایه و هزینه‌های عملیاتی غیر از پرداخت‌های دولت، بین ۲ تا ۳ دلار بوده است. حتی با وجود انتظار افزایش هزینه‌ها به دلایل زمین‌شناختی میدان و نیاز به فناوری‌های پیشرفته که غالباً از طریق شرکت‌های نفتی بین‌المللی تأمین می‌شوند، میادینی که تولید خود را طی ۲۰ سال گذشته آغاز کرده‌اند هنوز هم از نظر اقتصادی جذاب هستند (شکل ۸). تعدادی از میادین نسبتاً جدیدتر از جمله آزادگان شمالی، آزادگان

جنوبی، دارخوین، یادآوران، و چنگوله در اولویت ایران خواهند بود. هزینه تولید هر بشکه در این میادین بین ۱۰ تا ۱۲ دلار خواهد بود که ۵ دلار در هر بشکه مربوط به هزینه سرمایه است که نظیر میادین مشابه خود در عراق است که تحت کنترل بازیگران بین‌المللی نفت و گاز هستند. با فرض ساختار هزینه‌ای مشابه در میان تمام میادین، برآورد می‌کنیم که ایران برای جبران کاهش تولید میادین قدیمی و حفظ تولید مایعات در سطح ۴ میلیون بشکه‌ای قبل از تحریم‌ها، تا سال ۲۰۳۵ به ۶۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد. افزایش تولید به ۵/۴ میلیون بشکه مستلزم ۱۲۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری است.

کسب درآمد از تولید گاز برای تقویت رشد اقتصادی در بلندمدت

ذخایر اثبات‌شده ۳۴ تریلیون مترمکعبی گاز ایران، بیشتر از روسیه و قطر، دو برابر ترکمنستان و سه برابر ذخایر گازی ایالات متحده است. در حال حاضر، ایران از این ذخایر بهره‌برداری کامل نمی‌کند. تولید سالانه ۱۷۳ میلیارد متر مکعبی گاز ایران کمتر از یک چهارم تولید ایالات متحده به عنوان بزرگترین تولیدکننده است. با این حجم تولید، ایران ذخایر کافی برای پوشش تولید ۲۰۰ سال را دارد.^{۱۷۵}

بر خلاف نفت، تولید گاز طبیعی ایران طی دو دهه گذشته، از جمله در خلال تحریم‌های بین‌المللی، رشد زیادی داشته، به طوری که در همین دوره ایران میدان گازی پارس جنوبی را توسعه داده است. این میدان که دارای مخزن مشترک با میادین گنبد شمالی قطر^{۱۷۶} است، بزرگترین میدان گازی ایران با ۱۴ تریلیون مترمکعب ذخایر قابل بازیابی است. هزینه تولید گاز از میدان پارس جنوبی، در کمتر از ۷ دلار برای معادل هر بشکه نفت در اکثر میادین یا ۱/۲۰ دلار برای هر یک میلیون بی‌تی‌یو (Btu)، مشابه هزینه استخراج گاز در قطر از همان ذخایر است. قطر عمدتاً این گاز را به صورت گاز طبیعی مایع‌شده به قیمت ۷ دلار برای هر میلیون بی‌تی‌یو در آسیا به فروش می‌رساند.

توسعه میدان پارس جنوبی در زمان تحریم‌ها نیز البته با سرعت کمتر و هزینه بیشتر ادامه یافت. با بازگشت شرکت‌های بین‌المللی و هزینه‌های سرمایه‌ای اضافی حداقل ۳۰ میلیارد دلاری، ایران می‌تواند تولید این میدان را تا حدود ۲۸۰ میلیارد مترمکعب در سال یا ۱۰ هزار تریلیون Btu در ۱۰ تا ۱۵ سال آینده افزایش دهد.^{۱۷۷} این می‌تواند سهم پارس جنوبی را از گاز ایران از ۵۰ درصد در سال ۲۰۱۵ به

^{۱۷۵} بررسی آماری انرژی جهانی، بریتیش پترولیوم، ژوئن ۲۰۱۵.

^{۱۷۶} Qatar's North Dome

^{۱۷۷} فرض ما این است که فازهای ۱۱ و ۲۲ تا ۲۴ پس از فازهای ۲۰ و ۲۱ با الگوهای سرمایه‌گذاری و تولید مشابه، راه اندازی می‌شوند.

۷۰ درصد در سال ۲۰۳۰ افزایش دهد. میدان پارس جنوبی همچنین از نظر میعانات نیز غنی است و بیشتر از ۴۵۰ هزار بشکه میعانات ایران را در سال ۲۰۱۴ تولید کرده است.^{۱۷۸}

گاز می‌تواند نقشی کلیدی در اهداف توسعه بلندمدت ایران ایفا نماید. تقاضای صنعتی برای گاز حتی پس از بهبود کارایی مصرف انرژی و فازبندی تدریجی هدفمندی یارانه‌ها، می‌تواند ۵ درصد در سال رشد نماید و این بیشتر به واسطه بخش ساختمان و فشار دولت برای افزایش تولید محصولات اصلی پتروشیمی مانند متانول، آمونیاک و اتیلن است. همچنین انتظار می‌رود که گاز نقش کلیدی خود را در تولید انرژی که در حال حاضر ۷۹ درصد است، افزایش دهد. انتظار داریم که تقاضای خانگی و تجاری گاز رشد متوسطی داشته باشد.

تحلیل عرضه و تقاضای ما نشان می‌دهد که تا سال ۲۰۲۵ ایران تا ۷۰ میلیارد مترمکعب گاز قابل عرضه بیشتر از تقاضای مورد انتظار برای تولید انرژی، صنعت و استفاده‌های خانگی و تجاری، تولید خواهد نمود. این کشور با این انتخاب‌ها مواجه می‌شود که چگونه به بهترین نحو این گاز را به رشد و توسعه اقتصادی آتی اختصاص دهد. قیمت‌های گاز توسط دولت و با توجه به نوع دسته‌بندی آخرین مصرف‌کننده، تعیین می‌گردد.^{۱۷۹} یک برنامه پایین دست گازی وسیع‌تر می‌تواند کارایی را تقویت نموده و سرمایه‌گذاری را در حوزه‌هایی که احتمالاً بیشترین پشتیبانی را از اهداف توسعه خواهند داشت، تسهیل نماید. چنین برنامه‌ای باید رابطه جایگزینی بین جابجایی نفت با گاز در تولید انرژی، استفاده از گاز برای توسعه پتروشیمی و صنایع انرژی‌بر، تزریق مجدد گاز به میادین نفتی برای افزایش تولید، و صادرات گاز از طریق خط لوله یا به صورت گاز طبیعی مایع شده را در نظر بگیرد (شکل ۹).

در طول زمان، افزایش تولید گاز به ایران اجازه می‌دهد که صادرات خود را افزایش دهد، در حالی که اهداف توسعه داخلی خود را نیز برآورده می‌کند. دولت نشان داده است که صادرات گاز می‌تواند از ۷۰ میلیارد متر مکعب در سال نیز تجاوز نماید، اگر موانع موجود بر سر راه توافقات صادراتی برداشته شوند.^{۱۸۰}

ایران حدود ۹ میلیارد متر مکعب گاز را از طریق خط لوله به ارمنستان، آذربایجان و ترکیه صادر می‌کند. پروژه‌های خط لوله دیگری نیز برنامه‌ریزی شده‌اند، اگرچه پیشرفت آنها قابل اطمینان نیست.

^{۱۷۸} ایران: داده‌ها و تحلیل بین‌المللی انرژی، اداره اطلاعات انرژی ایالات متحده آمریکا، ژوئن ۲۰۱۵.

^{۱۷۹} الهام حسن‌زاده، صنعت گاز ایران در دوران پس از انقلاب، خوش‌بینی، بدبینی و ظرفیت‌ها، انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۲۰۱۴.

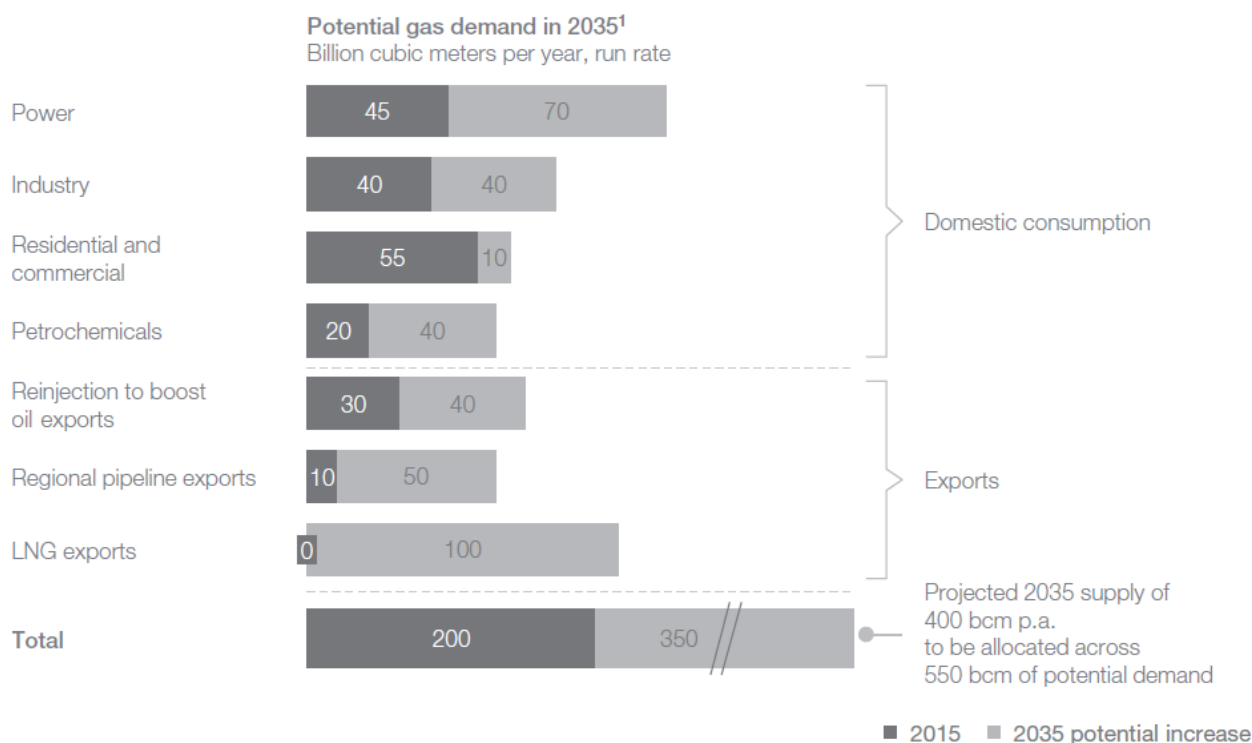
^{۱۸۰} اظهارات بیژن زنگنه وزیر نفت ایران در کنفرانس ۱ مارس «تبیین برنامه ششم توسعه و اولین برنامه اقتصاد مقاومتی»، اشاره شده در گزارش «صنعت نفت ایران سالانه ۴۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در برنامه ششم توسعه نیاز دارد» خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۲

مارس ۲۰۱۶

اینها شامل برنامه‌های ایران برای صادرات سالانه ۱ میلیارد مترمکعب گاز به عراق و احتمالاً افزایش آن به ۹ میلیارد متر مکعب است. ایران همچنین برنامه خط لوله ۱۰ میلیارد متر مکعبی به عمان را دارد که طی آن ۳۰ درصد آن به مایع تبدیل شده و در قالب گاز طبیعی مایع شده صادرات مجدد می‌گردد. دولت همچنین بر پتانسیل صادرات به پاکستان و هند و افزایش صادرات به ترکیه تأکید دارد. برآورد می‌کنیم که اینها و دیگر پروژه‌ها بتوانند صادرات گاز را به ۳۰ میلیارد متر مکعب در سال تا سال ۲۰۲۵ افزایش دهند و اگر قراردادهای بلندمدت برای تمام این پروژه‌ها منعقد گردد، حجم صادرات می‌تواند از این هم بیشتر شود.

شکل ۹

ایران باید تصمیم بگیرد که چگونه عرضه گاز در حال افزایش خود را به پول تبدیل خواهد کرد



¹ Assuming absorption of required investment; with the exception of 15 bcma from Iran LNG, all LNG projects would require international capex for starts after 2025.

SOURCE: McKinsey Global Institute analysis

یک فرصت بزرگ‌تر اما بلندمدت برای افزایش صادرات گاز ایران، فرآوری گاز طبیعی به گاز طبیعی مایع شده است. تجارت جهانی گاز طبیعی مایع شده طی ۲۵ سال گذشته به سرعت و با نرخ سالانه ۷

درصد بین سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۱۳ رشد کرده است. چین، هند، ژاپن و کره جنوبی بازارهای اصلی بوده‌اند. البته اگر رشد چین به مسیر کند خود ادامه دهد و اگر در آینده گاز شیل^{۱۸۱} توسعه یابد، ممکن است این تقاضا در آینده به همین قدرت نباشد. عرضه آمریکای شمالی، استرالیا و آفریقا متضمن این است که قیمت جهانی گاز طبیعی مایع شده ممکن است برای سال‌های متمادی پایین باشد، اما اندازه بازار برای تعادل بلندمدت می‌تواند جایی بین ۳۰۰ میلیارد دلار تا ۷۰۰ میلیارد دلار تا سال ۲۰۳۰ باشد. در حالی که چشم‌انداز آن نامطمئن است، ایران می‌تواند از پتانسیل ارزشمند برای سرمایه‌گذاری در گاز طبیعی مایع شده در بلندمدت بهره‌مند شود.^{۱۸۲}

ایران در حال حاضر زیرساخت‌های ابتدایی را برای توسعه گاز طبیعی مایع شده دارد. ساخت پایانه گاز طبیعی مایع شده در تنبک قبل از تحریم‌ها آغاز شد و تفاهمات و برنامه‌هایی برای پروژه‌ها با شرکای بین‌المللی از جمله شل، توتال و پتروناس داشت. این پروژه‌ها یا به دلیل تحریم‌های بین‌المللی لغو شدند و یا اینکه به دلایل دیگر از جمله دشواری‌های مربوط به تأمین مالی و یا تغییر اولویت‌های دولت به حالت تعلیق درآمده‌اند. با شروع کار بر روی تنها پروژه داخلی موجود که تحت مالکیت شرکت مایع‌سازی گاز طبیعی ایران، قرار دارد، این کشور می‌تواند به تنهایی ۱۵ میلیارد متر مکعب ظرفیت گاز طبیعی مایع شده به بازار جهانی وارد کند. اگر تمام پروژه‌هایی که معلق مانده یا در حال برنامه‌ریزی هستند اجرا شوند، ایران می‌تواند با ۶۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری اضافی، ظرفیت گاز طبیعی مایع شده را تا ۱۰۰ میلیارد متر مکعب افزایش دهد.^{۱۸۳} در عمل، تنها یک پروژه گاز طبیعی مایع شده ایران می‌تواند طی ۳ تا ۵ سال آینده به بهره‌برداری برسد. با توجه به نااطمینانی‌های موجود در قیمت‌ها در بازارهای صادراتی و سرمایه‌گذاری‌های هنگفت مورد نیاز برای صادرات گاز، ایران احتمالاً توسعه تدریجی را انتخاب می‌کند.

ایجاد قوانین و مقررات و محیط سرمایه‌گذاری جذاب برای سرمایه‌گذاران

توسعه بیشتر میادین نفت و گاز و زیرساخت‌ها برای صادرات احتمالی، مستلزم سرمایه‌گذاری‌های عظیم است که ما برآورد می‌کنیم به ۳۰۰ تا ۳۵۰ میلیارد دلار طی ۲۰ سال آینده برسد. این نیازهای سرمایه‌گذاری می‌تواند بخشی توسط شرکت‌های بین‌المللی نفت، گاز و خدمات میادین صورت گیرد که تخصص فنی آنها می‌تواند باعث تسریع رشد تولید نفت و گاز گردد. دولت ایران بیان داشته که به

¹⁸¹ shale gas

^{۱۸۲} «گرفتن ارزش در گاز جهانی: الان برای آینده ای نامطمئن آماده شو»، شرکت مکنزی، ژوئیه ۲۰۱۴.

^{۱۸۳} برآوردها بر مبنای نسبت‌های ظرفیت تاریخی میادین قدیمی و میادین بکر در خاورمیانه، منتشرشده در گزارش جهانی میعانات گازی - نسخه ۲۰۱۵، اتحادیه بین‌المللی گاز، ۲۰۱۵.

دنبال سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی در بخش نفت و گاز است و طی چند هفته از زمان اجرای برجام تفاهمات متعددی را به امضا رسانده است. به عنوان مثال، شرکت شل بازگشت خود به بازار ایران را با بازپرداخت ۲ میلیارد دلار از بدهی خود به ایران مربوط به قبل از تحریم‌ها اعلام نمود و شرکت سایپم ایتالیا نیز در ژانویه ۲۰۱۶ دو تفاهم‌نامه را برای به روزرسانی خطوط لوله و پالایشگاه‌های شیراز و تبریز، امضا نمود.^{۱۸۴}

برای تضمین سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای بالادست نفت و گاز، ایران باید محیط قانونگذاری را ایجاد نماید که چنین سرمایه‌گذاری‌هایی را تحریک نماید. بر اساس قوانین موجود، شرکت‌های نفتی بین‌المللی باید از طریق شرکت‌های داخلی عمل نمایند و عواید خود را بر مبنای قرارداد بیع متقابل دریافت نمایند که مختص ایران است. پیمانکار بین‌المللی هزینه سرمایه را برای پروژه تأمین می‌کند و شرکت ملی نفت ایران بر مبنای فرمولی که شامل نرخ ثابت بازده است به آن پرداخت می‌کند. در عین حال، بنگاه بین‌المللی ریسک خارج شدن پروژه از کنترل یا هزینه مازاد را متقبل می‌شود. این قرارداد ایرانی اساساً متفاوت از مدل امتیازی یا تسهیم تولید است که شرکت‌های بین‌المللی نفتی در کشورهای دیگر مورد استفاده قرار می‌دهند، که بر اساس این قرارداد، این شرکت‌ها ریسک اکتشاف و مدیریت پروژه را تقبل می‌کنند، اما بازده زیادی را در صورت موفقیت پروژه به دست می‌آورند.

ایران در حال بازنگری شرایط تجاری قراردادهای خود بوده و ممکن است مانند دیگر کشورهای تولیدکننده نفت به مدل تسهیم تولید نزدیک شود. یک کمیته بازنگری دولتی که در سال ۲۰۱۳ ایجاد شده، اصول کلی سیستم قراردادی جدید را توصیف کرده که طی آن، شرکت‌های بین‌المللی یک سرمایه‌گذاری مشترک^{۱۸۵} با شرکت ملی نفت ایران تشکیل داده و سهمی از سود را دریافت می‌کنند، در حالی که اصول کنترل حاکمیت بر منابع در قانون اساسی ایران را نیز رعایت می‌کنند. این قراردادها همچنین دوره طولانی‌تر ۲۰ تا ۲۵ ساله را پوشش می‌دهند و در کنار ریسک مالی، مشوق‌هایی را نیز در زمینه‌های مختلف، در نظر گرفته‌اند.^{۱۸۶} مقامات ایرانی، اصول کلی این قرارداد جدید را در کنفرانسی در تهران در نوامبر ۲۰۱۵ مطرح نمودند اما این فرآیند جدید باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

^{۱۸۴} ران بوسو، «شرکت شل ۱/۷۷ میلیارد یورو بدهی به ایران بابت نفت را بازپرداخت می‌کند»، رویترز، ۷ مارس ۲۰۱۶؛ «شرکت سایپم تفاهم‌نامه دوم را در ارتباط با همکاری‌های احتمالی در خطوط لوله آبی ایران امضا می‌کند»، نشریه خبری سایپم، ۲۶ ژانویه ۲۰۱۶.

^{۱۸۵} joint venture

^{۱۸۶} الهام حسن‌زاده، صنعت گاز ایران در دوران پس از انقلاب، خوش‌بینی، بدبینی و ظرفیت‌ها، انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۲۰۱۴.

محصولات پتروشیمی: خوراک کم هزینه، یک مزیت برای ایران به عنوان یک تولیدکننده جهانی است

با منابع عظیم گاز طبیعی که خوراک ارزان را تأمین می‌کنند، و در کنار آن بازار داخلی در حال رشد و زیرساخت‌های مساعد برای دستیابی به بازارهای صادراتی، ایران پتانسیل افزایش ارزش افزوده ناخالص بخش پتروشیمی خود از حدود ۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ به ۳۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۳۵ و ایجاد تا ۳۰۰ هزار شغل جدید در این بخش طی این دوره را دارد. چنین افزایشی، ایران را در سطح تولیدی قرار می‌دهد که تنها چین و ایالات متحده بالاتر از آن قرار دارند.

این رشدی منوط به قابلیت ایران برای جذب سرمایه‌گذاری‌های اساسی مورد نیاز برای افزایش ظرفیت، ارتقای کارایی فنی و توسعه توانایی‌های داخلی است. دولت در مجموع به دنبال ۸۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری برای پروژه‌های برنامه‌ریزی شده است که ۱۲۰ میلیون تن به ظرفیت این بخش تا سال ۲۰۲۶ اضافه می‌کند. حدود نیمی از این پروژه‌ها اجرا شده‌اند و دولت هدف ۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری را در جدیدترین برنامه پنج ساله توسعه خود، در نظر گرفته است.

بخش پتروشیمی ایران سالانه به طور میانگین ۲۶ درصد رشد را طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ تجربه کرده است

افزایش ظرفیت بر مبنای مزیت جهانی ایران در هزینه

بخش پتروشیمی ایران طی دهه گذشته پیشرفت چشمگیری داشته و سالانه به طور میانگین ۲۶ درصد رشد را طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ تجربه کرده است.^{۱۸۷} عمده صادرات شامل محصولات نسبتاً اصلی همچون پلی اتیلن، متانول، بنزن، آمونیاک، پی‌وی‌سی و پروپیلن است. بین سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۳ و متعاقب تحمیل تحریم‌های بین‌المللی، صادرات محصولات پتروشیمی ایران در مجموع ۲۴ درصد کاهش یافت، اما ممنوعیت صادرات پتروشیمی در سال ۲۰۱۴ لغو گردید و صادرات در حال حاضر مجدداً روند رو به رشد خود را در پیش گرفته است.

میزان تولید در سال ۲۰۱۴ حدوداً برابر تولید در سال ۲۰۱۱ بود و در سال ۲۰۱۵ بیش از ۵ درصد رشد یافت. شرکت ملی صنایع پتروشیمی، که هم یک ارگان سیاستی زیرمجموعه وزارت نفت و هم دارای شرکت‌های پتروشیمیایی دولتی است، به دنبال تسریع رشد و حداقل دو برابر کردن ظرفیت به سالانه ۱۲۰ میلیون تن در پایان برنامه پنج‌ساله است. حدود ۴۰ میلیون تن از این افزایش ظرفیت مربوط به فاز دوم توسعه کانون عظیم گازی عسلویه است.^{۱۸۸}

^{۱۸۷} پایگاه داده عرضه و تقاضا ICIS؛ شامل کودها نمی‌گردد.

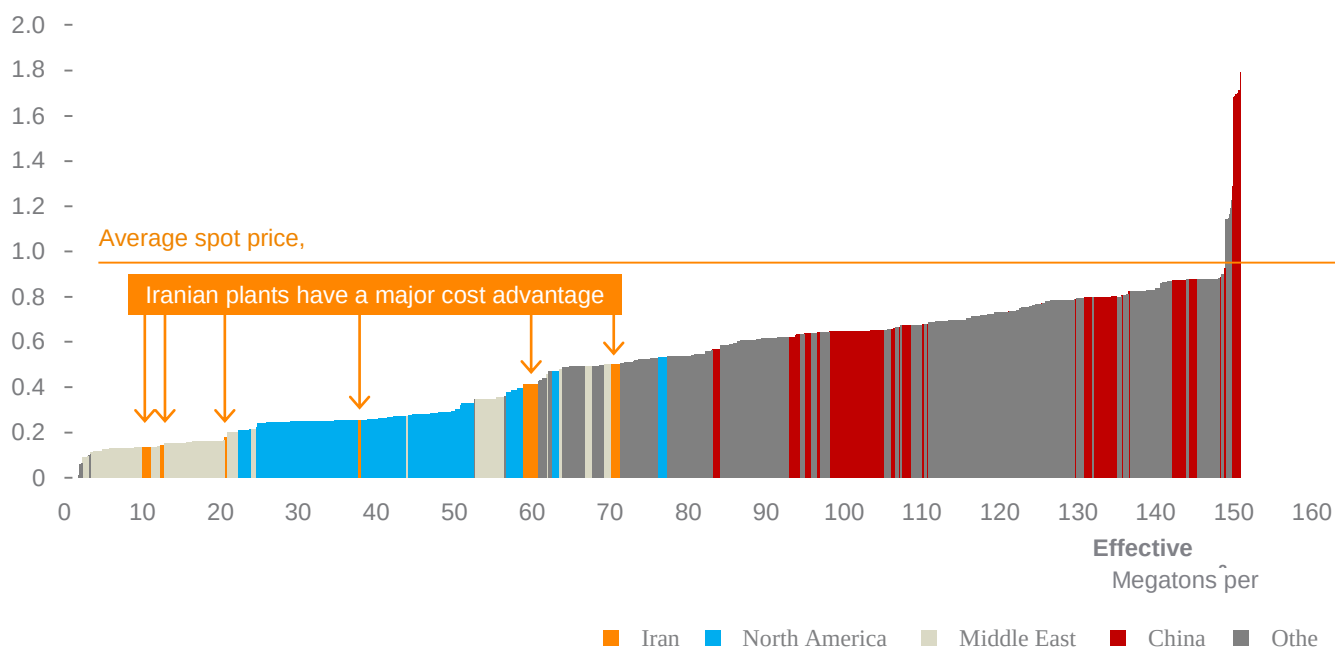
^{۱۸۸} «صنعت پتروشیمی ایران آماده سرمایه‌گذاری خارجی»، خبرگزاری شانا، ۱۵ مارس ۲۰۱۶.

در حالی که برنامه‌ها به طور عمده بر محصولات اصلی پتروشیمی شامل متانول، اتیلن و کودهای اوره و آمونیاک متمرکز شده‌اند، این شرکت برنامه‌هایی را نیز برای افزایش ظرفیت و اتخاذ فناوری‌های نوین مانند متانول-به-اولفین برای ورود به زنجیره پروپیلن/پلی پروپیلن در نظر دارد. حتی با وجود نااطمینانی‌های موجود در رشد جهانی و قیمت‌های محصولات پتروشیمی، ایران احتمالاً به عنوان یک تولیدکننده سودآور باقی خواهد ماند، زیرا خوراک ارزان قیمت به این صنعت در ایران یک مزیت جهانی می‌دهد. حدود ۸۰ درصد خوراک ایران، اتان است، گاز مایع طبیعی (NGL) دو کربنه که می‌توان آن را از گاز طبیعی جدا کرد. کراکریایی^{۱۸۹} که از خوراک اتان استفاده می‌کنند، به طور میانگین حدود ۷۹ درصد اتیلن تولید می‌کنند که سپس برای تولید پلی اتیلن یا دیگر مشتقاتی بکار گرفته می‌شوند که می‌توانند در فیبرها یا دیگر پلاستیک‌ها مورد استفاده قرار گیرند.

شکل ۱۰

ایران دارای یکی از رقابتی‌ترین قیمت‌ها در میان تولیدکنندگان اتیلن جهان است

Global ethylene cost curve by plant, 2015¹
\$ thousand per tonne, nominal, per plant



¹ Plant gate costs; based on prices in United States, Western Europe, NEA, SEA, and Middle East netbacks (South America costs based primarily on Western Europe prices); each cracker's cost based on estimated feed mix, scale, and estimated yield efficiency estimate. Net cost of ethylene (total feed, utilities, and fixed cash costs less byproduct credits), based on 2015 average prices, crude WTI \$45.80/billion barrels of oil.

² Assumes 93% utilisation for each plant.

SOURCE: McKinsey global ethylene cost curve; IHS; McKinsey Global Institute analysis

خاورمیانه و آمریکای شمالی تنها تولیدکنندگان جهان هستند که اکثراً از گاز مایع طبیعی برای خوراک اتیلن استفاده می‌کنند. تولیدکنندگان اروپا و آسیا از تولیدات سنگین تر نفت خام مانند نفتا یا گازوئیل سنگین استفاده می‌کنند که گران‌تر هستند. قیمت‌های پایین‌تر نفت خام جهانی، تفاوت هزینه را کم کرده‌است، اما اتیلن آسیایی تولیدی از نفتا هنوز هم بیش از سه برابر گران‌تر از تولید مبتنی بر گاز مایع طبیعی در ایران است (شکل ۱۰). حتی اگر هزینه خوراک اتان سه برابر هم شود، برآورد می‌کنیم که تولیدکنندگان ایرانی باز هم بتوانند سودآوری کنند. مضاف بر این، در حالی که دیگر تولیدکنندگان خاورمیانه با کمبود گاز مایع طبیعی مواجه هستند، انتظار می‌رود که عرضه ایران افزایش یابد، زیرا تولید گاز پارس جنوبی افزایش می‌یابد و مزیت آن را برای چندین دهه حفظ می‌کند.

مشارکت با سرمایه‌گذاران بین‌المللی برای افزایش ارزش افزوده

برای کسب مزیت از فرصت‌های پتروشیمیایی، ایران باید سرمایه‌گذاران خارجی را جذب کند تا بتواند سرمایه‌گذاری داخلی را تکمیل نماید، بهره‌برداری را افزایش دهد، و نیازهای در حال رشد داخلی را با ترکیب محصولات گسترده‌تری پوشش دهد که این محصولات شامل پلاستیک‌های کاربردی و لاستیک‌های مصنوعی است.

علاوه بر خوراک ارزان قیمت، سرمایه‌گذاران می‌توانند از زیرساخت‌های توسعه‌یافته برای صادرات، مشوق‌های مالی در مناطق ویژه اقتصادی ماهشهر و عسلویه و دانش و تخصص نیروهای فنی داخلی نیز منتفع شوند. برای تسهیل سرمایه‌گذاری و رقابتی کردن این بخش، شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران اعلام نموده که نقش خود را از ایجادکننده و توسعه‌دهنده تحت مالکیت دولت به تنظیم‌گر و ارگان سیاستی تغییر خواهد داد.^{۱۹۰} خصوصی‌سازی از سال ۲۰۱۰، مالکیت برخی از تأسیسات پتروشیمی را به صندوق‌های سرمایه‌گذاری و بازنشستگی ایرانی واگذار نموده است.

مقامات ایرانی تعدادی از سرمایه‌گذاری‌های عمده را اعلام نموده‌اند که عبارتند از: سرمایه‌گذاری ۴ میلیارد دلاری ب‌آ اس اف آلمان برای اضافه کردن ظرفیت جدید در منطقه ویژه اقتصادی عسلویه و سرمایه‌گذاری مشترک ۴ میلیارد دلاری لینده-میتسوئی^{۱۹۱} ژاپن برای تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام.^{۱۹۲} مشارکت در بخش پتروشیمی یکی از موضوعات مذاکرات دوجانبه با چین، اندونزی، سنگاپور، و کره جنوبی بوده است. قرار است دو مجموعه از پروژه‌ها هر کدام با حجم ۶ میلیارد دلار، توسط صندوق توسعه ملی ایران تأمین مالی شوند.

^{۱۹۰} گزارش صنعت پتروشیمی ایران: گزارش سالانه ۲۰۱۴، شرکت ملی پتروشیمی.

^{۱۹۱} Linde-Mitsui

^{۱۹۲} «ب‌آ اس اف به دنبال سرمایه‌گذاری ۴ میلیارد دلاری در برنامه پتروشیمی ایران»، پرس تی وی، ۱۲ فوریه ۲۰۱۶.

شرکت‌های بین‌المللی نه تنها برای تأمین مالی پروژه‌های جدید بلکه همچنین برای تقویت اقدامات و مدیریت نیز حائز اهمیت هستند. بهره‌برداری از واحدها از اوج ۹۱ درصدی خود در سال ۲۰۰۲ به کمتر از ۷۰ درصد در ۱۴-۲۰۱۳ کاهش یافت.^{۱۹۳} این کاهش تا حدی به دلیل کاهش تقاضای ناشی از تحریم‌ها است اما جدایی از شرکت‌های بین‌المللی شیمیایی و خدماتی نیز در این کاهش تأثیر داشته است. بدون دسترسی به بالاترین فناوری، ساخت مجتمع‌ها و به‌کارگیری تجهیزات، با دشواری مواجه می‌شود. شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران، تجهیزات و مدیریت تغییر عرضه را به عنوان حوزه‌هایی تشخیص داده که می‌توانند منفعت کیفی از سرمایه‌گذاری خارجی داشته باشند.^{۱۹۴} با دسترسی به ساخت و تجهیزات بهبود یافته و شیوه‌های بهینه عملیات، افزایش بهره‌برداری از ۷۰ درصد به نقطه‌ای نزدیک استاندارد بین‌المللی ۸۵ درصدی، می‌تواند افزایش ۴ میلیارد دلاری ارزش افزوده ناخالص را تا سال ۲۰۲۵ به همراه داشته باشد.

علاوه بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات، توسعه موفق بخش پتروشیمی نیز بستگی به عرضه ترکیب درست از محصولات برای تطبیق با تقاضای در حال رشد داخلی دارد. با رشد اقتصاد ایران، مصرف محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نهایی که به عنوان مصالح اصلی بخش‌های خودرو و ساختمان هستند افزایش خواهد یافت. ایران در سال ۲۰۱۴ حدود ۸ میلیارد دلار پلاستیک و محصولات لاستیکی وارد نمود.^{۱۹۵} با فرض رشد ۷ درصدی در مصرف داخلی در کنار تقاضای صنعتی، بازار داخلی ایران در سال ۲۰۱۵ می‌تواند ۲۵ میلیارد دلار بزرگ‌تر از فروش داخلی کنونی باشد.

صادرات این فرآورده‌های نهایی در حجم زیاد، چالش برانگیز خواهد بود. ایران ارزش افزوده را از خوراک ارزان قیمت در مراحل تولید محصولات اصلی پتروشیمی به دست می‌آورد و با رقابت شدید در فرآورده‌های نهایی در بازار بین‌المللی مواجه خواهد شد. در حالی که ایران به طور فزاینده‌ای ترکیب محصولات خود را برای تأمین تقاضای داخلی افزایش داده و تنوع می‌بخشد، صادرات محصولات پایین دست نیز ممکن است، اما حاشیه سودها به قیمت‌های بین‌المللی در نوسان بستگی دارد.

با توجه به اینکه توسعه گزینه‌های صادراتی برای عرضه در حال رشد گاز ایران زمان‌بر است، صنعت پتروشیمی راهی مطمئن برای کسب درآمد در کوتاه‌مدت است. در واقع، پتروشیمی می‌تواند یک مؤلفه مهم از راهبرد وسیع‌تر گاز و گاز مایع طبیعی برای پشتیبانی از صنعت دارای ارزش افزوده باشد.

^{۱۹۳} پایگاه داده عرضه و تقاضا ICIS

^{۱۹۴} «رشد ۲۶ درصدی صادرات پتروشیمی ایران» خبرگزاری شانا، ۷ مارس ۲۰۱۶.

^{۱۹۵} وزارت امور اقتصادی و دارایی، اداره گمرکات و تعرفه‌ها.

معادن: ایران دارای برخی از غنی‌ترین ذخایر روی، مس و سنگ آهن در جهان است

ایران دارای ذخایری از بیش از ۶۸ ماده معدنی است که دولت ارزش آنها را ۷۰۰ میلیارد دلار برآورد می‌کند. ایران در بین ده کشور برتر دنیا از لحاظ ذخایر سنگ آهن، مس و روی است (شکل ۱۱).^{۱۹۶} نسبت‌های ذخایر به تولید^{۱۹۷} ایران به دلیل شوک‌های سیاسی و اقتصادی که چرخه طولانی اکتشاف تا تولید که لازمه سرمایه‌گذاری معدنی هستند را مختل کرده‌اند، بالا است؛ تقریباً چهار برابر میانگین جهانی برای روی و مس. از سال ۲۰۰۵، تولید سنگ آهن و مس به طور سالانه حدود ۱۵ درصد از نقطه آغازین خود، یعنی ۱۵ میلیون تن سنگ آهن و ۰/۶ میلیون تن کنسانتره مس، رشد یافته است. سرمایه‌گذاری عمده‌ای برای ادامه این مسیر و محقق نمودن پتانسیل‌های بخش معدن مورد نیاز است.

شکل ۱۱

ایران جزو ۱۰ کشور با بالاترین میزان ذخایر فلزات اساسی است



SOURCE: United States Geological Survey Mineral Commodity Summaries, 2016; IMIDRO, 2015; Ghorbani, 2013; McKinsey Global Institute analysis

^{۱۹۶} «گزارش محصولات معدنی ۲۰۱۶»، مطالعه جغرافیایی ایالات متحده؛ راهبرد دولت ایران برای ارتقای سرمایه‌گذاری در بخش معدن و فلزات، ایمیدرو، نوامبر ۲۰۱۵.

^{۱۹۷} reserve-to-production ratios

با این حال با کاهش قیمت‌ها، شرکت‌های معدنی جهانی، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های جدید را حتی در کشورهای دارای زیرساخت‌های پیشرفته معدنی و ذخایر شناخته‌شده سنگ آهن، کاهش داده‌اند. سرمایه در دسترس برای شرکت‌های اکتشافی نیز کاهش یافته است. اگر ایران بخواهد سرمایه‌گذاری را برای پروژه‌های جدید جذب نماید، ۱۰ تا ۱۵ سال از زمان اکتشاف تا تولید به علاوه زمان مورد نیاز برای اکتشاف، به طول خواهد انجامید. با وجود ساختار قانونی درست و مشوق‌های سرمایه‌گذاری، ایران می‌تواند از مزایای بازگشت جهانی به این صنعت در بلندمدت بهره‌مند گردد. برخلاف بخش نفت و گاز، خارجی‌ها می‌توانند ۱۰۰ درصد حقوق معدنی برای کشف را به تملک درآورند.^{۱۹۸}

برخلاف بخش نفت و گاز، خارجی‌ها می‌توانند ۱۰۰ درصد مالکیت حقوق اکتشاف معدنی را داشته باشند.

گسترش اکتشاف و تولید در فلزات

در حالی که اکثر تولیدات معادن ایران، مصالح عمده مورد نیاز برای ساختمان است، بزرگترین ارزش بهره‌برداری نشده در مس، سنگ آهن، روی و ذغال سنگ است. هر یک از معادن مس سرچشمه و سنگ آهن گل‌گهر در سال ۲۰۱۴ بیش از یک میلیارد دلار درآمد داشتند، گرچه هیچ معدن دیگری به ۲۰۰ میلیون دلار هم نرسید. با توجه به حجم احتمالی ذخایر، ایران مخارج نسبتاً کمی برای اکتشاف انجام می‌دهد: بودجه اکتشاف ایران از ۲۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۶ به اوج خود یعنی ۴۰ میلیون دلار در سال ۲۰۱۲ رسید، که این تنها یک پنجم بودجه جمهوری دموکراتیک کنگو و یک پانزدهم بودجه شیلی برای اکتشاف معادن است.^{۱۹۹} با وجود پایین بودن سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی برای اکتشاف، ایران باید تأمین مالی یا مشوق‌های خود برای اکتشاف را تقویت نماید. به عنوان مثال، شرکت ملی معدن شیلی، وام‌هایی را برای اکتشاف و تجهیزات در نظر گرفته و سنگ آهن را از تولیدکنندگان شیلیایی خرد و متوسط خریداری کرده است.

ارزش بخش معدن ایران به طور کلی از سال ۲۰۰۸ تا اوج قیمت‌های جهانی در سال ۲۰۱۳ سالانه ۱۱ درصد رشد داشته که عمده آن مربوط به سنگ آهن و مس بوده است. سنگ آهن با ۲/۷ میلیارد دلار در مارس ۲۰۱۴ با ارزش‌ترین محصول معدنی بوده و ۵۵ درصد بخش را شامل می‌شد. حتی با وجود کاهش قیمت جهانی سنگ آهن از تنی ۱۲۸ دلار در سال ۲۰۱۳ به تنی ۵۲ دلار در سال ۲۰۱۵،

^{۱۹۸} جان تیوی و همکاران، «معدن در ایران: فرصت‌های پس از توافق»، نشریه معدن، اکتبر ۲۰۱۵.

^{۱۹۹} ایران، شناسه کشوری مؤسسه تحقیقات فلزات و معدن SNL

با هزینه تولید ۱۶ تا ۲۵ دلاری برای هر تن سنگ آهن، باز هم حاشیه سود این ماده معدنی بالا باقی مانده است.^{۲۰۰} با توجه به اینکه ایران به دنبال سه برابر کردن تولید فولاد خود طی ۱۰ سال آینده است، تقاضای داخلی سنگ آهن نیز افزایش خواهد یافت. تولیدکنندگان فولاد می‌توانند سنگ آهن را وارد کنند اما سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو)، هلدینگ دولتی مسئول سیاست‌های معدنی، افزایش سالانه ۸ درصدی تقاضای داخلی را پیش‌بینی می‌کند تا از ۵۶ میلیون تن در سال ۲۰۱۴ به ۱۱۶ میلیون تن در سال ۲۰۲۵ برسد. برای رسیدن به این هدف، ایمیدرو یک برنامه اکتشاف سه ساله را در ۲۰۰ هزار کیلومتر مربع از استان‌های عمده دارای سنگ آهن یعنی یزد و کرمان و همچنین مناطق مرزی پاکستان و افغانستان، به انجام می‌رساند.^{۲۰۱}

شاید روشن‌ترین پتانسیل برای بازگشت به صنایع معدنی جهانی، در مس باشد، و ایران در موقعیت مناسبی برای استفاده از این مزیت قرار دارد. با ۳۰ میلیون تن ذخایر مس، ایران همانند روسیه، چین و ایالات متحده، ۴ درصد کل ذخایر دنیا را در اختیار دارد و بعد از شیلی، استرالیا، پرو و مکزیک قرار گرفته است.^{۲۰۲} با شروع بسیار کم در سال ۲۰۰۲، تولید ایران سالانه ۱۷ درصد در دهه بعد از آن رشد کرد که عمده این رشد مربوط به معدن سرچشمه بود که شانزدهمین معدن دنیا از لحاظ ظرفیت است.^{۲۰۳} تولید ۲۰۰ هزار تنی سال ۲۰۱۵ هم هنوز نسبتاً کم است و حدود یک پنجم تولید معدن اسکوندیدا بزرگترین معدن شیلی است. در سال ۲۰۱۴ درآمد مس به ۷۵۰ میلیون دلار رسید که ۱۵ درصد بخش معدن و در رتبه بعد از سنگ آهن بود. هزینه‌های نهایی تولید سنگ آهن در ایران پایین و برابر ۱۵۰۰ دلار برای هر تن (۱۲۵۰ دلار در سرچشمه) است، در حالی که میانگین جهانی برای هر تن ۲۷۵۰ دلار (قبل از کسر مالیات و عوارض) است. مهم‌ترین مزیت، مربوط به نیروی کار و برق ارزان است.^{۲۰۴}

ایران، فرصت‌های سرمایه‌گذاری در مس، سنگ آهن و روی را هدف قرار داده است

هدف ایران، سرمایه‌گذاری ۲۹ میلیارد دلاری برای پروژه‌های موجود و جدید در بخش معدن است. در کوتاه‌مدت، ایمیدرو اولویت را بر پروژه‌های سالانه ۲۵۰ هزار تن مس از طریق شرکت ملی صنایع

^{۲۰۰} اظهارات مهدی کرباسیان، رئیس ایمیدرو، در کنفرانس آهن و فولاد خاورمیانه در ۸ دسامبر ۲۰۱۴ در دبی؛ پیش‌بینی قیمت کالاهای، یانک جهانی، ۲۰ ژانویه ۲۰۱۶.

^{۲۰۱} مهدی کرباسیان، «معرفی راهبرد ایران در افزایش سرمایه‌گذاری در بخش معدن و فلزات» در کنفرانس بین‌المللی معدن و منابع در ملبورن، ۱۰ تا ۱۲ نوامبر ۲۰۱۵.

^{۲۰۲} «گزارش محصولات معدنی ۲۰۱۶»، مطالعه جغرافیایی ایالات متحده، ۲۰۱۶.

^{۲۰۳} اطلاعات‌نامه جهانی مس ۲۰۱۴، گروه بین‌المللی مطالعات مس.

^{۲۰۴} پایگاه داده MineSpan، راه حل‌های مکنزی.

مس ایران و مجتمع‌های فرآوری سنگ آهن، پتاس و ذغال سنگ قرار داده است. ایران تا سال ۲۰۲۵ سالانه ۸۰۰ هزار تن را هدف‌گذاری کرده است.^{۲۰۵} ایمیدرو به دنبال سرمایه‌گذاری یک میلیارد دلاری برای تولید ۸۰۰ هزار تن کنسانتره و شمش روی در مهدی‌آباد، پروژه‌ای برای تولید سالانه ۳ تن طلا از فاز دوم زرشوران، و افزایش ۴۵۰ هزار تنی ذغال سنگ در طبس و ۳۰۰ هزار تنی کک در سوادکوه است.^{۲۰۶}

بهره‌وری ایران در سطح متوسط کشورهای معدنی قرار دارد به طوری که کارایی کارگران بخش مس و سنگ آهن آن، نصف کارایی کارکنان ایالات متحده اما دو و نیم برابر کارگران جمهوری دموکراتیک کنگو است.^{۲۰۷} ایمیدرو نه ابتکار عمل را برای افزایش رقابت‌پذیری بخش معدن، مشتمل بر استفاده از بهترین فناوری، بازاریابی و فروش صادراتی، توسعه منابع انسانی، حرکت از معادن عمده موجود به معادن باریسک و بازده بالا، شناسایی نموده است.^{۲۰۸} برای جذب سرمایه‌گذاری‌های کمیاب بین‌المللی، ایمیدرو و سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی ایران نیاز به ارتباطات در خصوص چارچوب قانونی، اطلاعات زمین‌شناسی و فرصت‌های مشارکت دارند.

دولت به دنبال استفاده از بخش معدن برای تقویت بخش خصوصی و افزایش فعالیت اقتصادی در مناطق کمتر توسعه‌یافته است.^{۲۰۹} منابع معدنی ایران در سرتاسر ایران در طول یک کمربند عریض بین آذربایجان شرقی در شمال و بلوچستان در جنوب شرقی توزیع شده است. استان‌های برتر از نظر ارزش، اکثر این کمربند را پوشش می‌دهند که اکثریت آن، معادن سنگ آهن است. اینها شامل کرمان با ۴۰ درصد ارزش افزوده ناخالص و ۱۳ درصد اشتغال، و به دنبال آن، اصفهان، آذربایجان شرقی، خراسان رضوی و مرکزی هستند که هر کدام ۳ تا ۴ درصد ارزش افزوده ناخالص را ایجاد می‌کنند.^{۲۱۰} قیمت‌ها در بخش معدن ناپایدار بوده و از سال ۲۰۱۱ حدود ۴۰ درصد کاهش یافته است. حتی با این قیمت‌های پایین هم معادن ایران می‌توانند رقابتی باشند. با تنها ۱ تا ۲ درصد افزایش سالانه قیمت سنگ آهن طبق پیش‌بینی بانک جهانی، برآورد می‌کنیم که ارزش افزوده ناخالص در ایران از ۳/۶

^{۲۰۵} مهدی کرباسیان، «معرفی راهبرد ایران در افزایش سرمایه‌گذاری در بخش معدن و فلزات» در کنفرانس بین‌المللی معدن و منابع در ملبورن، ۱۰ تا ۱۲ نوامبر ۲۰۱۵.

^{۲۰۶} همان.

^{۲۰۷} پایگاه داده MineSpan، راه حل‌های مکنزی.

^{۲۰۸} اظهارات مهدی کرباسیان، رئیس ایمیدرو، در کنفرانس آهن و فولاد خاورمیانه در ۸ دسامبر ۲۰۱۴ در دوبی.

^{۲۰۹} «بررسی بازارهای آهن و فولاد ایران»، ایمیدرو، ۸ دسامبر ۲۰۱۴.

^{۲۱۰} «خلاصه داده‌ها برای استخراج معادن»، مرکز آمار ایران.

میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ به ۱۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۳۵ برسد؛ اگر قیمت سنگ آهن به سطوح سال ۲۰۱۴ بازگردد، این میزان می‌تواند به بیش از ۱۴ میلیارد دلار افزایش یابد.

کشاورزی: از غلات تا زعفران، یک بخش بزرگ و متنوع که نیاز به نوسازی دارد

ایران دارای آب و هوایی خشک با بیابان‌های وسیع در مناطق مرکزی و شرقی است. کشاورزی حدود ۹ درصد اقتصاد کشور را در بر می‌گیرد و تقریباً ۴ میلیون شغل ایجاد می‌کند که ۱۸ درصد کل نیروی کار ایران است. در حالی که ایران معروف به پسته، زعفران و خاویار است، گندم پرجمع‌ترین محصول کشور است و ۱۰ درصد کل تولید را شامل می‌شود. شکر، سیب‌زمینی، گوجه، جو، و برنج دیگر محصولات اصلی کشاورزی را تشکیل می‌دهند که در مجموع بیش از دوسوم کل تولید کشاورزی را شامل می‌شوند. ایران همچنین طیف وسیعی از محصولات باغی پربازده مانند مرکبات، سیب و انگور را تولید می‌کند. ماکیان و شیر، عمده‌ترین محصولات دامی هستند.^{۲۱۱}

قرار داشتن ایران در معرض خشکسالی، تهدیدی برای تولید کشاورزی محسوب می‌شود. همزمان با رشد بخش کشاورزی، منابع آبی نیز باید به دقت و به صورتی کارا مدیریت شوند.

افزایش تقاضا ناشی از جمعیت در حال رشد، در کنار محدودیت‌های جغرافیایی برای گسترش مزارع، بدین معنی است که ایران یک واردکننده خالص محصولات کشاورزی و به ویژه ذرت، گندم و برنج باقی خواهد ماند. برآورد می‌کنیم که ایران فرصت رشد سالانه ۴ درصدی در بخش کشاورزی طی ۲۰ سال آینده را دارد که این بیش از دو برابر ارزش افزوده ناخالص بخش است و تقریباً ۲۵۰ هزار شغل تا سال ۲۰۳۵ ایجاد خواهد نمود. چنین رشدی مستلزم ۷۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری است و بستگی به بهره‌وری و اتخاذ فناوری‌ها و روش‌های نوین کشاورزی دارد. در کشوری که در معرض خشکسالی قرار دارد، چنین رشد اقتصادی باید همراه با مدیریت دقیق منابع آبی باشد.

برای تکمیل برنامه‌های کشاورزی داخلی، ایران به دنبال گسترش همکاری با فرانسه، روسیه، تایلند و دیگر کشورهای پیشرو در زمینه کشاورزی است و با سرمایه‌گذاران خصوصی که علاقمند به بخش کشاورزی هستند مذاکراتی انجام داده است. دولت چالش‌های مربوط به صادرات محصولات کشاورزی را تشخیص داده و اخیراً به موضوعاتی همچون روابط توسعه‌نیافته با توزیع‌کنندگان بین‌المللی، تعرفه‌های ترجیحی، و فقدان توافقات منطقه‌ای اشاره داشته است.^{۲۱۲} علاوه بر گسترش

^{۲۱۱} سالنامه آماری، وزارت جهاد کشاورزی، ۲۰۱۴.

^{۲۱۲} «موضوع، کشاورزان نیستند؛ ما با چالش‌های جدی در صادرات محصولات کشاورزی مواجه هستیم»، خبرگزاری تسنیم، ۷ آوریل ۲۰۱۶.

تجارت، سرمایه‌گذاری راهبردی در بیوتکنولوژی، ماشین‌آلات، آبیاری هوشمند و تکنولوژی‌های گلخانه‌ای، فرصت‌هایی را برای شرکت‌های داخلی و خارجی فراهم می‌کند.

خرده مالکان، بازیگران عمده بازار غیرمتمرکز هستند

میانگین مساحت مزرعه در ایران ۴/۹ هکتار است در حالی که در اروپا ۳۲/۳ هکتار و در ایالات متحده ۱۷۸/۴ هکتار است.^{۲۱۳} سه چهارم مزارع ایران در اختیار خرده مالکانی است که کمتر از ۵ هکتار را در اختیار دارند و ۲۰ درصد کل مزارع کشاورزی را شامل می‌شوند. مزارع تجاری نسبتاً کمی با مساحت بالای ۵۰ هکتار وجود دارند اما با این وجود، ۲۳ درصد تولید کشاورزی را بر عهده دارند.^{۲۱۴} این چندپارگی تا اندازه‌ای به دلیل اصلاحات ارضی در دهه ۱۹۶۰ است که قطعات بزرگ زمین را تقسیم نموده و ایرانیان بیشتری را به مالکین زمین تبدیل کرد. اما این چندپاره‌سازی باعث محدود شدن فرصت توسعه مزارع ایران و انجام نوآوری در روش‌های کشاورزی همچون تکنولوژی آبیاری پیشرفته گردید.

در حال حاضر، بهره‌وری بخش کشاورزی ایران اساساً کمتر از بسیاری از هم‌تایان خود است.^{۲۱۵} بهره‌وری کشاورزی کمتر از ۸ هزار دلار ارزش افزوده ناخالص به ازای هر کارکن در سال ۲۰۱۴، کمتر از ترکیه و آفریقای جنوبی بود که در آن‌ها بهره‌وری هر کارکن بیش از ۱۰۵۰۰ دلار است. بهره‌وری کشاورزی ایران همچنین کمتر از نصف بهره‌وری مالزی و کمتر از یک سوم مراکش است.^{۲۱۶} یک دلیل این است که ایران از لحاظ آمادگی تکنولوژیکی و پیچیدگی فرآیندهای تولید، عقب‌تر از هم‌تایان خود است.^{۲۱۷}

برخلاف بسیاری دیگر از بخش‌های اقتصاد ایران، کشاورزی مستقیماً تحت تأثیر تحریم‌های بین‌المللی نبود، گرچه قیمت خوراکی با شیب زیاد افزایش پیدا کرد که این به دلیل تورم بالا و حذف جایگزین‌های بسیاری از کالاها بود.^{۲۱۸} برای کمک به کشاورزان، دولت یارانه مستقیم به کود و سم

^{۲۱۳} کلاز دیننگر و درک بایرلی، افزایش منافع جهانی در مزارع: آیا این می‌تواند منشأ منافع پایدار و متساوی گردد؟ بانک جهانی، ۲۰۱۱.

^{۲۱۴} سرشماری ملی کشاورزی ایران، ۲۰۱۴.

^{۲۱۵} بر مبنای داده‌های ارزش افزوده ناخالص از IHS و داده‌های اشتغال از پایگاه داده سازمان جهانی کار؛ کشورهای هم‌تا شامل مصر، مالزی، مکزیک، مراکش، عربستان سعودی، آفریقای جنوبی و ترکیه است.

^{۲۱۶} داده‌های ارزش افزوده ناخالص از IHS و داده‌های اشتغال از پایگاه داده سازمان جهانی کار

^{۲۱۷} شاخص رقابت‌پذیری جهانی، ۲۰۱۵-۲۰۱۴، مجمع جهانی اقتصاد، سپتامبر ۲۰۱۴؛ کشورهای هم‌تا شامل مصر، اردن، مالزی، مکزیک، مراکش، عربستان سعودی، آفریقای جنوبی تونس و ترکیه است.

^{۲۱۸} استثنائات بشردوستانه در تحریم‌ها، فروش محصولات کشاورزی، مواد غذایی فرآوری‌شده، افزودنی‌های خوراکی، و مکمل‌ها، حیوانات و دانه‌ها را استثنا می‌کند.

می‌دهد.^{۲۱۹} محصولاتی همچون گندم و برنج مشمول حداقل قیمت تضمینی هستند که توسط سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان به همراه مجلس شورای اسلامی تعیین می‌گردند؛ بر اساس گزارش‌ها، دولت در حال اصلاح قیمت مواد خوراکی و دیگر یارانه‌های کشاورزی است.^{۲۲۰}

حرکت از مصرف بی‌رویه آب به سمت حفظ آن

یکی از چالش‌هایی که بخش کشاورزی با آن مواجه است، مصرف بیش از حد و استفاده نادرست از آب است. بیش از ۹۰ درصد برداشت آب شیرین در ایران توسط بخش کشاورزی صورت می‌گیرد که نسبتی بسیار بالاتر از تمام هم‌تایان خود است (شکل ۱۲).^{۲۲۱} اقلیم خشک کشور و قرار داشتن در معرض خشکسالی، تهدیدی برای تولیدات حاضر است؛ در حال حاضر، تنها ۱۷ درصد از اراضی کشاورزی آبیاری می‌شوند و بسیاری از مناطق به ویژه در مناطق شمالی و غربی، به شدت وابسته به بارش باران هستند.^{۲۲۲} اگر این بخش بخواهد فرصت‌های خود را محقق سازد، منابع آبی باید به دقت و به طور کارا از جمله از طریق استفاده از روش‌های آبیاری پیشرفته، بازیافت فاضلاب و چرخش محصول، مدیریت شوند. تکنولوژی نمک‌زدایی می‌تواند به افزایش عرضه کمک کند در حالی که مدیریت بهتر منابع آبی می‌تواند مشکلات اتلاف آب را کاهش داده و احتمالاً به افزایش بهره‌وری کمک کند. به عنوان مثال، ترویج آبیاری قطره‌ای در استان سیستان و بلوچستان در جنوب شرقی ایران تا ۹۰ درصد به بهبود بهره‌وری کمک نمود.^{۲۲۳}

برنامه پنج ساله توسعه دولت (۲۰۱۶-۲۱) بر مدیریت و حفاظت از آب تمرکز دارد. این برنامه به دنبال ترغیب کشاورزان برای افزایش تولید از طریق افزایش عملکرد به جای گسترش سطح زیر کشت و استفاده از محصول مناسب آب و هوا است. این برنامه‌ها پشتیبانی چشمگیری از نوسازی آبیاری و سیستم‌های زهکشی انجام می‌دهند که حداقل ۴۰۰ هزار هکتار را در سال پوشش می‌دهد و دولت ۸۵ درصد منابع مالی مورد نیاز این کار را به صورت وام بلاعوض به کشاورزان اعطا می‌کند.^{۲۲۴} علاوه بر این، دولت امید دارد که استفاده نادرست از آب را از طریق طرح گسترده نصب وسایل اندازه‌گیری (کنتور) در چاه‌های کشاورزی کاهش دهد، وسایلی که به کنترل مصرف کمک نموده و به

^{۲۱۹} گزارش کسب و کار کشاورزی، سه ماهه چهارم ۲۰۱۵، مؤسسه بین‌المللی بیزنس مانیتر، اوت ۲۰۱۵.

^{۲۲۰} «کتاب کشوری روندهای سیاستی غذا و کشاورزی: ایران»، سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد، سپتامبر ۲۰۱۴.

^{۲۲۱} کتاب جهانی CIA؛ کشورهای هم‌تا شامل مصر، اردن، مالزی، مکزیک، مراکش، عربستان سعودی، آفریقای جنوبی، تونس و ترکیه است.

^{۲۲۲} شاخص‌های جهانی توسعه، بانک جهانی، ۲۰۱۵.

^{۲۲۳} افزایش بهره‌وری آب برای آبیاری، صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، سیستان و بلوچستان، ۱ مارس ۲۰۱۶.

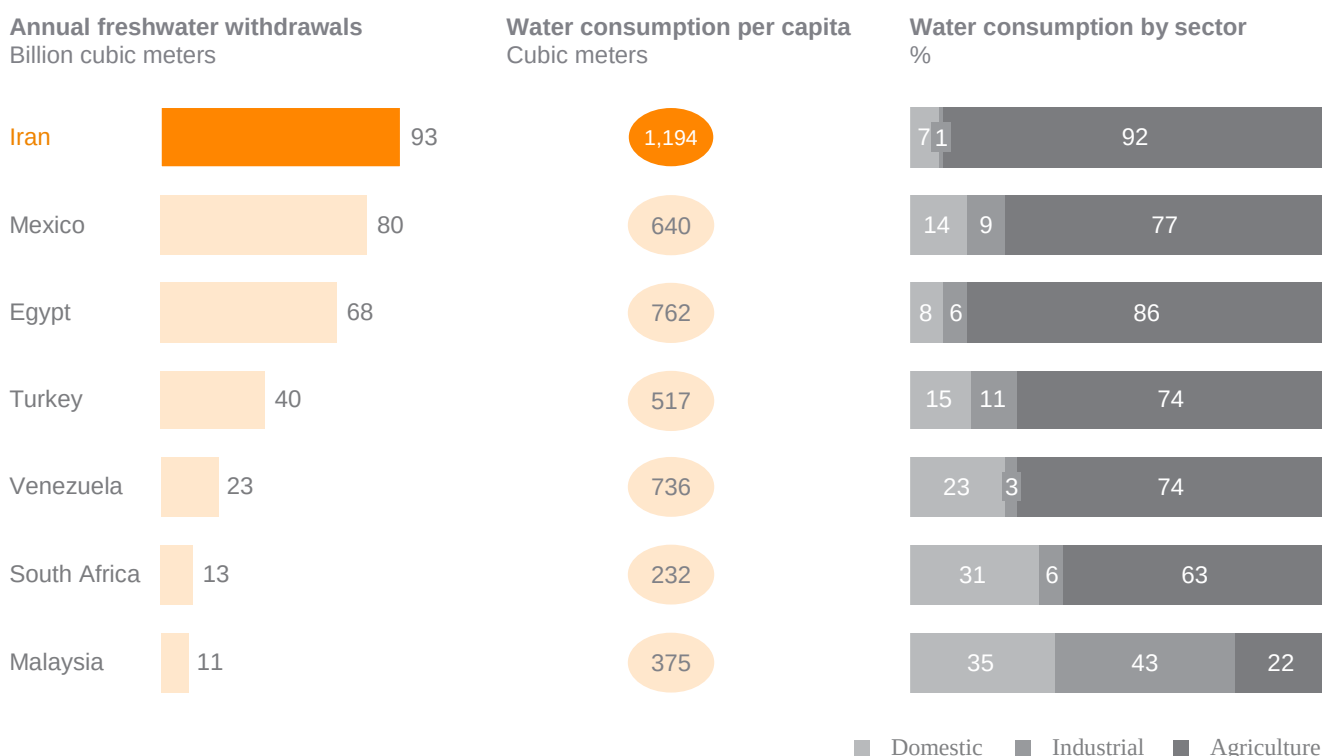
^{۲۲۴} «برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی ایران، ۲۰۱۶.

طور دقیق و بر اساس میزان مصرف آب برای کشاورزان هزینه‌هایی را تعیین می‌کند. از حدود ۴۵۰ هزار حلقه چاه در کشور، کمتر از ۱۰۰ هزار چاه دارای این وسایل اندازه‌گیری هستند.^{۲۲۵}

شکل ۱۲

برداشت زیاد آب شیرین برای کشاورزی اکولوژی ایران را با مشکل مواجه ساخته است

2014



SOURCE: World development indicators, World Bank; UN Population Division; McKinsey Global Institute analysis

افزایش تولید و بهره‌وری از طریق ادغام و تکنولوژی

برای خرده مالکانی که کمتر از ۵ هکتار زمین در اختیار دارند، ادغام یا همکاری بیشتر در بین کشاورزان، مکانیزاسیون را قابل دسترس‌تر می‌سازد. استفاده از بذر و کودهای بهبودیافته نیز به افزایش محصول کمک خواهد کرد. گرچه محصولات اصلاح ژنتیکی شده وارد کشور شده و تحقیقات بیوتک نیز در حال انجام است، اما ارگانسیم‌های اصلاح یافته ژنتیکی به طور وسیع در کشاورزی ایران

^{۲۲۵} «گزارش نشست اقتصاد آب و انرژی، برگزارشده توسط کارشناسان آبیاری، انرژی و کشاورزی»، خبرگزاری کشاورزی ایران، ۵ مارس

مورد استفاده قرار نمی‌گیرند.^{۲۲۶} در برنامه پنج ساله دولت، تولید اصلاح ژنتیکی شده برنج و پنبه هدف‌گذاری شده اما برای استفاده از چنین تکنولوژی باید وزارتخانه‌های کشاورزی و بهداشت و آموزش پزشکی و سازمان حفاظت محیط زیست اجازه دهند.^{۲۲۷}

بهره‌وری همچنین می‌تواند از طریق اتخاذ روش‌های آبیاری هوشمند و روش‌های گلخانه‌ای، ارتقا یابد. علاوه بر مزارع کوچک و متوسط، کسب و کار کشاورزی با بیش از ۵۰ هکتار می‌تواند عملکرد و بهره‌وری را از طریق شبکه‌های توزیع بهتر، ماشین‌آلات و تجهیزات پیشرفته‌تر یا از طریق سرمایه‌گذاری خارجی، ارتقا دهد. تغییر تولید به سمت محصولات با ارزش‌تر به خصوص محصولات باغی و دامی، می‌تواند به رشد بخش کمک کند. کاهش زائدات نیز از دیگر ضروریات است. حدود ۳۵ درصد از تولیدات کشاورزی ایران هر ساله در نتیجه ناکارایی‌های لجستیکی و تکنولوژی‌های تولید نامناسب، از بین می‌روند.^{۲۲۸}

^{۲۲۶} «رشد محصولات تراریخته در قوانین ایران»، پرس تی وی، ۶ ژوئیه ۲۰۱۵.

^{۲۲۷} «تولید محصولات تراریخته بدون اخذ مجوز، غیرقانونی است»، خبرگزاری فارس، ۱۰ فوریه ۲۰۱۶.

^{۲۲۸} بررسی بازار بخش محصولات غذایی کشاورزی ایران، آژانس تجاری ایتالیا، ژانویه ۲۰۱۶.

۲-۲. پرورش صنایع قابل رقابت در سطح بین‌المللی

ایران دارای صنایع متعددی است که نیازهای داخلی را برآورده می‌کنند، اما پتانسیل تبدیل به صنایع رقابتی در سطح بین‌المللی را دارند. تولید خودرو دارای سابقه طولانی از جمله همکاری با خودروسازان فرانسوی مانند رنو، پژو و سیتروئن است. ایران همچنین یک شبکه متراکم از تولیدکنندگان قطعات خودرو ایجاد نموده است. ایران بزرگترین بازار خودرو در خاورمیانه و شمال آفریقا است. در حال حاضر، تولیدکنندگان داخلی ۹۰ درصد این تقاضا را پاسخ می‌دهند. کالاهای مصرفی نیز بخش دیگری است که محصولات ایرانی، بر بازار داخلی آن تسلط دارند: ده برند برتر مواد غذایی، تماماً ایرانی هستند. ایران همچنین برخی مصالح اصلی مانند سیمان را به کشورهای همسایه صادر می‌کند، زیرا قیمت آنها رقابتی است. این صنایع فرصت تبدیل به صنایع رقابتی بین‌المللی طی دو دهه آینده را دارند.

تبدیل این بخش‌های متمرکز بر داخل به صادرکنندگان احتمالی، مستلزم بهبودهای عمده در بهره‌وری، سرمایه‌گذاری قابل ملاحظه در تجهیزات و تکنولوژی‌های نوین و به‌روزرسانی مهارت‌های مدیریت و نیروی کار است. برخی صنایع در ایران رونق یافته‌اند زیرا به واسطه تحریم‌ها، تعرفه‌های وارداتی یا دیگر موانع حمایتی، از رقابت جهانی در امان مانده‌اند، اما این باعث کندی نوسازی آنها شده است.

صنعت خودرو: مسیر حرکت از خودکفایی تا صادرات منطقه‌ای

بخش خودروی ایران دهمین صنعت کشور از لحاظ ارزش افزوده ناخالص است و بالاتر از بخش‌های تأمین مالی و بانکداری، خدمات عمومی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، و گردشگری است.^{۲۲۹} این بخش تقریباً ۵ درصد نیروی کار ایران را به خود اختصاص داده است. بازار ایران با فروش سالانه ۱/۱ میلیون دستگاه خودرو در سال ۲۰۱۴، بزرگتر از بازار اسپانیا است. با توجه به وضعیت جمعیت‌شناختی ایران و افزایش طبقه مصرف‌کننده، انتظار می‌رود که تقاضای آتی رو به رشد باشد.^{۲۳۰} در سال ۲۰۱۴ حدود یک میلیون ایرانی در این بخش و ۳۷۰ هزار نفر در اکوسیستم تولید قطعات (که حدود نیمی از آنها مهندسان و تکنیسین‌های ماهر هستند) و ۶۱۵ هزار نفر در خرده‌فروشی مشغول به کار بودند. تحریم‌ها و تاریخچه سیاست‌های حمایتی از این صنعت در برابر رقابت بین‌المللی محافظت نمود. در نتیجه، بهره‌وری نیروی کار بخش خودرو با ۲/۹ واحد به ازای هر کارگر

^{۲۲۹} IHS، ۲۰۱۵.

^{۲۳۰} پایگاه اطلاعات جامع تجارت جهانی، بانک جهانی، ۲۰۱۳.

و بهره‌برداری از تنها ۴۲ درصد ظرفیت کارخانه‌ها، عقب‌تر از دیگر کشورها از جمله ترکیه ماند. مصرف‌کنندگان از کیفیت پایین و قیمت‌های بالا شکایت دارند و انتخاب‌های داخلی نیز محدود است؛ تنها ۵ مدل خودرو حدود ۶۰ درصد فروش را تشکیل می‌دهند. اکثر خودروهای خارجی برای خرید در دسترس هستند، اما به دلیل تعرفه‌های وارداتی، بسیار گران‌تر هستند.

کارخانه‌های خودروسازی ایران تنها از ۴۲ درصد ظرفیت تولید خود بهره‌برداری می‌کنند.

برای رقابتی شدن، بخش خودرو نیاز به افزایش بهره‌وری و سطوح کیفیت در حد استانداردهای بین‌المللی دارد. اگر این کار انجام شود، ایران پتانسیل تبدیل به مرکز منطقه‌ای تولید خودرو را دارد که در این صورت می‌تواند نیازهای کشورهای همسایه را تأمین نماید. خود این بخش کمک شایانی به رشد اقتصادی و اشتغال ایران می‌کند. برآورد می‌کنیم که با احتساب نرخ واقعی ارز، صنعت خودرو می‌تواند ارزش افزوده ناخالص خود را از ۱۱ میلیارد دلار تا ۵۸ میلیارد دلار تا سال ۲۰۳۵ افزایش دهد یا سالانه بیش از ۸ درصد رشد نماید و در مجموع ۲۰۰ هزار شغل اضافه کند. برای رسیدن به این نقطه، خودروسازان باید سرمایه‌گذاری‌های عظیمی را برای به‌روزرسانی تولید جذب نمایند و سیاستگذاران نیز باید انتخاب‌های دقیقی درباره چگونگی و سرعت بازگشایی بازار به سمت تولیدکنندگان بین‌المللی و واردات داشته باشند. علاوه بر تفاهات امضاشده با پژو سیتروئن و دایملر، فولکس واگن هم اعلام نموده که در حال مذاکره در خصوص فرصت‌های سرمایه‌گذاری در ایران است.^{۲۳۱}

یک زیرساخت تولیدی داخلی گسترده، به دنبال برآوردن تقاضای سرکوب شده بالقوه قوی است. فروش خودروی ایران بین سال‌های ۱۹۹۷ و ۲۰۱۱ و قبل از تشدید تحریم‌های بین‌المللی سالانه ۱۰ درصد رشد داشت.^{۲۳۲} بین ۲۰۱۱ و ۲۰۱۳، هم فروش و هم تولید بیش از ۵۰ درصد کاهش یافتند، گرچه در حال حاضر تا اندازه‌ای بازیابی شده‌اند.

دو تولیدکننده داخلی، ایران خودرو و سایپا، با مجموع سهم ۸۱ درصدی از بازار در سال ۲۰۱۴، عمده بازیگران این بخش هستند.^{۲۳۳} هر دو شرکت از زمان تأسیس خود در دهه ۱۹۶۰ از رقابت‌های بین‌المللی در امان بوده‌اند و این عمدتاً به دلیل تعرفه‌های وارداتی است که در سال ۲۰۰۴ به اوج خود

^{۲۳۱} «فولکس واگن، بازگشت به بازار ایران پس از تحریم‌ها را بررسی می‌کند»، خبرگزاری بلومبرگ، ۱۶ ژوئیه ۲۰۱۵.

^{۲۳۲} سازمان بین‌المللی سازندگان وسایل نقلیه موتوری، ۲۰۱۵.

^{۲۳۳} پیش‌بینی IHS از فروش خودروهای سبک، دسامبر ۲۰۱۵. سهم بازار شامل تولید مدل‌های پژو توسط ایران خودرو و پراید کیا توسط سایپا است.

یعنی ۱۸۵ درصد رسید و در حال حاضر ۷۵ درصد، یا کمتر برای خودروهای مسافری، است. بیش از ۳۵۰ تولیدکننده قطعات خودرو در ایران به لحاظ طراحی و تکنولوژیکی به نسبت تولیدکنندگان برتر دنیا ضعیف‌تر هستند اما آن را با گستردگی محصولات با طیف وسیعی از خدمات جبران می‌کنند. به عنوان مثال، کروز و عظام، دو بازیگر اصلی بخش قطعات، اجزای موتور و نیروی محرکه، سیستم‌های چندرسانه‌ای الکترونیک، سیستم‌های هدایت، ترمزها و دیگر قطعات را تولید می‌کنند.

در دسته خودروهای مسافری، مدل‌های رنو توسط مشارکت رنوپارس تولید می‌شوند که در سال ۲۰۰۴ تأسیس شده است. این کارخانه غالباً مدل‌های قدیمی‌تر رنو را با استفاده از کیت‌هایی مونتاژ می‌کند که برخی از آنها را وارد کرده و برخی را به صورت داخلی تولید می‌کند. به طور مشابه، مدل‌های کیا از جمله مدل معروف پراید، توسط شرکت سایپا و تحت لیسانس تولید می‌گردد. شرکت ایران خودرو، مدل‌های پژو را تحت لیسانس پژوسیتروئن با استفاده از قطعاتی که اکثراً تولید داخلی هستند، تولید می‌کند. پژوسیتروئن در فوریه ۲۰۱۴ رسماً ارتباط خود را با ایران خودرو قطع نمود، اما شرکت ایران خودرو با استفاده از تأمین‌کنندگان داخلی و واسطه‌های خارجی به تولید خود ادامه داد. در ژانویه ۲۰۱۶، پژو توافقی را با ایران خودرو برای بازگشت به بازار ایران و تولید سه مدل در یک مشارکت جدید امضا نمود که انتظار می‌رود ۴۳۵ میلیون دلار طی سه سال سرمایه‌گذاری نماید و حدود ۴۰ درصد قطعات را از تولیدکنندگان ایرانی تأمین نماید.^{۲۳۴}

صنعت خودروی ایران مهارت‌های ابتکاری خود را با عرضه مدل‌های گازسوز نشان داد: در سال ۲۰۱۳، ایران بزرگترین ناوگان و سومین ضریب نفوذ وسایل نقلیه‌ای را داشت که با گاز طبیعی فشرده (CNG) کار می‌کردند. این کشور همچنین در حال توسعه نمونه‌های اولیه وسایل نقلیه برقی است (کادر ۱).^{۲۳۵}

ضریب نفوذ وسایل نقلیه در ایران با ۲۰۰ خودرو به ازای هر هزار نفر در مقایسه با میانگین ۱۳۸ برای هم‌تایان خود، نسبتاً بالا است.^{۲۳۶} با این وجود، قیمت‌های بالا و محدودیت دسترسی مصرف‌کنندگان به منابع مالی، به عنوان یک مانع برای فروش سرانه سالانه عمل می‌کند؛ به طوری که کمتر از چین، برزیل و دیگر کشورهای معیار است. علاوه بر این، میانگین سن ناوگان ایران به طور چشمگیری بیشتر از هم‌تایان خود است و استانداردهای آلاینده‌ای ضعیفی دارد که برخی اوقات به ۱۵

^{۲۳۴} «پژو توافق‌نامه خودرویی با ایران خودرو امضا می‌کند»، نشریه وال استریت، ۲۸ ژانویه ۲۰۱۶.

^{۲۳۵} اتحادیه وسایل نقلیه گازسوز، ۲۰۱۴.

^{۲۳۶} NationMaster؛ کشورهای هم‌تا شامل الجزیره، برزیل، چین، مصر، اندونزی، عراق، کنیا، مالزی، مکزیک، مراکش، فیلیپین، روسیه، آفریقای جنوبی، اسپانیا، سوریه، تانزانیا، تونس، امارات متحده عربی، اوگاندا و ویتنام است.

سال قبل باز می‌گردد.^{۲۳۷} محدودیت‌های تقاضا ناشی از فقدان اعتبار مشتری در نوامبر ۲۰۱۵ روشن گردید، زمانی که دولت ایران وام‌های خرید خودرویی را در نظر گرفت که نرخ بهره آنها اندکی بالاتر از تورم بود. این تصمیم پس از این گرفته شد که گروهی از مصرف‌کنندگان از طریق رسانه‌ها نارضایتی خود را از کیفیت و قیمت خودروهای ایرانی اعلام نمودند. تقاضای بالقوه آنقدر بالا بود که ۱۱۰ هزار خودرو - معادل ۱۰ درصد فروش سال قبل - طی ۶ روز تا زمان قطع تسهیلات توسط دولت، به فروش رسید.^{۲۳۸}

در حالی که بخش‌های ارزان قیمت حدود ۹۷ درصد حجم فروش را در سال ۲۰۱۴ تشکیل می‌دهند، باز هم ممکن است فرصتی برای افزایش واردات خودروهای گران قیمت به ایران وجود داشته باشد. فروش خودروهای لوکس با تعرفه ۷۵ درصدی واردات، ممنوعیت واردات وسایل نقلیه با موتور بالای ۲۵۰۰ سی‌سی، و دیگر هزینه‌های مجوزدهی و محدودیت‌های ناشی از آن می‌تواند قیمت را تا سه برابر قیمت رایج جهانی افزایش دهد. برخی خودروسازان خارجی مانند پژو سیتروئن و فولکس واگن آثودی امید دارند که جمعیت ثروتمند و رفع محدودیت‌ها، فروش را تحریک خواهد کرد.^{۲۳۹} پژو اعلام نموده که تا هزار دستگاه از برند دی‌اس^{۲۴۰} خود را در سال ۲۰۱۶ به ایران وارد می‌کند، در حالی که آثودی اعلام داشته که در حال مذاکره با واردکنندگان است.^{۲۴۱}

خودروهای تجاری نیز می‌توانند یک فرصت رشد باشند. تولید خودروهای تجاری داخلی در ایران در دست چهار بازیگر اصلی است: ایران خودرو دیزل، سایپا دیزل، گروه بهمن و گروه ماموت. از سال ۲۰۰۰ حجم تولید در این زیربخش بیش از ۵۰ برابر افزایش یافته و به ۱۶۵ هزار دستگاه در سال ۲۰۱۴ رسیده است. با این وجود، تولید خودروهای تجاری به طور میانگین تنها ۱۵ درصد از کل تولید خودرو در ایران را شامل می‌شود، در حالی که این نسبت در بین هم‌تایان ایران ۲۶ درصد است.^{۲۴۲} در مارس ۲۰۱۶، وزارت راه و شهرسازی پروژه‌ای را برای نوسازی ناوگان قدیمی از طریق جایگزینی ۱۲۷ هزار خودروی تجاری مطرح نمود که بالای ۲۵ سال عمر دارند.^{۲۴۳}

^{۲۳۷} پیش‌بینی IHS از فروش خودروهای سبک، دسامبر ۲۰۱۵.

^{۲۳۸} خبرگزاری فارس، ۱۶ نوامبر ۲۰۱۵.

^{۲۳۹} دنیس حسن‌زاده اجیری، «ایران در تحریم: پولی برای دارو نیست اما خودروهای لوکس به وفور وجود دارند»، گاردین، ۲۶ اوت ۲۰۱۵.

^{۲۴۰} DS

^{۲۴۱} «دی‌اس در حال آماده شدن برای ولخرجی ایران»، فایننشال تریبون (Financial Tribune)، ۸ دسامبر ۲۰۱۵.

^{۲۴۲} هم‌تایان شامل برزیل، کانادا، چین، مصر، فرانسه، آلمان، هند، اندونزی، ژاپن، مکزیک، فیلیپین، روسیه، کره جنوبی، اسپانیا و ترکیه است.

^{۲۴۳} «شرکت‌های ایرانی به دنبال نوسازی ناوگان حمل و نقل تجاری: وزیر»، شبکه اطلاعات پتروشیمی و انرژی‌ها، ۲ مارس ۲۰۱۶.

کادر ۱- ابتکارات ایران در زمینه خودرو

بخش خودروی ایران با پشتیبانی قوی دولت، به یک پیشرو در وسایل نقلیه هیبریدی با گاز طبیعی فشرده (CNG) تبدیل شده و ناوگانی با ۳/۳ میلیون خودرو دارد که علاوه بر بنزین، با گاز طبیعی فشرده هم کار می‌کنند.^{۲۴۴} در سال ۲۰۰۰ دولت، شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت را تأسیس نمود و یارانه‌ای را برای گاز طبیعی فشرده در نظر گرفت. این شرکت، مالکان خودرو را ترغیب به تبدیل موتورهای خود به گازسوز نموده و ۹۰ درصد هزینه‌های آن را متقبل می‌شود.

تهران و برخی دیگر از شهرهای بزرگ ایران از تراکم و آلودگی رنج می‌برند اما اقتصاد هم در این تصمیم نقش دارد: در حالی که ایران دارای چهارمین ذخایر بزرگ نفت در جهان است، مصرف بنزین در این کشور به همراه کمبود ظرفیت پالایشگاه‌ها به حدی است که روزانه ۷۴ هزار بشکه یا ۱۶ درصد مصرف بنزین را وارد می‌کند. کاهش مصرف بنزین از طریق استفاده از گاز طبیعی فشرده هم‌راستا با راهبرد کلی دولت برای جایگزینی گاز در اقتصاد ملی برای تقویت صادرات نفت است. ایران همچنین به دنبال توسعه بخش خودروهای هیبریدی و برقی است. در مارس ۲۰۱۴، دولت تعرفه واردات خودروهای برقی را کاهش داد و تولیدکنندگان و محققان ایرانی در حال کار برای توسعه مدل‌های جدید هستند. در ژانویه ۲۰۱۵، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین از یک مدل خودروی برقی دونفره رونمایی کرد و ۵ ماه بعد، ایران خودرو تفاهم‌نامه‌ای را با دانشگاه‌های شریف و امیرکبیر برای طراحی و تولید خودروهای برقی هیبریدی امضا نمود.

تقویت سریع بخش: بهبود بهره‌برداری از واحدها و کیفیت محصولات

در حالی که توانایی‌های تولیدی بخش خودرو کاملاً توسعه یافته، اما راه زیادی برای رقابتی شدن در عرصه بین‌المللی دارد. نیروی کار تولیدی بخش خودرو در مقایسه با معیارهای جهانی از بهره‌وری کمتری برخوردار است: کارگران بخش خودروی ایران ۲/۹ خودرو در هر سال تولید می‌کنند، در حالی که این رقم در ترکیه ۷/۵ و در فرانسه، آلمان، ژاپن و ایالات متحده ۱۲ تا ۱۵ خودرو است.^{۲۴۵} حتی با وجود هزینه‌های پایین دستمزد در ایران، نسبت محصول به نیروی انسانی نصف این نسبت در ترکیه است. نسبت محصول به ازای هر کارگر پس از سال ۲۰۱۱ کاهش یافت، زیرا شرکت‌های خودروسازی ایرانی با وجود کاهش تولید، نیروهای خود را حفظ کردند. با این وجود، حتی قبل از

^{۲۴۴} «ایران دارای بیشترین تعداد وسایل نقلیه هیبریدی با سوخت گاز طبیعی در جهان است»، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲ سپتامبر ۲۰۱۴.

^{۲۴۵} IHS، آژانس‌های محلی آمار کار کشور.

رکود سال ۲۰۱۱ هم بهره‌وری ایرانیان کمتر از ۴ خودرو در سال به ازای هر کارگر بود. برای کاهش شکاف بهره‌وری با کشوری نظیر ترکیه، ایران باید نسبت محصول به هر کارگر را ۲/۶ برابر کند.

در حال حاضر تولید و فروش در حال بازگشت به سطوح قبل از ۲۰۱۱ است و نرخ بهره‌برداری کارخانه در سال ۲۰۱۴ به طور میانگین ۴۲ درصد یعنی اندکی بیشتر از نصف نرخ بهره‌برداری ۸۰ درصدی ترکیه بود. ایران می‌تواند با افزایش نرخ بهره‌برداری و نوسازی توانایی‌های موجود، تولید خود را دو برابر کند.

انزوای بخش خودرویی ایران بر تنوع و قیمت خودروها اثرگذار بوده است. ۴ مدل از ۵ مدل پرفروش خودروهای مسافربری، نسخه‌های وصله‌پینه شده ۳۰ سال قبل پژو و سواری‌های کیا با جعبه دنده دستی و میانگین قیمت ۳۴ هزار دلار (بر اساس برابری قدرت خرید) هستند. به نسبت درآمد مردم، این خودروها برای ایرانیان دو برابر گران‌تر نسبت به ترک‌ها است و حدود سه برابر میزانی است که خریداران آلمانی یا فرانسوی پرداخت می‌کنند.^{۲۴۶} خودروهای تجاری از لحاظ برابری قدرت خرید، ۲/۵ برابر گران‌تر از مدل‌های تولیدی در اروپای غربی هستند.

مصرف‌کنندگان به دنبال انتخاب‌های بیشتر هستند. در ژانویه ۲۰۱۶ وزارت صنعت، معدن و تجارت گزارشی را منتشر نمود که خودروها را از لحاظ کیفیت در یک مقیاس ۵ ستاره‌ای (۵ معادل بهترین) رتبه‌بندی نمود. دو سوم خودروهای تولید داخل تنها یک ستاره دریافت کردند.^{۲۴۷}

رؤیای صادرات منطقه‌ای

اکثر تقاضای آتی از بازار داخلی خواهد بود. بر مبنای ضریب نفوذ فعلی خودرو در ایران و افزایش پیش‌بینی‌شده در تولید ناخالص داخلی سرانه طی ۲۰ سال آینده، برآورد می‌کنیم که بازار داخلی ایران می‌تواند تا سال ۲۰۳۵ به ۳/۲ میلیون دستگاه در سال رشد نماید. اما ایران به دنبال تبدیل شدن به یک صادرکننده منطقه‌ای است.^{۲۴۸}

ایران در حال حاضر دارای مزایای رقابتی متعددی است. سطح میانگین دستمزد در بخش تولید خودرو در ایران سالانه ۸۱۰۰ دلار بر مبنای نرخ ارز بازار است که ۲۰ درصد کمتر از این کارگران در ترکیه و ۴۰ درصد پایین‌ترین از سطح دستمزدها در مراکش و جمهوری چک است.^{۲۴۹} یک نیروی کار ماهر و باتجربه در صنعت خودروی ایران در کنار تعداد زیاد فارغ‌التحصیلان مهندسی در کشور

^{۲۴۶} بر مبنای برابری قدر خرید. آمارهای سرانه تولید ناخالص داخلی IHS و بانک جهانی.

^{۲۴۷} وزارت صنعت، معدن و تجارت، نشریه، ۹ ژانویه ۲۰۱۶.

^{۲۴۸} اظهارات حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران در سومین همایش بین‌المللی صنعت خودرو در تهران، ۲۹ فوریه ۲۰۱۶.

^{۲۴۹} مطالعه کارگاه‌های صنعتی ایران با بیش از ۱۰ کارکن، مرکز آمار ایران، ۲۰۱۴؛ واحد اطلاعات اکونومیست ۲۰۱۵؛ Auto SAP 2015.

(مهندسی مکانیک یکی از رایج‌ترین مدارک است) نیز می‌تواند یک مزیت باشد. ایران از زنجیره عرضه داخلی نهاده‌هایی همچون فولاد بهره‌مند است. نزدیکی جغرافیایی ایران به بازارهای هدف، قابلیت صادرات منطقه‌ای مقرون به صرفه را ایجاد می‌کند. نهایتاً، انرژی و برق ارزان قیمت نیز یک مزیت هزینه‌ای برای تولیدکنندگان است.

شکل ۱۳

پتانسیل صادرات خودرو ایران به عنوان مرکز احتمالی تولید برای برندهای جهانی

Total 2035 projected annual car sales of target countries combined
8.5 million–10 million units
Total Iran auto export potential in 2035
350,000 units



SOURCE: McKinsey Global Institute analysis

اگر بخش خودروی ایران بتواند بهره‌وری و کیفیت محصولات خود را تا سطح استانداردهای جهانی ارتقا دهد، برآورد می‌کنیم که احتمالاً بتواند یک سهم پایدار ۵ تا ۱۵ درصدی از حجم فروش در کشورهای منتخب را به دست آورد. کشورهای هدف صادرات می‌توانند شامل عراق، سوریه، پاکستان و کشورهای آسیای میانه از جمله قزاقستان و ترکمنستان باشند. این کشورها یک پتانسیل صادراتی تقریباً ۳۵۰ هزار دستگاه در سال ایجاد می‌کنند (شکل ۱۳).^{۲۵۰} برای دستیابی به این پتانسیل، ایران می‌تواند به مراکش بنگرد که از نزدیکی جغرافیایی خود به اروپا استفاده کرد و توانست از طریق مجموعه‌ای از مناطق آزاد تجاری، مراکز لجستیکی راهبردی و خوشه‌های تولیدی خودرو، خود را به عنوان یک صادرکننده عمده برندهای جهانی خودرو از قبیل رنو و پژو مطرح نماید.

باز کردن درهای بخش خودرو به روی رقابت و در عین حال حفظ اشتغال

برای غلبه ایران بر چالش‌های بهره‌وری و تحقق پتانسیل‌های صادراتی، دو عامل بسیار حیاتی هستند و باید به دقت مورد موازنه قرار گیرند: شدت جریان سرمایه‌گذاری خارجی و تکنولوژی به داخل کشور، و سرعت بازگشایی درهای بخش به روی رقابت توسط دولت. برآورد می‌کنیم که ایران طی ۲۰ سال آینده در مجموع به ۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد. دولت، «سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی» را برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و تضمین انتقال تکنولوژی مورد نیاز به شرکت‌های داخلی، ایجاد نموده است.

دومین عاملی که قابلیت ایران را برای ورود به رقابت بین‌المللی را تعیین می‌کند، سرعت و میزان آزادسازی بخش خودرو توسط دولت است. بازکردن سریع بازار به روی رقابت بین‌المللی می‌تواند اثرات منفی بر اشتغال داخلی در بخش داشته باشد. حرکت بسیار کند نیز می‌تواند مانع رقابتی شدن بخش شود.

افزایش آهسته در نیروهای بازار و کاهش سیاست‌های حمایتی می‌تواند ضروری باشد. یک رویکرد می‌تواند زمان‌مند کردن تعرفه‌ها برای جلوگیری از طغیان بازار باشد، در حالی که مشوق‌های مالیاتی و تسهیلاتی برای ترغیب همکاری با تولیدکنندگان داخلی تجهیزات اصلی استفاده می‌شود. مشوق‌ها می‌تواند رو به افول برنامه‌ریزی شوند، تا شرکت‌های جهانی را به ورود سریع ترغیب نماید. کاهش تعرفه‌ها باید زودتر اعلام شوند تا شرکت‌های داخلی بتوانند زمان برای رقابتی شدن داشته باشند.

^{۲۵۰} OICA، IHS: پایگاه داده جامع تجارت جهانی، بانک جهانی.

تجربه کشورهای دیگر که به دنبال نوسازی بخش‌های خودرویی خود بوده‌اند می‌تواند راهگشا باشد. به عنوان مثال هند، بازار خود را به روی رقابت در طول یک دوره ۳۰ ساله از دهه ۱۹۸۰ باز گشود. این کشور قبل از شروع بازگشایی بازار به رقابت، ابتدا صنعت خودروی داخلی را در معرض تکنولوژی‌های نوین وارداتی قرار داد. امروزه، تولیدکنندگان خودروی این کشور، رقابتی هستند. در مقابل، تجربه بسیاری از کشورهای شوروی سابق که بازارهای خود را ناگهان به روی تولیدکنندگان خارجی باز کردند، می‌تواند یک هشدار باشد. شرکت‌های داخلی توان رقابت کارا را نداشتند و نهایتاً به تملک شرکت‌های بین‌المللی در آمدند.

مصالح اصلی: صادرات سیمان و دستیابی به خوداتکایی در فولاد

بخش‌های مصالح اصلی ایران به ویژه سیمان، سنگ و فولاد، در موقعیت مناسبی برای تأمین تقاضای بالای مورد انتظار از بخش‌های ساختمان و تولید طی دو دهه آینده قرار دارند. ایران در حال حاضر بزرگترین صادرکننده سیمان در جهان است و ایران برنامه‌ای برای سه برابر کردن تولید فولاد تا سال ۲۰۲۵ دارد و از یک واردکننده خالص به خود اتکایی و احتمالاً صادرکنندگی خالص در صورت عقب‌نشینی عرضه جهانی برسد.

ایران در حال حاضر بزرگترین صادرکننده سیمان در جهان است و ایران برنامه‌ای برای سه برابر کردن تولید فولاد تا سال ۲۰۲۵ را دارد.

ایران یک تولیدکننده کم هزینه سیمان و مصالح ساختمانی است

ایران بزرگترین تولیدکننده سیمان در خاورمیانه است. مصرف داخلی قوی از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱ سالانه ۱۰ درصد رشد داشته است.^{۲۵۱} در این دوره، ایران دارای تولید ناخالص داخلی سرانه ۵ هزار تا ۲۰ هزار دلاری بر مبنای برابری قدرت خرید بود، و این زمانی است که کشورها نیازمند بیشترین مقدار سیمان در مسیر توسعه خود به واسطه شهری‌شدن و گسترش زیرساخت‌ها هستند. در سال ۲۰۱۲ ایران به اوج تولید خود با سرانه ۷۵۰ کیلوگرم در سال رسید، در حالی که میانگین کشورها قبل از رسیدن به حالت پایدار، به صورت سرانه ۴۵۰ کیلوگرم در سال بود.^{۲۵۲} با این حال، ایران دارای ویژگی‌های متعددی است که سرانه تولید سیمان آن را بالاتر از میانگین قرار می‌دهد، از جمله تولید کم‌هزینه، کم بودن جایگزین‌های ساختمانی مانند الوار، سطح بالای شهرنشینی و رشد قوی و مداوم

^{۲۵۱} بررسی بین‌المللی سیمان.

بخش ساختمان. در نتیجه ایران می‌تواند شدت مصرف سیمان خود را افزایش داده و به سطوح کره جنوبی برساند که دارای ویژگی‌های مشابه است. در این شرایط تقاضای سیمان به اوج ۱۱۰۰ کیلوگرم سرانه می‌رسد.

دولت برای تأمین رشد تقاضای داخلی، صادرات را از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ ممنوع کرد. از آن پس، ایران اخیراً به بزرگترین صادرکننده سیمان در جهان تبدیل شده است.^{۲۵۳} به دلیل هزینه‌های حمل و نقل بالا و دسترسی گسترده به مواد اولیه، کمتر از ۵ درصد سیمان به صورت جهانی تجارت می‌شود. با این حال، به دلیل هزینه‌های تولید پایین و مجاورت با شهرهای خارجی، ایران حدود ۱۳ میلیون تن سیمان و ۶ میلیون تن کلینکر (یک محصول واسطه) در سال ۲۰۱۴ صادر نموده است. مقصد اولیه صادرات با سهم بیش از ۵۰ درصدی، عراق است که کمبود در این کشور باعث افزایش قیمت تا قریب به ۱۰۰ دلار در تن شده است. حتی با وجود قیمت بالای هزینه حمل و نقل با ۱۰ سنت برای هر تن کیلومتر، بازار بغداد یک بازار اقتصادی برای تولیدکنندگان ایران نزدیک مرز با هزینه تولید ۲۰ تا ۲۵ دلار در هر تن است (شکل ۱۴). کویت، قطر و افغانستان ۳۰ درصد از صادرات را تشکیل می‌دهند و بقیه شامل ۲۰ کشور در آسیا و آفریقا هستند.^{۲۵۴}

در خلال تحریم‌ها، تقاضای داخلی با سرعت بیشتری نسبت به عرضه داخلی سقوط کرد و قیمت‌ها نیز با کاهش مواجه شد تا به ۳۰ دلار در هر تن در اوایل سال ۲۰۱۶ رسید.^{۲۵۵} حتی در این سطوح قیمتی هم حاشیه سود (قبل از بهره، مالیات و استهلاک) برای تولیدکنندگان اصلی ایران حدود ۳۰ درصد است و همانند هم‌تایان ترک خود است و می‌تواند با افزایش تقاضا، این میزان نیز افزایش یابد. بهبود هزینه‌ای بیشتر هم در عملیات و بهره‌وری سرمایه ممکن است، به خصوص در چهار شرکت دولتی که مجموعاً ۴۰ درصد سهم بازار را در اختیار دارند اما با کمتر از ۷۰ درصد ظرفیت کار می‌کنند. عرضه گاز طبیعی به کارخانه‌های سیمان هم می‌تواند باعث افزایش بهره‌وری گردد؛ ۳۵ درصد از کوره‌های سیمان ایران در سال ۲۰۱۶ پایین‌تر از ظرفیت خود کار می‌کنند و این به دلیل ناکافی بودن ظرفیت انتقال گاز است.^{۲۵۶}

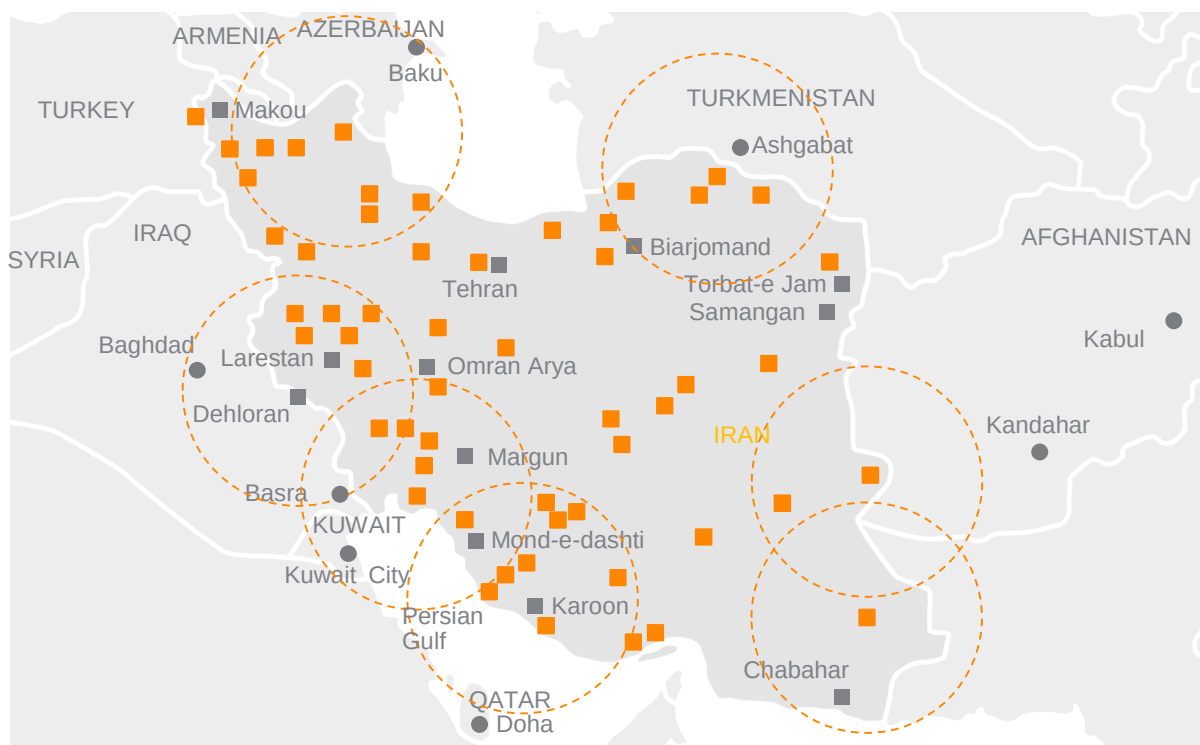
^{۲۵۳} گزارش جهانی سیمان، بررسی بین‌المللی سیمان.

^{۲۵۴} حمیدرضا تاریک، «صادرات ایران و استانداردهای بین‌المللی جدید برای سیمان»، ارائه‌شده در کنفرانس بین‌المللی سیمان در دوی، ۸ فوریه ۲۰۱۶.

^{۲۵۵} قیمت‌های اعلامی از جانب خرده‌فروشان ایرانی، مارس ۲۰۱۶.

^{۲۵۶} «کمبود گاز، ۳۵ درصد تولید سیمان ایران را زمین گیر می‌کند»، سیمان جهانی، ۴ ژانویه ۲۰۱۶.

ایران چهارمین تولیدکننده و بزرگترین صادرکننده سیمان در جهان است



Estimated range of Iranian exports Existing plants Plants under construction

SOURCE: Hamid Reza Tarik, "Iranian Exports and New International Cement Standard", Irancement.com; McKinsey Global Institute analysis

یک الگوی مشابه از رشد بالای تقاضا می‌تواند بر شن و ماسه مصرفی در بتن و سنگریزه مورد استفاده در راهسازی طی ۵ تا ۱۰ سال آینده اثرگذار باشد. ساختارهای صنعتی برای این بخش‌ها، غیرمتمرکزتر و محلی‌تر است و میانگین حاشیه سود پایین‌تری نیز دارند. در دهه ۲۰۰۰ و با گسترش بخش مسکن، گرانیت و مرمر جهشی را تجربه کردند و حتی به بالاترین سطح سرانه سنگ در جهان رسیدند، تا زمانی که رکود مسکن در سال ۲۰۱۴ آغاز گردید.^{۲۵۷} سنگ‌های ساختمانی ایران در دنیا شناخته شده است و مرمر آن برای پروژه‌های گران‌قیمت و لوکس به اروپا صادر می‌گردد. سودآوری این بخش هنوز هم تحت تأثیر ناکارایی در استخراج و تجهیزات قدیمی است. تعدادی از تولیدکنندگان کار خود را به دلیل تحریم‌ها تعطیل کرده‌اند. در کل، سیمان و مصالح ساختمانی می‌تواند ارزش افزوده ناخالص را از ۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ به ۱۶ میلیارد دلار تا سال ۲۰۳۵ افزایش دهند که مستلزم

^{۲۵۷} «نقدی بر موقعیت صنعت سنگ ایران»، دنیای اقتصاد، ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۵.

۴۰ تا ۶۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری است و می‌توانند اشتغال را از ۵۰۰ هزار نفر فعلی به ۷۰۰ هزار نفر در سال ۲۰۳۵ برسانند.

دولت به دنبال سه برابر کردن تولید فولاد است

همانند سیمان، تولید ناخالص داخلی سرانه ایران نشان می‌دهد که شدت مصرف فولاد می‌تواند به سرعت رشد کند. ایران سالانه ۲۰ میلیون تن فولاد مصرف می‌کند که ۲۰ درصد آن وارداتی است.^{۲۵۸} این مصرف احتمالاً تا سال ۲۰۲۵ سالانه ۶ درصد رشد می‌کند تا به ۴۰ میلیون تن یا سرانه ۵۰۰ کیلوگرم برسد. این سطح مصرف، بالاتر از اکثر کشورهای توسعه‌یافته در اروپا و آمریکای شمالی است و اندکی کمتر از کشورهای توسعه‌یافته آسیایی است که این نشان‌دهنده آن است که رشد شدت مصرف ایران احتمالاً کم خواهد شد.^{۲۵۹}

برای تأمین این تقاضا، ایمیدرو سه برابر کردن تولید فولاد از سالانه ۱۷ میلیون تن فعلی به ۵۲ میلیون تن تا سال ۲۰۲۵ را هدف‌گذاری کرده است.^{۲۶۰} در شرایط عرضه بیش از حد توسط چین، دولت ایران تعرفه ۲۰ درصدی را برای واردات محصولات فولادی تعیین کرده که در بودجه ۲۰۱۶ برای برخی محصولات تا ۳۵ درصد هم می‌رسد. این، تولیدکنندگان ایرانی را قادر می‌سازد که حاشیه سود (قبل از بهره، مالیات و استهلاک) حدود ۳۰ درصدی را طی ۵ سال گذشته علیرغم کاهش قیمت‌های جهانی داشته باشند. تقریباً تمام ارزش افزوده تولید فولاد طی ده سال آینده از بازار داخلی خواهد بود. شاید وجود تعرفه‌ها ضروری باشد تا این بخش را قادر سازد که رشد نموده و بهره‌وری را با سرمایه‌گذاری جدید در کوتاه‌مدت بهبود دهد، اما تنوع و رفتن به سمت محصولات با ارزش افزوده هم برای رقابت‌پذیری و ثبات در میان‌مدت و بلندمدت لازم است. اگر صنعت فولاد بتواند در زنجیره ارزش رقابت کند، صرفاً به دلیل اینکه مورد حمایت تعرفه‌ای قرار دارد، خوداتکایی دارای منطق اقتصادی نیست.

ایران به دلیل استفاده از آهن اسفنجی به عنوان روش اصلی تولید، متمایز است. این آهن از سنگ‌آهن با کیفیت بالا تولید می‌گردد که توسط گاز طبیعی یا ذغال‌سنگ احیا شده است. حدود ۶۳ درصد تولید جهانی فولاد خام توسط کوره‌بلند صورت می‌گیرد؛ ۳۳ درصد از قراضه آهن استفاده می‌کنند؛ تنها ۴ درصد از آهن اسفنجی استفاده می‌کنند. در ایران، بیش از ۸۰ درصد احیای مستقیم یا

^{۲۵۸} سالنامه آماری فولاد ۲۰۱۵، اتحادیه جهانی فولاد، نوامبر ۲۰۱۵.

^{۲۵۹} مدل تقاضای فولاد مکنزی.

^{۲۶۰} برنامه راهبردی برای ۲۰۲۵، وزارت صنعت، معدن و تجارت.

آهن اسفنجی است که این خود ۲۰ درصد تولید دنیا را شامل می‌شود.^{۲۶۱} این نوع آهن دارای سطح ناخالصی کمتری نسبت به اکثر انواع قراضه است؛ با این حال، سیلیس بالاتر آن بر بهره‌وری تأثیر می‌گذارد. ارزش استفاده از آهن اسفنجی به جای دیگر منابع فلزی، بستگی به کاربرد نهایی فولاد و هزینه مواد خام دارد. همانطور که ایران ظرفیت تولید خود را افزایش می‌دهد، باید توازن در ترکیب مواد خام، روش تولید و محصولات نهایی فولاد تقاضا شده توسط بازار داخلی، ایجاد نماید.

بهره‌وری ایران در تولید فلزات، پایین‌تر از ۷ هزار دلار به ازای هر کارگر است که یک چهارم ترکیه به عنوان بزرگترین تولیدکننده در منطقه است.^{۲۶۲} بهبود در عملیات می‌تواند تا ۲۰ درصد هزینه‌ها را کاهش دهد. مضاف بر این، یک نقشه جامع فولاد که ترکیب تولید و واحدهای صنعتی یکپارچه را لحاظ کند، می‌تواند بهره‌وری و جایگزینی واردات را افزایش دهد. بر خلاف برخی دیگر از صنایع سرمایه‌بر در ایران، انتقال تکنولوژی نمی‌تواند یک عامل تغییردهنده باشد، زیرا ایران در حال حاضر هم دو تکنولوژی احیای مستقیم توسعه یافته توسط میدرکس^{۲۶۳} و ایچ‌وای‌ال^{۲۶۴} را در اختیار دارد.

ایمیدرو بر فرصت‌های منطقه آزاد تجاری صنعتی چابهار، بندر عباس در منطقه ویژه اقتصادی خلیج فارس، و عسلویه در منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس برای سرمایه‌گذاری خارجی به حجم ۴/۷۵ میلیارد دلار و ظرفیت سالانه ۸/۲ میلیون تن تأکید دارد. هر یک از این سه منطقه به گاز طبیعی دسترسی داشته و دارای زیرساخت بندری برای انتقال مواد خام و صادرات احتمالی آهن اسفنجی هستند.^{۲۶۵} برای دستیابی به هدف تولید ۵۲ میلیون تن فولاد، ایران به قریب به ۲۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد.

محرک‌های اصلی ایجاد ارزش در فولاد و به ویژه آهن اسفنجی، دسترسی به سنگ آهن با کیفیت، کاربردهای رقیب برای گاز طبیعی و تقاضای داخلی است. اگر ایران به واردات آهن نیاز داشته باشد یا با هزینه فرصت بالای استفاده از گاز طبیعی مواجه شود، جذابیت آهن اسفنجی در مقابل واردات فولاد کاهش می‌یابد. علاوه بر این، با توجه به سطح مورد انتظار تولید ناخالص داخلی سرانه، ایران احتمالاً گسترش تقاضای داخلی پس از ۲۰۲۵ را شاهد خواهد بود و با شرایط نامساعد جهانی برای صادرات مواجه خواهد شد. اگر ایران به هدف تولید سالانه ۵۲ میلیون تن در سال خود تا سال ۲۰۳۵

^{۲۶۱} سالنامه آماری فولاد ۲۰۱۵، اتحادیه جهانی فولاد، نوامبر ۲۰۱۵.

^{۲۶۲} آی‌اچ‌اِس گلوبال اینسایت؛ آمارهای اشتغال سازمان جهانی کار ILOSTAT

^{۲۶۳} Midrex

^{۲۶۴} HYL

^{۲۶۵} اظهارات مهدی کرباسیان، رئیس ایمیدرو، در کنفرانس آهن و فولاد خاورمیانه در ۸ دسامبر ۲۰۱۴ در دبی.

دست یابد، برآورد می‌کنیم که سهم ارزش افزوده ناخالص صنعت تولید فلزات بتواند به تقریباً ۱۶ میلیارد دلار برسد و اشتغال را از ۶۰۰ هزار نفر به ۸۵۰ هزار نفر افزایش دهد.

کالاهای مصرفی روزانه و خرده‌فروشی: برندهای داخلی بازار پرمصرف را در اختیار دارند
ایرانیان، خریداران بزرگی هستند. بر اساس برابری قدرت خرید، سرانه خرده‌فروشی در ایران بالاتر از روسیه، ترکیه، و مالزی بوده و تقریباً برابر آلمان است (شکل ۱۵).^{۲۶۶}

واردات تنها ۸ درصد کل فروش کالاهای مصرفی روزانه را شامل می‌شود در حالی که این رقم در مالزی، مکزیک و روسیه بیش از ۴۰ درصد است.

برندهای داخلی، خرده‌فروشی و کالاهای مصرفی روزانه را در اختیار دارند. کارفور^{۲۶۷} تنها خرده‌فروش جهانی است که حضور چشمگیری در ایران دارد و تعداد اندکی برندهای جهانی مانند نستله^{۲۶۸}، بیرسدورف^{۲۶۹} و یونیلور^{۲۷۰} دارای تولید در داخل ایران هستند. با این وجود، بررسی‌ها نشان می‌دهد که ایرانیان اعتقاد دارند که برندهای بین‌المللی دارای کیفیت‌های بالاتری نسبت به برندهای داخلی هستند.^{۲۷۱} یک جلوه از این موضوع، انبوه فروشگاه‌های مواد غذایی با نام‌های تقلیدی مانند پیتزا هات^{۲۷۲}، مرغ سوخاری کابوکی (KFC)^{۲۷۳}، و مش‌دونالد^{۲۷۴} است. در کنار حجم و پویایی مصرف، تمایل به برندهای بین‌المللی، ایران را به بازاری در حال رشد برای شرکت‌های چندملیتی تبدیل نموده است. در فوریه ۲۰۱۶، روبرتو کاوالی^{۲۷۵} یک لباس‌فروشی در محله زعفرانیه تهران افتتاح نمود. گروه اپیرال^{۲۷۶} اعلام نمود که تا پایان ۲۰۱۷ فعالیت خود را به ایران گسترش می‌دهد. سفورا^{۲۷۷} هم برنامه‌هایی را برای گشایش فروشگاه‌های متعدد در ایران اعلام داشته‌است.^{۲۷۸}

^{۲۶۶} کشورهای هم‌تا شامل برزیل، چین، آلمان، هند، ژاپن، مالزی، مکزیک، نیجریه، روسیه، ترکیه، ایالات متحده آمریکا و ویتنام است.

^{۲۶۷} Carrefour

^{۲۶۸} Nestle

^{۲۶۹} Beiersdorf

^{۲۷۰} Unilever

^{۲۷۱} IranPoll.com

^{۲۷۲} Pizza Hat

^{۲۷۳} Kabooky Fried Chicken

^{۲۷۴} Mash Donald

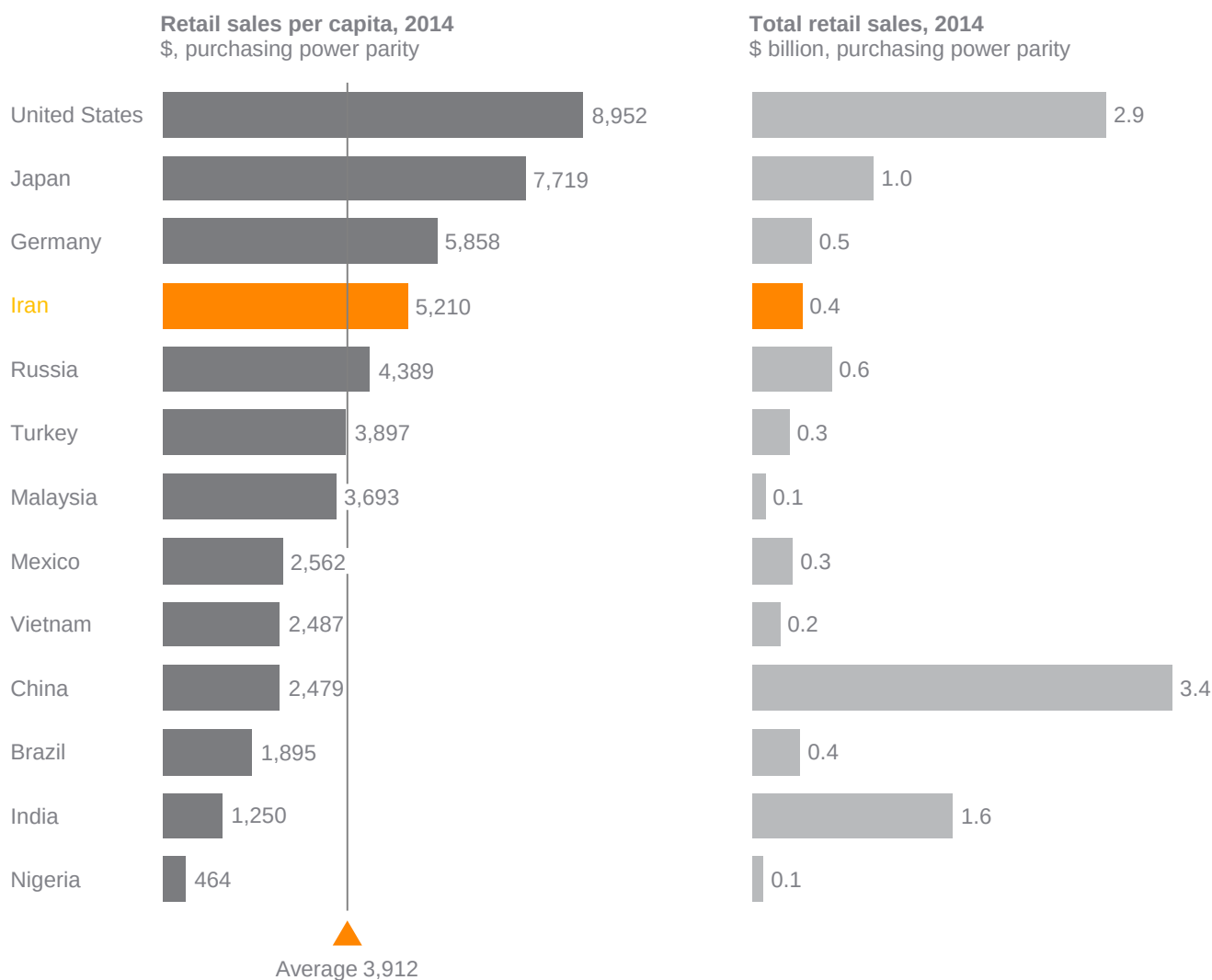
^{۲۷۵} Roberto Cavalli

^{۲۷۶} Apparel Group

^{۲۷۷} Sephora

^{۲۷۸} «سفورا فرانسه به دنبال راه‌اندازی فروشگاه‌ها در ایران در سال آینده»، رویترز، ۳۰ اکتبر ۲۰۱۵.

ایران سرانه خرده‌فروشی بیش از متوسط دارد



SOURCE: Euromonitor International; World Bank; McKinsey Global Institute analysis

کالاهای مصرفی روزانه در حال رشد: تمام ۱۰ برند برتر مواد غذایی در ایران، داخلی هستند

بخش تولید کالاهای مصرفی روزانه بیشتر بازار خرده‌فروشی داخلی را تأمین می‌کند، و کل فروش داخلی در سال ۲۰۱۵ قریب به ۶۰ میلیارد دلار بود. برآورد می‌کنیم که با تحریک رشد در فروش خرده‌فروشی و فرصت ۵۰ میلیارد دلاری فروش صادراتی منطقه‌ای سالانه تا سال ۲۰۳۵، کل فروش کالاهای مصرفی روزانه در سال ۲۰۳۵ بتواند به ۲۳۵ میلیارد دلار برسد. این متضمن ارزش افزوده ناخالص ۶۲ میلیارد دلاری و رشد سالانه نزدیک به ۷ درصدی در سال ۲۰۳۵ است، در حالی که

ارزش افزوده ناخالص در سال ۲۰۱۴ حدود ۱۵ میلیارد دلار بوده است. بدون عواید بهره‌وری، این امر می‌تواند تا ۹۰۰ هزار نفر به اشتغال بخش اضافه نماید. اگر ایران بتواند به سطح بهره‌وری مکزیک دست یابد (حدود ۵۰ درصد افزایش)، اشتغال این بخش بیش از ۸۵۰ هزار نفر افزایش می‌یابد.

بخش کالاهای مصرفی روزانه ایران تحت سلطه محصولات تولیدی داخلی است. واردات، ۸ درصد فروش کالاهای مصرفی روزانه را تشکیل می‌دهد، در حالی که این رقم در مالزی، مکزیک، هند و روسیه بیش از ۴۰ درصد است. در ترکیه، محصولات وارداتی بیش از ۷۰ درصد هستند.^{۲۷۹} تمایل داخلی این بخش در قفسه‌های فروشگاه‌ها نیز آشکار است که مملو از جایگزین‌های داخلی برندهای جهانی از مایع دستشویی و پودر رختشویی تا کچاپ و خمیر دندان است.

فروش خوراکی و آشامیدنی، بیشترین سهم بخش کالاهای مصرفی روزانه را تشکیل می‌دهد و ۵۱ میلیارد دلار از ۶۰ میلیارد دلار فروش در سال ۲۰۱۵ را شامل می‌شود.^{۲۸۰} تمام ده برند مواد غذایی بسته‌بندی، برندهای داخلی هستند که توسط شرکت‌های ایرانی تولید شده‌اند. محصولات آرایشی و بهداشتی که ۷ درصد کل فروش کالاهای مصرفی روزانه را تشکیل می‌دهند، حضور بیشتری از برندهای بین‌المللی را شاهد هستند و برند اول در این قسمت، نیوآ بیرسدورف^{۲۸۱} است. علاوه بر این، ایران بزرگترین بازار لوازم آرایشی در خاورمیانه است اما مشارکت خارجی‌ها در آن بسیار محدود است.^{۲۸۲} به عنوان مثال، پروکتر و گمبل^{۲۸۳} در این بازار حضور دارد اما تنها ۲ درصد از سهم بازار را در اختیار دارد.^{۲۸۴}

غلبه برندهای داخلی با توانایی‌های تولیدی چشمگیر ایران، از روغن‌های خوراکی مورد استفاده در غذاهای بسته‌بندی‌شده تا مواد معدنی و پتروشیمیایی به‌کاربرده‌شده در شوینده‌ها، پشتیبانی می‌شود. تولیدکنندگان داخلی دارای زیرساخت‌های بسته‌بندی مدرن و زنجیره‌های گسترده عرضه و توزیع هستند.

در سال ۲۰۱۴، ایران حدود ۲/۴ میلیارد دلار یا برابر ۴ درصد فروش کالاهای مصرفی روزانه و عمدتاً مواد غذایی را صادر نمود. حدود ۶۰ درصد این میزان به عراق و افغانستان صادر شد اما به پاکستان، ترکمنستان، ترکیه و امارات متحده عربی نیز صادرات صورت گرفته است.^{۲۸۵} نسبت

^{۲۷۹} سازمان گمرک ایران؛ IHS.

^{۲۸۰} Certius

^{۲۸۱} Beiersdor's Nivea

^{۲۸۲} یورومانیفور.

^{۲۸۳} Procter & Gamble

^{۲۸۴} یورومانیفور.

^{۲۸۵} سازمان گمرک ایران؛ IHS.

صادرات به فروش مزبور، کمتر از مراکش، تونس، ترکیه و مصر است که به طور میانگین ۳۶ درصد فروش خود را صادر می‌کنند و این بدین معنی است که ایران پتانسیل رشد صادرات را دارد. در طول ۲۰ سال گذشته، صادرات ایران به طور میانگین سالانه با نرخ ۴/۶ درصد رشد داشته و این تقریباً نصف میانگین ۹/۵ درصدی هم‌تایان آن است.^{۲۸۶} اگر ایران بتواند به سطوح هم‌تایان خود تا سال ۲۰۳۵ برسد، صادرات می‌تواند به ۵۳ میلیارد دلار افزایش یابد.

علیرغم تسلط شرکت‌های داخلی، فرصت‌های احتمالی برای سرمایه‌گذاری بین‌المللی چشمگیر است. تعرفه‌هایی که ۲۵ درصد و بالاتر از دیگر هم‌تایان است، از صنعت داخلی ایران حمایت می‌کند، اما همچنین ترغیب به تولید داخلی نیز می‌نمایند.^{۲۸۷} به عنوان مثال، نستله و یونیلور سابقه طولانی فعالیت در ایران را دارند و هر دو شرکت دارای شرکای محلی و امکانات تولیدی داخلی هستند. بنابراین برندهای بین‌المللی شاید به ایران به عنوان یک جایگاه تولیدی برای صادرات منطقه‌ای بنگرند. پیش‌بینی می‌کنیم که کل فرصت فروش سالانه برای شرکت‌های جهانی مواد غذایی و نوشیدنی که در ایران تولید می‌کنند، می‌تواند تا سال ۲۰۳۵ به ۵۳ میلیارد دلار برسد که این هم ناشی از فروش داخلی و هم صادرات منطقه‌ای است.

خرده‌فروشی: میزان مصرف بالا است اما خرده‌فروشان، غیرمتمرکز هستند

در سال ۲۰۱۴ میزان واقعی خرده‌فروشی در ایران ۱۲۸ میلیارد دلار بود.^{۲۸۸} از لحاظ ارزش افزوده ناخالص، خرده‌فروشی پنجمین بخش بزرگ کشور (۲۸ میلیارد دلار) و با ۲/۵ میلیون نفر کارکن، چهارمین بخش بزرگ از نظر اشتغال (۱۲ درصد از کل اشتغال ایران) است.^{۲۸۹} پیش‌بینی می‌کنیم که تا سال ۲۰۳۵ خرده‌فروشی سالانه داخلی به بیش از ۴۰۰ میلیارد دلار افزایش یابد.^{۲۹۰} این متضمن این است که ارزش افزوده ناخالص می‌تواند به بیش از ۹۰ میلیارد دلار تا سال ۲۰۳۵ افزایش یابد که نرخ رشد سالانه ۶ درصد را در پی دارد. حتی با نرخ بهره‌وری قریب به ۷۰ درصد، این می‌تواند منجر به افزایش ۱/۴ میلیون نفری در اشتغال این بخش در ایران گردد.

با حدود ۸۵۰ هزار فروشگاه (یک فروشگاه به ازای هر ۹۰ نفر)، چشم‌انداز خرده‌فروشی ایران بسیار غیرمتمرکز است و اصولاً متشکل از فروشگاه‌های کوچک مستقل است. فروشگاه رفاه به عنوان

^{۲۸۶} هم‌تایان شامل مصر، مراکش، تونس و ترکیه است.

^{۲۸۷} هم‌تایان شامل برزیل، چین، هند، مالزی، مکزیک، نیجریه، ترکیه و ویتنام هستند.

^{۲۸۸} یورومانیتر.

بزرگترین فروشگاه زنجیره‌ای ایران، سهم ۱/۴ درصدی در بازار مواد غذایی دارد، در حالی که به عنوان مثال فروشگاه تسکو^{۲۹۱} به عنوان پیشرو در بریتانیا، سهمی ۲۸ درصدی از بازار را در اختیار دارد.^{۲۹۲} چندپارگی در بخش غیرخواروبار حتی بیشتر از این است و در این بخش نیز فروشگاه‌های کوچک مستقل عمده بازار را در اختیار دارند که عمدتاً مغازه‌های مستقل یا فروشگاه‌هایی در بازار هستند.

اگرچه تعداد مراکز خرید مدرن مانند سیتی ستر اصفهان (یکی از بزرگترین‌ها در خاورمیانه) و اطلس مال در تهران در شهرهای بزرگ ایران در حال افزایش است، اما باز هم عمده فروش خواروبار و غیر آن توسط فروشگاه‌های سنتی صورت می‌گیرد؛ در سال ۲۰۱۴ تنها ۶ درصد از کل فروش توسط فروشگاه‌های مدرن صورت گرفته بود.^{۲۹۳} در حال حاضر، علیرغم رشد تعداد سایت‌های تجارت الکترونیک، بخش کوچکی از کل فروش خرده‌فروشی از طریق خرید اینترنتی صورت می‌گیرد. دولت برای افزایش تقاضا و کاهش هزینه‌های مبادلاتی، در برنامه توسعه سعی کرده که از طریق وضع مالیات بر ارزش افزوده کمتر، فروش از طریق کانال‌های تجارت الکترونیک را افزایش دهد.^{۲۹۴}

ضریب نفوذ پایین فروشگاه‌های مدرن در ایران امری غیرمعمول و استثنایی نیست. تحقیقات مکنزی نشان داده که اشکال قدیمی در بازارهای در حال ظهور در برابر مدرن‌سازی مقاومت می‌کنند.^{۲۹۵} یا این وجود، نمونه ترکیه بیانگر این است که گذر به سمت خرده‌فروشی مدرن، می‌تواند بسیار سریع باشد. در سال ۲۰۰۶ فروشگاه‌های سنتی مام‌اند پاپ^{۲۹۶} بیش از ۸۰ درصد خرده‌فروشی خواروبار در ترکیه را بر عهده داشتند؛ در سال ۲۰۱۳ آنها کمتر از ۶۲ درصد بودند و فروش سوپرمارکت‌ها در این دوره ۴۲ درصد افزایش یافت.^{۲۹۷} بهره‌وری نیروی کار در بخش خرده‌فروشی ایران عقب‌تر از ترکیه با ۶۷ درصد است. حرکت به سمت اشکال مدرن‌تر در مقیاس بزرگ، می‌تواند محرک بهره‌وری در بخش خرده‌فروشی باشد، اما ایران باید به دنبال بهبود در تمام امور باشد.

²⁹¹ Tesco

^{۲۹۲} یورومانی‌تور.

^{۲۹۳} یورومانی‌تور؛ «کارفرمای پشت بازار عظیم میلیارد دلاری ایران»، بلومبرگ، ۶ اکتبر ۲۰۱۵.

^{۲۹۴} سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی ایران.

^{۲۹۵} «خواروبارفروشی‌های مدرن و مصرف‌کننده بازار نوظهور: یک رابطه پیچیده»، چشم‌انداز کالاهای مصرفی و خرده‌فروشی، مکنزی، شماره ۴، پاییز ۲۰۱۵.

²⁹⁶ mom-and-pop

^{۲۹۷} همان.

افزایش انعطاف‌پذیری نیروی کار، یک اولویت است. تنها ۱۶ درصد از نیروی کار خرده‌فروشی، به صورت پاره وقت هستند در حالی که این رقم در آلمان، بریتانیا و ایالات متحده حدود ۳۵ درصد است.^{۲۹۸} ایران همچنین در اتخاذ تکنولوژی‌هایی که باعث بهبود بهره‌وری می‌شوند، مانند برچسب قیمت الکترونیک و دیگر امکاناتی که باعث افزایش کارایی، کاهش سرقت و بهبود مدیریت انبارداری می‌شوند، کند عمل کرده است. نهایتاً، برای بهره‌برداری از مزایای مقیاس خرده‌فروشی‌های مدرن، فروشگاه‌های سنتی ایران می‌توانند استفاده خود از کنسرسیوم‌های خرید را گسترش داده تا قدرت خرید خود را در مذاکره با عرضه‌کنندگان افزایش دهند.

گردشگری: پیست‌های اسکی، خطوط ساحلی و گنجینه‌های باستان‌شناسی که می‌توانند به جاذبه‌های جهانی تبدیل شوند

ایران دارای جاذبه‌های گردشگری فراوان از پیست‌های اسکی با فاصله اندک تا تهران گرفته تا بقایای ۲۵۰۰ ساله امپراطوری هخامنشی در پرسپولیس و باغ ارم در شیراز است. ایران دارای ۱۹ سایت میراث جهانی یونسکو است که بیشتر از یونان است و مضاف بر آن، دارای یک ساحل مناسب پیاده‌روی در دریای خزر، ۲۰ پایگاه کوهستانی برای ورزش‌های زمستانی، سواحل خلیج فارس و حرم امام رضا (ع) است که مقصد گردشگری مذهبی است. با لحاظ مسافران داخلی و خارجی، ایران در سال ۲۰۱۴ تقریباً ۶۳ میلیون گردشگر داشت که از این تعداد تنها ۴ میلیون گردشگر خارجی بودند. گردشگری یکی از معدود بخش‌های اقتصاد بود که در خلال دوره‌ی رکود از سال ۲۰۱۱ پایدار ماند و تاب آورد.^{۲۹۹}

گردشگری ناشی از کشورهای توسعه‌یافته ثروتمندتر در طول دوره تحریم‌ها به شدت کاهش یافت اما با این وجود این بخش در طول دوره‌ی رکود از سال ۲۰۱۱ پایدار ماند و تاب آورد.

استقبال از گردشگران کشورهای توسعه‌یافته برای تقویت رشد و اشتغال در مقایسه با دیگر کشورهای منطقه با جاذبه‌های مشابه، بخش گردشگری ایران نسبتاً توسعه‌نیافته است و تنها ۲/۳ درصد از تولید ناخالص داخلی و ۱/۸ درصد از اشتغال را شامل می‌شود. این ارقام کمتر از نصف مصر است که در آن، گردشگری تقریباً ۶ درصد کل اقتصاد و ۵ درصد اشتغال کشور را شامل می‌گردد. علاوه بر این، گردشگری از جانب کشورهای توسعه‌یافته ثروتمندتر در طول دوره

^{۲۹۸} آژانس‌های آماری دولت.

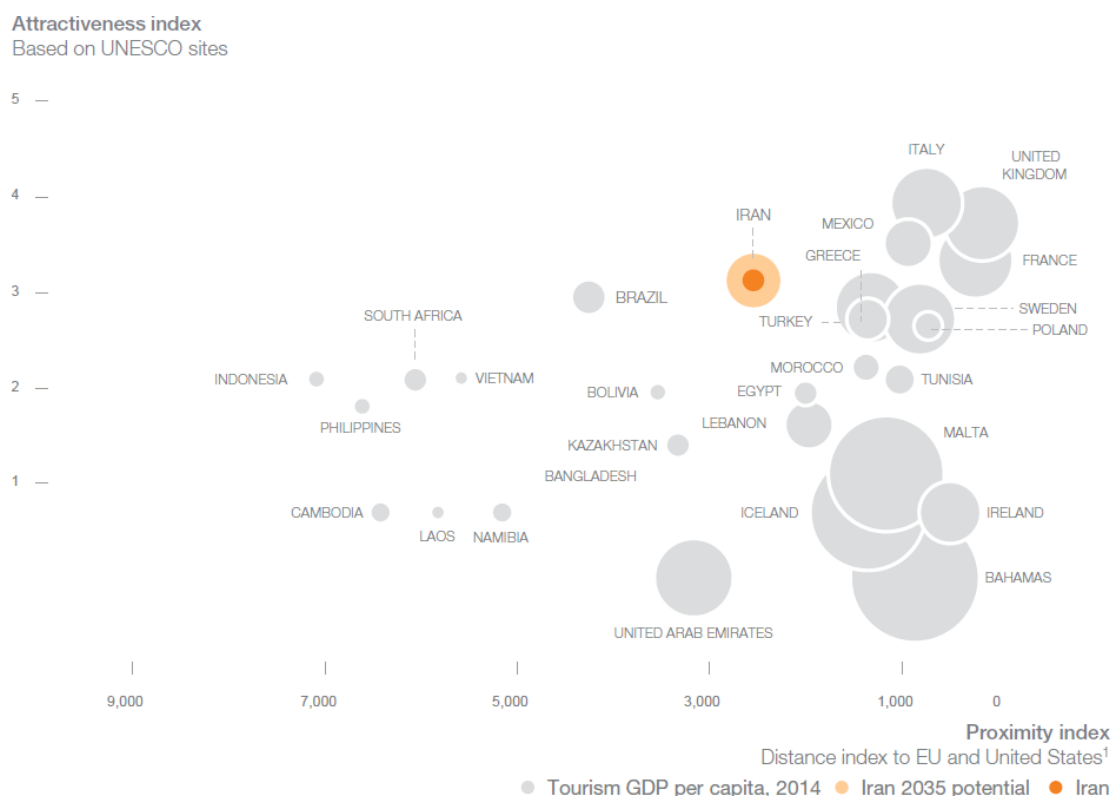
^{۲۹۹} شورای جهانی سفر و گردشگری، داده‌های ۲۰۱۴.

تحریم‌ها به شدت کاهش یافت و بیش از سه چهارم تعداد سالانه ۴ میلیون گردشگر خارجی، از شش کشور افغانستان، آذربایجان، عراق، پاکستان، ترکیه و ترکمنستان وارد می‌شوند.^{۳۰۰}

با توجه به مواهب طبیعی و فرهنگی و موقعیت جغرافیایی ایران، گردشگری پتانسیل تبدیل به یک منبع قابل توجه رشد و اشتغال را دارد (شکل ۱۶). بین سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۴، میانگین خرج هر گردشگر خارجی در ایران حدود دو سوم کاهش یافت و از ۵۴۵ دلار به ۱۹۳ دلار رسید. بر مبنای برابری قدرت خرید، این کمتر از نصف خرجی است که گردشگران خارجی در ترکیه و یک چهارم خرج این گردشگران در مصر است.^{۳۰۱} این کاهش مخارج ناشی از عوامل متعدد است که از آن جمله عبارتند از: تغییر در ترکیب گردشگران به طوری که گردشگران غربی کمتری از ایران بازدید نمودند؛ تشدید تحریم‌های بین‌المللی که انتقال کالاهای خریداری‌شده از ایران را به کشورهای مبدأ گردشگران با دشواری مواجه می‌کرد؛ و کاهش شدید ارزش ریال.

شکل ۱۶

با توجه به موقعیت و جاذبه‌هایش، ایران پتانسیل تبدیل به یک مقصد گردشگری را دارا است



¹ Index value calculated as minimum distance between capital and Belgium (Brussels) or United States (New Orleans) using latitude and longitude

SOURCE: UNESCO; WTTC; UN Population Survey; McKinsey Global Institute analysis

^{۳۰۰} آی‌اچ‌اِس گلوبال اینسایت؛ آمارهای اشتغال سازمان جهانی کار ILOSTAT؛ سالنامه آمار گردشگری، سازمان جهانی گردشگری، ۲۰۱۵.
^{۳۰۱} شورای جهانی سفر و گردشگری، داده‌های ۲۰۱۴.

ما با استفاده از معیارهای بین‌المللی برای مقایسه همچون پوشش موفق مالزیایی برای تقویت گردشگری، محاسبه می‌کنیم که گردشگری در ایران طی ۲۰ سال آینده پتانسیل رشد به بیش از ۹۴ میلیون گردشگر را دارد که ۲۸ میلیون نفر از آنها گردشگران بین‌المللی خواهند بود. ارزش افزوده ناخالص گردشگری می‌تواند در این دوره بیش از ۵ برابر شود و این بخش را از ۹ میلیارد دلار فعلی به یک بخش ۵۹ میلیارد دلاری تبدیل کند. گردشگری همچنین می‌تواند منبع مهمی برای اشتغال باشد و تقریباً ۸۰۰ هزار شغل تا سال ۲۰۳۵ ایجاد نماید.

خدمات و زیرساخت‌های بهبودیافته برای تحقق اهداف ایران ضروری است

تبدیل شدن به یک بازار گردشگری گسترده، مستلزم بهبود و توسعه قابل توجه بخش گردشگری است. فرودگاه‌ها و شرکت‌های هواپیمایی باید به ظرفیت خود افزوده و خدمات خود را ارتقا دهند. به عنوان مثال، ناوگان مسافربری هوایی ایران شامل ۲۰۰ هواپیما با میانگین عمر بیش از ۲۳ سال است؛ در مقابل، میانگین عمر ناوگان ترکیه با حدود ۶۰۰ هواپیما، کمتر از ۹ سال است. دو فرودگاه بین‌المللی تهران تنها ۵۹ مقصد بین‌المللی را تحت پوشش دارند، در حالی که فرودگاه استانبول به ۲۴۸ مقصد بین‌المللی پرواز دارد. هتل‌ها و دیگر امکانات و تسهیلات نیز نیاز به کیفیت بیشتر دارند و تعداد آنها نیز باید افزوده شود. ظرفیت هتل‌های ایران بسیار عقب‌تر از هم‌تایان خود است و هر هتل به طور میانگین ۲۵ اتاق دارد، در حالی که این رقم در ترکیه ۱۱۹ اتاق است. به طور مشابه، ایران به طور نسبی دارای هتل‌های ۴ و ۵ ستاره کمتری است که امکان برگزاری کنفرانس‌ها و مجامع کسب و کار را محدود می‌کند. ایران برخی از این شکاف‌ها را مورد توجه قرار داده‌است. دولت اخیراً خبر از تفاهمی برای خرید بیش از ۱۰۰ هواپیمای تجاری از ایرباس^{۳۰۲}، امبرآثر^{۳۰۳} و ای تی آر^{۳۰۴} داده است.^{۳۰۵} هتل‌های زنجیره‌ای بین‌المللی متعدد از جمله آکور^{۳۰۶} و روتانا^{۳۰۷} ورود به این بازار را شروع کرده‌اند و هتل‌های بین‌المللی ملیا^{۳۰۸} برنامه دارد در سال ۲۰۱۷ یک تفرجگاه لوکس را در ساحل خزر راه‌اندازی نماید.^{۳۰۹}

³⁰² Airbus

³⁰³ Embraer

³⁰⁴ ATR

³⁰⁵ «شرکت ایرباس توافق ۲۵ میلیارد دلاری را برای فروش ۱۱۸ هواپیما به ایران امضا می‌کند»، بی بی سی، ۲۸ ژانویه ۲۰۱۶.

³⁰⁶ Accor

³⁰⁷ Rotana

³⁰⁸ Melia Hotels International

³⁰⁹ «آکور با دو هتل وارد ایران می‌شود»، صنعت عربی، ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۷؛ «گروه هتل‌های روتانا در مشهد در سال آینده هتل افتتاح خواهد نمود»، خبرگزاری خلیج فارس، ۲۲ فوریه ۲۰۱۶؛ دالیا فهمی و گلنار متولی، «ایران به دنبال تفرجگاه‌های لوکس در ساحل خزر»، خبرگزاری بلومبرگ، ۲ مارس ۲۰۱۶.

علاوه بر الزامات سرمایه‌گذاری که برآورد می‌کنیم طی ۲۰ سال حدود ۱۳۰ میلیارد دلار باشد، کارایی بخش گردشگری هم باید ارتقا یابد. بهره‌وری ۷۱ هزار دلاری به ازای هر نیروی کار در این بخش بر مبنای برابری قدرت خرید، به طور چشمگیری کمتر از کشورهای هم‌تراز است. به عنوان مثال، بهره‌وری نیروی کار در بخش گردشگری ترکیه بیش از ۷۰ درصد بیشتر است. اندازه نسبتاً کوچک هتل‌ها، آموزش ناکافی کارکنان، تسلط ناکافی بر زبان انگلیسی و تمرکز بر مسافران داخلی به جای گردشگران با ارزش خارجی، همه باعث عقب ماندن بهره‌وری می‌گردد. هتل‌های ایران هیچ ارتباطی با اکثر وبسایت‌های گردشگری جهانی ندارند و این باعث محدود شدن دسترسی و قابل رویت بودن برای گردشگران بین‌المللی می‌گردد. عوامل دیگری که باعث محدود شدن رشد این بخش در ایران می‌شوند، عبارتند از قوانین نیروی کار که قابلیت استفاده از کارگران فصلی را محدود می‌کند و عدم ارتباط ایران با سیستم بانکداری جهانی. موضوع اخیر بدین معنی است که کارت‌های اعتباری و چک‌های خارجی در ایران قابل استفاده نیست. دستگاه‌های خودپرداز در ایران با حساب‌های بانکی خارجی مرتبط نیستند و لذا پول نقد تنها ابزار مخارج گردشگران خارجی است. البته شروع به تغییر با سرعت کم آغاز شده است: گرچه هنوز هم کارت‌های اعتباری آمریکایی غیرقابل استفاده خواهند ماند، برخی کارت‌های اعتباری آسیایی در حال کار برای ارتباط با سیستم بانکی ایران هستند.^{۳۱۰}

کشورهای دیگر از طریق پوشش‌های بازاریابی بین‌المللی، بهبود خدمات و تسهیلات، و مدیریت قوی‌تر همچون مرجع متمرکز گردشگری، در تقویت گردشگری خود موفق بوده‌اند. به عنوان مثال، مالزی از طریق پوشش «مالزی، نمود تمام مظاهر آسیا^{۳۱۱}» که میراث فرهنگی غنی مالزی را برجسته می‌کند، ورود گردشگران به این کشور را بین سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۶ بیش از ۳ برابر کرده است. بخش گردشگری ترکیه هم رشد زیادی داشته و این تا اندازه‌ای به دلیل مشوق‌های مالیاتی برای توسعه ساحل جنوبی و آنتالیا توسط بخش خصوصی بوده است.^{۳۱۲}

تبدیل ایران به یک بازار گردشگری پیشرفته نیازمند یک فعالیت هماهنگ و ثابت توسط شرکت‌های بین‌المللی، بنگاه‌های داخلی و دولت ایران است. دولت برنامه‌ای را برای توسعه این بخش در نظر دارد که شامل یک هدف برای افزایش گردشگران بین‌المللی به ۲۰ میلیون گردشگر تا سال ۲۰۲۵ است که این با پیش‌بینی‌های ۲۰ ساله ما سازگار است. برای کمک به دستیابی به این هدف،

^{۳۱۰} «اولین کارت‌های بین‌المللی در سال ۲۰۱۶ مورد استفاده قرار خواهند گرفت»، خبرگزاری ایران، ۲۹ فوریه ۲۰۱۶.

^{۳۱۱} Malaysia, Truly Asia

^{۳۱۲} سوکرو یارکان، مقایسه استانبول و آنتالیا به عنوان مقاصد گردشگری، دانشگاه استانبول، ۲۰۱۲.

دولت ۱۳۰۰ پروژه سرمایه‌گذاری را تعریف نموده که سرمایه‌گذاری خارجی را به این صنعت جلب می‌نمایند.^{۳۱۳} دولت اعلام کرده که تمام هتل‌ها و مراکز گردشگری جدید، برای ۵ سال از مالیات بر درآمد معاف خواهند بود و گردشگران از تمام کشورها به جز ۹ کشور، روادید هنگام ورود دریافت می‌کنند.^{۳۱۴} دولت می‌تواند زمینه را برای توسعه گردشگری از طریق تعریف راهبرد واحد برای بخش، تشویق سرمایه‌گذاری خارجی، و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های سرمایه‌ای برای تقویت زیرساخت‌ها، ارتقای جاذبه‌های گردشگری و حفظ اماکن میراث فرهنگی، فراهم نماید. دولت همچنین می‌تواند به پویش‌های بازاریابی عمده برای تشکیل برند جهانی ایران و تبدیل ایران به یک مقصد گردشگری، بپیوندد.

شرکت‌های ایرانی باید کیفیت پیشنهادهای گردشگری به گردشگران و مسافران خارجی را افزایش دهند. برآورد می‌کنیم که تا سال ۲۰۳۵ ایران می‌تواند به ۶۰ هزار اتاق هتل جدید برای اسکان افزایش پیش‌بینی‌شده گردشگران نیاز داشته باشد که بسیاری از آنها می‌توانند توسط شرکت‌های ایرانی ساخته شوند. آنها می‌توانند پیشنهادهای بهتر در خصوص خوشه‌های گردشگری همچون گردشگران طبیعت و اسکی‌بازان داشته باشند.

شرکت‌های چندملیتی می‌توانند از طریق افزایش مسیرهای هوایی بین‌المللی به سمت شهرهای ایران، ساخت هتل‌های باکیفیت و ترویج ایران به عنوان یک مقصد گردشگری، باعث افزایش گردشگران به ایران شوند. با ایجاد برنامه‌های آموزشی در هتلداری و مدیریت گردشگری، آنها می‌توانند به بهبود مهارت‌های مدیریت محلی کمک کنند. برخی رشته‌های مدیریت هتلداری در ایران از جمله در دانشگاه علامه طباطبائی، دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد اسلامی واحد سوادکوه وجود دارند. با ترکیب این تلاش‌ها، گردشگری ایران می‌تواند طی ۲۰ سال آینده سالانه نزدیک به ۱۰ درصد رشد نماید.

^{۳۱۳} مسعود سلطانی‌فر، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری ایران این برنامه‌های را در سال ۲۰۱۵ اعلام نمود؛ نگاه کنبد به علی اکبر دارینی، «ایران در حال آماده شدن برای سونامی گردشگران»، آسوشیتدپرس، ۱۸ اکتبر ۲۰۱۵.

^{۳۱۴} «ایران مشوق‌های مالیاتی برای گردشگری پیشنهاد می‌دهد»، تهران تایمز، ۱۷ فوریه ۲۰۱۶؛ «ایران، روادید هنگام ورود را به همه غیر از نه کشور ارائه می‌کند»، مدهیامام، ۱۵ فوریه ۲۰۱۶.

۲-۳. گذار به یک اقتصاد دانش بنیان

اگر ایران بتواند برتری آموزشی خود را، به خصوص در علم و مهندسی که در فصل پیشین توضیح دادیم، تحت کنترل در آورد، نه تنها بخش‌های مرتبط با تکنولوژی بلکه می‌تواند کل اقتصاد دانش بنیان خود را تقویت نماید و به سمت عصر دیجیتال خیز بردارد. نوآوری کلید توسعه محصولات جدید در زمینه‌های مختلف از نرم‌افزار تا محصولات دارویی خواهد بود. ایران همچنین فرصت استفاده از نیروی کار ماهر خود برای جذب کارهای با ارزش افزوده بالا را دارد.

یک نقطه شروع برای کشور می‌تواند تقویت و اصلاح سیستم مالی، که فاقد ساختارهای بازار سرمایه است که برای رشد آتی حیاتی هستند، و آزادسازی بازار بیمه باشد. ایران همچنین نیاز به شرکت‌های خدمات حرفه‌ای دارد که بتوانند به کسب و کارها، خدمات راهبردی، حسابداری و مشاوره‌های حقوقی ارائه نمایند. بخش مخابرات این کشور در حال تغییر است و نیازمند سرمایه‌گذاری در تکنولوژی‌های پهن‌بند و زیرساخت‌های جدید فناوری اطلاعات است. ایران حتی پتانسیل تبدیل به مرکزی برای برون‌سپاری فناوری اطلاعات را دارد و بخش کوچک دارویی این کشور دارای قابلیت‌های علمی برای تولید داروهای پیشرفته‌ای است که در حال حاضر تنها از طریق واردات تأمین می‌شوند. دولت امید دارد که سهم بخش دانش بنیان را در اقتصاد ایران افزایش دهد، و ایران به پیشرو در منطقه تبدیل شود.

کپی رایت و حفاظت از داده‌ها در ایران، شرایط استانداردهای جهانی را برآورده نمی‌کنند.

برای محقق کردن این پتانسیل‌ها، نیاز به تغییرات مهمی به خصوص در حوزه قانونگذاری و اجرای کپی‌رایت، مالکیت معنوی و حفاظت از داده‌ها وجود دارد تا استانداردهای جهانی برآورده شوند. ایران از لحاظ حمایت از مالکیت معنوی از بین ۳۵ کشور منطقه رتبه آخر را کسب نموده است. به عنوان مثال، بر اساس قوانین ایران، فرمول‌های دارویی نمی‌توانند ثبت اختراع شوند.^{۳۱۵} این باعث گسترش داروهای تقلبی و بازار سیاه دارو شده به نحوی که برخی اوقات، فروش سالانه داروهای تقلبی، غیرقانونی یا قاچاق، دو برابر محصولات قانونی می‌گردد.^{۳۱۶}

^{۳۱۵} گزارش بهداشتی و دارویی ایران، سه ماهه سوم ۲۰۱۵، مؤسسه بین المللی بیزنس مانیتر، سپتامبر ۲۰۱۵.

^{۳۱۶} همان

خدمات مالی: بازسازی عمیق و آزادسازی، ضروری خواهد بود

بانک‌های ایران، که بسیاری از آنها دولتی یا نیمه خصوصی‌هایی هستند که هیئت مدیره آنها توسط دولت تعیین می‌شوند، سطحی از خدمات مالی پایه‌ای را به جمعیتی وسیع ارائه می‌دهند که در بین کشورهای معیار، نسبتاً بالا است. اما بخش بانکی از لحاظ پیشرفتگی محصولات، مدیریت ریسک، کفایت سرمایه، کارایی استقراض و زیرساخت فناوری اطلاعات، عقب است.^{۳۱۷}

بازارهای سرمایه ایران با توجه به اندازه و ثروت این اقتصاد، نسبتاً توسعه نیافته هستند. بانکداری سرمایه‌گذاری هنوز به طور کامل ایجاد نشده و سرمایه‌گذاری خطرپذیر در حال پیدایش است. تاحدی زیادی به دلیل تحریم‌ها، سیستم مالی ایران از دیگر نقاط جهان جدا مانده است؛ تنها یک درصد از سهام و اوراق بهادار به صورت بین‌المللی نگهداری می‌شوند.^{۳۱۸} فرصت‌های استفاده نشده زیادی برای ادغام بازارهای مالی ایران با بازارهای جهانی وجود دارد. در طول زمان این می‌تواند کشور را قادر به جلب و جذب جریان‌های سرمایه مورد نیاز برای تأمین مالی رشد اقتصادی نماید.

به طور کلی، برآورد می‌کنیم که دارایی‌های مالی می‌توانند تا سال ۲۰۳۵ سالانه به طور میانگین ۱۰ درصد رشد نمایند. این باعث افزایش ارزش افزوده ناخالص بخش بانکی از ۷ میلیارد دلار سال ۲۰۱۴ به ۵۲ میلیارد دلار و ایجاد ۴۵۰ هزار شغل می‌گردد.

در توسعه عمق و پیشرفتگی بخش مالی، ایران می‌تواند از مزایای مشارکت فعال و تخصص بازیگران بین‌المللی بهره‌مند گردد. سرمایه‌گذاران خارجی مجاز به تملک تا ۴۰ درصد و در مناطق آزاد تا ۱۰۰ درصد از سرمایه سهمی بانک‌ها هستند. تملک خارجی بیمه‌گران ایرانی نیز محدود به سقف ۴۹ درصدی است. برنامه‌هایی برای تسهیل محدودیت‌های خارجی‌ها برای افتتاح بانک‌های کاملاً خارجی در ایران در حال انجام است.^{۳۱۹}

ایران دارای سطح بالایی از شمول مالی اما سطح ناکافی از واسطه‌گری مالی است

موج خصوصی‌سازی و رشد اقتصادی سریع در اواخر دهه ۱۹۹۰ باعث تقویت رشد بخش بانکداری ایران گردید، به طوری که از سال ۱۹۹۶ تا سال ۲۰۱۱ وام‌های بانکی به طور میانگین سالانه ۱۹ درصد رشد را شاهد بودند.^{۳۲۰} این توسعه در سال ۲۰۱۱ زمانی که اقتصاد وارد رکود شد، متوقف گردید.

^{۳۱۷} گزارش رقابت پذیری جهانی ۱۶-۲۰۱۵، مجمع جهانی اقتصاد، سپتامبر ۲۰۱۵.

^{۳۱۸} بر اساس سرمایه‌گذاری فیروزه، یک صندوق سرمایه‌گذاری به دنبال مدیریت بیش از ۹۰ درصد از تمام سبدهای سرمایه‌گذاری خارجی در بورس اوراق بهادار تهران است.

^{۳۱۹} «چراغ سبز ایران به بانک‌های خارجی»، خبرگزاری جمهوری اسلامی، اوت ۲۰۱۵.

^{۳۲۰} پایگاه داده دارایی‌های مالی مؤسسه جهانی مکنزی.

اندازه وام‌ها از آن زمان سالانه حدود ۱۱ درصد کاهش یافته‌اند. در حال حاضر، از ۲۸ بانک عمده ایران، ۱۵ بانک خصوصی بوده و ۴ بانک نیز نیمه‌خصوصی هستند؛ باقی بانک‌ها هم دولتی هستند. در چند سال اخیر بانک‌های خصوصی متعددی ایجاد شده‌اند. این بانک‌های خصوصی با سرعت زیادی رشد می‌کنند و از لحاظ سودآوری، ریسک و معیارهای عملکرد عملیاتی بهتر از بانک‌های دولتی عمل می‌کنند، اما در مقایسه با بانک‌های دولتی از نظر حجم دارایی، کوچک هستند.^{۳۲۱} به عنوان مثال، دو بانک بزرگ ایران یعنی بانک دولتی ملی ایران و بانک نیمه خصوصی ملت، مجموعاً ۳۰ درصد دارایی‌های بانکی را در سال ۲۰۱۲ در اختیار داشتند.^{۳۲۲} مؤسسات مالی غیرمجاز همچون تعاونی‌های اعتباری هم در این بخش فعالیت دارند و ۱۵ تا ۲۰ درصد نقدینگی را به خود اختصاص داده‌اند. بانک مرکزی به دنبال تقویت نظارت خود بر چنین مؤسساتی است.^{۳۲۳}

با برخی تدابیر، ایرانیان دسترسی فراوانی به خدمات مالی دارند. به عنوان مثال، در سال ۲۰۱۳ تعداد دستگاه‌های خودپرداز ایران به ازای هر ۱۰۰ هزار بزرگسال، بیشتر از آلمان، مکزیک، بریتانیا و ایالات متحده بود.^{۳۲۴} ضریب نفوذ کارت بانکی برابر کشورهای توسعه‌یافته است و ۷۵ درصد خانوارها گزارش داده‌اند که فاصله آنها با یک شعبه بانکی کمتر از ۲۰ دقیقه است.^{۳۲۵} به طور کلی، به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت ۲۷ شعبه بانک وجود دارد و از این لحاظ جلوتر از ترکیه و آلمان و اندکی عقب‌تر از ایالات متحده است.^{۳۲۶} سهولت دسترسی خانوارها به خدمات مالی به گونه‌ای به سطح پس‌انداز ملی کمک کرده که در حال حاضر این سطح بسیار بالاتر از میانگین جهانی است.^{۳۲۷} علیرغم وجود چنین مزایایی، ایران سطح نسبتاً پایینی از اعتبار داخلی را برای بخش خصوصی فراهم می‌کند که حدود ۵۲ درصد تولید ناخالص داخلی است. این رقم ۳۲ واحد درصد عقب‌تر از میانگین ۸۴ درصدی جهانی و ۲۶ واحد درصد پایین‌تر از سطح کشورهای بریک است.^{۳۲۸} اعتبارات داخلی نه تنها کمیاب است بلکه جهت‌دهی آنها نیز به سمت بنگاه‌های بزرگ است؛ تقریباً سه چهارم

^{۳۲۱} اعظم احمدیان، ارزیابی شاخص سلامت بانکی برای بانک‌های ایران (۲۰۱۱-۲۰۱۲)، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ایران، نوشتار تجربی شماره MBRI-9222، ۲۰۱۴.

^{۳۲۲} رتبه بندی سازمان مدیریت صنعتی از ۵۰۰ شرکت برتر ایران بر مبنای گزارش‌های مالی ۲۰۱۲.

^{۳۲۳} سخنرانی ولی الله سیف رییس بانک مرکزی ایران در جلسه با اعضای کمیسیون اقتصادی مجلس در آوریل ۲۰۱۵، بر اساس گزارش رییس اتاق بازرگانی ایران.

^{۳۲۴} بررسی دسترسی مالی، صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۴.

^{۳۲۵} «نتایج بررسی دسترسی خانوارها به خدمات مالی در مناطق شهری، ۲۰۰۹» بانک مرکزی ایران.

^{۳۲۶} پایگاه داده Findex بانک جهانی؛ شاخص‌های جهانی توسعه، بانک جهانی.

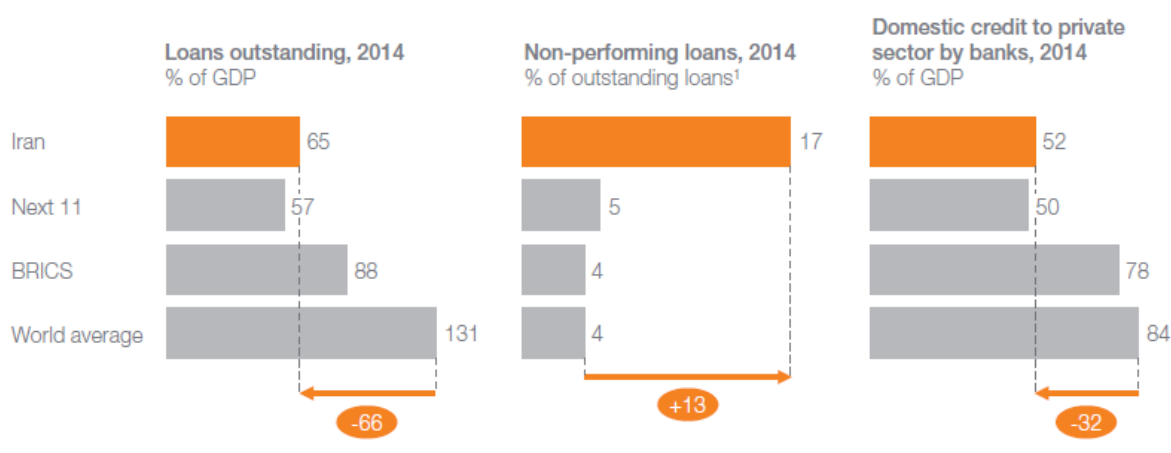
^{۳۲۷} اطلاعات نامه جهانی CIA سال ۲۰۱۴.

^{۳۲۸} شاخص‌های جهانی توسعه، بانک جهانی، ۲۰۱۵.

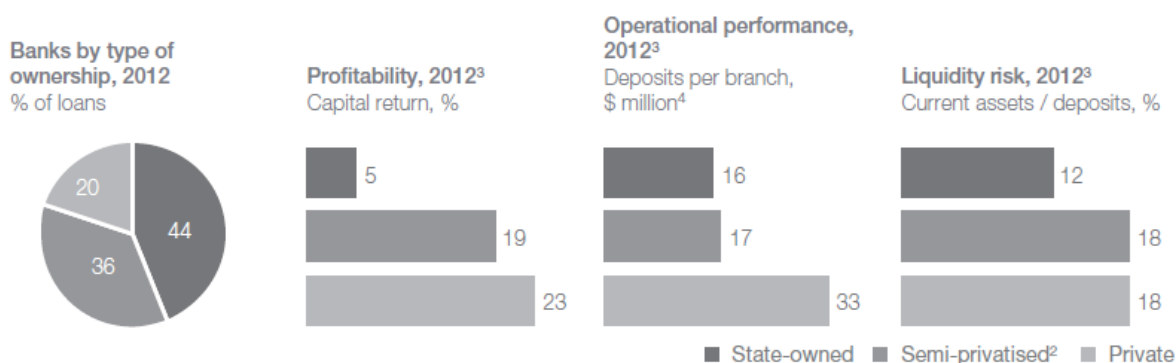
اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی به بنگاه‌های دولتی یا نیمه خصوصی اختصاص می‌یابد و اعتبارات اندکی به بنگاه‌های کوچک و متوسط و خانوارها ارائه می‌گردد (شکل ۱۷). در یک بررسی توسط مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در سال ۲۰۱۵، پیشروهای کسب و کار ایران، دسترسی به تأمین مالی را به عنوان چالش‌انگیزترین عاملی انتخاب کردند که حتی بیشتر از تحریم‌های بین‌المللی مانع کسب و کار آن‌ها می‌شوند.^{۳۲۹}

شکل ۱۷

بخش بانکی ایران دارای سطح پایین تأمین اعتبار برای بخش خصوصی و سطح بالای وام‌های ناکارآمد (NPL) است



State-owned and semi-privatised banks dominate the sector



¹ Data for Iran from the IMF staff report for the 2014 Article IV consultation, March 2014.

² Semi-privatised banks have state-related shareholders.

³ Excludes specialised state-owned banks (e.g., agriculture bank)

⁴ Rial conversion to dollars using the official exchange rate of 12,260 at the end of 2012, announced by the Central Bank of Iran.

SOURCE: McKinsey Global Institute Financial Assets database; World development indicators, World Bank; Ahmadian, Azam, Bank market share analysis, Monetary and Banking Research Institute, Central Bank of the Islamic Republic of Iran, working paper number MBRI-9223, 2013; Ahmadian, Azam, Evaluation of health indicators, Bank of Iran, Monetary and Banking Research Institute, Central Bank of the Islamic Republic of Iran, working paper number MBRI-9222, 2013; "Islamic Republic of Iran: 2014 Article IV consultation. staff report; press release; and statement by the executive director for the Islamic Republic of Iran", IMF, April 2014; McKinsey Global Institute analysis

^{۳۲۹} فرهاد نیلی و امینه محمودزاده، محدودیت مالی از خرد به کلان، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ایران، نوشتار تجربی شماره

یکی از نمونه‌های ناکافی بودن دسترسی به اعتبارات، استفاده گسترده از چک‌های مدت‌دار است. در ایران، چک‌ها صرفاً در تاریخی که روی آنها درج شده می‌توانند نقد شوند، لذا کسب و کارها و خانوارها از این چک‌ها به جای خطوط اعتباری برای تعهد به پرداخت‌های آتی به فروشنده استفاده می‌کنند. این باعث ایجاد ناکارایی و ریسک می‌گردد. یک نکول توسط پرداخت‌کننده می‌تواند منجر به نکول دریافت‌کننده در چک‌های مدت‌دار خود شود و این یک دومینو از نکول‌ها ایجاد می‌کند. بر اساس داده‌های بانک مرکزی ایران، تعداد چک‌های برگشتی از یک میلیون در سال ۲۰۰۴ به ۶ میلیون در سال ۲۰۱۴ افزایش یافته است.^{۳۳۰} تقریباً ۶۰ درصد افرادی که در ۹ ماهه آخر سال ۲۰۱۴ برای جرائم غیرعمد زندانی شدند، محکوم به جرائم مرتبط با چک برگشتی و جرائم مالی غیرعمد مشابه بودند.^{۳۳۱}

برای افزایش جریان اعتباری و تقویت ترازنامه‌ها، اصلاحات بانکی ضروری است

نظام بانکی با چهار چالش ساختاری عمده مواجه است. اول اینکه اعتبارات عمدتاً توسط سیستم بانکی توزیع می‌شوند و این باعث کوچک و غیرمتنوع ماندن بازارهای سرمایه می‌گردد. بخش مالی ایران تحت سلطه‌ی وام‌های بانکی است و در واقع اوراق بدهی وجود ندارد (شکل ۱۸). دولت ایران امید دارد که این رویکرد را تغییر دهد و بازار اوراق بهادار را به منبعی مهم‌تر برای تأمین مالی دولت و بنگاه‌های بزرگ تبدیل نماید. برای انجام این کار، بازارهای سرمایه نیاز به بازسازی زیرساخت‌های حمایتی خود دارند. هیچ مؤسسه رتبه‌بندی اعتباری در ایران وجود ندارد و عملاً بانک‌ها عملکرد اوراق را تضمین می‌کنند. دولت برنامه‌ای را در سال ۲۰۱۶ اعلام نموده که اسناد خزانه و یک بازار ثانویه برای بدهی دولت مطرح می‌کند، که اوراق بدهی بدون ضمانت بانک‌ها به منظور توسعه بازار اوراق قرضه و آماده‌سازی سرمایه‌گذاران برای ریسک خرید اوراق قرضه فاقد تضمین بانکی، را ارائه می‌کند.^{۳۳۲} این مرحله‌ای را ایجاد می‌کند که شرکت‌های خصوصی در صورت ایجاد زیرساخت‌های لازم وارد بازار شوند. بخش بانکداری سرمایه‌گذاری ایران نیز توسعه‌نیافته است به طوری که تعداد اندکی از بازیگران بخش خصوصی همانند بانک سرمایه‌گذاری امین طی دهه قبل در آن فعالیت داشته‌اند.

چالش دوم، کنترل مستقیم بانک مرکزی ایران بر نرخ‌های بهره اسمی است. بانک مرکزی، بهره‌ای را که بانک‌ها می‌توانند به سپرده‌ها پرداخته و از وام‌ها دریافت کنند، محدود می‌کند. از سال ۲۰۰۸،

^{۳۳۰} «تعداد چک‌های برگشتی شش برابر شده است»، خبرگزاری دانشجویان ایران، می ۲۰۱۵.

^{۳۳۱} روزنامه جام جم، ۲۹ دسامبر ۲۰۱۴.

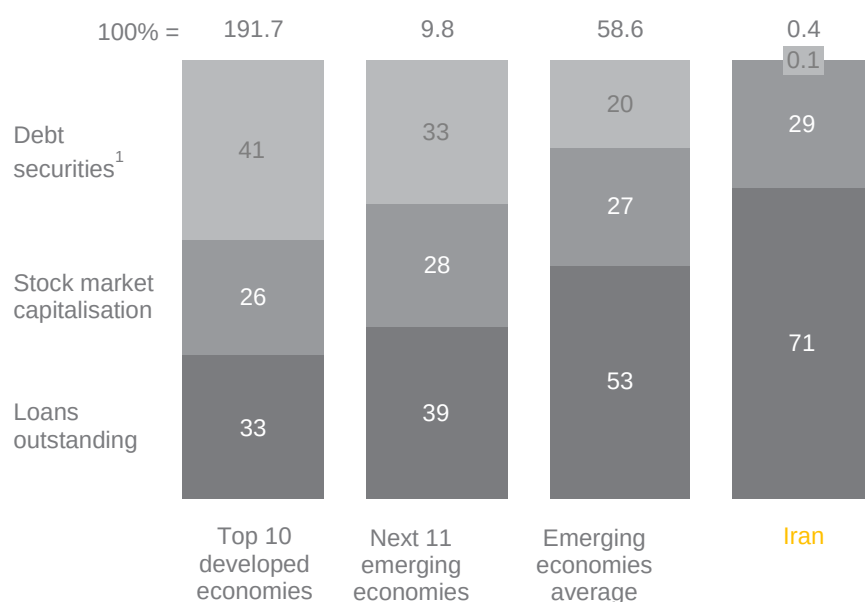
^{۳۳۲} «اسناد مشکل گشا»، تجارت فردا، شماره ۱۷۲، ۱۶ آوریل ۲۰۱۶.

تورم بالا بدون تعدیل در محدودیت‌های نرخ‌های وام باعث شد که بانک‌ها دارایی‌های خود را به سمت بخش املاک سوق دهند که در این محیط تورمی، دارای ریسک کمتری است. برای انجام این کار، بانک‌ها فعالیت‌های وام‌دهی خود در دیگر بخش‌ها را کاهش دادند. در عین حال، تورم بالا باعث شد بانک‌ها نرخ‌های بهره بالایی را به سپرده‌ها پیشنهاد دهند. این منجر به کاهش فاصله بین نرخ بهره وام‌ها و سپرده‌ها به زیر صفر گردید و از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ به طور میانگین این فاصله ۳/۵- درصد بود.^{۳۳۳}

شکل ۱۸

نظام مالی ایران، بیش از حد وابسته به وام‌های بانکی است

Financial asset market composition, 2014
%, \$ trillion



¹ The total value of debt securities (Islamic participation papers, sukuk, and CDs) traded on Tehran exchange market in 2014 was \$570 million. Banks and large projects also issue some Islamic participation papers that do not have any secondary market and only can be cashed through the banking system.

SOURCE: McKinsey Global Institute Financial Assets database; Tehran Stock Exchange monthly bulletin; McKinsey Global Institute analysis

یک گام برای حل این مشکل می‌تواند تکیه بیشتر برای بازار بین‌بانکی به جای تعیین نرخ‌های بهره در سطح خرده‌فروشی باشد. بازار بین بانکی ایران که در سال ۲۰۰۸ ایجاد شده، کوچک است و حدود ۱۷ هزار تراکنش به ارزش ۳۸۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ داشته است.^{۳۳۴} توسعه این بازار یک

^{۳۳۳} شاخص‌های جهانی توسعه، بانک جهانی، ۲۰۱۵.

^{۳۳۴} عملکرد بین بانکی ۲۰۱۴، بانک مرکزی ایران، ژوئن ۲۰۱۵.

اولویت است و بانک مرکزی گام‌های قابل توجهی برای نیل به این مهم برداشته است.^{۳۳۵} برای پیشرفت بیشتر، ایران می‌تواند به چین بنگرد. اگرچه تمام اصلاحات بانکی چین کارا نبوده‌اند اما اصلاحات چشمگیر، در طول ۵ سال گذشته به طور موفقیت‌آمیزی، نقدینگی، عمق و مشارکت خارجی را در بازار بین‌بانکی چین افزایش داده است. در سال ۲۰۱۰ چین به برنامه‌ای پیوست که به سه نوع مؤسسات خارجی اجازه می‌داد در بازار اوراق قرضه بین‌بانکی سرمایه‌گذاری کنند. دو سال بعد، این کشور همچنین به سرمایه‌گذاران خارجی اجازه دسترسی به بازار اوراق قرضه بین‌بانکی خود را داد.^{۳۳۶} در سال ۲۰۱۵ چین مقرراتی را تصویب نمود که به بانک‌های مرکزی خارجی، سازمان‌های مالی بین‌المللی و صندوق‌های سرمایه دولتی اجازه دسترسی به بازار بین‌بانکی بدون نیاز به موافقت اولیه و با حداقل الزامات قانونی را می‌داد. این کشور همچنین انعطاف‌پذیری سرمایه‌گذاری را از طریق برداشتن الزامات سهمیه‌بندی و گسترش حیطه سرمایه‌گذاری به قراردادهای آتی، معاوضه نرخ بهره و خرید مجدد اوراق قرضه، افزایش داد.

سوم اینکه بانک‌های ایرانی کماکان نسبت تقریباً زیادی از دارایی‌های غیرنقدی و معوقه را در ترازنامه خود دارند. دارایی‌های غیرنقدی عبارتند از بدهی دولت به بانک‌ها که از یک سال به سال بعد منتقل شده یا در قالب سهام بنگاه‌های دولتی بازپرداخت شده‌اند؛ سرمایه‌گذاری در دارایی‌های غیربانکی همچون املاک و سهام که در رکود اقتصادی سال ۲۰۱۳ غیرنقدتر شدند؛ و وام‌ها به بنگاه‌ها که اینک معوق شده‌اند. نتیجه کلی، ناکافی بودن کفایت سرمایه و محدودیت‌های نقدینگی جدی در سیستم است. دولت با انتشار اوراق تسویه که دارای بازار ثانویه هستند و می‌توانند بخشی از این دارایی‌ها را آزاد کنند، به موضوع بدهی خود به بانک‌ها و پیمانکاران می‌پردازد.

نرخ بالای وام‌های معوق در ایران بیانگر این است که بانک‌ها کنترل کافی برای تصمیمات وام‌دهی ندارند. بر اساس گزارشات، وام‌های معوق ۱۷ درصد کل وام‌ها را در سال ۲۰۱۳ تشکیل می‌دادند اما بر اساس آمار صندوق بین‌المللی پول، ارقام واقعی حتی از این هم بالاتر است.^{۳۳۷} این ارقام با وام‌های معوق به طور میانگین کمتر از ۴ درصدی در برزیل، اندونزی، مکزیک، آفریقای جنوبی و ترکیه

^{۳۳۵} به عنوان مثال، بانک مرکزی نرخ بین بانکی را کاهش داد تا به نرخ خرده فروشی نزدیک شود. «برنامه بانک مرکزی برای مدیریت بازار بین بانکی»، بانک مرکزی ایران، ۹ ژانویه ۲۰۱۶.

^{۳۳۶} کمیسیون تنظیم اوراق چین از ژوئیه ۲۰۱۲ به سرمایه‌گذاران نهادی خارجی واجد شرایط، اجازه سرمایه‌گذاری در بازار بین بانکی را داد، گرچه این تصمیم تا مارس ۲۰۱۳ افشا نگردید.

^{۳۳۷} «جمهوری اسلامی ایران: مشاوره ماده ۴. گزارش کارمندان نشریه؛ و اظهارات مدیر اجرایی مربوط به جمهوری اسلامی ایران» صندوق بین‌المللی پول، آوریل ۲۰۱۴.

مقایسه می‌گردد.^{۳۳۸} یک راه‌حل می‌تواند تشکیل یک آژانس اعتبارسنجی باشد که بانک‌ها بهتر بتوانند درجه اعتبار افراد و بنگاه‌های کوچک و متوسط را ارزیابی نمایند. بانک‌ها همچنین می‌توانند فرصت‌هایی را برای بهبود تعهدات، مدیریت حساب‌ها و فرآیندهای مدیریت پورتفوی خود از طریق به‌کارگیری جدیدترین ابزارها، زیرساخت‌ها و روش‌های مدیریت ریسک پیدا کنند.

بانک مرکزی ایران الزامات کفایت سرمایه را در سال ۲۰۰۳ ایجاد نمود. یک تحلیل در سال ۲۰۱۱ توسط بازوی تحقیقاتی بانک مرکزی نشان داد که بین ۳۴ تا ۵۷ درصد سپرده‌ها در نظام بانکی رسمی در ۱۰ بانکی بود که سرمایه آنها بر مبنای استانداردهای بانک مرکزی، ناکافی بود.^{۳۳۹} با توجه به اینکه وقوع وام‌های معوق از سال ۲۰۱۱ افزایش یافته، ممکن است که ناکافی بودن سرمایه حتی بیشتر از این خود را نشان دهد. به‌کارگیری جدیدترین استانداردها برای کفایت سرمایه (بازل ۳) احتمالاً نرخ‌های عدم رعایت را از این هم بالاتر نشان دهد.

گزارش شده که بانک مرکزی در حال تهیه برنامه‌ای برای الزام بانک‌ها به تطابق با استانداردهای بین‌المللی است. این برنامه بازار ثانویه را برای بدهی دولت تقویت می‌کند، شرکت‌های مدیریت دارایی را برای مواجهه با وام‌های معوق انباشته ایجاد می‌کند، و به بانک‌ها اختیار می‌دهد که دارایی‌های معوق خود را از دفتر خارج کرده یا بفروشند.^{۳۴۰} اگر این برنامه به موقع انجام شود می‌تواند گامی مهم به سوی پرداختن به کفایت سرمایه بانک‌های ایرانی باشد. علاوه بر این، ایران باید برنامه‌ای را برای تجدید سرمایه عمده نظام بانکی خود تهیه نماید. اصلاح قوانین ورشکستگی برای بازسازی یا انحلال بانک‌های ناموفق می‌تواند راه را برای تملک بانک‌های مشکل‌دار، و احتمالاً توسط متقاضیان خارجی هموار نماید.

آخرین چالش این است که بانک‌های ایرانی از لحاظ زیرساخت‌ها و فرآیندهای ریسک خود عقب‌تر از استانداردهای جهانی هستند. جدایی نسبی سیستم بانکی باعث شده آنها نتوانند از آخرین روش‌های مدیریت ریسک و حاکمیت استفاده کنند و از نظر تکنولوژی‌های پیشرفته بانکی نیز عقب هستند. رسیدن سریع به این وضعیت برای ارتباط مجدد با سیستم‌های پرداخت جهانی و انجام تراکنش‌های بین‌المللی ضروری است.

^{۳۳۸} شاخص‌های جهانی توسعه، بانک جهانی، ۲۰۱۵.

^{۳۳۹} زهرا خشنود و مرضیه اسفندیاری، ارزیابی سرمایه بانک بر اساس استانداردهای بین‌المللی، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ایران،

نوشتر تجربی شماره MBRI-PN93008، ۲۰۱۴.

^{۳۴۰} تجارت فردا، شماره ۱۷۲، ۱۵ نوامبر ۲۰۱۶.

فرآیندهای قدیمی بر سودآوری و کارایی بانکها نیز اثر می‌گذارد. گزارش شده که نسبت هزینه به درآمد بانکهای ایرانی در سال ۲۰۱۴ برابر ۸۳ درصد و بالاتر از کشورهای همتراز مانند ترکیه (۴۶ درصد) و مالزی (۵۱ درصد) بوده است.^{۳۴۱} این بیانگر این است که فرصت برای بهبود وجود دارد. بانک مرکزی، بانکها را ملزم کرده تا از میانه سال ۲۰۱۶ خود را با استانداردهای گزارش‌دهی مالی و استانداردهای حسابداری بین‌المللی تطبیق دهند. سیستم‌های فناوری اطلاعات جدید و دیجیتالی نمودن سرتاسر فرآیندها می‌تواند به بانکها در اتخاذ این استانداردها کمک کند، در حالی که هزینه‌ها را کاهش داده و عملکرد آنها را بهبود می‌بخشد. نوآوری محصول هم در بانکداری خرد و هم بانکداری شرکتی، مورد غفلت واقع شده است. برخی محصولات مالی مانند کارت‌های اعتباری بدون تضمین، وام‌های پایانه فروش، تسهیلات اضافه برداشت، و تأمین مالی تخصصی که در حال حاضر در بسیاری کشورهای دیگر در دسترس است، در ایران در دسترس نیست. بازار داخلی تقاضای محصولات خرد و شرکتی پیشرفته‌تر را دارد.

افزایش عمق و تنوع سیستم مالی

عمق بازار مالی نشانگر میزانی است که کسب و کارها، خانوارها و دولت می‌توانند از طریق واسطه‌های مالی، تأمین مالی خود را انجام دهند. تحقیقات مؤسسه جهانی مکنزی نشان داده است که کشورهای توسعه‌یافته نسبت به اقتصادهای در حال ظهور دارای بازارهای مالی بسیار عمیق‌تری هستند، و کل بدهی باقی‌مانده و دارایی به اندازه ۴۰۰ درصد تولید ناخالص داخلی در اروپای غربی، ایالات متحده و ژاپن است و این رقم در بسیاری بازارهای در حال ظهور ۲۰۰ درصد یا کمتر است.^{۳۴۲} بازار مالی ایران دارای بدهی باقی‌مانده و دارایی حدود ۱۰۰ درصد تولید ناخالص داخلی است و آنقدر عمق ندارد که بتوان انتظار داشت که تولید ناخالص سرانه را تأمین نماید. برای پشتیبانی از رشد اقتصادی سالانه ۶ درصدی آتی، ایران باید عمق مالی بیشتر از ۲۰۰ درصد تولید ناخالص داخلی یا یک افزایش ۲/۴ تریلیون دلاری در دارایی‌های مالی داشته باشد (شکل ۱۹). این معادل نرخ رشد سالانه حدود ۱۰ درصدی، مشابه رشد مالی ۱۱ درصدی ایران بین ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۴، است.

ایران اقداماتی را برای تعمیق بازارهای مالی خود انجام داده‌است؛ بین سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۴ بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار از دارایی‌های دولت واگذار گردید که حدود نیمی از آنها از طریق بورس اوراق بهادار تهران انجام گرفت. در سال ۲۰۱۴ جمع سرمایه بازار سهام ایران حدود ۱۲۰ میلیارد دلار

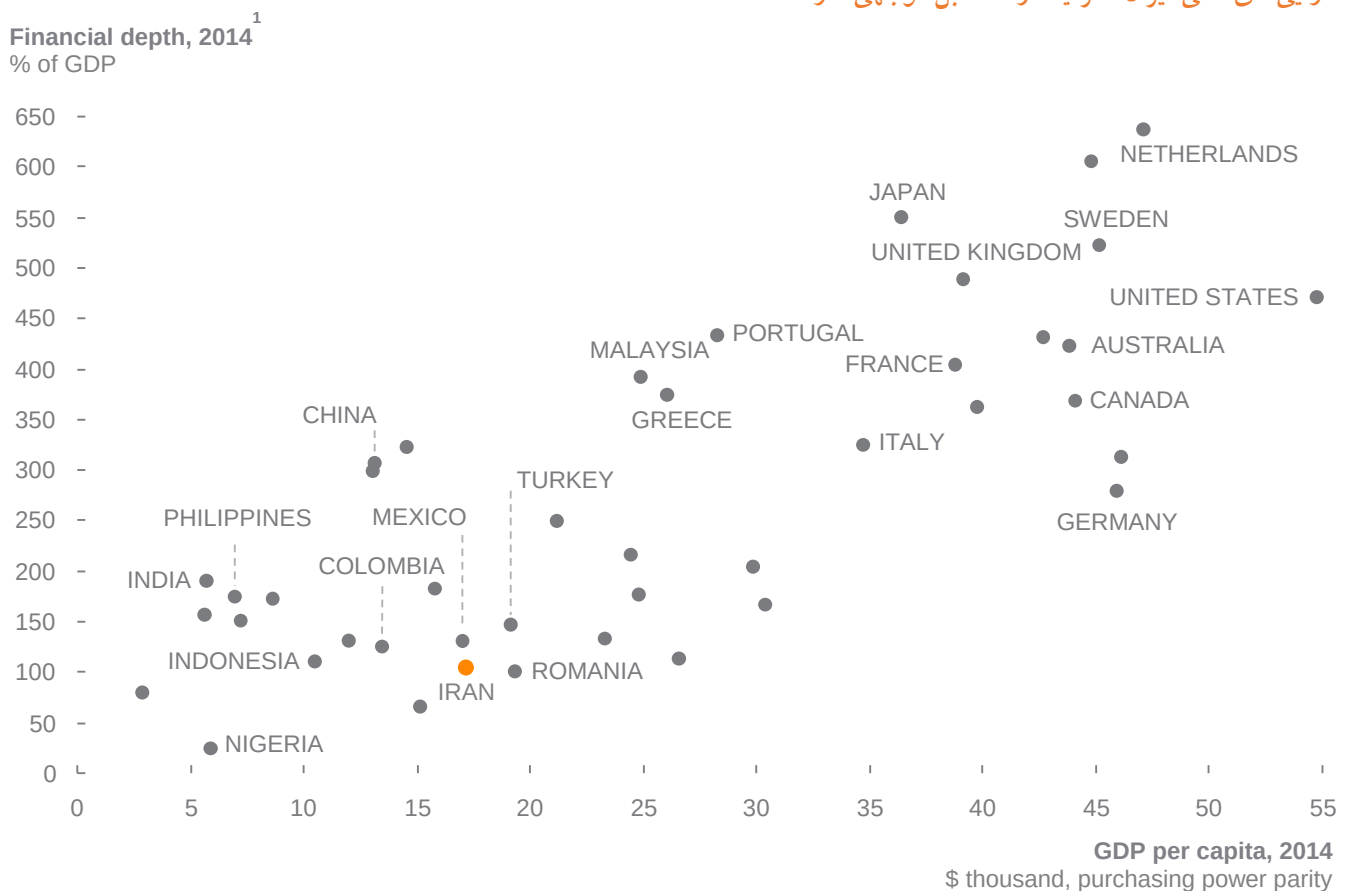
^{۳۴۱} پایگاه داده بانکداری جهانی، مکنزی پانوراما، صورت‌های مالی ۱۷ بانک بزرگ ایران.

^{۳۴۲} ترسیم بازارهای سرمایه جهانی ۲۰۱۱: تحقیق به روزشده، مؤسسه جهانی مکنزی، اوت ۲۰۱۱.

یا ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی بود.^{۳۴۳} این کمتر از نصف نسبت تولید ناخالص داخلی کشورهای بریک و کمتر از یک سوم میانگین جهانی است.^{۳۴۴} تنها یک درصد از سهام و اوراق قرضه به صورت بین‌المللی نگهداری می‌شوند، در حالی که میانگین جهانی این رقم ۳۰ درصد است.^{۳۴۵} این بسیار پایین‌تر از سطح بسیاری از اقتصادهای در حال ظهور در حد و اندازه و ثروت ایران است.

شکل ۱۹

دارایی‌های مالی ایران، ظرفیت رشد قابل توجهی دارند



¹ Calculated as a country's debt and equity outstanding divided by the country's GDP.

SOURCE: McKinsey Global Institute Financial Assets database; World development indicators, World Bank; McKinsey Global Institute analysis

^{۳۴۳} بولتن ماهانه بورس اوراق بهادار تهران، مارس ۲۰۱۶.

^{۳۴۴} پایگاه داده دارایی‌های مالی مؤسسه جهانی مکنزی.

^{۳۴۵} جهانی شدن مالی: عقب نشینی یا بازنشانی؟ مؤسسه جهانی مکنزی، مارس ۲۰۱۳.

در جهانی شدن مالی، ریسک‌هایی مانند نوسانات احتمالی بازار، فشارهای نرخ ارز، و آسیب‌پذیری نسبت به بازگشت‌های ناگهانی جریان سرمایه، وجود دارد. این ریسک‌ها، بر اهمیت یک نظام بانک مرکزی قوی، تخصص فنی مناسب و ابزارهای سیاستی برای نظارت و مدیریت ثبات سیستم مالی، تأکید می‌کند.

بیمه: پس از دو مرحله خصوصی‌سازی، رقابت در یک بازار توسعه‌نیافته در حال رشد است

بازار بیمه ایران برای محصولات بیمه عمر و غیرعمر، اشباع نشده است. حق بیمه‌ها از سال ۲۰۰۹ سالانه ۱۲ درصد رشد داشته‌اند (با دلار آمریکا)، در حالی که نفوذ بیمه سالانه معادل ۸ درصد رشد داشته است.^{۳۴۶} در مقایسه با دیگر بازارهای منطقه و اقتصادهای در حال ظهور، هنوز هم پتانسیل رشد حق بیمه به ویژه برای بیمه‌های عمر، دارایی و مسئولیت و دیگر بخش‌های اشباع‌نشده وجود دارد. برآورد می‌کنیم که ارزش افزوده ناخالص این بخش بتواند تا سال ۲۰۳۵ چهار برابر شود و از ۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ به بیش از ۱۲ میلیارد دلار برسد و این با فرض بهترین روش‌های فروش و بازاریابی، رشد قوی تولید ناخالص داخلی سرانه و تداوم آزادسازی در این بخش است.

نقش بخش خصوصی در صنعت بیمه ایران از قدیم محدود شده است و این باعث محدودیت سرمایه‌گذاری و نوآوری است.^{۳۴۷} این بازار در سال ۱۹۷۹ ملی شده بود و در سال ۲۰۰۰ با محدودیت ورود بیمه‌گران خارجی، مجدداً برای بازیگران خصوصی بازگشایی شد. موج دوم خصوصی‌سازی در سال ۲۰۰۹ شامل فروش شرکت‌های بیمه دولتی بود. در حال حاضر نزدیک به ۳۰ شرکت بیمه خصوصی یا نیمه خصوصی در ایران وجود دارند که بیش از نیمی از حق بیمه‌های مکتوب ناخالص را به خود اختصاص می‌دهند.^{۳۴۸} آنها با بیمه ایران به عنوان بیمه دولتی پیشرو در بازار رقابت می‌کنند که در سال ۲۰۱۳ معادل ۴۵ درصد بازار غیرعمر و ۲۳ درصد بازار بیمه عمر را در اختیار داشت.^{۳۴۹} بیمه مرکزی که یک مؤسسه تحت اداره دولت است، به عنوان تنظیم‌گر صنعت بیمه و بیمه‌گر اتکایی اجباری بازار عمل می‌کند. تمام شرکت‌های بیمه که در ایران فعالیت می‌کنند موظفند درصدی خاص

^{۳۴۶} «حق بیمه» اشاره به ناخالص حق بیمه‌های مکتوب دارد؛ «ضریب نفوذ بیمه» به حق بیمه‌ها به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی بر می‌گردد. گزارش‌های سالانه، بیمه مرکزی ایران.

^{۳۴۷} علی چسومی، بهزاد حسن نژاد کاشانی و محمد کریمی، «اثر خصوصی‌سازی بر صنعت بیمه ایران»، نشریه بین‌المللی مطالعات اقتصاد و مالیه، شماره ۲، ۲۰۱۰.

^{۳۴۸} اکثر صنایع در ایران بسیار غیرمتمرکز هستند و موجی از ادغام و یکپارچگی می‌تواند رخ دهد. این مستلزم اکوسیستمی از مشاوران بانکی و بنگاه‌های حسابداری و حقوقی است.

^{۳۴۹} همان؛ ایران: گزارش بازار بیمه عمر و سرمایه‌گذاری، آمارهای جهانی آکسکو، ۲۰۱۵؛ ایران: گزارش بازار بیمه‌های غیرعمر، آمارهای جهانی آکسکو، ۲۰۱۵.

از حق بیمه‌های ناخالص را به بیمه مرکزی برای بیمه مجدد اختصاص دهند که شامل ۲۵ درصد حق بیمه‌های غیرعمر و ۵۰ درصد حق بیمه‌های عمر می‌گردد.^{۳۵۰} سازمان تأمین اجتماعی ایران نیز نقش مهمی در ارائه پوشش بیمه سلامت برای ۱۳ میلیون کارگر و کارمند و ۲۲ میلیون نفر افراد تحت تکفل آنها ایفا می‌کند.^{۳۵۱}

علاوه بر مداخله قوی دولت، بازار بیمه ایران با چالش نوآوری محدود در فروش بیمه نیز مواجه است که منجر به ضریب نفوذ پایین برای انواع محصولات مختلف می‌شود.^{۳۵۲} کمتر از ۲ درصد اموال خانوارها بیمه شده و برآورد می‌گردد که با وجود الزام برای داشتن بیمه شخص ثالث، حدود نیمی از کل خودروها پوشش بیمه‌ای کامل ندارند.^{۳۵۳} با توجه به روند جمعیتی ایران، با پیش‌بینی افزایش شدید در جمعیت بالای ۶۵ سال، سیستم بازنشتگی با چالش‌های جدی مواجه خواهد بود.^{۳۵۴}

علیرغم این چالش‌ها، این بخش باز هم می‌تواند توسعه یابد، به خصوص اگر دولت به روال آزادسازی ادامه داده و رقابت را تقویت نماید. پوشش سلامت خصوصی نیز به خصوص در میان اقشاری که کارمند دولت هستند دارای تقاضا است، زیرا مزایای پرداختی توسط بیمه سلامت عمومی بسیار محدود است.^{۳۵۵} رشد قوی تولید ناخالص داخلی سرانه و به تبع آن مصرف بالاتر در محصولات محصولات قابل بیمه، می‌تواند حق بیمه‌ها را طی ۲۰ سال آینده افزایش دهد و محیط اقتصاد کلان باثبات‌تر با تورم پایین‌تر می‌تواند محرکی برای تقاضای بیشتر برای بیمه‌نامه‌های عمر باشد.^{۳۵۶}

بخش بیمه ایران طی ۲۰ سال گذشته دستخوش تغییرات زیادی شده است و این نشان‌دهنده فرصت‌های بی‌شماری برای شرکت‌های با پیشنهادات محصولات جدید، بازاریابی بهتر، و کانال‌های توزیع جایگزین است. موفقیت آینده وابسته به توانایی ایران برای ورود سرمایه و تخصص از شرکت‌های بین‌المللی است. برآورد می‌کنیم که حدود ۶۰ میلیارد دلار سرمایه برای ۴ برابر کردن بخش بیمه ایران تا سال ۲۰۳۵ مورد نیاز است.

^{۳۵۰} بیمه مرکزی ایران.

^{۳۵۱} سازمان تأمین اجتماعی ایران در این گزارش به عنوان جزئی از بخش عمومی در نظر گرفته شده است؛ سالنامه آماری ۲۰۱۴، سازمان تأمین اجتماعی کشور.

^{۳۵۲} گزارش بازار بیمه عمر و سرمایه‌گذاری، آمارهای جهانی آکسکو، ۲۰۱۵؛ ایران: گزارش بازار بیمه‌های غیرعمر، آمارهای جهانی آکسکو، ۲۰۱۵.

^{۳۵۳} همان.

^{۳۵۴} اداره جمعیت سازمان ملل متحد؛ گزارش بازار بیمه عمر و سرمایه‌گذاری، آمارهای جهانی آکسکو، ۲۰۱۵.

^{۳۵۵} گزارش بیمه ایران، فصل چهارم ۲۰۱۵، مؤسسه بین‌المللی بیزنس مانیتور، ژوئیه ۲۰۱۵.

^{۳۵۶} همان.

خدمات حرفه‌ای: ایجاد یک اکوسیستم رقابتی برای توانمندسازی خصوصی‌سازی و یکپارچگی

ایران یکی از معدود کشورهای جهان بود که بین سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۴ به دلیل تحریم‌های بین‌المللی، خدمات حرفه‌ای آن کاهش یافت. بخش خدمات حرفه‌ای به صورت غیرمتمرکز است و عمده آن در اختیار بازیگران خرد محلی است و شرکت‌های بین‌المللی بزرگ حضور برجسته‌ای در آن ندارند. در حالی که ایران دارای شرکت‌های داخلی حقوقی و ارتباطات نسبتاً قوی است که هم به شرکت‌های داخلی و هم خارجی خدمات می‌دهند، اما باز هم فضای زیادی برای حضور شرکت‌های خدمات حرفه‌ای بین‌المللی از جمله آنهایی که در زمینه حسابداری، حساسی و مشاوره مدیریت کار می‌کنند وجود دارد. شرکت‌های بین‌المللی شامل سه شرکت از ۴ شرکت بزرگ حسابداری و حساسی، از قبل از سال ۲۰۱۰ در ایران حضور داشته‌اند اما به دلیل محدودیت‌های تحریمی از ایران خارج شدند. بسیاری از شرکت‌های بین‌المللی بزرگ شامل شرکت‌های بزرگ نفت و گاز نیز ایران را ترک کردند، لذا اندازه بخش خدمات حرفه‌ای که به آنها خدمات می‌داد نیز کاهش یافت.

یک موج احتمالی یکپارچه‌سازی، به خدمات مشاوره‌ای نیاز خواهد داشت

همانطور که ایران در حال ارتباط مجدد با اقتصاد جهانی است، یک موج یکپارچه‌سازی با هدف بهبود بهره‌وری احتمالاً رخ می‌دهد. امروزه، اکثر صنایع در ایران غیرمتمرکز هستند. به عنوان مثال، در ایران ۱۵ شرکت هواپیمایی عمده با میانگین ۱۳ هواپیما برای هر شرکت وجود دارد، در حالی که در ترکیه ۱۱ شرکت با میانگین ۵۵ هواپیما فعالیت می‌کنند. میانگین بانک‌های ایرانی ۳۰ درصد کوچکتر از بانک‌های ترکیه و بیش از ۷۰ درصد کوچکتر از بانک‌های کره جنوبی است. در خرده‌فروشی، سه شرکت بزرگ ایرانی تنها ۳ درصد بازار را در اختیار دارند در حالی که این رقم در بریتانیا ۶۰ درصد است.^{۳۵۷} ادغام‌ها و اتحادها به شرکت‌های داخلی کمک می‌کند اندازه و دامنه فعالیت مورد نیاز برای رقابت با شرکت‌های جدید بین‌المللی را محقق سازند. یک اکوسیستم از مشاوران بانکی، سرمایه‌گذاری خصوصی، مشاوران و بنگاه‌های حقوقی لازم است تا امکان این یکپارچگی را ایجاد کنند و به شرکت‌های ایرانی در موضوعات فنی و راهبردی مشاوره دهند. به عنوان مثال، از سال ۲۰۱۶ تمام ۵۰۰ شرکت پذیرفته شده بورسی در ایران ملزم خواهند بود صورت‌حساب‌های مالی خود را مطابق با استانداردهای گزارش‌دهی بین‌المللی تهیه کنند و احتمالاً برای انجام این کار به کمک نیاز خواهند داشت.

^{۳۵۷} داده‌های خرده‌فروشی در ایران، یورومانیتر، مارس ۲۰۱۵؛ «سهام بازار تسکو به کمترین سطح در دهه گذشته سقوط می‌کند»، گاردین، ۱۱ مارس ۲۰۱۴؛ پایگاه داده آمارهای مالی بین‌المللی، صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۵.

بانکداری سرمایه‌گذاری به شکل رسمی خود از سال ۲۰۰۷ آغاز شد، زمانی که سازمان بورس و اوراق بهادار به دو بانک سرمایه‌گذاری اقتصاد نوین و امین مجوز داد تا خصوصی‌سازی را تسهیل نمایند.^{۳۵۸} موج یکپارچگی مورد انتظار، تقاضا برای خدمات مشاوره بانکداری سرمایه‌گذاری را افزایش خواهد داد. در همین زمان، تورم کمتر و نرخ‌های بهره پایین‌تر می‌تواند خانوارها را ترغیب به تبدیل دارایی‌های خود از جمله املاک خود به دارایی‌های مالی کند و تقاضای بیشتری را برای خدمات مشاوره مالی ایجاد نماید.

مشاوره مدیریت نیز در ایران در حال پیدایش است و غالباً مشتمل بر شرکت‌های داخلی کوچک و برخی افراد است. این شرکت‌ها تجربه کمی در ادغام و اتحاد دارند و باید توانایی‌های خود را برای برآوردن نیازهای این بازار در حال رشد، ارتقا دهند.

سرمایه‌گذاری خصوصی و سرمایه‌گذاری خطرپذیر هنوز در ابتدای راه خود در ایران هستند و تعداد محدودی شرکت در این زمینه وجود دارند. اتحادیه سرمایه‌گذاری خطرپذیر ایران ۳۰ عضو دارد که تنها ۶ عضو مستقیماً در سرمایه‌گذاری خطرپذیر فعالیت می‌کنند.^{۳۵۹} بنگاه‌های سرمایه‌گذاری خصوصی متعدد که بر تأمین مالی از منابع خارج از ایران تمرکز دارند، اخیراً در حال ظهور هستند. شرکت مدیریت دارایی ایرانی سرمایه‌گذاری فیروزه برنامه‌ای برای آغاز یک سرمایه‌گذاری خصوصی ۲۰۰ میلیون دلاری با یک بانک سوئیسی دارد.^{۳۶۰} گریفون کپیتال به دنبال تأمین ۱۳۰ میلیون دلاری برای صندوق سرمایه‌گذاری خصوصی خود است.^{۳۶۱}

در مورد خدمات حقوقی، تعداد زیادی از بنگاه‌های داخلی کوچک هم به شرکت‌های داخلی و هم شرکت‌های چندملیتی خدمات می‌دهند. ایران دارای ۶/۳ حقوقدان به ازای هر ۱۰ هزار نفر جمعیت است که از این لحاظ مشابه اتریش و بالاتر از مالزی است. هر ساله بیش از ۷ هزار صندلی در بیش از ۱۰۰ دانشگاه‌ها به دانشجویان حقوق اختصاص می‌یابد و مدرک حقوق ارائه می‌گردد.^{۳۶۲} بنگاه‌های حقوقی بین‌المللی ورود به ایران را آغاز کرده‌اند. در فوریه ۲۰۱۶ بنگاه حقوقی CMS که مقر آن در لندن است، یکی از اولین بنگاه‌های حقوقی بین‌المللی شد که به بازار ایران وارد شد. بزرگترین بنگاه

^{۳۵۸} «بازار بانکداری سرمایه‌گذاری ایران هنوز کافی نیست»، بنکر، ۱ دسامبر ۲۰۱۵.

^{۳۵۹} انجمن سرمایه‌گذاری خطرپذیر ایران.

^{۳۶۰} «بنگاه‌های ایرانی که به صورت صندوق سرمایه‌گذاری خصوصی در می‌آیند باید بر مشتریان تمرکز کنند»، نشریه وال استریت، ۲۸ ژانویه ۲۰۱۶.

^{۳۶۱} «ایران به دنبال سرمایه‌گذاری در بازارهای سرمایه»، فایننشال تایمز، ۲۵ ژانویه ۲۰۱۶.

^{۳۶۲} تعداد حقوق دانان و بنگاه‌های حقوقی، کانون وکلای مالزی؛ «بیکاری وکلا به دلیل تعداد زیاد آنها می‌باشد»، خبرگزاری فارس، اکتبر ۲۰۱۵.

حقوقی جهان یعنی دنتونز^{۳۶۳} تیم‌هایی را برای مشاوره به شرکت‌های چندملیتی در مورد کسب و کار در ایران اختصاص داده است.^{۳۶۴}

شرکت‌های بین‌المللی نیاز به یک اکوسیستم خدمات حرفه‌ای خواهند داشت

از آنجایی که شرکت‌های چندملیتی به دنبال ورود به بازار ایران هستند، بنگاه‌های خدمات حرفه‌ای می‌توانند نقش مهمی را از طریق تأمین خدمات پشتیبانی از جمله حسابداری و حسابرسی، مشاوره مهندسی، تبلیغات، تحقیقات بازار و مشاوره مدیریت، ایفا نمایند.

بخش حسابرسی تحت تسلط سازمان حسابرسی دولتی است که امور حسابرسی اکثریت دولت، بنگاه‌های دولتی و شرکت‌های پذیرفته‌شده بورسی را انجام می‌دهد. برآورد بازار حسابرسی در سال ۲۰۱۰ حدود ۹۰ میلیون دلار بود که سازمان حسابرسی دولتی سهمی ۷۰ درصدی در این بازار داشت. مؤسسات بزرگ حسابداری جهانی از جمله کی‌پی‌ام‌جی^{۳۶۵}، ارنست و یانگ^{۳۶۶} و پی‌دبلیو‌سی^{۳۶۷} از سال ۲۰۱۰ از طریق مشارکت در ایران حضور داشتند، اما فعالیت‌های خود را به دلیل تحریم‌ها متوقف نمودند. از زمان لغو تحریم‌ها و تقاضا از جانب مشتریان، چهار مؤسسه بزرگ حسابداری مذاکراتی را برای بازگشایی دفتر در ایران و انجام اقدامات مجدد، داشته‌اند.^{۳۶۸}

مشاوران مهندسی داخلی دارای سابقه طولانی هستند و در طول این سال‌ها تجربه زیادی و غالباً از طریق مشارکت با بنگاه‌های بین‌المللی بزرگ کسب نموده‌اند. بیش از ۸۵۰ شرکت مهندسی مشاور در جامعه مهندسین مشاور ایران ثبت شده است. شرکت‌های بزرگ‌تر مانند سازه و نارگان هر کدام بیش از هزار نفر نیرو دارند و در برخی از بزرگترین پروژه‌های نفت و گاز ایران حضور دارند. بسیاری از شرکت‌های خارجی کوچک تا متوسط، مشارکت‌هایی را با شرکت‌های مشاوره مهندسی داخلی به منظور ورود به بازار ایران تشکیل داده‌اند.

بیش از ۷۰۰ بنگاه داخلی و ۳۰۰ نفر افراد، بخشی از انجمن مشاوران مدیریت ایران هستند.^{۳۶۹} این بنگاه‌ها غالباً کوچک هستند و مشتریان بین‌المللی محدودی دارند و لذا دسترسی به معیارهای بین‌المللی و پایگاه‌های داده بنگاه‌های مشاوره بزرگ، ندارند. لذا بسیاری از این شرکت‌ها در کنار

³⁶³ Dentons

³⁶⁴ CMS, Dentons.

³⁶⁵ KPMG

³⁶⁶ Ernst & Young

³⁶⁷ PwC

^{۳۶۸} «چهار برنامه بزرگ برای اجرا در ایران»، بیزنس عربی، ۳ مارس ۲۰۱۶.

^{۳۶۹} «بررسی صنعت مشاوره مدیریت ایران»، لیا کورپوریشن، ژانویه ۲۰۱۳.

کارهای مشاوره‌ی خود، فعالیت‌های دیگری هم انجام می‌دهند که از آن جمله، فعالیت به عنوان دفاتر نمایندگی شرکت‌ها و واردکنندگان خارجی است.

در تبلیغات، شرکت‌های برجسته داخلی خدمات کامل شامل محصولات رسانه‌ای، تحقیقات بازار، مشاوره بازار، و برنامه‌ریزی پویش را ارائه می‌دهند. حدود ۱۱۰ آژانس تبلیغاتی در انجمن صنفی شرکت‌های تبلیغاتی ایران ثبت شده‌اند. بازار تبلیغات با ۷ شرکت پیشرو از جمله ای‌نتورک و کانون ایران نوین، چندپارگی کمتری نسبت به دیگر خدمات کسب و کار دارد. برخی از بنگاه‌های روابط عمومی مانند ماناپیام، به شرکت‌های بین‌المللی خدمات می‌دهند. این بازار همچنین از شبکه روابط عمومی جهانی نیز منتفع می‌شود؛ بنگاه روابط عمومی ایتالیایی اس‌ای سی^{۳۷۰} اولین شرکت خارجی است که وارد این بازار شده است.^{۳۷۱}

شرکت‌های بین‌المللی تحقیقات بازار حضور مستقیم در ایران ندارند و بسیاری از منابع جهانی نتوانسته‌اند داده‌های جامع و موثق در مورد بخش‌های اقتصادی ایران جمع‌آوری کنند. این به دلیل در دسترس نبودن داده‌ها در این کشور نیست. آژانس‌های عمومی مانند مرکز آمار ایران، بانک مرکزی و وزارتخانه‌های دولتی و دیگر مؤسسات، داده‌های کاملی را گردآوری می‌کنند. شرکت‌ها، بررسی و مرور ده‌ها هزار منبع مختلف و مجزا و غالباً به زبان فارسی را برای تکمیل نیازهای داده‌ای خود بسیار دشوار یافته‌اند.

تغییر ساختار صنعتی ایران

برای افزایش بهره‌وری و رقابت با شرکت‌های جهانی، شرکت‌های ایرانی مجبور به تغییر خود خواهند بود تا از فرصت‌های مدیریت ناب، بهره‌وری سرمایه، کانال همه‌کاره^{۳۷۲}، و داده حجیم بهره‌مند شوند. یک اکوسیستم خدمات حرفه‌ای، عنصری جدایی‌ناپذیر از این مسیر است. شرکت‌های خدمات حرفه‌ای همچنین تمایل به سرمایه‌گذاری در پرورش استعداد دارند که می‌تواند به کل جامعه ایران منافی را در قالب آموزش‌های تجربی ارائه نماید. به عنوان مثال، ایران به فارغ‌التحصیلان بیشتری در بازرگانی و مدیریت نیاز دارد. همانند دیگر کشورها، شرکت‌های خدمات حرفه‌ای می‌توانند با دانشکده‌های بازرگانی مانند دانشگاه شریف و مؤسسه آموزش بازرگانی ایران، برای ترویج روش‌های مدیریت نوین و مدیریت ارشد کسب و کار^{۳۷۳} همکاری نمایند.

³⁷⁰ SEC

^{۳۷۱} «بنگاه ایتالیایی اس‌ای سی پس از لغو تحریم‌ها وارد بازار ایران می‌گردد»، پی آر ویکس، ۲۹ ژوئیه ۲۰۱۵.

³⁷² omni-channel

³⁷³ MBA

پس از این انتظار داریم که بخش خدمات حرفه‌ای طی ۲۰ سال آینده سالانه ۶ درصد رشد نماید و ۲۵۰ هزار شغل اضافه نماید.^{۳۷۴}

فناوری اطلاعات و ارتباطات: استفاده از فرصت‌های دیجیتال برای خیز به جلو

ایران با سابقه‌ی علمی و مهندسی قوی و یک جمعیت جوان، پویا و مشتاق مشارکت در اقتصاد دیجیتال، پتانسیل ایجاد و توسعه یک بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات رو به پیشرفت را دارد. در حال حاضر، این بخش در ایران به سرعت بسیاری از کشورهای همتراز، پیش نرفته است.^{۳۷۵} بازار مخابرات با درآمد ۸ میلیارد دلاری، از نظر اندازه نصف ترکیه و یک سوم مکزیک است. میانگین مصرف داده موبایل برای هر فرد، کمتر از کشورهای همتراز است و این تا اندازه‌ای به دلیل سرعت پایین اینترنت موبایل، علیرغم پایین بودن قیمت آن است. ایران همچنین دارای یک صنعت نرم‌افزار است که عمدتاً به مشتریان داخلی خدمات می‌دهند و بازار خدمات فناوری اطلاعات نیز در حال حاضر کوچک و داخلی است، اما پتانسیل رشد پس از ارتباط مجدد با اقتصاد جهانی را دارد.

بازار مخابرات با درآمد ۸ میلیارد دلاری، از نظر اندازه نصف ترکیه و یک سوم مکزیک است.

ایران پتانسیل خیز به جلو در توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، حرکت به سوی یک نسل جدید از فناوری و ارائه مجموعه‌ای غنی‌تر از خدمات به مصرف‌کنندگان و کسب و کارها را دارد. ایران با مجموعه استعدادهای عظیم و ارزان قیمتی که دارد، پتانسیل تبدیل به مرکز برون‌سپاری در حوزه‌هایی همچون توسعه نرم‌افزار، میزبانی، و خدمات شبکه را دارد. برآورد می‌کنیم که بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات بتواند ارزش افزوده خود در اقتصاد را تا ۴ برابر کند و از ۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ به بیش از ۳۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۳۵ افزایش یابد و بیش از ۲۵۰ هزار شغل ایجاد نماید.

برای دستیابی به چنین رشدی، ایران باید بر دامنه‌ای از ابزارها از جمله اصلاحات قانونگذاری، تمرکز جدید بر پولسازی از خدمات ارزش افزوده، و همکاری نزدیک‌تر با شرکت‌های بین‌المللی که می‌توانند علاوه بر سرمایه، دانش نیز وارد کشور کنند، تمرکز کند. ایران همچنین نیاز به برداشتن گام‌های خاص برای بهبود محیط کسب و کار برای فناوری اطلاعات و ارتباطات دارد که از آن جمله عبارتند از کاربرد و اجرای قوانین مربوط به حفاظت از داده‌ها و کپی رایت، کاهش ریسک سیاسی و تجاری، تشویق سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های کیفی و گسترش شبکه پهن‌بند ملی.

^{۳۷۴} کشورهای هم‌تا شامل مجارستان، رومانی و اسلواکی است.

^{۳۷۵} کشورهای هم‌تای مورد استفاده برای بخش فناوری اطلاعات در این گزارش شامل برزیل، چین، مصر، هند، مالزی، مکزیک، نیجریه، روسیه، ترکیه و ویتنام است.

تلفن همراه: گذار به نسل بعدی تکنولوژی و خدمات

۵ میلیارد دلار از درآمد ۸ میلیارد دلاری مخابرات ایران مربوط به تلفن همراه است.^{۳۷۶} با ۱/۵ اشتراک تلفن همراه به ازای هر نفر، ضریب نفوذ موبایل در ایران بیش از ۵۰ درصد بیشتر از چین، مکزیک و ترکیه و همانند مالزی و برزیل است.^{۳۷۷} به عنوان نسبتی از جمعیت، ضریب نفوذ داده همراه نسل سوم/نسل چهارم در ایران از تنها ۲ درصد در سال ۲۰۱۳ به ۶۰ درصد در پایان سال ۲۰۱۵ رسید.^{۳۷۸} دو اپراتور اصلی موبایل در ایران وجود دارد؛ همراه اول که از لحاظ تعداد مشترکین چهاردهمین اپراتور پس پرداخت مخابرات در جهان و بزرگترین در خاورمیانه و آسیای جنوبی است، و ام تی ان ایرانسل که یک سرمایه‌گذاری مشترک بین ام تی ان گلوبال^{۳۷۹} آفریقای جنوبی و یک شریک داخلی است. یک رقیب سوم با عنوان رایتل نیز در سال ۲۰۱۱ وارد بازار شد و بیش از دو سال انحصار نسل سوم را در اختیار داشت اما تنها ۳ درصد از مشترکان را به خود اختصاص داده است.^{۳۸۰}

علیرغم ضریب نفوذ بالا و دسترسی فزاینده به داده همراه، میانگین درآمد ماهانه ایران از هر کاربر تنها ۳/۷ دلار است که حدود ۶۰ درصد کمتر از ترکیه و ۹۰ درصد کمتر از امارات متحده عربی است (شکل ۲۰). در حالی که کاهش میانگین درآمد به ازای هر کاربر یک روند جهانی بوده، اما سرعت کاهش برای شرکت‌های ایرانی بیشتر است. این عمدتاً به دلیل نظام قانونگذاری است که محدودیتی را برای نرخ‌ها تعیین می‌کند و دلیل دیگر آن کم بودن ارائه خدمات ارزش افزوده است.

به منظور دستیابی به هدف در دسترس بودن ارتباطات موبایل برای جمعیتی گسترده و ترویج استفاده از پهن‌بند تلفن همراه، سازمان تنظیم مقررات ارتباطات ایران محدودیتی را برای تعرفه‌های تماس صوتی، پیامک و داده توسط شرکت‌های موبایل تعیین کرده است.^{۳۸۱} این محدودیت مانع انتقال کامل اثرات تورم بالا و کاهش ارزش ریال به مشتریان توسط شرکت‌های مخابراتی گردید. بر مبنای دلار، این کار باعث کاهش درآمد و تعلیق سرمایه‌گذاری گردید، زیرا اکثر سرمایه‌گذاری‌های ثابت نیازمند ارز خارجی هستند. تجربه سایر کشورها نشان داده است که محدودیت‌های تنظیمی بر تعرفه‌ها می‌تواند باعث فشار منفی بر سرمایه‌گذاری و نوآوری محصول گردد.

^{۳۷۶} «پیش‌بینی مشترکین و درآمد تلفن همراه: ۲۰۱۵-۲۰»، اووم، ۲۰۱۶؛ «پیش‌بینی خط ثابت: ۲۰۱۵-۲۰»، اووم، ۲۰۱۶.

^{۳۷۷} پایگاه داده خدمات اطلاعات سلولی جهان.

^{۳۷۸} همان

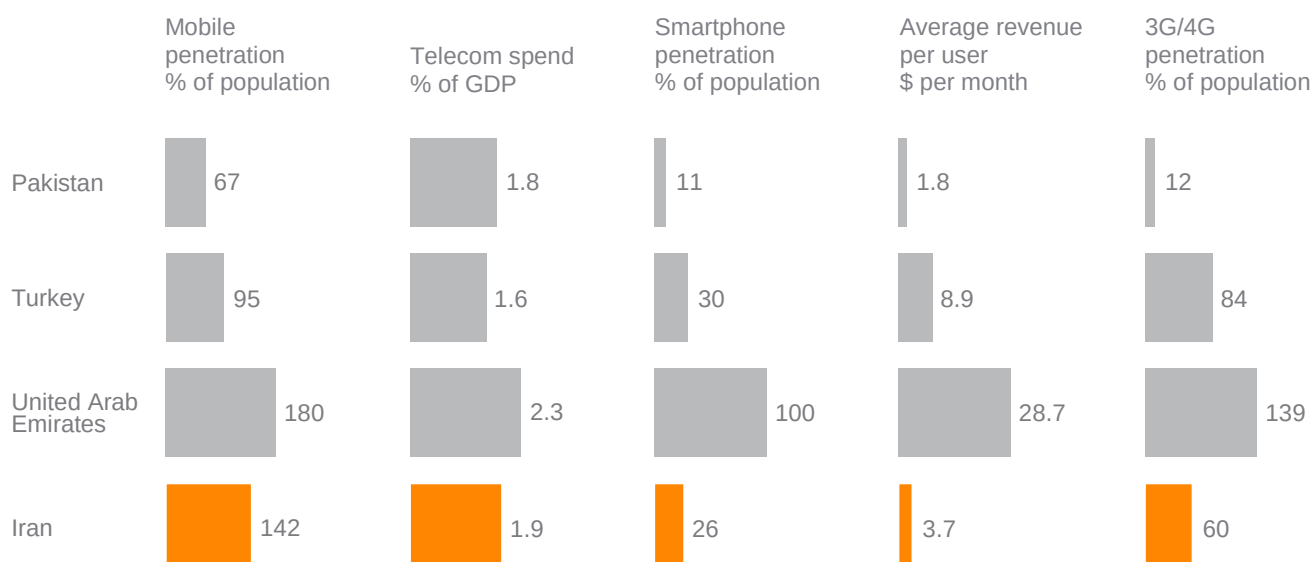
^{۳۷۹} MTN Global

^{۳۸۰} همان؛ گزارش عملکرد سالانه شرکت مخابرات ایران ۱۳۹۳ (۲۰۱۵-۲۰۱۴).

^{۳۸۱} جزئیات محدودیت‌های تعرفه‌ای در وبگاه www.cra.ir آمده است.

پتانسیل بازار ارتباطات ایران در خدمات و پهنای باند تلفن همراه نهفته است

2015



SOURCE: Analysys Mason; Strategy Analytics; WCIS; McKinsey Global Institute analysis

یک نظام جایگزین مانند آزادسازی تعرفه‌ها و الزام به حداقل سطوح سرمایه‌گذاری، می‌تواند رقابت را تحریک نموده و نرخ رضایت مشتری را بهبود بخشد. برای ارتقای رقابت، سازمان تنظیم مقررات ارتباطات در اوت ۲۰۱۵ آخرین مهلت اجرایی شدن مقررات قابلیت انتقال شماره موبایل بین سه اپراتور را ژوئن ۲۰۱۶ اعلام نمود. این سازمان همچنین برنامه‌هایی را برای اعطای مجوز اپراتوری شبکه مجازی تلفن همراه و بازگشایی بازار مخابرات به روی شرکت‌هایی داد که می‌توانند ظرفیت شبکه اجاره کنند و به عنوان موتورهای فروش و بازاریابی عمل کنند. از زمان اعلام این خبر، بیش از ۵۱ شرکت از جمله ۳۲ اپراتور از ۱۸ کشور درخواست چنین مجوزی را داده‌اند.^{۳۸۲}

عامل دومی که باعث کاهش درآمد به ازای هر کاربر می‌شود، ضریب نفوذ پایین خدمات ارزش افزوده با مصرف داده بالا همچون خدمات مبتنی بر موقعیت و چندرسانه‌ای است. در سال ۲۰۱۵، مصرف داده به ازای هر کاربر در ایران یک چهارم مالزی و ۹۰ درصد کمتر از سوئد بود.^{۳۸۳} مقررات محدودکننده سرعت اینترنت و نرم‌افزارهای مصرف‌کننده داده، تا حدی مسئول این امر است. به عنوان مثال، قانونی در سال ۲۰۰۶ تصویب شد که سرعت اینترنت را به ۱۲۸ کیلوبایت در ثانیه محدود

^{۳۸۲} «۳۲ اپراتور بین‌المللی برای مجوزهای اجاره ظرفیت شبکه درخواست داده‌اند»، ام وی ان او داینامیکس، سپتامبر ۲۰۱۵.

^{۳۸۳} پایگاه داده خدمات اطلاعات سلولی جهان؛ Analysys Mason DataHub.

می‌کند. بسیاری از خدمات برتر و پرمصرف داده‌ماننده موسیقی، تلویزیون و خدمات مبتنی بر ابر (اشتراک‌گذاری)، نیز در دسترس نیستند.

ناکافی بودن زیرساخت‌ها نیز به پایین بودن ضریب نفوذ خدمات ارزش افزوده کمک کرده است. آنتن‌دهی موبایل حتی در مناطق عمده شهری هم ضعیف و ناهمگن است و کاربران باید با قطع مکرر ارتباط دست و پنجه نرم کنند. تمام شرکت‌های ارتباطی ایرانی دارای ضریب مکالمات موفقیت‌آمیز کمتر از ۹۹ درصد هستند و میزان تماس‌های ناموفق بیشتری نسبت به هم‌تایان خود در کشورهای دیگر دارند. هر سه اپراتور تلفن همراه در ایران، اختطاری را از سازمان تنظیم مقررات ارتباطات در مورد کیفیت، پوشش ناکافی و عدم ایفای تعهدات خود دریافت نموده‌اند. در یک بررسی که در یک مباحثه تلویزیونی با نمایندگان اپراتورهای ارتباطی و سازمان تنظیم مقررات در نوامبر ۲۰۱۴ صورت گرفت، بیش از ۸۲ درصد از ۳۱۵ هزار نفر شرکت‌کننده اعلام کردند که از هیچ یک از خدمات ارائه‌شده توسط اپراتورهای ارتباطی خود رضایت ندارند.^{۳۸۴} غلبه بر این چالش‌ها مستلزم سرمایه‌گذاری قابل توجه در زیرساخت شبکه و سیستم‌های فناوری اطلاعات است.

برای گذار به مرحله بعدی توسعه و تداوم رشد قوی، بازیگران تلفن همراه ایران باید بر سه حوزه تمرکز کنند. اولین حوزه، بهبود فروش و روش‌های بازاریابی است. به عنوان مثال، آنها نتوانسته‌اند بسته‌های پیشنهادی مناسبی روی تلفن ارائه کنند که مشتریان را وارد قراردادهای بلندمدت تلفن ثابت-همراه با حداقل هزینه‌های ماهانه نماید. ظهور خدمات انتقال‌پذیری شماره، انجام چنین کاری را ضروری‌تر می‌سازد. سیستم‌های فناوری اطلاعات قدیمی و چالش‌های سازمانی هم مانع پذیرش کامل همگرایی تلفن ثابت - همراه توسط اپراتورها می‌گردد.

دوم اینکه اپراتورها فرصت بهره‌برداری از بازار شرکتی‌ای را دارند که تاکنون به آن کمتر توجه شده بود. از آنجایی که شرکت‌های ارتباطی به روش‌های عملیاتی توسعه‌یافته‌تر گذار می‌کنند، کسب و کارها و شرکت‌های بزرگ نیز به منبع مهم‌تری از درآمد برای آن‌ها تبدیل می‌شوند. امروزه، مشتریان شرکتی بیش از ۲۵ درصد درآمد ارتباطات ترکیه را ایجاد می‌کنند.^{۳۸۵} اپراتورهای ایرانی اخیراً تمرکز بیشتری بر بازار شرکتی داشته و حرکت به سمت این بازار را شروع کرده‌اند. به عنوان مثال، شرکت همراه اول خدمات پیشنهادی زیادی در فناوری اطلاعات برای شرکت‌های بزرگ، از طریق یکی از شرکت‌های تابعه خود (افرانت) ارائه نموده است.

^{۳۸۴} ۸۲ درصد افراد از خدمات تلفن همراه رضایت ندارند»، تابناک، ۱۵ نوامبر ۲۰۱۴.

^{۳۸۵} پیش‌بینی جهانی تلفن همراه یانکی.

سوم اینکه ایران می‌تواند از جمعیت با ادراک تکنولوژی و روح کارآفرینی خود برای خیز به جلو استفاده کند و به جای گذراندن فازهای طولانی گذر از تکنولوژی‌های قدیمی، سریعاً جدیدترین تکنولوژی‌های در دسترس را اتخاذ نماید. به عنوان مثال، در سال ۲۰۱۴ شرکت ایرانسل تقریباً در یک زمان به خدمات نسل سوم و نسل چهارم پیوست و تنها دو ماه فاصله بین اینها بود. خیز ممکن است در دیگر حوزه‌های خلاقانه مانند اینترنت و خدماتی همچون بانکداری همراه و تجارت الکترونیک نیز رخ دهد. به عنوان مثال، تنها یک سال طول کشید تا دیجی کالا به عنوان بزرگترین بازیگر تجارت الکترونیک ایران، به فروش ۲۰ درصدی از طریق وسایل ارتباطی همراه دست یابد.

به طور کلی، با لحاظ نمودن تمام این فرصت‌ها، برآورد می‌کنیم که بازار تلفن همراه در ایران می‌تواند از ۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ به حدود ۲۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۳۵ برسد و این به معنی میانگین سالانه ۷ درصد رشد است.^{۳۸۶}

شبکه پهن‌بند ثابت: در انتظار برای فیبر نوری به منظور تقویت اقتصاد دیجیتال

بازار خط تلفن ثابت ایران بیش از ۳۰ میلیون مشترک دارد و تحت کنترل اپراتور انحصاری ارتباطات ملی یعنی شرکت مخابرات ایران است.^{۳۸۷} در مقابل، بازار پهن‌بند ثابت به روی رقابت با صداها تأمین‌کننده خدمات اینترنت باز است. ضریب نفوذ پهن‌بند ثابت با سرعت در حال رشد است، گرچه در سال ۲۰۱۵ هنوز ۲۳ درصد بوده است. این با ضرایب ۵۰ درصدی ترکیه و ۷۵ درصدی مکزیک مقایسه می‌گردد.^{۳۸۸} فیبر نوری هنوز هم باید گسترده‌تر شود، زیرا از تعدادی از هم‌تایان خود عقب‌تر است. به عنوان مثال در هند ضریب نفوذ فیبر نوری به عنوان نسبتی از کل پهن‌بند ثابت، حدود ۱۴ درصد است؛ در چین این رقم تقریباً ۷۰ درصد است.^{۳۸۹} علاوه بر این، ایران از لحاظ سرعت اینترنت ثابت رتبه پایین‌تری نسبت به هم‌تایان خود دارد، گرچه از لحاظ مقرون به صرفه بودن، امتیاز بالایی کسب می‌کند. بر مبنای برابری قدرت خرید، ایران رتبه‌ی نوزدهم را در بین ۱۴۰ کشور از لحاظ مقرون به صرفه بودن پهن‌بند دارد.^{۳۹۰}

شرکت‌های ارتباطی ایران نشانه‌هایی از حرکت به سمت همگرایی تلفن ثابت-همراه را نشان می‌دهند. در سال ۲۰۱۶، ایرانسل از تصمیم خود برای سرمایه‌گذاری در پهن‌بند ثابت از طریق

386 IHS

^{۳۸۷} اعداد و ارقام فناوری اطلاع و ارتباطات، جامعه اطلاعاتی ایران ۲۰۱۵، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات.

^{۳۸۸} «پیش‌بینی اشتراک و درآمدهای کل پهن‌بند ثابت ۲۰-۲۰۱۵»، اووم، ۲۰۱۶.

^{۳۸۹} Analysys Mason DataHub، ۱۹ اکتبر ۲۰۱۵.

^{۳۹۰} شاخص‌های مخابراتی جهان، اتحادیه بین‌المللی مخابرات، گزارش فناوری اطلاعات جهانی ۲۰۱۵؛ فناوری اطلاعات و ارتباطات برای رشد فراگیر، مجمع جهانی اقتصاد و INSEAD، آوریل ۲۰۱۵.

بکارگیری شبکه‌های فیبر نوری به منازل خبر داد. بسیاری از عوامل پهن‌بند ثابت درخواست مجوز اپراتور شبکه مجازی تلفن همراه را داده‌اند. در خلال بازدید نخست وزیر ایتالیا از ایران در سال ۲۰۱۶، شرکت مخابرات ایران یک تفاهم‌نامه همکاری با ایتالتل^{۳۹۱} برای توسعه و نوسازی شبکه و زیرساخت ارتباطات ایران امضا نمود.^{۳۹۲}

برآورد می‌کنیم که تا سال ۲۰۳۵ ایران نیاز به تقریباً ۱۱/۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری برای نیل به سطوح ضریب نفوذ فیبر نوری درب منازل در کشورهایی همچون کره جنوبی خواهد داشت.^{۳۹۳} مزایای اقتصادی افزایش ضریب نفوذ پهن‌بند می‌تواند چشمگیر و همراه با اثرات سرریز مثبت در سرتاسر اقتصاد باشد. به عنوان مثال، رسیدن به سطح ضریب نفوذ پهن‌بند ثابت ترکیه می‌تواند ۱ تا ۲ درصد به تولید ناخالص داخلی ایران بیافزاید که این شامل مزایای سرریز نیز هست و همچنین می‌تواند حدود ۲۰۰ هزار شغل در کل اقتصاد ایجاد نماید.^{۳۹۴}

خدمات نرم‌افزار و فناوری اطلاعات: ایران پتانسیل تبدیل به کانون برون‌سپاری را دارد اما باید حفاظت از داده‌ها و IP را تقویت نماید

هر خریداری می‌تواند با مراجعه به یک فروشگاه کامپیوتر در تهران، یک نسخه کپی از سیستم عامل ویندوز ۱۰ را به قیمت تقریباً ۳ دلار خریداری نماید. ایران تقریباً در انتهای رتبه‌بندی گزارش رقابت‌پذیری مجمع جهانی اقتصاد برای حمایت از مالکیت معنوی قرار دارد و عضو کنوانسیون برن سازمان جهانی مالکیت معنوی که ۱۷۰ امضاکننده دارد نیز نیست.^{۳۹۵} ایران دارای قوانینی برای حفاظت از دارایی‌های معنوی خود است. به عنوان مثال، قوانین مجلس از نرم‌افزارهای تولید داخل حفاظت می‌کند و نقض حقوق مالکیت معنوی می‌تواند منجر به مجازات تا ۶ ماه حبس شود. این باعث شروع رشد شرکت‌های داخلی شده و بازار نرم‌افزارهای کاربردی بالغ بر هزاران شرکت نرم‌افزاری است که به افغانستان، تاجیکستان، امارات متحده عربی، ازبکستان و دیگر کشورها صادرات دارند.

بخش نرم‌افزار به خیل عظیمی از استعدادها دسترسی دارد که شامل ۱۸۰ هزار دانشجوی علوم کامپیوتر و مهندسی کامپیوتر با تمرکز بر نرم‌افزار است.^{۳۹۶} ایران به دنبال پیوستن به مؤسسات جهانی

^{۳۹۱} Italtel

^{۳۹۲} «شرکت مخابرات ایران و ایتالتل، تفاهم‌نامه همکاری امضا می‌کنند»، نشریه خبری شرکت مخابرات ایران، ۱۳ آوریل ۲۰۱۶.

^{۳۹۳} سطوح ضریب نفوذ فیبر نوری درب منازل از Analysys Mason DataHub. محاسبات سرمایه‌گذاری بر مبنای معیار ONE FTTH مکنزی است.

^{۳۹۴} اثر پهن‌بند بر اقتصاد: تحقیق در مورد موضوعات سیاستی، اتحادیه بین‌المللی مخابرات، آوریل ۲۰۱۲.

^{۳۹۵} گزارش رقابت‌پذیری جهانی ۲۰۱۵-۱۶، مجمع جهانی اقتصاد، سپتامبر ۲۰۱۵.

^{۳۹۶} «آخرین آمارهای آموزش عالی»، خبرگزاری گفت و گو، ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۳.

همچون سازمان تجارت جهانی است که این کشور را ملزم به اجرای توافقات جهانی حمایت از کپی رایت می‌نماید. این می‌تواند برای بخش نرم‌افزار، هم یک فرصت و هم یک تهدید باشد. در حالی که حمایت بیشتر موجب افزایش قیمت نرم‌افزار برای مصرف‌کننده نهایی می‌گردد، اما باعث ترغیب سرمایه‌گذاری بین‌المللی و توسعه نوآوری نیز می‌شود.

علاوه بر توسعه نرم‌افزار پیوسته، ایران پتانسیل تبدیل به مقصدی برای برون‌سپاری فناوری اطلاعات، توسعه نرم‌افزار، میزبانی و خدمات شبکه را دارد. شاخص آمادگی موقعیت مکنزی که پتانسیل برون‌سپاری یک شهر را از پنج بعد (منبع استعداد، کیفیت زیرساخت، ریسک‌ها، محیط کار و هزینه) می‌سنجد، تهران را هم‌تراز کوالالمپور و بالاتر از بنگلور و ورشو از لحاظ پتانسیل آن برای تبدیل به یک مرکز برون‌سپاری قرار می‌دهد (شکل ۲۱). نقاط قوت اصلی تهران، منبع عظیم استعداد مهندسی و هزینه‌های پایین نیروی کار است.

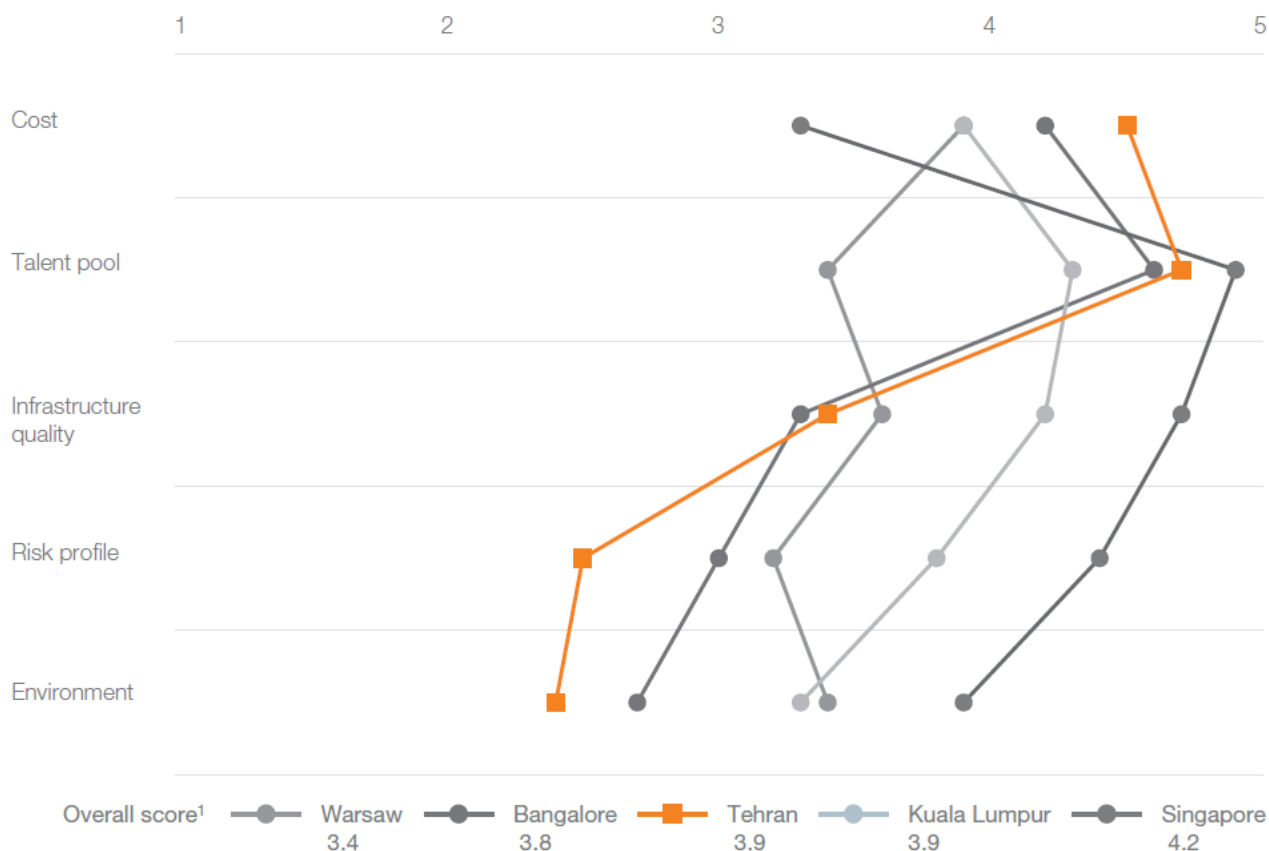
برای توسعه پتانسیل تهران به عنوان یک مرکز برون‌سپاری فناوری اطلاعات، دولت باید مقررات شدید و قوانین حفاظت از داده‌ها را مطرح نماید. در مورد نرم‌افزار، این یکی از مهمترین معیارهایی است که شرکت‌های خارجی در تصمیم‌گیری برای برون‌سپاری مدنظر قرار می‌دهند. دولت همچنین باید از بهبود مهارت زبان انگلیسی پشتیبانی نماید. ایران در شاخص تسلط زبان انگلیسی از بین ۷۰ کشور رتبه ۵۶ را دارد و از این لحاظ هم‌رتبه مصر و پایین‌تر از اکثر دیگر مراکز برون‌سپاری است.^{۳۹۷} این کشور همچنین زیرساخت‌های برون‌سپاری را مدنظر قرار داده و باید دارای هزینه‌های مخابراتی از و به ایران باشد که با قیمت‌های دیگر مراکز برون‌سپاری قابل مقایسه باشد. نرخ‌های عمده‌فروشی برای تلفن‌های ثابت و همراه در ایران اندکی کمتر از مصر اما بالاتر از اکثر مراکز عمده برون‌سپاری است.^{۳۹۸} انتظار می‌رود که کابل مخابراتی فیبرنوری بزرگراه ارتباطی ایران - اروپا که از طریق ایران بین آلمان و خلیج فارس اجرا می‌شود، تا اواخر ۲۰۱۶ کاملاً عملیاتی شود. این خط در صورت تکمیل، یک خط اصلی برای انتقال داده و ارتباطات بین‌المللی خواهد بود و می‌تواند به ایران کمک کند تا ارتباطات جهانی خود را تقویت نماید. اگر برون‌سپاری فناوری اطلاعات ایران با موفقیت اجرا شود، درآمد آنها پتانسیل رشد تا تقریباً ۲/۵ میلیارد دلار در سال و ایجاد ۱۰۰ هزار شغل تا سال ۲۰۳۵ را دارد.

^{۳۹۷} شاخص تسلط زبان انگلیسی سازمان بین‌المللی تحصیلی ۲۰۱۵.

^{۳۹۸} «نرخ عمده‌فروشی به تفکیک کشور ۲۰۱۵-۲۰۱۱»، TeleGeography.

تهران مزیت‌های زیادی به عنوان کانون بالقوه برون سپاری فناوری اطلاعات دارد

McKinsey Location Readiness Index (LRI)
1 = least attractive; 5 = most attractive



¹ Weighting of overall score based on 30% for cost, 30% for talent, 13% for infrastructure, 13% for risk profile, 14% for environment.

SOURCE: McKinsey LRI database; McKinsey Global Institute analysis

دولت ایران، توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات را به عنوان بخشی از برنامه پنج ساله خود در اولویت قرار داده و پارک‌های فناوری متعددی را تأسیس کرده است. یکی از این پارک‌ها، پارک فناوری پردیس در تهران است که میزبان بیش از ۱۲۰ شرکت با بیش از ۲۰۰۰ هزار نفر نیروی کار است.^{۳۹۹} این پارک با همکاری دانشگاه صنعتی شریف اداره می‌شود و از شرکت‌های فناوری اطلاعات، نانو تکنولوژی، بیوتکنولوژی، مکانیک، اتوماسیون و بخش‌های دیگر پشتیبانی می‌کند.

^{۳۹۹} وبگاه پارک فناوری پردیس، مارس ۲۰۱۶.

محصولات دارویی: ایران دارای توانایی‌های علمی پیشرفته از جمله در بیوتکنولوژی و تحقیقات سلول‌های بنیادی است

تولید محصولات دارویی در ایران اندک است و تنها ۰/۳ درصد از کل ارزش افزوده ناخالص و اشتغال را شامل می‌شود، اما این بازار دارای نقاط قوت متعددی است که تولید محصولات دارویی را به یک صنعت امیدبخش تبدیل می‌کند. صنعت داخلی، توانایی‌های علمی پیشرفته از جمله در تحقیقات سلول‌های بنیادی و بیوتکنولوژی را توسعه داده و تقاضا برای بسیاری از انواع داروها، احتمالاً همراه با وضعیت جمعیت‌شناختی و وضعیت بیماری‌ها در ایران، افزایش خواهد یافت. برآورد می‌کنیم که تولید محصولات دارویی بتواند سهم خود را در اقتصاد ایران تا سال ۲۰۳۵ هفت برابر کرده و از ارزش یک میلیارد دلاری در سال ۲۰۱۴ به تقریباً ۷ میلیارد دلار برسد. این معادل رشد بیش از ۹ درصدی سالانه است و تولید ایران را به طور معناداری بالاتر از هم‌تایان منطقه‌ای خود از جمله ترکیه قرار خواهد داد. چنین رشدی مستلزم دگرگونی عمده این صنعت، از جمله در نوآوری، کارایی عملیاتی، بسط سیاست‌های دولت و دخالت شرکت‌های بین‌المللی است.

تقاضا برای بسیاری از انواع داروها احتمالاً همراه با وضعیت جمعیت‌شناختی و هزینه‌های جانی و مالی در ایران افزایش خواهد یافت.

یک بازار دست نخورده با نیازهای فزاینده خدمات بهداشتی

ایران یکی از معدود بازارهای بزرگ و دست‌نخورده برای محصولات دارویی است. ایرانیان در سال ۲۰۱۴ بر مبنای برابری قدرت خرید، تنها ۱۶۳ دلار برای محصولات دارویی هزینه کردند، در حالی که این رقم در مکزیک ۲۰۹ دلار و در لهستان ۵۰۸ دلار بود.^{۴۰۰} رشد مخارج دارویی یکنواخت بوده و تنها کمی بالاتر از نرخ جمعیت برای ۵ سال گذشته بوده است، هرچند ایران دارای بیمه اجتماعی است که برخی هزینه‌های دارویی را پوشش می‌دهد. بیش از ۹۰ درصد ایرانیان دارای پوشش درمانی هستند که اکثر آنها توسط دولت و سازمان تأمین اجتماعی صورت می‌گیرد (کادر ۲ با عنوان «مراقبت بهداشتی ایران دارای بنیادهای قوی است اما تحت فشار فزاینده است و نیاز به سرمایه‌گذاری دارد» را ملاحظه کنید). نرخ‌های پوشش بیمه‌ای داروها به طور وسیعی بین ۱۰ تا ۹۵ درصد بسته به نوع پوشش، برند داروها و مکان تحویل، متفاوت است.

^{۴۰۰} IHS، سازمان گمرک جمهوری اسلامی ایران.

روندهای جمعیتی و بار بیماری ایران بیانگر این است که این کشور می‌تواند یک بازار چشمگیر برای محصولات دارویی باشد. جمعیت ایران طی ۲۰ سال آینده پیرتر خواهد شد و نسبت افراد ۵۰ تا ۶۴ ساله به کل جمعیت از ۱۲ درصد فعلی به ۲۲ درصد خواهد رسید؛ درصد افراد بالای ۶۵ سال از ۵ درصد به ۱۲ درصد رشد خواهد نمود. در سال ۲۰۱۲، بار بیماری کلی ایران که به صورت سال‌های زندگی با ناتوانی تعدیل‌شده مطرح می‌شود، سه برابر مالزی و حدود دو برابر کره جنوبی بود.^{۴۰۱} بیماری‌های مزمن که درمان دارویی آنها پرهزینه است نیز با سرعت در حال افزایش هستند، به طوری که ابتلا به دیابت از سال ۲۰۰۰ تاکنون ۵۶ درصد رشد داشته است، در حالی که عوارض عصبی ۲۸ درصد رشد نموده و در همین دوره، بیماری‌های مزمن انسدادی ریه ۳۲ درصد رشد را شاهد بوده‌اند.^{۴۰۲}

کادر ۲. خدمات بهداشتی ایران دارای بنیادهای قوی است اما تحت فشار فزاینده است و نیاز به سرمایه‌گذاری دارد

قانون اساسی ایران دسترسی شهروندان به مراقبت‌های بهداشتی را تضمین نموده و یک ساختار بیمه‌ای ملی، حدود ۹۰ درصد افراد را پوشش می‌دهد.^{۴۰۳} اما این سیستم به طور فزاینده‌ای قدیمی شده و تحت فشار است. ایران علیرغم جمعیت جوانش، دارای بار بیماری بالایی است و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۵ تعداد افراد بالای ۵۰ سال با بیشترین سرعت رشد می‌کند. این بخش نیازمند سرمایه‌گذاری قابل توجه برای نوسازی و گسترش امکانات است و پزشکان بیشتری احتیاج دارد. برنامه اصلی سلامت ایران که در دهه ۱۹۸۰ ایجاد شد، بنیاد شبکه فعلی تأمین‌کنندگان را بنا نهاد. با اولویت قابل دسترس بودن مراقبت‌های اولیه اصلی، خانه‌های سلامت با بهورزان (کارکنان سلامت آموزش‌دیده) در تمام روستاها مستقر گردیدند. این خانه‌های سلامت از نظر امکانات مراقبت ثانویه پیشرفته‌تر، تحت پشتیبانی مراکز سلامت منطقه هستند. در سال ۱۹۸۶ و به منظور افزایش هماهنگی و تقویت کیفیت مراقبت‌ها، ایران آموزش پزشکی را با وزارت بهداشت و آموزش پزشکی ترکیب کرد. در نتیجه، دانشگاه‌های پزشکی به اساس شبکه سلامت ایران تبدیل شدند که سیاست‌های ملی سلامت تعیین‌شده توسط وزارت بهداشت را اجرا می‌کنند. ۴۹ دانشگاه پزشکی ایران (حداقل یک دانشگاه در

^{۴۰۱} برآوردهای بار جهانی بیماری برای ۲۰۱۲-۲۰۰۰، سازمان بهداشت جهانی؛ سال‌های زندگی با ناتوانی تعدیل‌شده، میزان سال‌های سالم عمر را که به دلیل مرگ زود هنگام یا معلولیت در کل جامعه از بین می‌رود، می‌سنجد.

^{۴۰۲} همان.

^{۴۰۳} «هزینه درمان»، دنیای اقتصاد، ۲۶ دسامبر ۲۰۱۵.

هر استان) آموزش‌های باکیفیت را برای پزشکان فراهم می‌کنند. از سال ۱۹۸۸ تعداد کل دانشجویان پزشکی سالانه به طور میانگین ۵ درصد رشد یافته است. در سال ۲۰۱۵ ایران حدود ۱۳ هزار کادر آموزش پزشکی و تقریباً ۲۵۰ هزار دانشجوی پزشکی داشت که دوسوم آنها را زنان تشکیل می‌دادند.^{۴۰۴}

ارائه مراقبت‌های پزشکی عمدتاً به صورت عمومی است، به طوری که ۸۰ درصد از ۹۰۰ مؤسسه پزشکی ایران وابسته به وزارت بهداشت هستند. گرچه کل مخارج سلامت ایران طی دهه گذشته سالانه به طور میانگین ۱۱ درصد رشد داشته، اما هنوز هم میزان مخارج سرانه در این کشور، نزدیک به ۲۵ درصد کمتر از هم‌تایان خود است (پایین‌تر از روسیه و برزیل). این به خصوص در زیرساخت‌ها مشهود است، جایی که سرمایه‌گذاری پایین منجر به کمتر بودن اساسی سرانه تعداد تخت‌های بیمارستانی این کشور نسبت به هم‌تایان خود شده است (۱/۷ تخت به ازای هر هزار نفر در مقابل ۲/۵ تخت به ازای هر هزار نفر). تقریباً ۶۰ تا ۷۰ درصد زیرساخت‌ها و تجهیزات بیمارستانی در ایران، فرسوده و منسوخ به حساب می‌آیند.^{۴۰۵} همچنین در مورد تعداد پزشکان نیز با ۰/۹ پزشک برای هر هزار نفر، کمبود وجود دارد و ایران از این لحاظ در سطحی پایین‌تر از نصف کشورهای هم‌تراز خود است.

دولت برنامه‌ای برای گسترش پوشش فراگیر و بهبود کیفیت مراقبت‌های سلامت دارد. دولت در ماه فوریه، گسترش بیمه سلامت ملی به ۵ میلیون قشر آسیب‌پذیر را اعلام نمود. برنامه توسعه پنج ساله دولت، افزایش ۶۰ درصدی بودجه سلامت در سال ۲۰۱۶ را پیشنهاد نموده و خصوصی‌سازی را ترغیب می‌نماید؛ به طوری که مدیریت بیمارستان‌های عمومی به هیئت مدیره تفویض شده و مالکیت آنها نیز به بخش خصوصی واگذار شود.^{۴۰۶} دولت ایران همچنین به طور فعال به دنبال جذب سرمایه‌گذاری خارجی و ترغیب رقابت در بخش سلامت است و هدف اولیه آن، جذب ۲ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در محصولات دارویی، تجهیزات و دیگر زیرساخت‌ها، طی ۳ تا ۴ سال آینده است.^{۴۰۷} در مارس ۲۰۱۶ شرکت آلمانی تکنولوژی سلامت اِچ تی^{۴۰۸} برنامه‌هایی را برای ساخت یک

^{۴۰۴} مرکز آمار ایران؛ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

^{۴۰۵} «۵۷ درصد از بیمارستان‌ها مستهلک شده‌اند؛ نوسازی ۳۰ هزار تخت بیمارستانی»، باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۵ ژانویه ۲۰۱۶؛ «تعداد بالای معلولیت کودکان؛ تجهیزات دیالیز کهنه و قدیمی هستند»، خبرگزاری دانشجویان ایران، ۷ مارس ۲۰۱۶.

^{۴۰۶} «هزینه‌های درمانی بالا، کاهش یافته است؛ دولت، خدمات را از بیمارستان‌های خصوصی خریداری می‌کند»، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۷ اوت ۲۰۱۵؛ «وزیر بهداشت ایران، اولویت‌های بخش سلامت را در برنامه ششم توسعه اعلام نمود»، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۸ ژانویه ۲۰۱۶.

^{۴۰۷} «تمایل کشورهای خارجی برای سرمایه‌گذاری ۲ میلیارد دلاری در بخش سلامت ایران»، خبرگزاری جمهوری اسلامی، اوت ۲۰۱۵.

بیمارستان ۴۰۰ اتاقه در ایران اعلام نمود و ژاپن نیز تفاهمی را برای تأمین ۱۰ میلیون دلار کمک مالی به ایران، جهت خرید تجهیزات پزشکی از تولیدکنندگان ژاپنی، امضا نمود.^{۴۰۹}

از آنجایی که پیشرفت هند در اصلاحات سلامت توسط بخش خصوصی صورت گرفت، دهلی می‌تواند یک مورد مطالعه آموزنده برای ایران باشد، زیرا به دنبال گسترش مشارکت بخش خصوصی است. بین سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۱۰، بیش از ۷۰ درصد ظرفیت تخت‌های بیمارستان‌های جدید هند توسط بخش خصوصی ایجاد گردید.^{۴۱۰} برای جلب مشارکت بخش خصوصی، ایران می‌تواند مکانیزم‌های قیمتی را ایجاد نماید که برای بخش خصوصی جذاب باشد، اما از سودهای کلان جلوگیری کند و مشوق‌هایی را هم برای تأمین‌کنندگان، بیماران و دیگر ذینفعان خلق نماید. دولت همچنین می‌تواند شفافیت را در داده‌های سلامت افزایش داده و به طور فعال به دنبال حمایت‌های بخش خصوصی از لیست هدف تأمین‌کنندگان باشد. برای تضمین پایداری مالی این سیستم، ایران می‌تواند اصلاح تأمین مالی نظام سلامت را مدنظر قرار داده و منابع تأمین مالی را توسعه دهد. با افزایش مشارکت بخش خصوصی، ایران مجبور خواهد بود مقررات اثربخشی را اجرا کرده تا بتواند اثرات ثانویه، مانند تقاضای به وجود آمده به واسطه عرضه و نقل قول گزینشی بیمار^{۴۱۱} را مدیریت کند، و شفافیت هزینه در زنجیره تأمین‌کنندگان را تضمین نماید. حاکمیت قوی از جمله جلوگیری از تضاد منافع و مدیریت عملکرد، ضروری است. ایران همچنین می‌تواند مدل‌های جدید مراقبت همچون بهبود مهارت‌های پرستاران به منظور کاهش بار پزشک و توسعه کانال‌های متمرکز برای مراقبت بلندمدت، بازتوانی و سلامت روانی را بررسی کند.

دولت در حال حاضر به طور مشهودی در حال ترویج سلامت عمومی است. بیلبردها ایرانیان را به تغذیه سالم‌تر، ورزش بیشتر و رانندگی ایمن تشویق می‌کنند. ایران می‌تواند به تأکید بر پیشگیری و گسترش آموزش‌های سلامت در موضوعات بیشتر همچون کاهش مصرف دخانیات، ادامه دهد.^{۴۱۲} پیش‌بینی می‌کنیم که تا سال ۲۰۳۵ ایران می‌تواند قریب به ۲۵۰ هزار شغل اضافه نموده و ارزش افزوده ناخالص بخش سلامت را با نرخ رشد سالانه ۶/۵ درصدی به بیش از ۲۷ میلیارد دلار افزایش دهد.

^{۴۰۹} آلیسون ویلیامز، «شرکت‌های بهداشتی سلامتی آماده ورود به ایران؛ فرصت‌های آلمان»، نسخه جهانی هندل‌زبات، ۲۱ مارس ۲۰۱۶؛ «ژاپن و کمک ۱۰ میلیون دلاری به ایران برای تعمیرات و نوسازی بخش سلامت»، خبرگزاری فیلیپین، ۱۳ مارس ۲۰۱۶.

^{۴۱۰} سلامت هند: امکانات امیدبخش، سفر پرچالش، مکنزی، دسامبر ۲۰۱۲.

^{۴۱۱} patient cherry-picking

^{۴۱۲} «بحران مصرف مواد مخدر در افراد کم سن و سال ایران»، المانیتور، ۱۶ ژوئن ۲۰۱۴.

تولید دارو هم بسیار پیشرفته و هم کم‌هزینه است، اما هنوز هم ارزش افزوده پایینی دارد صنعت داروی داخلی ایران کوچک، اما نسبتاً پیشرفته است. شرکت‌های ایرانی با پشتیبانی دولت در راستای هدف خودکفایی در تولید دارو، بیش از ۹۰ درصد مصرف داخلی سالانه دارو از لحاظ حجم را تأمین می‌کنند. آنها توانایی‌های خود را در زیربخش‌های پیچیده متعدد توسعه داده‌اند: بر اساس گزارشات، ایران رتبه چهارم جهان در تحقیقات سلول‌های بنیادی را در سال ۲۰۱۵ و رتبه اول منطقه در تولید بیوتکنولوژی را داشت.^{۴۱۳} تولیدکنندگان ایرانی، زیست‌همسان‌ها را به بسیاری از داروهای غربی توسعه داده‌اند، مانند ایتترفرون بتا-۱ ای با نام سینووکس^{۴۱۴} توسط شرکت سیناژن که یک زیست‌همسان از داروهای شرکت‌های بیوژن^{۴۱۵} و فایزر^{۴۱۶} برای بیماری ام اس است. ایران یکی از تنها سه کشوری در جهان است که توانایی تولید این داروی پیچیده را دارد و دو کشور دیگر ایالات متحده آمریکا و آلمان هستند. ایران همچنین تعداد زیادی مؤسسات تحقیقات دارویی پیشرفته دارد که از آن جمله، انیستیتو پاستور و مؤسسه تحقیقات واکسن و سرم رازی است.

بازار تولید داخلی به شدت غیرمتمرکز است. این بازار شامل حدود ۱۲۰ شرکت است که از این میان، ۱۰ شرکت بزرگ، کنترل ۳۷ درصد بازار را در اختیار دارند. داروپخش به عنوان بزرگترین تولیدکننده دارو در ایران، سهم ۵/۵ درصدی در بازار دارد. ممکن است نیاز باشد این بازیگران داخلی یکپارچه شوند تا بتوانند از مزایای صرفه‌جویی‌های مقیاس در تحقیق و توسعه بهره‌مند گردند.

شرکت‌های ایرانی علیرغم توانایی‌های علمی پیشرفته، به جای تولید داروهای پیچیده با ارزش افزوده بالا، عمدتاً محصولات پرحجم و کم‌قیمت را تولید می‌کنند. ۹۰ درصد حجم دارویی که آنها تولید می‌کنند تنها حدود ۶۰ درصد مصرف از لحاظ ارزش را شامل می‌شود. این نشان می‌دهد که نسبت کوچک داروهای وارداتی دارای ارزش بسیار بالاتر از داروهای داخلی هستند. حاشیه سود بزرگترین بازیگران بازار داخلی، کمتر از اکثر همتایان بین‌المللی خود است. در آینده، شرکت‌های ایرانی به سرمایه‌گذاری بسیار سنگین‌تر در توسعه محصولات با ارزش افزوده بالا نیاز خواهند داشت، به ویژه در حوزه‌هایی مانند بیوتکنولوژی که در حال حاضر هم نسبتاً پیشرفته هستند. آنها همچنین می‌توانند با شرکت‌های چندملیتی برای تولید داروهای پیشرفته‌ای که در ایران کمیاب هستند، مشارکت کنند.

^{۴۱۳} «رتبه چهارم ایران در تحقیقات سلول‌های بنیادی»، خبرگزاری مهر، ۱۷ می ۲۰۱۵؛ «رتبه بیست و یکم ایران در تولیدات علمی بیوتک».

خبرگزاری مهر، ۷ ژوئیه ۲۰۱۵.

^{۴۱۴} CinnoVex

^{۴۱۵} Biogen

^{۴۱۶} Pfizer

اصلاحات قانونگذاری برای تبدیل علایق بین‌المللی به سرمایه‌گذاری

علیرغم اندازه بزرگ بازار و قیمت نسبتاً پایین نهاده‌های تولید، شرکت‌های بین‌المللی هنوز به طور کامل وارد بازار ایران نشده‌اند. در حالی که بنگاه‌های متعددی همچون فایزر، مرک^{۴۱۷} و گلکسو اسمیت کلاین^{۴۱۸} در ایران فعال هستند، اما تنها تولیدات خود را از طریق توزیع‌کنندگان داخلی به فروش رسانده و هیچ تولید محلی در ایران ندارند. تنها یک شرکت خارجی Sanofi قرارداد تولید مشترک با یک تولیدکننده ایرانی دارد. در مقام مقایسه، در ترکیه حداقل ۷ شرکت از ۲۵ شرکت برتر دنیا تولید انجام می‌دهند. اگرچه محصولات دارویی از تحریم‌های بین‌المللی مستثنا بودند اما با توجه به محروم شدن ایران از سیستم بانکداری جهانی، شرکت‌های خارجی با مشکلات زیادی در دریافت‌های بین‌المللی و بازگرداندن وجوه به کشور خود مواجه بودند. فرآیند طولانی، پیچیده و غیرشفاف ثبت دارو و چالش‌های مشابه به همراه بروکراسی اداری، باعث بی‌میلی بنگاه‌های خارجی برای حضور کامل در بازار ایران شده است. این باعث محدودشدن فروش بسیاری از داروهای پیشرفته در ایران و انتقال بسیار محدود علم و دانش تولید گردیده است.

اگر ایران به دنبال رشد بخش دارویی باشد، باید بهره‌وری نیروی کار را در این بخش به طور قابل توجهی افزایش دهد. در سال ۲۰۱۴ هر یک از کارکنان ایرانی بخش دارویی بر مبنای برابری قدرت خرید، ۵۷ هزار دلار ارزش افزوده ناخالص ایجاد نمودند که این، ۵۹ درصد کمتر از ترکیه با تولید ۱۳۸ هزار دلار ارزش افزوده ناخالص توسط هر یک از کارکنان و ۷۳ درصد کمتر از لهستان با ۲۱۱ هزار دلار است.^{۴۱۹} مشارکت با شرکت‌های بین‌المللی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در صنعت دارویی برای تسهیل انتقال دانش و روش‌های بهینه بهره‌وری نیروی کار و دارایی، ضروری است. نمونه‌هایی از این مورد می‌تواند استفاده از رآکتورهای زیستی یکبار مصرف و دیگر عناصر تولید برای کاهش تغییر در طول زمان، ساخت مدولار تأسیسات تولید، و بازرسی‌های پیچیده‌تر خط تولید، باشد. برای استفاده از این تخصص بین‌المللی، ایران باید عواملی مانند نظام ضعیف مالکیت معنوی که باعث بی‌میلی ورود شرکت‌ها به این بازار می‌شود، را مورد توجه قرار دهد. در نظام حقوقی ایران، فرمول‌های دارویی نمی‌توانند ثبت اختراع شوند، گرچه این کار را می‌توان برای برخی فرآیندهای خاص تولید دارو انجام داد.^{۴۲۰} این باعث گسترش داروهای تقلبی و بازار سیاه دارو شده، به نحوی که

^{۴۱۷} Merck

^{۴۱۸} GlaxoSmithKline

^{۴۱۹} IHS؛ بررسی تأسیسات صنعتی ایران؛ وزارت خزانه داری لهستان؛ وزارت اقتصاد ترکیه.

^{۴۲۰} گزارش محصولات دارویی و مراقبت بهداشتی ایران، فصل سوم ۲۰۱۵، مؤسسه بین‌المللی بیزنس مانیتر، سپتامبر ۲۰۱۵.

برخی اوقات، فروش سالانه داروهای تقلبی، غیرقانونی یا قاچاق، دو برابر محصولات قانونی می‌گردد.^{۴۲۱}

شرکت‌های چندملیتی متعددی قصد خود برای سرمایه‌گذاری در ایران را اعلام نموده‌اند، از جمله شرکت نوو نوردیسک^{۴۲۲} که در سپتامبر ۲۰۱۵ موافقت نمود که یک خط تولید سرنگ‌های تزریق انسولین را در ایران راه‌اندازی نماید. برای تشویق سرمایه‌گذاری بیشتر و انتقال مهارت، دولت ایران باید فرآیند ثبت دارو را تسهیل و شفاف نماید و مقررات دست‌وپا گیر را کاهش دهد و در کنار آن، حمایت از مالکیت معنوی را به استانداردهای جهانی نزدیک کند. الزامات تولید داخلی ممکن است برای ترغیب سرمایه‌گذاری مستقیم کافی، مورد نیاز باشد، اما اینها می‌تواند در بلندمدت و با رقابتی‌تر شدن صنعت داخلی، کاهش یافته یا حذف شوند. دولت همچنین باید به سرمایه‌گذاری برای پوشش بیشتر داروها تحت بیمه اجتماعی، بیمارستان‌ها و دیگر پایگاه‌های داروی بیشتر، و آموزش برای داروسازان و دیگر شاغلین بخش سلامت، ادامه دهد.

^{۴۲۱} همان.

^{۴۲۲} Novo Nordisk

۴-۲. گسترش و نوسازی زیرساخت‌ها

ایران دارای خدمات زیرساخت نسبتاً مناسبی است. به عنوان مثال، دسترسی به گاز و برق در منازل تقریباً فراگیر است و سالانه حدود ۷۸۰ میلیون تُن، بار در ایران جابجا می‌شود که ۷۸ درصد آن توسط کامیون و اکثر مابقی آن توسط قطار جابجا می‌شود.^{۴۲۳} در حال حاضر فشار بر زیرساخت‌ها مشهود است و با گسترش جریان تجارت، حادثه می‌شود. در حال حاضر همچنین به ده‌ها هزار تخت بیمارستانی در ایران نیاز است. ازدحام ترافیک در شهرها در حال افزایش است و خاموشی برق در زمان اوج تقاضا در ماه‌های گرم تابستان رخ می‌دهد. کمبود آب، رایج است. شبکه‌های تلفن همراه و فرودگاه‌ها نیاز به ارتقا و نوسازی دارند.

ایران نیازمند ساخت و ساز در تمام طبقات زیرساخت شامل حمل و نقل، مسکن، خدمات عمومی، و امکانات اجتماعی است. این کشور باید کارخانه‌ها و تأسیسات بیشتری از جمله ایستگاه‌های تصفیه آب بسازد. مضاف بر این، عرضه مسکن مقرون به صرفه، کمتر از تقاضای آن است. این نیازهای زیرساختی به فرصت‌های قابل توجه بخش ساختمان ایران - و احتمالاً برای شرکت‌های خارجی - طی ۲۰ سال آینده اضافه می‌گردد. در حال حاضر، نشانه‌های مهمی وجود دارد که زیرساخت حمل و نقل با کمک شرکای خارجی در حال توسعه است. شرکت‌های خارجی همچون وینچی و گروه ای دی پی^{۴۲۴} توافقات اولیه را برای بهبود فرودگاه‌های ایران امضا کرده‌اند.^{۴۲۵} در بخش خدمات عمومی، دولت آلمان در مارس ۲۰۱۶ گزارشی در مورد پتانسیل بالای برق خورشیدی در ایران منتشر نمود و شرکت‌هایی از سرتاسر اروپا تفاهم‌نامه‌هایی را برای تولید انرژی تجدیدپذیر امضا کرده‌اند.

طبق برآورد ما، نوسازی و گسترش زیرساخت‌ها مستلزم حدود ۱/۶ تریلیون دلار سرمایه‌گذاری جمعی در ۲۰ سال آینده است. برای این کار همچنین باید کارایی و بهره‌وری بهبود یابند تا بازده سرمایه‌گذاری حداکثر شده و تلفات آن کاهش یابد. به عنوان مثال، ایران در حال حاضر یکی از بدترین رکوردها را در منطقه از نظر تأخیر در ساخت پروژه‌ها دارد.

^{۴۲۳} گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۹۱ (۲۰۱۲/۲۰۱۳)، بانک مرکزی ایران، ۲۰۱۵.

^{۴۲۴} Groupe ADP

^{۴۲۵} «عقد تفاهم ایران با اروپا: هفت قرارداد بزرگ»، گاردین، ۲۹ ژانویه ۲۰۱۶.

حمل و نقل: تبدیل مجدد به یک کانون ترانزیت بین‌المللی

بخش حمل و نقل ایران حدود ۶ درصد اقتصاد را در اختیار داشته و دو میلیون نفر نیز در آن اشتغال به کار دارند. با یک شبکه جاده‌ای متصل خوب و هزینه پایین سوخت، حمل و نقل جاده‌ای تقریباً سه چهارم کل حجم بار را بر عهده دارد که بعد از آن حمل و نقل دریایی با ۱۸ درصد و ریلی ۴ درصد است. صنعت باربری هوایی که در زمان تحریم‌ها تحت فشار و سختی بود، کمتر از یک درصد کل حمل و نقل بار را بر عهده دارد.^{۴۲۶}

ایران به دنبال این است که حلقه اتصال شرق-غرب و شمال-جنوب، هم برای مسافرت و هم برای حمل و نقل بار باشد.

ایران دارای ۱۱ بندر اصلی است که سه بندر جنوبی ۹۰ درصد باربری دریایی را بر عهده دارند.^{۴۲۷} صنعت کشتیرانی تحت سلطه دو بازیگر اصلی یعنی خطوط کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران و شرکت نیمه خصوصی نفتکش ایران است. با نوسازی بنادر و افزایش تجارت منطقه‌ای، رشد چشمگیر حجم کشتیرانی مورد انتظار است.

ترانزیت شهری نیز با سهم ۲۲ درصدی در ارزش افزوده ناخالص حمل و نقل، به بخش حمل و نقل در اقتصاد کمک می‌کند. با وجود اینکه تقریباً سه چهارم ایرانیان در محیط‌های شهری زندگی می‌کنند و جمعیت شهری نیز سالانه ۲ درصد رشد می‌کند، عرضه حمل و نقل شهری به سرعت تقاضای آن پیش نمی‌رود.^{۴۲۸} بسیاری از شهرهای ایران با تراکم جمعیت دست و پنجه نرم می‌کنند و سیستم‌های حمل و نقل شهری هنوز توسعه یافته نیستند.^{۴۲۹}

موقعیت استراتژیک ایران بدین معنی است که این کشور پتانسیل خدمات‌رسانی به تجارت بین‌قاره‌ای را دارد (شکل ۲۲). شبکه‌های ریلی و جاده‌ای ایران در حال ارتقا هستند و بنادر زیادی برنامه گسترش دارند. در راه‌آهن، ایران به دنبال این است که حلقه اتصال شرق-غرب و شمال-جنوب هم برای مسافرت و هم حمل و نقل بار باشد. اولین قطار از چین از طریق کمربند اقتصادی جاده ابریشم در تاریخ ۱۵ فوریه ۲۰۱۶ وارد تهران شد که ۳۲ کانتینر را حمل می‌کرد و ۳۰ روز

^{۴۲۶} گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۹۱ (۲۰۱۲/۲۰۱۳)، بانک مرکزی ایران، ۲۰۱۵.

^{۴۲۷} حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات، سالنامه آماری ایران، ۱۴-۲۰۱۳.

^{۴۲۸} نرخ‌های شهرنشینی، اطلاعات نامه جهانی CIA.

^{۴۲۹} هیتز آلن، «رویکردی جامع به حمل و نقل عمومی، تهران، جمهوری اسلامی ایران: مطالعه موردی تهیه شده برای گزارش جهانی در مورد اماکن زیست بشر ۲۰۱۳، UN-Habitat، ۲۰۱۳.

سریع‌تر از میانگین مسیر دریایی به مقصد رسید.^{۴۳۰} پیشرفت مشابهی در پروژه کریدور حمل و نقل شمال-جنوب که شمال اروپا را به جنوب آسیا از طریق ایران متصل می‌کند، صورت گرفته است. راه‌آهن قزوین-رشت-آستارا، می‌تواند سنت پترزبورگ و بندرعباس در خلیج فارس را به هم وصل کند؛ مسیری ۴۵۰۰ کیلومتری از طریق آذربایجان که ایران حلقه گمشده‌ی آن است. شرکت‌های چینی در پروژه‌های بزرگ ریلی وارد شده‌اند؛ مانند شرکت مهندسی راه‌آهن چین که در حال ساخت یک ریل پرسرعت بین تهران و اصفهان به ارزش ۲/۷ میلیارد دلار است و شرکت‌های متعدد ایتالیایی نیز توافقاتی را برای کار در ایران در زمینه دو ریل بین‌شهری پرسرعت داشته‌اند.^{۴۳۱} فرصت‌های ترانزیت شهری از جمله پروژه‌های عظیم ساخت و گسترش مترو در تمام ۸ شهر بزرگ و پرجمعیت ایران نیز وجود دارد.

نوسازی فرودگاه‌ها دارای اهمیت ویژه‌ای است. بر اساس شاخص مجمع جهانی اقتصاد، نرخ کیفیت فرودگاه در ایران ۳/۲ از ۷ است که این نرخ در روسیه ۴/۱ و در ترکیه ۵/۳ است.^{۴۳۲} گروه‌ی دی پی و شرکت‌های ساختمانی بویگوز^{۴۳۳} و وینچی پروژه‌های نوسازی فرودگاه‌های تهران، مشهد و اصفهان را انجام می‌دهند. برنامه‌های توسعه فرودگاه بین‌المللی امام خمینی تهران، ظرفیت برای هدف بلندمدت سالانه ۹۰ میلیون مسافر از حدود ۱۳ میلیون مسافر در سال ۲۰۱۴ را تأمین می‌کند و ایران را قادر می‌سازد تا تقاضای فزاینده برای مسافرت و حمل و نقل هوایی به خصوص از، و به اروپا و آسیا را پاسخ دهد.^{۴۳۴}

بنادر دریایی ایران هم نیاز به گسترش و نوسازی دارند. بندر عباس که ۷۵ درصد از سهم عبور بار در بنادر ایرانی خلیج فارس را بر عهده دارد، در حال دوبرابر کردن ظرفیت خود از ۳ میلیون کانتینر ۲۰ فوتی (TEU) در سال به ۶ میلیون کانتینر است.^{۴۳۵} پروژه‌های توسعه دیگر هم در بوشهر و چابهار در جریان است، از جمله این موارد یک مشارکت با هند به دنبال تبدیل چابهار به یک بندر آب‌های

^{۴۳۰} «اولین قطار جاده ابریشم در تهران پس از چهارده روز سفر از چین»، پرس تی وی، ۱۵ فوریه ۲۰۱۶.

^{۴۳۱} گزارش زیرساخت ایران، فصل چهارم ۲۰۱۵، مؤسسه بین‌المللی بیزنس مانیتور، ژوئیه ۲۰۱۵؛ بررسی جهانی ساختمان؛ تجارت عربی؛ «ایتالیا ۴ میلیارد دلار در بخش ریلی ایران سرمایه‌گذاری می‌کند»، وستنیک کاکازا، ۱۷ آوریل ۲۰۱۶.

^{۴۳۲} شاخص‌های رقابت پذیری جهانی، مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۵.

^{۴۳۳} Bouygues

^{۴۳۴} گزارش زیرساخت ایران، فصل چهارم ۲۰۱۵، مؤسسه بین‌المللی بیزنس مانیتور، ژوئیه ۲۰۱۵؛ «اداره ی فرودگاه امام خمینی با ظرفیت سالانه ۲۵ میلیون مسافر»، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۸ ژانویه ۲۰۱۵.

^{۴۳۵} سازمان بنادر و دریانوردی ایران.

عمیق است که دسترسی را برای کشتی‌های بزرگ میسر می‌سازد و نیز پروژه‌های توسعه در بنادر انزلی و امیرآباد در شمال کشور است.^{۴۳۶}

شکل ۲۲

ایران در مسیر ترانزیتی محورهای شرق-غرب و شمال-جنوب قرار گرفته است



SOURCE: Iran Railways; Council on Foreign Relations; International North-South Transport Corridor; McKinsey Global Institute analysis

اگر ایران به دنبال تحقق پتانسیل حمل و نقل خود است، علاوه بر سرمایه‌گذاری، نیاز به توسعه روابط تجاری قوی‌تر و کاهش موانع تجارت برون‌مرزی از جمله زمان و هزینه تجارت دارد.^{۴۳۷} این کشور همچنین نیاز به ایجاد یک محیط تنظیمی و قانونی دارد که از عملکرد بخش خصوصی داخلی و خارجی پشتیبانی نماید. برآورد می‌کنیم که این سرمایه‌گذاری راهبردی در کنار تلاش‌های دیپلماتیک و تغییرات سیاستی برای تحریک تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی، می‌تواند به بخش حمل و نقل

^{۴۳۶} همان؛ وزارت راه و شهرسازی ایران؛ گزارش زیرساخت ایران، فصل چهارم ۲۰۱۵، مؤسسه بین‌المللی بیزنس مانیتر، ژوئیه ۲۰۱۵؛ نشریه

تجارت؛ IHS.

^{۴۳۷} انجام کسب و کار: شاخص‌های تجارت فرامرزی، بانک جهانی، ۲۰۱۶.

اجازه رشد تا ۸۷ میلیارد دلار ارزش افزوده ناخالص تا سال ۲۰۳۵ را بدهد، در حالی که بیش از ۸۰۰ هزار شغل نیز اضافه می‌کند.

خدمات عمومی: کاهش تلفات و افزایش تجدیدپذیرها

خدمات عمومی برای تأمین نیازهای ایرانیان و آرزوی کشور برای افزایش صادرات برق، نیاز به توسعه دارد. در همین حال، اقداماتی باید برای کاهش تلفات مصرف صورت پذیرد. مصرف داخلی ایرانیان از گاز، برق و آب به طور معناداری بیشتر از اغلب کشورهای دیگر است. مصرف سرانه گاز خانگی از سال ۲۰۰۶ سالانه ۵/۸ درصد رشد یافته و در حال حاضر بیش از دو برابر هم‌تایان خود است.^{۴۳۸} مصرف برق خانوارهای مسکونی ایران سه برابر خانوارهای ترکیه‌ای است.^{۴۳۹} مصرف آب در ایران بسیار بالاتر از حدود پایدار زیست‌محیطی است.^{۴۴۰}

این خدمات عمومی تحت مالکیت و اداره دولت است، به جز تولید انرژی که بازیگران خصوصی هم می‌توانند از طریق شیوه‌های ساخت - تملک - بهره‌برداری^{۴۴۱} و ساخت - بهره‌برداری - واگذاری^{۴۴۲} در آن مشارکت کنند. خدمات عمومی به طور وسیع و با قیمت پایین در دسترس است و این منجر به سطوح بالای مصرف شده است. به عنوان مثال، خانوارهای ایرانی حدود ۲ سنت به ازای هر کیلووات ساعت برق پرداخت می‌کنند، در حالی که این رقم در روسیه ۶/۵ سنت و در برزیل بیش از ۲۳ سنت است.^{۴۴۳} مقادیر چشمگیر گاز، برق، و آب به دلیل ناکارایی‌های فنی، قبل از تحویل به مصرف‌کننده از بین می‌رود. کارایی تولید انرژی در ایران تنها حدود ۳۹ درصد است و این کمتر از تونس با ۴۲ درصد و بسیار کمتر از ترکیه با ۴۹ درصد است.^{۴۴۴} توربین‌های گازی سیکل باز قدیمی ایران نیز به این ناکارایی کمک می‌کنند و در واقع دولت برنامه تبدیل این تأسیسات به توربین‌های سیکل ترکیبی را دارد. کارایی پایین، قیمت‌های پایین و دسترسی بالا منجر به تقاضا و مصرف بالا در ایران شده و در برخی مواقع از میزان عرضه نیز تجاوز می‌کند.

^{۴۳۸} بررسی آماری انرژی جهانی، بریتیش پترولیوم، ژوئن ۲۰۱۵. کشورهای هم‌تا شامل برزیل، چین، مالزی، مکزیک و ترکیه است اما این روند در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و کشورهای کاملاً صنعتی نیز جریان دارد.

^{۴۳۹} Enerdata، آمارهای انرژی سازمان بین‌المللی انرژی؛ شرکت سهامی مدیریت تولید، انتقال و توزیع نیروی برق ایران، داده‌های ۲۰۱۳.
^{۴۴۰} بازار جهانی آب ۲۰۱۵: تأمین نیاز آب و فاضلاب جهان تا سال ۲۰۱۸، نشریه اطلاعات جهانی آب، اکتبر ۲۰۱۴؛ امبر براون و مارتی متلاک، بررسی روش شناسی‌ها و شاخص‌های کمیابی آب، گزارش کنسرسیوم پایداری شماره ۱۰۶، آوریل ۲۰۱۱؛ شورای تجاری آب جهان سازمان ملل متحد برای توسعه پایدار.

^{۴۴۱} BOO

^{۴۴۲} BOT

^{۴۴۳} Enerdata، آمارهای انرژی آژانس بین‌المللی انرژی؛ شرکت سهامی مدیریت تولید، انتقال و توزیع نیروی برق ایران.

^{۴۴۴} همان.

تأمین آب برای خانوارها، کشاورزی و صنایع، یک موضوع جدی و نگران‌کننده است. بیش از ۹۰ درصد آب در ایران در بخش کشاورزی مصرف می‌شود که عمدتاً به صورت ناکارا به کار گرفته می‌شود.^{۴۵} به عنوان مثال، میزان تولید غلات خشک در مزارع ایرانی به ازای هر کیلوگرم آب، تنها حدود یک چهارم بقیه کشورهای دنیا است.^{۴۶} ایران سالانه ۷۰ درصد منابع تجدیدپذیر آب شیرین خود را مصرف می‌کند و این حدود ۲ برابر مقادیر توصیه شده است.

دولت برنامه دارد تعرفه‌های آب و قیمت انرژی را تا پایان سال ۲۰۲۱ افزایش دهد و منابع آب زیرسطحی را با استفاده از تغذیه مصنوعی و مدیریت آبخیزداری، احیا نماید.^{۴۷} این کشور همچنین برنامه دارد تا از طریق مسدود نمودن چاه‌های غیرمجاز و نصب تجهیزات هوشمند اندازه‌گیری حجم آب مصرفی در چاه‌های مجاز، کنترل و نظارت بهتری بر مصرف آب داشته باشد. علاوه بر این، دولت به کشاورزان در زمینه نوسازی سیستم‌های آبیاری کمک می‌کند.

خدمات عمومی هم برای تأمین نیازهای ایرانیان و قصد کشور برای افزایش صادرات برق، نیاز به توسعه دارد. در همین حال، اقداماتی باید برای کاهش تلفات مصرف صورت پذیرد.

برای کاهش بار منابع موجود، عرضه آب نیز می‌تواند افزایش یابد. ایستگاه‌های نمک‌زدایی می‌توانند در کنار نیروگاه‌ها هم برای تأمین آب توربین‌های بخار و هم افزایش تأمین آب منطقه‌ای، قرار بگیرند. تأسیسات بیشتری برای تصفیه آب مورد نیاز است. شرکت‌های متعدد داخلی و خارجی تمایل خود را برای سرمایه‌گذاری در تأسیسات نمک‌زدایی و تصفیه آب نشان داده‌اند. گروه مپنا تأسیساتی در جزیره قشم ساخته که به طور همزمان برق و آب تولید می‌کند و در حال سرمایه‌گذاری برای ساخت تأسیسات مشابه در سواحل خلیج فارس و دریای عمان است. شرکت پوسکو^{۴۸} کره جنوبی و شرکت انرژی برق کره (کپکو)^{۴۹} تفاهم‌نامه‌ای را برای ساخت تأسیسات نمک‌زدایی در ایران امضا کرده‌اند و شرکت‌های دیگر از نمایندگان بین‌المللی از جمله روسیه هم تمایل خود را برای ورود به این بازار، اعلام کرده‌اند.

^{۴۵} بازار جهانی آب ۲۰۱۵: تأمین نیاز آب و فاضلاب جهان تا سال ۲۰۱۸، نشریه اطلاعات جهانی آب، اکتبر ۲۰۱۴.

^{۴۶} گزارش آب ایران ۲۰۱۵، مؤسسه بین‌المللی بیزنس مانیتر، سپتامبر ۲۰۱۵.

^{۴۷} بازار جهانی آب ۲۰۱۵: تأمین نیاز آب و فاضلاب جهان تا سال ۲۰۱۸، نشریه اطلاعات جهانی آب، اکتبر ۲۰۱۴؛ امبر براون و مارتی متلاک، بررسی روش شناسی‌ها و شاخص‌های کمیابی آب، گزارش کنسرسیوم پایداری شماره ۱۰۶، آوریل ۲۰۱۱؛ شورای تجاری آب جهان سازمان ملل متحد برای توسعه پایدار.

^{۴۸} برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۶-۲۱).

^{۴۹} Enerdata، آمارهای انرژی آژانس بین‌المللی انرژی؛ تحلیل صنعت برق ایران: ریسک‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری در عصر پس از تحریم، پیشروهای انرژی، ۲۰۱۵.

برای توسعه صادرات برق و تأمین مصرف داخلی طی ۱۰ سال آینده، ایران باید برق بسیار بیشتری تولید کند. غالب این افزایش ظرفیت می‌تواند از ناحیه گاز طبیعی فراوان این کشور باشد، اما آب و هوای ایران برای تولید انرژی از طریق خورشید و باد هم مساعد است. آباد و بوشهر در کنار دیگر نواحی جنوبی و مرکزی ایران، بیشترین پتانسیل را برای تولید انرژی خورشیدی دارند.^{۴۵۰} بنگاه‌های داخلی و خارجی به ساخت نیروگاه‌های بادی در مناطق دارای پتانسیل‌های لازم، تمایل دارند. مپنا در حال توسعه یک نیروگاه بادی در کهک است، جایی که قرار است در قالب یک توافق ساخت - بهره‌برداری - واگذاری، ظرفیت برق بادی تا ۱۰۰ مگاوات را داشته باشد.

شاید یکی از مهم‌ترین موضوعات این باشد که ایران باید از خدمات عمومی خود با کارایی بیشتری استفاده کند. در طرف عرضه، کارایی تولید برق ایران تنها ۳۹ درصد است و پایین‌تر از ترکیه با ۴۹ درصد است.^{۴۵۱} تلفات انتقال و توزیع در ایران حدود ۱۳ درصد است اما بر اساس برخی برآوردها این رقم به ۲۲ درصد هم می‌رسد.^{۴۵۲} این رقم در آفریقای جنوبی ۹ درصد و در چین ۶ درصد است.^{۴۵۳} انتقال گاز با مشکلات مشابهی مواجه است. در همین حال، تعرفه‌های پایین و دسترسی بالا، به تقاضای بالا و نامتناسب دامن زده است. قیمت‌های برق برای مصرف‌کنندگان خانگی و صنعتی حدود ۲ سنت برای هر کیلووات ساعت است در حالی که در کشورهای هم‌تراز، این رقم حدود ۱۰ سنت است.^{۴۵۴} یک افزایش تعرفه در سال ۲۰۱۰ منجر به کاهش ابتدایی در مصرف گردید اما مصرف برق مجدداً به افزایش خود ادامه داد، به خصوص اینکه بخش‌های دیگر همچون کشاورزی شروع به حرکت از سمت انرژی دیزل به سمت برق کردند. در حالی که ایران دارای وسایل اندازه‌گیری برق است، اما بسیاری از مصرف‌کنندگان گروهی را به جای افراد مصرف‌کننده نهایی در نظر می‌گیرد.

دولت به عنوان یک اولویت به دنبال تنوع‌بخشی، نوسازی، و توسعه سیستم برق خود است. ایجاد خدمات عمومی کارا شامل حداکثرسازی عملکرد برق و گاز به عنوان مثال از طریق تبدیل نیروگاه‌های سیکل ساده به سیکل ترکیبی است که از تلفات گرمایی برای تولید بخار جهت تولید برق بیشتر استفاده می‌کنند. دولت در حال حاضر این تغییرات را آغاز کرده و احتمالاً می‌تواند تا ۵۰ درصد برق

⁴⁵⁰ Posco

⁴⁵¹ Kepco

^{۴۵۲} همان.

^{۴۵۳} Enerdata، آمارهای انرژی آژانس بین‌المللی انرژی؛ شرکت سهامی مدیریت تولید، انتقال و توزیع نیروی برق ایران.

^{۴۵۴} Enerdata، آمارهای انرژی آژانس بین‌المللی انرژی؛ شرکت سهامی مدیریت تولید، انتقال و توزیع نیروی برق ایران. در سال ۲۰۱۵، قیمت برق برای خانوارها در مکزیک حدود ۸ سنت برای هر کیلو وات ساعت و حدود ۱۱ سنت در ترکیه بود؛ برای مصرف‌کنندگان صنعتی در مکزیک، قیمت‌ها حدود ۹ سنت به ازای هر کیلووات ساعت و در ترکیه ۱۱ سنت بود.

بیشتری با همان میزان سوخت، تولید نماید. اما الگوهای مصرف کاربران نیز باید تغییر کند. با رشد اقتصاد، مصرف برق نیز افزایش خواهد یافت و ایران باید اطمینان حاصل کند که این بخش‌ها کارایی خود را بالا می‌برند تا مانع اتلاف انرژی گردد. نهایتاً، فرصت‌هایی برای آنهایی که تولید خدمات عمومی را توسعه می‌دهند و آنهایی که مصرف کارا را میسر می‌سازند، وجود دارد.

ما برآورد می‌کنیم که ۳۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در زیرساخت آب و همچنین گسترش و تنوع‌بخشی به تولید برق و ارتقای کارایی، اثرات سرریز زیادی در اقتصاد ایران خواهد داشت. علاوه بر اثرات اقتصادی گسترده این سرمایه‌گذاری، بخش خدمات عمومی می‌تواند ارزش افزوده ناخالص را تا ۳۵ میلیارد دلار تا سال ۲۰۳۵ افزایش دهد و این معادل رشد سالانه ۶ درصدی است.

املاک: قیمت‌های فزاینده و وام‌های مسکن دور از دسترس

طی دهه‌های متمادی، املاک یکی از انتخاب‌های سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذاران داخلی بوده است.^{۴۵۵} این تا حدی به دلیل تورم بالا است که سرمایه‌گذاران را تحریک می‌کند که سرمایه‌های خود را به سمت املاک سوق دهند. علاوه بر این، سود سرمایه در املاک، مشمول مالیات نیست. هدایت پس‌اندازها به سمت املاک باعث افزایش قیمت‌ها شده است. حتی با وجود کاهش‌های اخیر، قیمت‌های املاک به خصوص در تهران افزایش یافته است و این افزایش، سه برابر لندن، نیویورک، پاریس و سنگاپور از سال ۲۰۰۳ است (شکل ۲۳).^{۴۵۶} در حالی که این بخش طی دهه گذشته بازده زیادی برای سرمایه‌گذاران داشته، اما این بازده به طور کلی از جیب جمعیتی بود که با مشکل یافتن مسکنی که از عهده قیمت آن بریابند، دست و پنجه نرم می‌کردند.

میزان دسترسی به مسکن بسیار پایین بوده و سرانه آن ۳۴ مترمربع یعنی تقریباً نصف این مقدار در ایتالیا است.^{۴۵۷} ۳۰ درصد از کل خانوارهای شهری در ایران - بیش از دو برابر این سطح در روسیه - در خانه‌های غیراستاندارد زندگی می‌کنند.^{۴۵۸} مالکیت خانه با نرخ ۶۷ درصدی، برابر ترکیه اما پایین‌تر

^{۴۵۵} سرمایه‌گذاران خارجی با یک مشوق سرمایه‌گذاری محض، از سرمایه‌گذاری در املاک منع شده‌اند.

^{۴۵۶} قیمت و اجاره بهای املاک مسکونی شهری ۱۳۹۴ (۲۰۱۵)، مرکز آمار ایران.

^{۴۵۷} سرشماری ملی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ (۲۰۱۱/۲۰۱۲)، مرکز آمار ایران؛ روند در متوسط اندازه واحد مسکونی، بانک مرکزی ایران. دسترسی به مسکن در قالب تعداد واحدهای مسکونی ضرب در میانگین مساحت هر واحد تقسیم بر تعداد جمعیت محاسبه می‌گردد.

^{۴۵۸} برنامه بررسی چالش جهانی مسکن قابل خرید، مؤسسه جهانی مکنزی، اکتبر ۲۰۱۴.

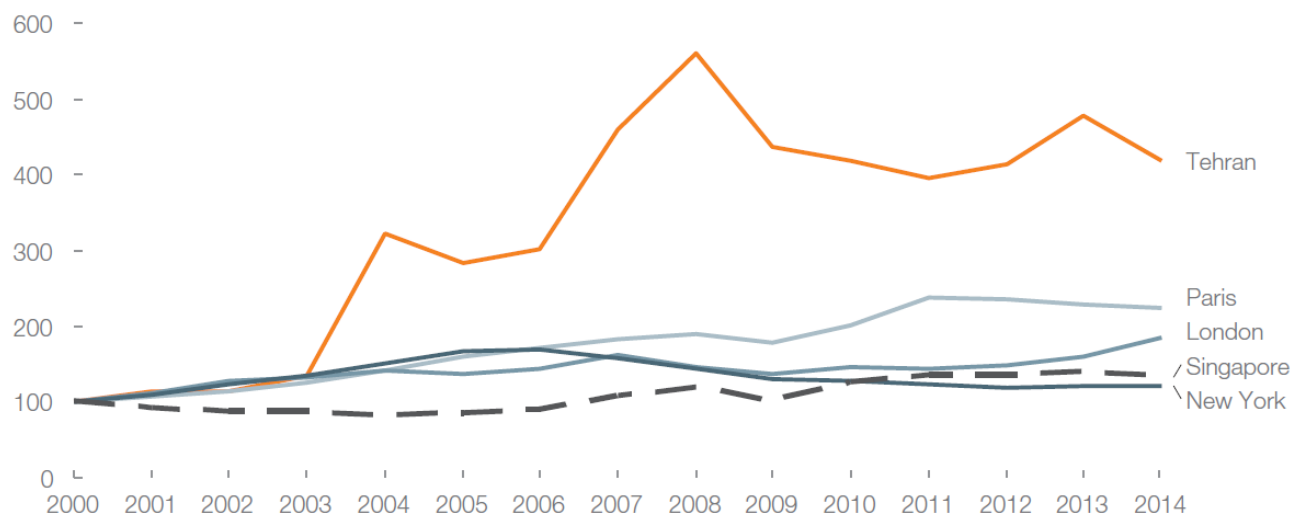
از روسیه با ۸۴ درصد است.^{۴۵۹} دولت ایران در سال ۲۰۱۵ مالیات را بر خانه‌های خالی مطرح نمود، و این تلاشی برای ترغیب تبدیل و واگذاری حدود ۱/۶ میلیون خانه مسکونی خالی در بازار بود.^{۴۶۰}

شکل ۲۳

قیمت املاک مسکونی در تهران به شکل معناداری بیش از سایر شهرهای مورد بررسی افزایش یافته است

Residential real estate price performance

Index: 100 = 2000, real local currency units



SOURCE: Bloomberg; Bank for International Settlements; Statistical Centre of Iran; Bloomberg; Bank for International Settlements; S&P 500; UK Land Registry; McKinsey Global Institute analysis

از سال ۲۰۱۲ تعداد معاملات زمین و مسکن در تهران سالانه بیش از ۲۶ درصد کاهش داشته و این به دلیل راکد بودن قیمت‌ها و رکود اقتصادی بود.^{۴۶۱} میزان صدور پروانه ساخت نیز از همین روال پیروی کرده و در کل کشور بیش از ۲۴ درصد کاهش یافته است.^{۴۶۲} تعداد پایین پروانه‌های ساختمانی در چند سال اخیر می‌تواند به ناکافی بودن تعداد خانه‌های جدید در بازار آینده، به ویژه با انتظار افزایش تقاضا، تعبیر گردد.

^{۴۵۹} سرشماری ملی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ (۲۰۱۱/۲۰۱۲)، مرکز آمار ایران؛ سرشماری جمعیت و مسکن ۲۰۱۱، مرکز آمار ترکیه، ژانویه ۲۰۱۳؛ روسیه: شاخص‌های اقتصادی، اقتصاد تجارت، دسامبر ۲۰۱۳.

^{۴۶۰} «۱/۶ میلیون واحد مسکونی خالی بر اساس گزارش معاون وزیر راه و شهرسازی»، خبرگزاری مهر، ۵ مه ۲۰۱۴.

^{۴۶۱} قیمت و اجاره بهای املاک مسکونی تهران ۱۳۹۴ (۲۰۱۵)، مرکز آمار ایران.

^{۴۶۲} تحلیل مؤسسه جهانی مکنزی از پروانه‌های ساختمانی صادره توسط شهرداری‌های در سراسر کشور؛ مرکز آمار ایران.

قابل خرید بودن مسکن تحت تأثیر ۴ عامل است. اولین و مهمترین عامل این است که ایران فاقد یک سیستم وام مسکن با کارکرد مناسب است. دوم اینکه مساحت املاک طی دهه گذشته افزایش یافته و به میانگین ۱۳۶ مترمربعی رسیده که بیش از دو برابر روسیه است. سوم، قیمت بالای زمین باعث افزایش شدید قیمت مسکن گردیده است.^{۴۶۳} قیمت زمین به عنوان سهمی از قیمت واحد مسکونی می‌تواند سه برابر میانگین مناطق قابل خرید جهانی باشد. و نهایتاً اینکه ساختمان‌های غیراستاندارد و ناکافی بودن تعمیر و نگهداری آنها باعث کاهش میانگین عمر مفید املاک می‌گردد.

وام‌های مسکن یک چالش خاص را مطرح می‌کنند. در سال ۲۰۰۸، بانک مرکزی ایران اعطای وام برای ساختمان مسکونی را توسط بانک‌ها و مؤسسات مالی ممنوع کرد. تنها استثنا، بانک مسکن به عنوان بانک تخصصی بخش مسکن بود که تقاضای زیادی برای وام مسکن در آن وجود داشت. ارزش وام مسکن بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ یک جهش ۸۱ درصدی داشت، اما باز هم از تقاضا عقب است.^{۴۶۴} در سال ۲۰۱۵ شورای پول و اعتبار ایران، که زیر نظر بانک مرکزی است، سیاست‌های خود را بازبینی نمود و به منظور افزایش قدرت خرید خانوارها، پشتیبانی از ساخت مسکن و تحریک خریداران، به بانک‌های دیگر نیز اجازه اعطای وام‌های مسکن تا سقفی معین که توسط بانک مرکزی مشخص می‌شود را داد. به عنوان بخشی از این مقررات جدید و برای کمک به کسانی که برای اولین بار می‌خواهند مسکن خریداری کنند، بانک مرکزی به بانک مسکن دستور داد که بسته به شهر، وام‌هایی را بین ۱۴ هزار دلار تا ۲۷۵۰۰ دلار، با اقساط تا ۱۲ ساله و با نرخ ۱۴ درصد، که پایین‌تر از نرخ‌های متناظر برای سایر مصارف داخلی است، اعطا نماید.^{۴۶۵}

بر اساس یک مطالعه توسط بانک جهانی در سال ۲۰۱۱، ضریب نفوذ وام مسکن در ایران ۱۶ درصد بود که در مقایسه با ترکیه و برزیل با ۱/۶ درصد و روسیه با ۱/۸ درصد، بسیار بالا بود.^{۴۶۶} با این حال، میانگین ارزش وام‌های مسکن اعطایی توسط بانک مسکن تنها حدود ۱۰ درصد از ارزش مسکن در تهران و ۲۵ درصد در سرتاسر کشور بوده است و این نسبت در مقایسه با بسیاری از کشورهای مشابه، به طور قابل توجهی پایین‌تر است. از آنجایی که وام‌های مسکن کل قیمت خرید را پوشش نمی‌دهند، قرض‌گیرندگان بر روش‌های دیگر تأمین مالی، همچون تأمین مالی خانوادگی یا قرارداد تأمین مالی سازنده، نیز تکیه می‌کنند.^{۴۶۷} فقدان آژانس‌های رتبه‌بندی اعتباری همراه با

^{۴۶۳} میانگین اندازه واحدهای مسکونی، بانک مرکزی ایران، ۱۳۹۳ (۲۰۱۴).

^{۴۶۴} بررسی سالانه گزارش اقتصادی و ترازنامه ۱۳۹۲ (۲۰۱۲/۲۰۱۳)، بخش سوم: ضمیمه آماری، بانک مرکزی ایران، ۲۰۱۵.

^{۴۶۵} اختصاص ۸۰۰ میلیون ریال برای خانه اولی‌ها، بانک مرکزی ایران، مه ۲۰۱۵.

^{۴۶۶} تأمین مالی مسکن در کشورها: داده‌ها و تحلیل جدید، بانک جهانی، ژانویه ۲۰۱۴.

^{۴۶۷} مرور سالانه ۱۳۹۲ (۲۰۱۲/۲۰۱۳) بانک مرکزی ایران؛ سرشماری ملی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ (۲۰۱۱/۲۰۱۲)، مرکز آمار ایران.

فرآیندهای طولانی، دشوار و پرهزینه ورشکستگی و مقررات سخت دولتی، مانع ایران برای داشتن یک سیستم وام مسکن با کارکرد مناسب شده است.

علاوه بر ارتقای دسترسی به وام‌های مسکن، برخی اقدامات عملی هم می‌تواند به ایران برای افزایش دسترسی به مسکن قابل خرید کمک کند. آزادسازی زمین‌های خالی دارای خدمات برای مسکن و اصلاح مقررات استفاده از زمین شهری می‌تواند فضا را برای ساخت و کاهش قیمت زمین باز کند. همراه کردن استفاده کارا از زمین با اعطای پروانه‌های ساختمانی نیز می‌تواند راهگشا باشد. علاوه بر این، استفاده از مصالح ساختمانی مقرون به صرفه و پایدار، می‌تواند هزینه‌های ساخت را کاهش داده و عمر ساختمان را افزایش دهد.^{۴۶۸} کاهش بروکراسی سیستم باعث تسهیل توسعه و کاهش هزینه‌های زائد اداری می‌گردد. با انجام این اقدامات، بخش املاک می‌تواند مانند دهه اول قرن ۲۱ اوج بگیرد و تا سال ۲۰۳۵ به ارزش افزوده ناخالص ۶۶ میلیارد دلار برسد و فرصت بزرگی را برای شرکت‌های ساختمانی ایجاد نماید.^{۴۶۹}

صنعت ساختمان: تقاضا برای انجام پروژه‌های بزرگ بالا می‌رود، اما ایران باید به موضوع متداول تأخیرهای طولانی بپردازد

بازار ساختمان ایران بعد از رکود از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳، در سال ۲۰۱۴ به وضعیت قبل برگشته و بین سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۵ سالانه ۶ درصد رشد نمود.^{۴۷۰} از سال ۲۰۱۴، بخش ساختمان (به جز بالادستی نفت و گاز) تنها ۱۷ میلیارد دلار ارزش افزوده ناخالص ایجاد نمود که معادل ۵ درصد کل اقتصاد است.^{۴۷۱} ما برآورد می‌کنیم که ارزش افزوده ناخالص بخش ساختمان می‌تواند تا ۵۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۳۵ رشد نماید که این بیانگر رشد سالانه ۶ درصدی است. بخش ساختمان همچنین می‌تواند منبع مهمی برای مشاغل جدید باشد. برآورد می‌کنیم که با این سرعت رشد، علیرغم بهبودهای پیش‌بینی‌شده در بهره‌وری، این بخش تا سال ۲۰۳۵ حدود ۵/۳ میلیون نفر را به کار می‌گیرد و این تقریباً دو میلیون نفر بیشتر از سال ۲۰۱۴ است.^{۴۷۲}

چنین رشدی مستلزم سرمایه‌گذاری هنگفت است و بخش ساختمان باید بر چالش‌های اصلی این بخش غلبه کند. بهره‌وری نیروی کار در بخش ساختمان ایران که با ارزش افزوده ناخالص به ازای هر

^{۴۶۸} برنامه بررسی چالش جهانی مسکن قابل خرید، مؤسسه جهانی مکنزی، اکتبر ۲۰۱۴.

^{۴۶۹} همان.

^{۴۷۰} IHS

^{۴۷۱} همان.

^{۴۷۲} آمارهای اشتغال سازمان جهانی کار ILOSTAT

کارکن بر مبنای برابری قدرت خرید سنجیده می‌شود، اساساً کمتر از هم‌تایان خود است؛ به عنوان مثال حدود نصف ترکیه و بسیار کمتر از لهستان است.^{۴۷۳}

حتی با وجود بهبودهای بهره‌وری، ما برآورد می‌کنیم که بخش ساختمان ایران اگر بتواند به رشد حدود ۶ درصدی در سال دست یابد، می‌تواند طی ۲۰ سال آینده ۲ میلیون شغل اضافه نماید.

یکی از حوزه‌هایی که نیازمند توجه ویژه است، گرایش کار پروژه‌های بزرگ به تعطیلی یا تعلیق است. در حالی که تحریم‌ها هم در این تأخیرها نقش داشتند، مدیریت ناقص و تأخیر در پرداخت‌ها و تأمین مالی هم نقش مهمی را ایفا می‌کنند. به عنوان مثال، پروژه‌های گاز به طور میانگین ۶۰ درصد تأخیر دارند و این باعث افزایش حدود ۲۰ درصدی در هزینه‌ها می‌گردد.^{۴۷۴} پروژه‌ها در صنایع فرآیندی، مانند پتروشیمی‌ها عمدتاً با تأخیر مواجه هستند. یکی از نتایج چنین تأخیرهایی، طولانی‌تر شدن زمان ساخت در ایران نسبت به هم‌تایان منطقه‌ای است. به عنوان مثال، انجام یک پروژه پایین‌دستی نفت و گاز در ایران به طور میانگین ۵/۴ سال به طول می‌انجامد در حالی که این زمان به طور میانگین ۳/۳ سال برای عراق، قطر و امارات متحده عربی است (شکل ۲۴).^{۴۷۵}

این بخش برای بهبود کارایی، نیاز به جذب سرمایه و تجهیزات نوین دارد. گرچه تحریم‌ها باعث مسدود شدن دسترسی به ماشین‌آلات غربی گردیده اما انتظار می‌رود نرخ رشد ایران برای فروش تجهیزات ساختمان در سال ۲۰۱۶ حدود ۸ درصد باشد.^{۴۷۶} علاوه بر این، کنترل کیفیت ساخت نیز در مقایسه با مالزی و ترکیه، کافی نیست.^{۴۷۷}

دولت ایران باید به بخش ساختمان در جذب شرکت‌های خارجی کمک کند. دولت ایران می‌تواند یک چارچوب شفاف و قانونی برای مشارکت عمومی-خصوصی با شرکت‌های خارجی ایجاد نماید که ریسک را حداقل نموده و مشارکت از جانب خارج را افزایش دهد. یکی از اقدامات در این راه، ایجاد یک الگوی قراردادی استاندارد واحد است که تحت حمایت قوانین ایران بوده و برای توسعه سرمایه‌گذاری خارجی، قابل پذیرش باشد. با فرض اینکه ایران قادر به افزایش کارایی انجام پروژه‌ها، افزایش بهره‌وری نیروی کار و دستیابی به تجهیزات و مخارج سرمایه‌ای مورد نیاز باشد، برآورد

^{۴۷۳} داده‌های ارزش افزوده ناخالص از IHS؛ داده‌های اشتغال از آمارهای اشتغال سازمان جهانی کار ILOSTAT

^{۴۷۴} رویا درخشان علویجه و خوزه مانوئل کاردوسو تکسیرا، دلایل هزینه‌های مازاد در پروژه‌های ساختمان در کشورهای در حال توسعه، خلاصه مقالات دهمین کنفرانس بین‌المللی مهندسی صنعتی و مدیریت عملیات در داکا، نوامبر ۲۰۱۴.

^{۴۷۵} ابزار تحلیل پروژه‌های زیرساخت مکنزی، نسخه ۳.

^{۴۷۶} بازار تجهیزات ساختمانی ایران (۲۰۲۲-۲۰۱۶)، تحقیق و بازارها، مارس ۲۰۱۶.

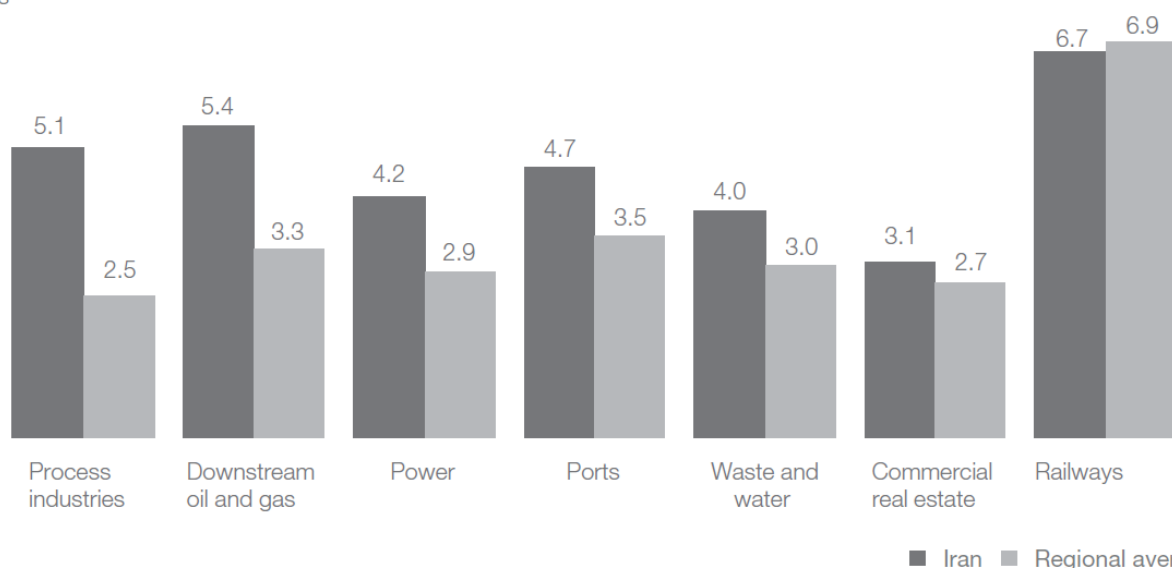
^{۴۷۷} شاخص انجام کسب و کار ۲۰۱۶: سنجش کیفیت و کارایی قانونگذاری، بانک جهانی، اکتبر ۲۰۱۵.

می‌کنیم که بخش ساختمان برای تحقق اهداف خود، در ۲۰ سال آینده به حدود ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد.

شکل ۲۴

ساخت و ساز در ایران بیش از کشورهای هم‌رده به طول می‌انجامد

Construction time¹
Years



¹ Includes delays due to sanctions and conflict.

² Average of Iraq, Qatar, and United Arab Emirates.

SOURCE: McKinsey Infrastructure Projects Analytics Tool; McKinsey Global Institute analysis

شرکت‌های داخلی و خارجی روی فرصت‌های بخش ساختمان – که بسیاری از آن‌ها را دولت برای جذب سرمایه‌گذاری انتشار عمومی کرده است – یا کار می‌کنند یا آن‌ها را مدنظر قرار داده‌اند. شرکت‌های ایتالیایی ویتالی و گروه اس ای ای^{۴۷۸} به ترتیب در حال برنامه‌ریزی برای توسعه فرودگاه‌های بین‌المللی تبریز و مهرآباد هستند. شرکت ایتالیایی ایتینرا^{۴۷۹} توافقی را برای ساخت راه‌آهن پرسرعت در ایران امضا کرده است. شرکت ساخت و مهندسی هیوندای کره جنوبی و شرکت پوسکو دوو^{۴۸۰} برنامه‌هایی را برای امضای توافق برای ساخت یک بیمارستان ۱۰۰۰ تخت‌خوابه در

⁴⁷⁸ SEA Group

⁴⁷⁹ Itinera

⁴⁸⁰ Posco Daewoo

شیراز اعلام کرده‌اند در حالی که شرکت سامسونگ سی‌اند تی^{۴۸۱} می‌خواهد یک بیمارستان ۱۲۰۰ تخته در تهران بسازد.^{۴۸۲}

در سال ۲۰۱۴، پیمانکاران ایران بازار داخلی را در دست داشتند و حدود ۷۵ درصد پروژه‌های ساختمانی را انجام می‌دادند.^{۴۸۳} از میان این پیمانکاران داخلی، گروه مپنا بزرگترین سهم را در بازار در بین شرکت‌های سهامی عام دارد.^{۴۸۴} پیمانکاران ایرانی دارای سودآوری‌های بسیار متفاوتی هستند. در سال ۲۰۱۲ سود قبل از مالیات گروه مپنا ۳۰ درصد بود که بر اساس استانداردهای بین‌المللی، نرخ بالایی است.^{۴۸۵} از آنجایی که پیمانکاران خارجی بیشتری وارد بازار می‌شوند، بر شرکت‌های داخلی از لحاظ اعتبار و کیفیت فشار وارد می‌کنند تا سودهای بالا تعدیل شوند. بنگاه‌های داخلی می‌توانند به نمونه شرکت‌های کره جنوبی بنگرند، که به گونه‌ای مدیریت کردند که شرکت‌های برتر جهان در بخش ساختمان و مهندسی باشند و این کار را عمدتاً از طریق کسب تکنولوژی و یادگیری بهترین روش‌ها از شرکت‌های خارجی انجام دادند.

⁴⁸¹ Samsung C&T

^{۴۸۲} «هیوندای و پوسکو دو به دنبال راه‌اندازی یک بیمارستان آموزشی در ایران»، پالس نیوز، ۸ آوریل ۲۰۱۶.

^{۴۸۳} پایگاه داده پروژه‌های MEED، ۱۱ فوریه ۲۰۱۶.

^{۴۸۴} همان.

^{۴۸۵} رتبه‌بندی ۵۰۰ شرکت برتر ایرانی بر اساس گزارش‌های مالی سال ۲۰۱۲ توسط سازمان مدیریت صنعتی.

در ۱۸ بخش اقتصاد ایران که ما بررسی کردیم، فرصت‌های چندگانه برای نوسازی و افزایش کارایی و رقابت‌پذیری وجود دارد. تحقق این پتانسیل‌ها مستلزم بهبودهای چشمگیر در ساختار اقتصاد ایران از جمله شتاب‌بخشی به رشد بهره‌وری و نرخ مشارکت بسیار بالاتر نیروی کار و در کنار آن، ورود حجم عظیم سرمایه‌گذاری اثربخش است. در حالی که حجم این کارها ممکن است رعب‌آور به نظر آید، اما کره جنوبی، مالزی و برخی کشورهای اروپای شرقی راه‌هایی را برای تقویت تولید ناخالص داخلی خود در یک دوره چند ساله پیدا کرده‌اند. ایران نیز اگر بخواهد از این فرصت‌ها استفاده کند، باید اصلاحات عمده را برای جذب سرمایه‌گذاری درست، افزایش رقابت‌پذیری و کارایی بازار محصولات به انجام رساند و پویایی بازار نیروی کار را افزایش دهد. در فصل بعدی، این چالش‌ها را به صورت جزئی به همراه برنامه عملی که ایران می‌تواند در پیش گیرد مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۲-۵. تمرکز خاص: سرمایه‌گذاری در ایران

افزایش یک تریلیون دلار به تولید ناخالص داخلی طی ۲۰ سال آینده مستلزم سرمایه‌گذاری سنگین است. کل تقریبی سرمایه‌گذاری مورد نیاز را در هر یک از بخش‌ها در این گزارش پیش‌بینی کردیم و به صورت جزئی مورد توجه قرار دادیم. سرجمع سرمایه‌گذاری‌های مورد نیاز به حدود ۳/۵ تریلیون دلار بالغ می‌گردد. زمانی که این مقدار به چهار موتور محرک رشد تفکیک می‌شود، نفت و گاز و دیگر منابع طبیعی احتمالاً نیازمند سرمایه‌گذاری کمتری نسبت به دیگر موتورهای رشد هستند. به طور خاص، بر اساس برآورد ما، تا سال ۲۰۳۵ گسترش و نوسازی زیرساخت‌ها احتمالاً مستلزم بیش از ۱/۵ تریلیون دلار سرمایه‌گذاری تجمعی است و ۵۵۰ میلیارد دلار برای منابع طبیعی، حدود ۶۵۰ میلیارد دلار برای پرورش صنایع رقابتی و تقریباً ۸۰۰ میلیارد دلار برای گذار به اقتصاد دانش‌بنیان مورد نیاز است (شکل ۲۵).

نرخ‌های بالای پس‌انداز در ایران بدین معنی است که پتانسیل تأمین قسمت عظیمی از این سرمایه‌گذاری به صورت داخلی وجود دارد. این کشور همچنین از سرمایه‌گذاری خارجی همچون سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) نه تنها برای تحریک رشد بلکه برای کمک به تغییر وضعیت کسب و کار و انجام بهبودهای بهره‌وری نیز کمک می‌گیرد. «پول هوشمند» از خارج می‌تواند انتقال تکنولوژی و تحقیق و توسعه را تسهیل نموده و حاکمیت سرمایه‌گذاری را ارتقا دهد.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایران تحت تأثیر تحریم‌ها بود؛ در سال ۲۰۱۴ انباشت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تنها ۴۳ میلیارد دلار یا ۱۱ درصد تولید ناخالص داخلی بود. این میزان به نسبت دیگر اقتصادهای در حال ظهور با انباشت سرمایه‌گذاری ۲۷ درصدی، نسبتاً پایین است. در همان سال و با دلار به نرخ ارز بازار، انباشت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ترکیه چهار برابر بزرگتر و مکزیک تقریباً ۸ برابر بزرگتر بود (شکل ۲۶).^{۴۸۶}

جریان سرمایه‌گذاری خارجی در حال حاضر آغاز شده به گونه‌ای که شرکت سرمایه‌گذاری فیروزه و سرمایه‌گذاری گریفون^{۴۸۷} از خارج ایران برای سرمایه‌گذاری در بورس تهران تأمین مالی می‌کنند. علاوه بر این، بانک‌های خارجی تسهیلات مالی خود را برای پشتیبانی از برخی توافقات تجاری اعلامی اخیر بین ایران و شرکت‌های چندملیتی، گسترش داده‌اند.

بر اساس پیش‌بینی‌های ما، ایران احتمالاً به حدود ۳/۵ تریلیون دلار سرمایه‌گذاری تجمعی طی ۲۰ سال آینده نیاز دارد. برآورد می‌کنیم که حداقل ۱ تریلیون دلار از سرمایه‌گذاری پیش‌بینی شده باید از

^{۴۸۶} کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد (آنکتاد)

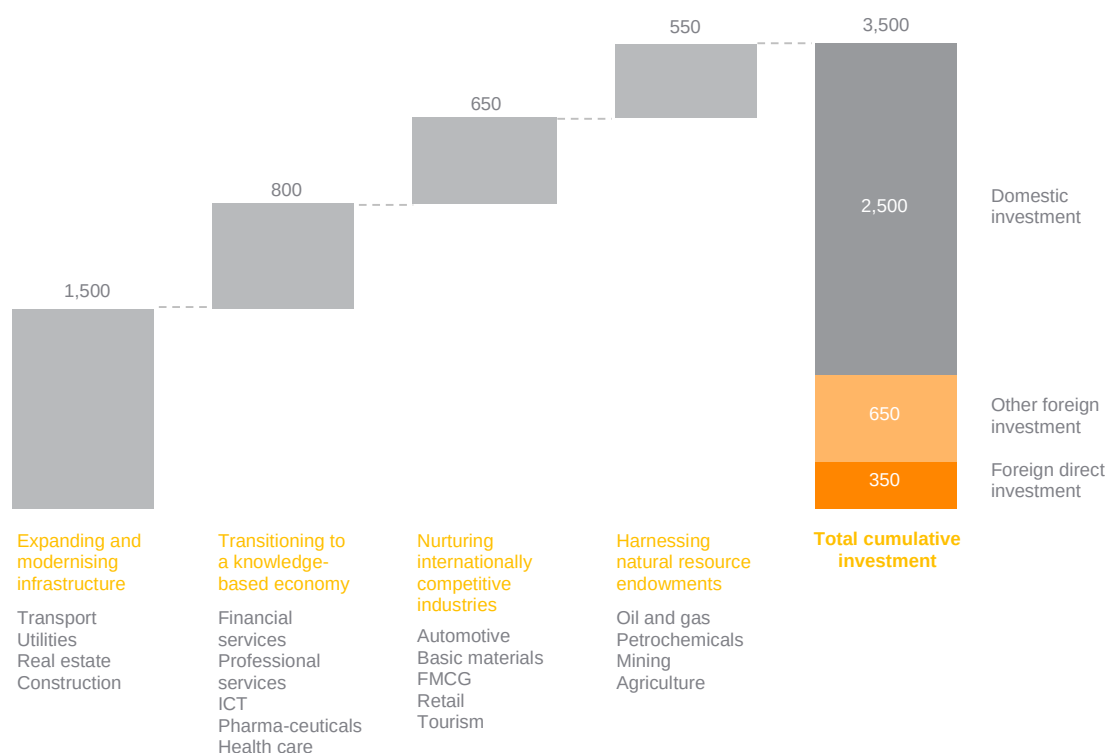
منابع خارجی تأمین شود و از این میزان سرمایه‌گذاری خارجی، انتظار داریم که حداقل یک سوم آن سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باشد. مابقی این میزان باید از منابع داخلی تأمین گردد.

شکل ۲۵- اقتصاد ایران به حدود ۳/۵ تریلیون دلار سرمایه‌گذاری تجمعی نیاز خواهد داشت

شکل ۲۵

اقتصاد ایران به حدود ۳/۵ تریلیون دلار انباشت سرمایه‌گذاری نیاز خواهد داشت

\$ billion, real exchange rates



Note: Numbers may not sum due to rounding.

SOURCE: Management and Planning Organization comments on Sixth Five-Year Development Plan, February 2016; McKinsey Global Institute analysis

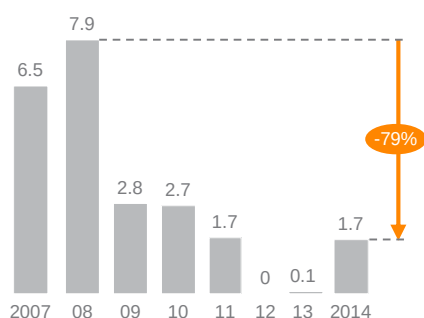
دولت به عنوان بخشی از برنامه توسعه پنج ساله ۲۰۱۶-۲۱ خود، برای ۱/۱ تریلیون دلار سرمایه‌گذاری خارجی به منظور دستیابی به نرخ رشد اقتصادی برنامه‌ریزی‌شده و تأمین مالی پروژه‌ها، برنامه‌ریزی کرده که از آن جمله، پروژه‌های توسعه میادین نفت و گاز (۱۳۴ میلیارد دلار)، ساخت نیروگاه‌های انرژی‌های

تجدیدپذیر و با کارایی بالا (۳۸ میلیارد دلار) و بهبود زیرساخت شبکه برای فناوری اطلاعات و ارتباطات
(۳۵ میلیارد دلار) است.^{۴۸}

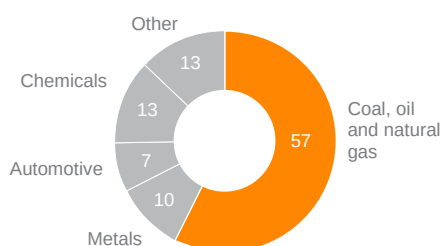
شکل ۲۶

سرمایه گذاری در ایران

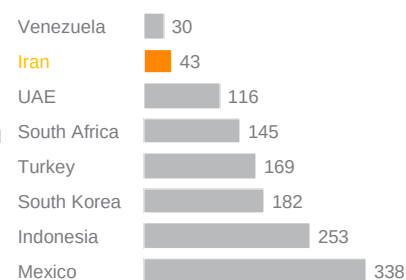
Foreign direct investment (FDI) inflows to Iran¹
\$ billion, nominal



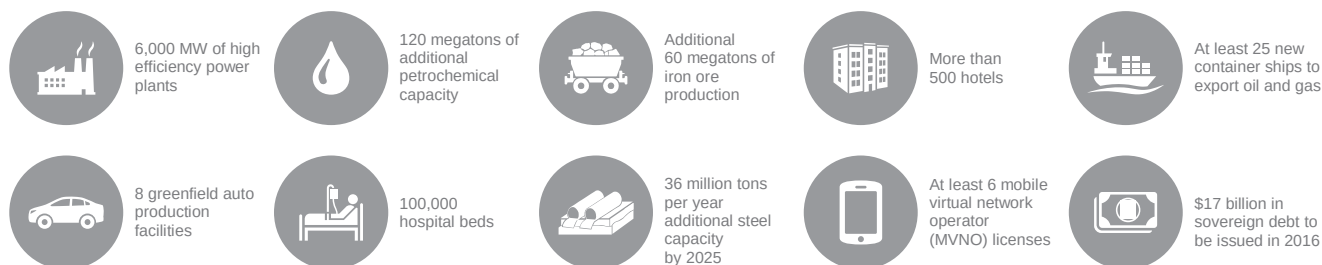
Iran's FDI stock, 2014²
%



FDI stock, 2014
\$ billion, nominal



Potential opportunities in Iran



Foreign companies with operations in Iran

MTN (South Africa)	• 49% stake in the telco operator MTN IranCell	Ferrovie dello Stato Italiane (Italy)	• Agreement signed to cooperate with RAI (Iranian Railways) on construction of two high-speed rail lines	Novo Nordisk (Denmark)	• Continuous presence selling medicine with more than 100 staff in Iran • Plans to build local manufacturing plant
PSA Peugeot Citroën (France)	• Joint venture with Iran Khodro to produce 3 vehicle models in Iran	Nestlé (Switzerland)	• Operations at local factories in Iran • Products in Iran include Jenny Craig and Haagen-Dazs ice cream	Unilever (UK/Netherlands)	• Factory in Qazvin employs around 300 and produces soaps, tea, and detergents

¹ 2012 data not available.

² Stock breakdown based on data as reported between January 2003 and September 2015.

SOURCE: UNCTAD, *World investment report 2015*; fDi Markets, Iran Inward FDI January 2003 to September 2015; Dealogic Analytics; fDi Markets database; *Financial Times*; MTN South Africa; PSA Group; Ferrovie dello Stato; Nestlé; Unilever; McKinsey Global Institute analysis

^{۴۸} این برآوردها بر مبنای شش کشور معیار برزیل، چین، مصر، هند، مکزیک و ترکیه از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۴ صورت گرفته و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و کل جریان‌های سرمایه به جز واگذاری وجه را مدنظر قرار می‌دهد.

برای تأمین مالی این پروژه‌ها، دولت ۲۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی را هدف‌گذاری کرده و انتظار دارد حدود یک چهارم آن سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باشد. مابقی از طریق منابع داخلی همچون تسهیلات بانکی (۲۸۰ میلیارد دلار)، بخش خصوصی (۱۷۰ میلیارد دلار)، بازارهای سرمایه (۱۵۰ میلیارد دلار) و صندوق توسعه ملی (۹۰ میلیارد دلار) تأمین می‌گردد.^{۴۸۹}

برای توسعه سرمایه‌گذاری خارجی، ایران شروع به تعدیل و شفاف‌سازی مقررات خود کرده است. از زمان تصویب قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۲۰۰۲، ایران تضمین‌هایی را برای سرمایه‌گذاران خارجی همچون رفتار یکسان با سرمایه‌گذاری و تضمین‌های حقوقی خاص را فراهم کرده است. به عنوان مثال، با برخی استثنائات مانند بخش مخابرات، شرکت‌های خارجی می‌توانند مالکیت ۱۰۰ درصد شرکت‌های ایرانی را داشته باشند.

برای ترغیب بیشتر سرمایه‌گذاری، ایران ۷ منطقه آزاد تجاری و ۱۶ منطقه ویژه اقتصادی ایجاد نموده است.^{۴۹۰} این مناطق نوعاً در نزدیک مرزها هستند تا روابط منطقه‌ای و تجارت جهانی را تقویت نمایند. شرکت‌ها در مناطق آزاد از اکثر مالیات‌ها، عوارض، مقررات بانکی، قوانین کار و تعهدات روادید مستثنا هستند.^{۴۹۱} مناطق ویژه اقتصادی دارای حقوق واردات و صادرات کمتر هستند و خوشه‌های صنعتی و تجارت مرزی را ترویج می‌دهند. به عنوان مثال، شرکت کرمان موتور، خودروهای چینی لیفان را در منطقه ویژه اقتصادی ارگ جدید تولید می‌کند. علاوه بر این، شرکت‌هایی که دانش و تکنولوژی جدیدی را معرفی می‌کنند، می‌توانند عنوان ویژه‌ی «شرکت‌های دانش‌بنیان» را کسب کنند و از مزایای مالیاتی و حقوقی مانند مالکیت موقت در پارک‌های علم و فناوری مستقر در مناطق شهری، بهره‌مند شوند.

دولت همچنین مقررات روادید بازرگانی را تسهیل کرده است. در مناطق آزاد تجاری نیازی به روادید نیست مگر اینکه فرد بخواهد وارد سرزمین اصلی شود. خارج از مناطق آزاد تجاری، یک شریک میزبان باید از مهمان حمایت و پشتیبانی نماید، اما فرد میهمان می‌تواند درخواست روادید سریع نیز بنماید که در زمان ورود صادر می‌گردد.^{۴۹۲} اخیراً دولت به دنبال انجام تبلیغات برای شناساندن فرصت‌های سرمایه‌گذاری خارجی بوده است. به عنوان مثال، وزارت نیرو یک سند سرمایه‌گذاری و همکاری در آب و برق منتشر نمود که پروژه‌های خاص برای سرمایه‌گذاری خارجی

^{۴۸۹} صندوق توسعه ملی ایران، در واقع صندوق ثروت حکومت است که مسئولیت انتقال عواید نفت و گاز به سرمایه‌گذاری عمومی را بر عهده دارد.

^{۴۹۰} شورای عالی مناطق آزاد تجاری صنعتی و مناطق ویژه اقتصادی.

^{۴۹۱} نجمه بزرگمهر، «ایران چشم به تجارت با عراق دهه‌ها پس از جنگ دارد»، تایمز مالی، ۲۸ اکتبر ۲۰۱۵.

^{۴۹۲} «ایران و مشوق‌ها و معافیت‌های مالیاتی جدید به حوزه گردشگری»، تهران تایمز، ۱۷ فوریه ۲۰۱۶؛ «ایران روادید هنگام ورود را برای همه غیر از نه کشور صادر می‌کند»، مدهیامام، ۱۵ فوریه ۲۰۱۶.

را برجسته می‌کند.^{۴۹۳} در حالی که این اقدامات برخی از چالش‌های مهم را هدف قرار داده‌اند، اما ایران اگر بخواهد حجم عظیمی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را جذب نماید نیاز به یک رویکرد کل‌نگر به توسعه کسب و کار دارد.

برای شرکت‌های بین‌المللی کالاها و خدمات، ایران به دلیل اندازه آن و قدرت خرید شهروندان، احتمالاً می‌تواند یک بازار جذاب باشد. این کشور پتانسیل تبدیل به یک پایگاه تولید رقابتی را دارد، زیرا شرکت‌ها می‌توانند بازار داخلی را تأمین نموده و صادرات منطقه‌ای و جهانی هم داشته باشند و از نیروی کار آموزش‌دیده ایران نیز استفاده کنند. در میان سرمایه‌گذاران خارجی که می‌توانند متمایل به این بازار باشند، بیش از ۳ میلیون نفر از ایرانیان خارج از کشور هستند که اگر بخواهند برگردند و سرمایه‌گذاری کنند، می‌توانند تخصص و سرمایه خود را بیاورند.

شرکت‌های چندملیتی علاقمند به فعالیت در ایران، در مصاحبه‌ها اشاره داشته‌اند که می‌خواهند بررسی‌های جامع برای درک جزئیات بازار ایران انجام دهند. بسیاری از شرکت‌های جهانی به دنبال شرکای داخلی در کوتاه مدت هستند تا به آنها در شناخت چشم‌انداز کسب و کار ایران از جمله درک هنجارهای کسب و کار محلی کمک کنند. برخی دیگر ترجیح داده‌اند که یک شرکت تابعه ایرانی تأسیس کنند و به صورت مستقل عمل کنند. شرکت‌های چندملیتی که وارد ایران می‌شوند باید با چالش‌های قانونی و موانع احتمالی تعاملات مالی مواجه شوند. آنها با نیروی کاری مواجه خواهند شد که با رقابت جهانی آشنایی ندارند و اینکه آنها باید توانایی‌های زبان فارسی خود را توسعه دهند.

با این وجود، بسیاری از بازیگران و نمایندگان کسب و کارهای خارجی در حال حاضر تمایل خود را برای سرمایه‌گذاری یا انجام کسب و کار در ایران نشان داده‌اند. از زمان توافق هسته‌ای در ژوئیه ۲۰۱۵، بیش از ۲۲۰ تفاهم‌نامه امضا یا پیشنهاد شده است؛ بیش از ۱۳۰ میلیارد دلار از کسب و کار به اطلاع عموم رسانده شده است. این تفاهم‌نامه‌ها شامل میتال استیل^{۴۹۴} که قراردادی به ارزش بیش از یک میلیارد دلار را برای تولید آهن در ایران امضا نمود، و ساین^{۴۹۵} انگلیس است که ارزش آن بیش از ۱۴ میلیون دلار است.

قرن‌ها پیش، ایران نقطه‌ی مرکزی جاده ابریشم از شرق تا غرب بود. در حال حاضر، ایران آرزو دارد مجدداً این نقش را ایفا کند و از شرکت‌های خارجی می‌خواهد برای تحقق این آرزو کمک کنند.

^{۴۹۳} فرصت‌های سرمایه‌گذاری و همکاری در بخش آب و برق ایران، وزارت نیرو ایران، ۲۰۱۶.

^{۴۹۴} Mittal Steel

^{۴۹۵} Cyan



۳. چالش‌ها و دستور کاری برای اقدام

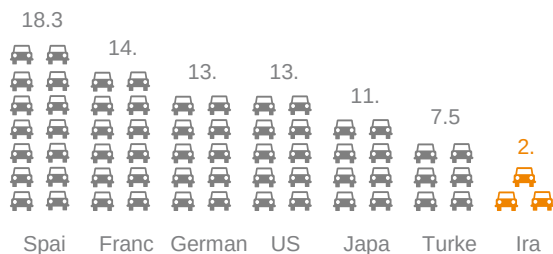
ایران اگر بخواهد پتانسیل خود برای اضافه نمودن یک تریلیون دلار به تولید ناخالص داخلی و ایجاد ۹ میلیون شغل طی ۲۰ سال آینده را محقق سازد، باید با چالش‌های عمده در سرتاسر اقتصاد روبرو شود. این کشور نیاز به اقتصادی دارد که بهتر بتواند سرمایه‌گذاری خارجی، تکنولوژی و روش‌های مدیریت را جلب و جذب نماید. شرکت‌ها اگر بخواهند پیشرفت کنند، نیاز به نیروی کاری با مهارت‌های کاری و انعطاف‌پذیری بیشتر و محیط کسب و کاری دارند که رقابت پویاتر و کارآفرینی را ترغیب نماید. همانطور که در بسیاری از بخش‌های بررسی‌شده در فصل ۲ مشاهده نمودیم، بهره‌وری باید به طور چشمگیری بهبود یابد (شکل ۲۷). هم بخش عمومی و هم بخش خصوصی باید هماهنگ باشند تا شفافیت بیشتری ایجاد کرده و حاکمیت قانون و حاکمیت شرکتی را بهبود بخشند. دولت و بانک مرکزی با اختیارات شفاف و مستقل، باید بر محیط اقتصاد کلان نظارت داشته و آن را تثبیت نمایند تا تورم قابل کنترل، نرخ ارز ثابت و سیاست مالی پاسخگو و پایدار را تضمین نماید.

شکل ۲۷

ایران دارای بهره‌وری پایین در بخش‌های مختلف است

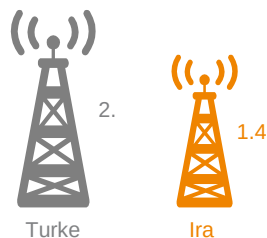
Labour productivity in automotive

Automobiles per manufacturing employee, 2014



Capital productivity in telecommunications¹

Revenue per unit of plant, property, and equipment



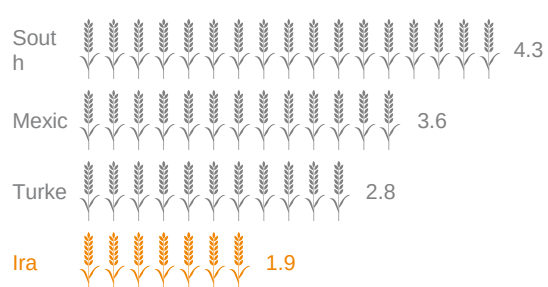
Labour productivity in metals

Output per worker, \$ thousand, 2014



Agricultural productivity

Cereal yield, thousand kg per hectare, 2014



¹Based on largest telecom operators in each country.

SOURCE: IHS; ILOSTAT; World development indicators, World Bank; Spanish Ministry of Industry; French CCFA; German STABU; VDA; US BLS; SIE; Turkey Workplace & Insured Persons Statistics; company financial statements; McKinsey Global Institute analysis

دولت چشم‌انداز خود را در مورد بسیاری از این اهداف در برنامه پنج ساله ششم برای ۲۰۱۶-۲۱ که در ژوئیه ۲۰۱۵ اعلام گردیده، تعیین کرده است. این برنامه ۳۱ اولویت اقتصادی را مشخص می‌کند که طیف وسیعی از موضوعات را با هدف افزایش رشد تولید ناخالص داخلی به سالانه ۸ درصد پوشش می‌دهد. بسیاری از این موضوعات، انرژی را پوشش می‌دهند، مانند حرکت به سوی نوسازی صنعت نفت و گاز و توسعه تخصص داخلی در فعالیتهای بالادستی و پایین‌دستی، کاهش شدت انرژی و افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در اقتصاد. اولویتهای دیگر عبارتند از بهبود مدیریت اقتصاد کلان، افزایش اندازه و استقلال صندوق توسعه ملی و تقویت نظام مالی و بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات. جذب سرمایه‌گذاری خارجی و بهبود کلی محیط کسب و کار و ساختار بازار رقابتی نیز از اولویتهای مطروحه در این برنامه هستند. در برخی از این حوزه‌ها، دولت در حال حاضر فعالیت‌هایی را آغاز کرده اما کارهای زیادی برای اجرای این برنامه باقی مانده است.^{۴۹۶}

اگر ایران بخواهد پتانسیل خود برای اضافه نمودن یک تریلیون دلار به تولید ناخالص داخلی و ایجاد ۹ میلیون شغل طی ۲۰ سال آینده را محقق سازد، نیاز به اقتصادی دارد که بهتر بتواند سرمایه‌گذاری خارجی، تکنولوژی و روش‌های مدیریت را جلب و جذب نماید.

در این فصل ما بر چهار حوزه از اقتصاد ایران تمرکز می‌کنیم که از نظر ما، بیشترین چالش‌ها را دارند. ایجاد شرایط اقتصاد کلان باثبات، به نقطه‌ی شروع حیاتی است. موارد دیگر، ایجاد محیط کسب و کار و قانونی جذاب، اصلاح بازار نیروی کار برای تحریک اشتغال و بهره‌وری، و نوسازی و سر و سامان دادن به نظام مالی به منظور جذب و به‌کارگیری سرمایه است. نهایتاً، در مورد نیاز ایران به ایجاد یک دستور کار برای اقدام و انجام سریع و مداوم اصلاحات، بحث می‌کنیم. شرکت‌های داخلی ایرانی نیز نیاز به اصلاحاتی خواهند داشت، زیرا از بازارهای حمایت شده، خارج و با رقابت جهانی مواجه می‌شوند. انجام برخی از این تعدیلات ممکن است در کوتاه‌مدت دشوار باشد اما انجام آنها برای موفقیت بلندمدت ضروری است. بنگاه‌های چندملیتی که به دنبال سرمایه‌گذاری یا کار در ایران هستند با چالش‌های مهمی مواجه خواهند شد که از آن جمله عبارتند از پیدا کردن و پرورش استعداد مدیریتی، انجام معاملات مالی برون‌مرزی در کوتاه‌مدت، و کار کردن در کشوری پیچیده با نااطمینانی‌های فراوان.

^{۴۹۶} هدفگذاری ۸ درصد رشد برای برنامه پنج ساله ششم، فایننشال تریبون (Financial Tribune)، ۲ ژوئیه ۲۰۱۵.

ایجاد محیط اقتصاد کلان باثبات

ایجاد سیاست‌ها و نهادهای معتبر که از محیط اقتصاد کلان باثبات پشتیبانی کنند، یک پیش شرط برای ایران است تا بتواند سرمایه‌گذاری را جذب نموده و صادرات، مصرف داخلی، اشتغال و استانداردهای زندگی را طی ۲۰ سال آینده افزایش دهد. در سال‌های قبل، اقتصاد ایران دچار بی‌ثباتی بود. رشد تولید ناخالص داخلی نوسانات شدیدی داشته و از ۷- درصد در سال ۲۰۱۲ تا ۴ درصد در سال ۲۰۱۴ تغییر کرده است. از سال ۱۹۹۷، نرخ بیکاری از ۱۰ درصد تجاوز کرده، پول ملی دچار کاهش ارزش شدید شده و تورم نیز به اوج ۴۵ درصدی خود در ژوئن ۲۰۱۳ رسیده است.^{۴۹۷} اقدامات دولت و بانک مرکزی در برخی زمان‌ها ممکن است این روند را بدتر کرده باشد. به عنوان مثال، بین سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۳ نرخ‌های بهره توسط بانک‌ها به محدوده‌ای که بانک مرکزی تعیین کرده و پایین‌تر از تورم بود تغییر کرد و این باعث انحراف وام‌دهی به سمت سرمایه‌گذاری در دارایی‌های غیرمالی و نهایتاً بدتر شدن ترازنامه بانک‌ها گردید. نرخ غیررسمی ارز که برخی اوقات تا سه برابر نرخ رسمی آن بود، باعث افزایش ریسک پول ملی و دشوارتر شدن صادرات و واردات گردید. مضاف بر این، برخی واکنش‌های سیاستی دارای نتایج ناخواسته‌ای بود؛ به عنوان مثال در دسامبر سال ۲۰۱۰، حذف برخی از یارانه‌های خاص مانند یارانه‌های انرژی - اصلاحاتی که برای تضمین پایداری مالی بلندمدت ضروری است - باعث افزایش تورم در کوتاه‌مدت در زمان پایین بودن رشد گردید.

اخیراً دولت و بانک مرکزی توفیقات قابل توجهی داشته‌اند و در پایان سال ۲۰۱۵ تورم نقطه به نقطه را به کمتر از ۱۰ درصد رسانده‌اند.^{۴۹۸} آنها همچنین نرخ ارز را مدیریت کرده و اجازه دادند که از طریق کاهش نرخ، اصلاح شده و سپس ثابت شود. بانک مرکزی برنامه‌هایی را برای همگرایی نرخ‌های رسمی و غیررسمی ارز در سال ۲۰۱۶ اعلام نموده که منوط به ارتقای روش‌های مدیریت ریسک ارز خارجی توسط بانک‌ها است. علاوه بر این، دولت کسری بودجه را در سال ۲۰۱۴ در حد یک درصد تولید ناخالص داخلی حفظ نمود و برآورد می‌کند که علیرغم کاهش شدید در قیمت‌های نفت، این کسری در سال ۲۰۱۵ هم کمتر از ۳ درصد باقی مانده باشد.^{۴۹۹}

تورم از اوج ۴۵ درصدی در سال ۲۰۱۳ به ۱۰ درصد در پایان سال ۲۰۱۵ رسیده است.

^{۴۹۷} داده‌های بیکاری و تولید ناخالص داخلی از چشم انداز اقتصادی جهان، صندوق بین‌المللی پول، اکتبر ۲۰۱۵؛ داده‌های تورم از چشم‌انداز

اقتصادی منطقه‌ای: خاورمیانه و آسیای مرکزی، صندوق بین‌المللی پول، اکتبر ۲۰۱۵.

^{۴۹۸} شاخص ماهانه قیمت مصرف کننده، مرکز آمار ایران، دسامبر ۲۰۱۵.

^{۴۹۹} چشم انداز اقتصادی جهان، صندوق بین‌المللی پول، اکتبر ۲۰۱۵.

چالش دولت و بانک مرکزی ایران، رشد و ثبات بلندمدت خواهد بود. این یک عمل موازنه‌ای خواهد بود: از یک سو فراهم کردن برخی انگیزه‌های پولی یا مالی برای شدت بخشی به رشد می‌تواند به اقتصاد کمک کند؛ از سوی دیگر، سیاست‌های کلان نباید باعث شعله‌ور شدن مجدد تورم یا ایجاد عدم توازن مالی یا انتظارات نرخ ارز گردند. اجرای شفاف این سیاست‌ها برای ایجاد اطمینان در آینده اقتصاد به منظور تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری، حائز اهمیت است. رسیدن به این توازن مستلزم یک سیاست مالی متمرکز بر رشد واقعی، یک سیاست پولی حافظ ثبات قیمت‌ها، و نهادهایی است که شفاف و قابل اعتماد هستند.

یک سیاست مالی متوازن متمرکز بر رشد واقعی

پس از سقوط قیمت نفت در سال ۲۰۱۴، سیاست مالی ایران نسبتاً محتاطانه بوده است. با حرکت به جلو، سیاست مالی باید توازن بین عواید منابع نفتی و غیرنفتی را مدنظر قرار دهد، و اینکه چگونه به بهترین نحو از عواید نفتی برای رشد بهره‌وری اقتصاد و مقاومت در برابر شوک‌های آینده استفاده کند (نگاه کنید به کادر ۳ با عنوان «مدیریت عواید نفت و گاز»). این سیاست همچنین باید مخارج دولت و کاراتر کردن و اثربخش‌تر کردن آن را نیز در نظر بگیرد.

بطور کلی، موقعیت مالی فعلی ایران - با مخارج نسبتاً پایین، بدهی کم و کسری اندک - علیرغم محیط چالش‌انگیز آن، قوی به نظر می‌رسد. بر اساس آمار صندوق بین‌المللی پول، مخارج دولت ایران بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ به طور میانگین ۱۹ درصد تولید ناخالص داخلی بود که در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ به بین ۱۵ تا ۱۶ درصد نزول کرد. این نرخ بسیار کمتر از هر کشور دیگری در خاورمیانه است، جایی که میانگین منطقه‌ای آن حدود ۳۰ درصد است.^{۵۰۰} البته این آمار اندازه بخش عمومی بزرگ‌تر را در نظر نمی‌گیرد، جایی که برآورد از اندازه اقتصادی که در کنترل یا تحت نفوذ دولت یا ارگان‌های شبه‌دولتی قرار دارد، بسیار بالاتر است.^{۵۰۱}

بر اساس گزارشات، بدهی دولت در سال ۲۰۱۵ تنها ۱۶ درصد تولید ناخالص داخلی بود، گرچه ممکن است این یک برآورد پایین باشد؛ وزارت امور اقتصادی و دارایی با استفاده از تعریفی بسیط‌تر بیان داشته که بدهی دولت می‌تواند نزدیک به ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی باشد.^{۵۰۲} این در مقابل

^{۵۰۰} چشم‌انداز اقتصادی منطقه‌ای: خاورمیانه و آسیای مرکزی، صندوق بین‌المللی پول، اکتبر ۲۰۱۵. این، اطلاعات ۲۲ کشور در خاورمیانه، شمال آفریقا، افغانستان و پاکستان را مقایسه می‌کند.

^{۵۰۱} بر اساس آمار بانک مرکزی ایران، اندازه کل بخش عمومی به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی، از میانگین حدود ۳۰ درصدی در دهه ۱۹۸۰ به بیش از ۶۰ درصد در سال ۲۰۰۴ رسید. حسین بازمحمدی و اکبر چشمی، اندازه دولت در اقتصاد ایران، بانک مرکزی ایران، اوت ۲۰۰۷.

^{۵۰۲} چشم‌انداز اقتصادی جهان، صندوق بین‌المللی پول، آوریل ۲۰۱۵.

نسبت بدهی دولت به تولید ناخالص داخلی در اکثر اقتصادهای پیشرفته قرار می‌گیرد که بیشتر از ۵۰ درصد است. علیرغم سطوح نسبتاً پایین بدهی، موضوعاتی در مورد نحوه تأمین مالی آن وجود دارد. در غیاب بازارهای اولیه و ثانویه برای بدهی دولت، نهادهای دولتی کسری خود را یا از طریق اخذ وام از بانک‌ها و یا با تأخیر در پرداخت به پیمانکاران تأمین می‌کنند. این باعث محدودشدن منابع بانک‌ها برای اعطای وام به بخش خصوصی می‌گردد و بر توانایی پیمانکاران دولت برای ایفای تعهدات مالی خود نیز تأثیر می‌گذارد. این امر به نوبه خود باعث تجمع استقراض بخش خصوصی و موجب تأخیر و هزینه‌های اضافی برای شرکت‌هایی می‌شود که روی پروژه‌های دولت کار می‌کنند. دولت اخیراً اولین گام را برای تنظیم بدهی دولت و ایجاد یک بازار برای آن برداشته است. در سپتامبر ۲۰۱۵ دولت برای اولین بار اسناد خزانه قابل خرید و فروش را در بازار بورس تهران منتشر نمود.

مبتنی بر تراز مالی کلی ایران، دولت نیاز به خرج کردن اثربخش و گسترش پایه درآمدی خود را تشخیص داده است. در طرف درآمد، دریافت‌های دولت به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی نسبتاً کم است و از نرخ تاریخی بیش از ۲۰ درصد در سال ۲۰۱۰ به حدود ۱۴ درصد در سال ۲۰۱۴ رسیده است.^{۵۰۳} این سطح از دریافت‌ها، با مخارج نسبتاً کم دولت همراه بوده است؛ در واقع، کسری دولت در ایران در ۱۴-۲۰۱۳ به طور میانگین کمتر از ۲ درصد تولید ناخالص داخلی بوده است.^{۵۰۴}

در حالی که درآمد نفت و گاز بخش مهمی از دریافت‌های دولت هستند اما اقتصاد ایران در بین کشورهای تولیدکننده نفت در خاورمیانه کمترین وابستگی را به نفت و گاز دارد. در سال ۲۰۱۴ گزارش شده که درآمد دولت ایران از نفت و گاز کمتر از درآمدهای مالیاتی بوده است.^{۵۰۵} با این حال، وابستگی به منابع در بی‌ثباتی مالی نقش دارد. در سال ۲۰۱۳ حدود ۴۳ درصد درآمد دولت ایران از ناحیه نفت بود و کاهش قیمت‌های جهانی نفت و گاز به همراه تشدید تحریم‌ها باعث ایجاد ضرر گردید: درآمد ۵۱ میلیارد دلاری دولت از نفت در سال ۲۰۱۱ به ۲۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ رسید. نسبت به دیگر کشورهای تولیدکننده نفت - که به طور میانگین ۵/۵ درصد مازاد بین سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۲ داشتند - کسری پایین ایران می‌تواند نشان‌دهنده از دست دادن فرصت‌ها برای استفاده از محیط مساعد قیمتی نفت برای کاهش بدهی دولت و افزایش سرمایه‌گذاری باشد.^{۵۰۶}

^{۵۰۳} چشم انداز اقتصادی جهان، صندوق بین‌المللی پول، اکتبر ۲۰۱۵؛ دریافت‌ها شامل مالیات‌ها، سهم تأمین اجتماعی، کمک‌های دریافتی، و دیگر منابع می‌گردد.

^{۵۰۴} چشم‌انداز اقتصادی منطقه‌ای: خاورمیانه و آسیای مرکزی، صندوق بین‌المللی پول، اکتبر ۲۰۱۵. ارقام کسری ایران در منابع آماری مختلف، به صورت متفاوتی گزارش شده است.

^{۵۰۵} «برای اولین بار طی تقریباً ۵۰ سال گذشته، درآمد ایران از مالیات بیشتر از نفت است»، گاردین، ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۵.

^{۵۰۶} همان.

افزایش صادرات نفت پس از تحریم‌ها، می‌تواند به معکوس شدن این روند کمک کند و دولت در حال حاضر به توفیقاتی در پوشش بیشتر مخارج خود از محل درآمدهای غیرنفتی دست یافته است. به عنوان مثال، سهم مالیات ارزش افزوده - که ابتدا با نرخ ۳ درصد شروع شد و به ۸ درصد افزایش یافت - از تولید ناخالص داخلی از ۰/۸ درصد در سال ۲۰۱۲ به ۱/۵ درصد در سال ۲۰۱۴ افزایش یافت. همچنین برنامه‌هایی برای افزایش نرخ مالیات، کاهش معافیت‌های مالیاتی و بهبود جمع‌آوری مالیات وجود دارد.^{۵۰۷}

علاوه بر پایه درآمدی گسترده‌تر، مخارج دولت باید بر حوزه‌هایی مانند آموزش، سلامت و زیرساخت متمرکز شود که در بلندمدت اثربخش‌ترین افزایش را در بهره‌وری و رشد موجب می‌شوند. دولت باید یارانه‌ها را در طول زمان فازبندی کند تا هم اقتصاد بازیابی شود و هم سطح درآمد خانوارها افزایش یابد. با استفاده از پرداخت هدفمند برای کمک به نیازمندترین‌ها، دولت می‌تواند یک خط سیر به سمت قیمت‌های بازاری بر اساس هزینه ایجاد نماید، در حالی که تورم و کسری دولت را نیز کنترل می‌کند.

کادر ۳. مدیریت درآمدهای نفت و گاز

همانطور که دولت ایران خود را برای افزایش احتمالی درآمدهای نفت و گاز پس از لغو تحریم‌های بین‌المللی آماده می‌کند، باید از تجربه خود در مورد مدیریت درآمدهای بادآورده درس بگیرد تا اطمینان حاصل کند که اشتباهات، مجدداً تکرار نمی‌شوند.

پس از شروع افزایش شدید قیمت نفت در سال ۱۹۷۳، اقتصاد ایران وارد مرحله‌ی ناپایداری شد که تا اواخر دهه ۱۹۸۰ ادامه داشت. پس از این دوره، دوره‌ای از سرمایه‌گذاری بالا بود اما ذخایر کمی اندوخته شد و استقراض کوتاه‌مدت زیادی صورت گرفت. این منجر به بحران تراز پرداخت‌ها در سال ۱۹۹۳ و کاهش شدید سرمایه‌گذاری گردید. از اوایل دهه ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲، یک حساب پس‌انداز عواید نفت و گاز توسط دولت ایجاد شد اما از آن به جای سرمایه‌گذاری مولد، بیشتر برای وام‌های داخلی و یارانه‌ها استفاده می‌شد. این باعث آسیب‌پذیر شدن اقتصاد در برابر شوک‌های خارجی گردید که در کنار عوامل دیگر، منجر به سقوط ارزش ریال، تورم بالا و کاهش سرمایه‌گذاری و رشد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۲ شد.^{۵۰۸}

^{۵۰۷} داده‌های مالیات از مرور سالانه ۱۳۹۲ (۲۰۱۳/۱۴)، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

^{۵۰۸} هادی اصفهانی، «تجربه ایران با پول‌های بادآورده نفتی»، فصلنامه اقتصادی خاورمیانه و شمال آفریقا، شماره ۵، بانک جهانی، ژوئیه ۲۰۱۵؛ داده‌های رشد از شاخص‌های توسعه جهانی، بانک جهانی، ۲۰۱۵.

تحقیقات مؤسسه جهانی مکنزی بیان می‌دارد که این نوع از ناپایداری، برای کشورهای دارای منابع غنی، امری غیرمعمول نیست، کشورهایی که بسیاری از آنها در تبدیل ثروت طبیعی خود به رفاه بلندمدت برای مردمشان با مشکل مواجه هستند. از سال ۱۹۹۵، بیش از نیمی از این کشورها نتوانسته‌اند با میانگین نرخ رشد جهانی خود را تطبیق دهند. تعداد کمی از آنها رشد را به رفاه و رونق همه جانبه تعبیر کرده‌اند، و تنها یک سوم از آنها توانسته‌اند رشد را سوای از توسعه منابع حفظ کنند.^{۵۰۹}

یک همبستگی منفی بین درآمد منابع طبیعی و رشد وجود دارد، که این در کشورهای با قدرت نهادی کمتر، حتی شدیدتر نیز هست.^{۵۱۰} این کشورها در پس‌انداز کردن ثروت ناشی از منابع طبیعی و سرمایه‌گذاری مولد آنها با دشواری مواجه هستند.

در مورد پس‌انداز، برخی از مشکلات این است که درآمدهای بادآورده به راحتی در رقابت‌های جناحی مصرف می‌شوند و اینکه از این وجوه در برابر بی‌ثباتی قیمت کالاها محافظت نشده است. دولت ایران در حال حاضر برنامه خود را کاهش سهم درآمدهای نفتی از کل درآمد بودجه اعلام کرده که این کار عمدتاً از طریق افزایش درآمد مالیاتی صورت می‌پذیرد. دولت همچنین به دنبال تقویت صندوق توسعه ملی است که ۳۰ درصد از درآمدهای نفت و گاز را دریافت می‌کند. این منابع به ۳۱ اولویت تعیین شده در برنامه ششم توسعه دولت ۲۰۱۶-۲۱ تعلق دارد. به طور ویژه، دولت به دنبال ایجاد یک رابطه مستقل با بانک مرکزی و بودجه است تا احتمالاً مانع انحراف دارایی‌های صندوق برای اهداف کوتاه‌مدت سیاسی و مالی گردد.^{۵۱۱}

دولت همچنین باید درآمدهای نفت و گاز را بادقت و به گونه‌ای سرمایه‌گذاری کند که شرایط خاص ایران را منعکس کند. کشورهای کم‌سرمایه مانند ایران به نسبت کشورهای ثروتمندتر مانند نروژ، احتمالاً از سهم بیشتری از پس‌انداز منابع خود را سرمایه‌گذاری می‌کنند. داده‌های شاخص مدیریت سرمایه‌گذاری عمومی نشان می‌دهند که در کشورهای در حال توسعه، کمتر از نیمی از سرمایه‌گذاری‌ها به سرمایه مولد تبدیل می‌شوند و این وضعیت در کشورهای با درآمد نفتی بالا، بسیار

^{۵۰۹} برگرداندن نفرین: حداکثر کردن پتانسیل اقتصادهای منابع محور، مؤسسه جهانی مکنزی، دسامبر ۲۰۱۳.

^{۵۱۰} فردریک ون در پلوگ و آنتونی جی. ونابلز، «ثروت منابع طبیعی: چالش مدیریت ثروت بادآورده»، مرور سالانه اقتصاد، جلد ۴، سپتامبر

۲۰۱۲.

^{۵۱۱} هدفگذاری ۸ درصد رشد برای برنامه پنج ساله ششم، فایننشال تریبون (Financial Tribune)، ۲ ژوئیه ۲۰۱۵.

وخیم‌تر است. مواجهه با ریسک مستلزم یک فرآیند بازبینی اساسی برای سرمایه‌گذاری عمومی است، که یکی از عوامل موفقیت چشمگیر بوتسوانا^{۵۱۲} با منابع عظیم طبیعی بود.^{۵۱۳}

چنین فرآیندی برای صندوق توسعه ملی ایران که ۱۰۰ میلیارد دلار در برنامه پنج ساله به پروژه‌های سرمایه‌ای با پتانسیل رشد بالا مانند پتروشیمی اختصاص داده نیز حائز اهمیت است. نهایتاً سرمایه‌گذاری دقیق می‌تواند به کاهش اثر بیماری هلندی از طریق تقویت بهره‌وری و افزایش اشتغال به جای صرف فشار به دستمزدها به سمت سطوح غیررقابتی، کمک کند.

کشورهای با منابع غنی، با یک پارادوکس مواجه هستند؛ کشورهای غنی که اساساً نیاز به نهادهایی برای حمایت از منابع عمومی دارند، احتمال کمتری دارد که از این نوع نهادها برخوردار باشند. ایران در حال حاضر از داشتن یک اقتصاد متنوع، ترتیبات نهادی برای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری وجوه عمومی، و برنامه‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت، منتفع می‌شود. تقویت این نهادها و تبدیل درآمد صادرات نفت و درآمدهای احتمالی جدید گاز به سرمایه‌گذاری در زیرساخت و سرمایه انسانی، به انتخاب‌های سیاستی درست بستگی دارد.

یک سیاست پولی برای حفظ ثبات قیمت‌ها و بازار ارز

ایران در حال خروج از دوره‌ای از بی‌ثباتی شدید اقتصادی و پولی است که جلوه‌های آن، افزایش شدید تورم مصرف‌کننده، گسترش سریع عرضه پول، نرخ‌های بهره واقعی منفی که بین سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۳ بطور میانگین ۱۰- بود، و دو سال انقباض تولید ناخالص داخلی بود (شکل ۲۸). دو اقدام دولت سابق باعث تشدید بی‌ثباتی پولی گردید. اول اینکه دولت اقدامات اولیه را برای اصلاح یارانه غذا و انرژی در سال ۲۰۱۰ انجام داد اما آزادسازی نسبی قیمت‌ها درآمد کافی برای پوشش هزینه پرداخت وجوه جبرانی نقدی (یارانه) به شهروندان را تأمین نمی‌کرد و این منجر به ایجاد بار مالی سنگین برای دولت شد. دوم اینکه دولت یک برنامه مسکن قابل خرید با عنوان پروژه مسکن مهر ایجاد کرد که از ساخت بیش از ۱/۵ میلیون واحد مسکونی بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ با قیمتی پایین‌تر از نرخ‌های متداول بازار پشتیبانی می‌کرد.^{۵۱۴} بخش عمده تأمین مالی برای این دو برنامه از طریق انتشار پول صورت می‌گرفت و این نیز خود منجر به تورم سنگین در کشور شد.

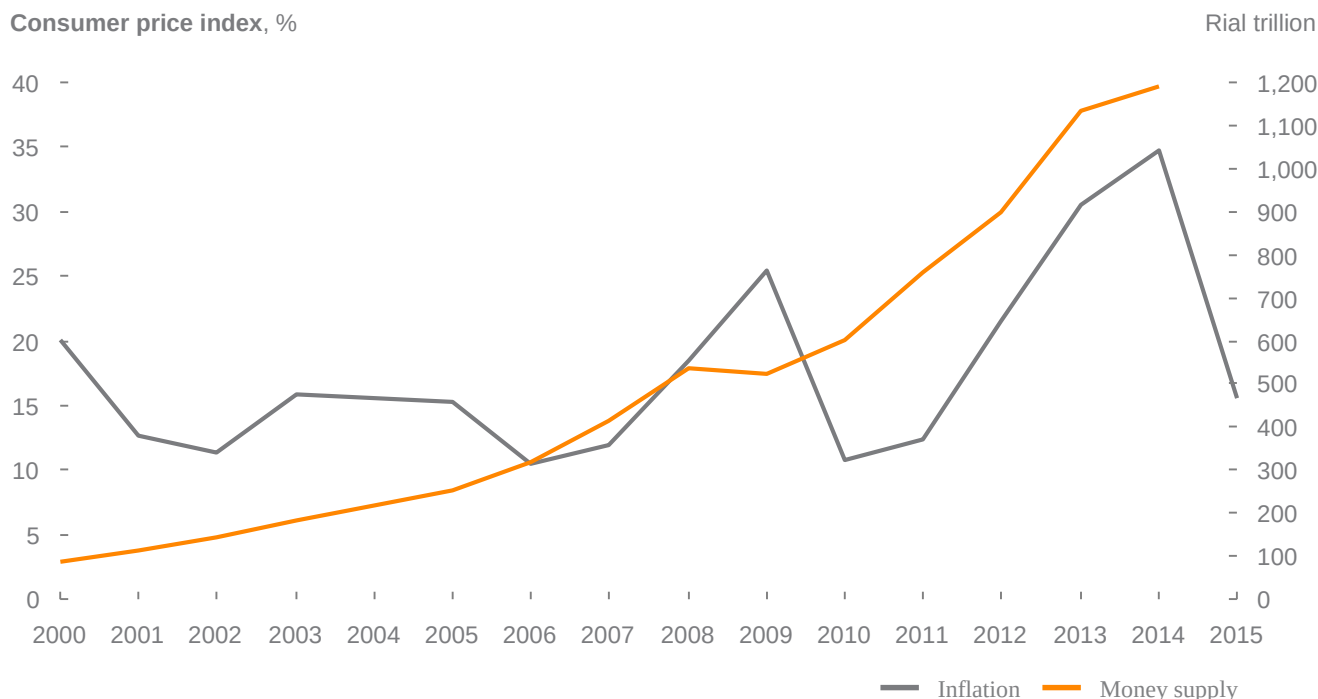
^{۵۱۲} Botswana

^{۵۱۳} فردریک ون در پلوگ و آنتونی جی. ونابلز، «ثروت منابع طبیعی: چالش مدیریت ثروت بادآورده»، مرور سالانه اقتصاد، جلد ۴، سپتامبر ۲۰۱۲.

^{۵۱۴} «گزارش عملکرد طرح مسکن مهر در حوزه‌های شهری»، معاونت مسکن وزارت راه و شهرسازی، ۲۰۱۵.

شکل ۲۸

تورم بالا و پرنوسان بوده و عرضه پول به میزان قابل توجهی افزایش داشته است



NOTE: Data points are for March, Iranian year end. Money consists of currency in circulation and sight deposits. Inflation calculated as average annual rate.

SOURCE: Central Bank of Iran; McKinsey Global Institute analysis

اخیراً، دولت اقداماتی را برای کنترل تورم صورت داده که منجر به سقوط تورم در فاصله زمانی سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۵ شده است. این کار عمدتاً از طریق تثبیت نرخ ارز علیرغم شوک ناشی از کاهش شدید قیمت نفت، تحکیم پایه پولی و مخارج، و برداشتن گام‌های اولیه برای بهبود کارایی عملیاتی بانک مرکزی، انجام شد. در نتیجه، تورم قیمت مصرف‌کننده از اوج ۴۵ درصدی خود در سال ۲۰۱۳ به ۱۰ درصد در پایان ۲۰۱۵ کاهش یافته است. حکومت به دنبال تکریمی کردن تورم تا مارس ۲۰۱۷ است.^{۵۰} در ادامه ایران با دو چالش مهم سیاست پولی مواجه می‌شود: حفظ بیشتر نرخ ارز قابل پیش‌بینی و اجرای سیاست پولی که هدف آن تثبیت قیمت‌ها است و در عین حال بی‌جهت مانع رشد نمی‌گردد.

^{۵۰} «گزارش پایانی مأموریت هیأت مشاوره‌ای ماده ۴ صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۱۵ به جمهوری اسلامی ایران»، خبر صندوق بین‌المللی پول، ۵ اکتبر ۲۰۱۵.

▪ **تثبیت نرخ ارز:** بین ژانویه ۲۰۱۱ و ژانویه ۲۰۱۴ نرخ تبدیل رسمی دلار به ریال ۶۰ درصد تنزل داشت و نرخ غیررسمی ۷۰ درصد کاهش یافت.^{۵۱۶} این باعث ایجاد شکاف بین نرخ ارز رسمی و غیررسمی شد و فشار تورمی را افزایش داد. با پیوستن ایران به اقتصاد جهانی، اثرات بر نرخ ارز آن غیرقابل پیش‌بینی است. از یک سو، رشد نسبتاً سریع بهره‌وری و مازاد تجاری ناشی از افزایش صادرات نفت و گاز، احتمالاً فشار رو به بالا به نرخ ارز وارد خواهد کرد. از سوی دیگر آزادی تجارت منجر به افزایش واردات و در نتیجه افزایش تقاضای ارز خارجی نسبت به ریال می‌گردد. با توجه به این نااطمینانی، بانک مرکزی باید آماده استفاده از ذخایر ارزی و دیگر ابزارهای سیاست پولی برای حفظ ثبات ارز باشد. همچنین باید مدیریت به سمت همگرایی نرخ‌های رسمی و غیررسمی ارز -هدفی که بانک مرکزی نیز آن را اعلام نموده- پیش برود اما اثر آن بر ثبات قیمت‌ها و نتایج تورمی احتمالی هم باید به دقت مدیریت گردد.

▪ **کنترل تورم بدون محدود کردن رشد:** بانک مرکزی ایران در حال تقویت کنترل خود بر پایه پولی است و رشد عرضه پول از ۲۶/۶ درصد در سال ۲۰۱۲ به ۵/۲ درصد در سال ۲۰۱۳ و ۱/۰ درصد در سال ۲۰۱۴ کاهش یافته است.^{۵۱۷} تعهد دائم دولت برای مدیریت مخارج، با حذف تأمین مالی پروژه مسکن مهر از ترازنامه بانک مرکزی و رشد بیشتر پول از طریق نرخ‌های بالاتر برای سود اوراق مشارکت -یا متناظر نرخ بهره- تحکیم شده است.^{۵۱۸} در واقع، در سال ۲۰۱۴ نرخ‌های بهره واقعی برای اولین بار از سال ۲۰۰۹ مثبت گردید، اگرچه میزان ۱۸/۵ درصدی نرخ‌های بهره اسمی در مارس ۲۰۱۶ هنوز هم بالا هستند.^{۵۱۹} در ایران، توانایی بانک مرکزی برای مدیریت نرخ بهره بدون گسترش پایه پولی و منجر شدن به تورم و بی‌ثبات‌سازی نظام مالی، تحت تأثیر منفی مؤسسات مالی غیرمجاز با استانداردهای ریسک پایین است که نرخ‌های سود سپرده بالاتری را نسبت به بانک‌های رسمی پیشنهاد می‌کنند. بانک مرکزی اخیراً اقداماتی را در این خصوص انجام

^{۵۱۶} «جمهوری اسلامی ایران: گزارش مأموریت هیأت مشاوره‌ای ماده ۴ در سال ۲۰۱۴؛ خبرگزاری؛ و اظهارات مدیر اجرایی برای ایران»، صندوق بین‌المللی پول، آوریل ۲۰۱۴.

^{۵۱۷} مرور سالانه ۱۳۹۲ (۲۰۱۳/۱۴) و ارقام کلی پولی و اعتباری برای سال ۱۳۹۳ (۲۰۱۴/۱۵)، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. ملاحظه: شامل پول در گردش و سپرده‌های دیداری نیز می‌باشد.

^{۵۱۸} «جمهوری اسلامی ایران: گزارش مأموریت هیأت مشاوره‌ای ماده ۴ در سال ۲۰۱۴؛ خبرگزاری؛ و اظهارات مدیر اجرایی برای ایران»، صندوق بین‌المللی پول، آوریل ۲۰۱۴.

^{۵۱۹} «برنامه دولت برای خروج از رکود و افزایش تسهیلات مسکن به ۱۶۰۰ میلیون ریال برای زوجین»، پورتال اطلاع رسانی دولت، www.dolat.ir، ۲ مارس ۲۰۱۶.

داده که از آن جمله انتشار فهرست اسامی مؤسسات مالی مجاز و ارجاع مؤسسات غیرمجاز به دادگاه برای مجازات کیفری است.

علیرغم این پیشرفت‌ها، مدیریت تورم و نرخ‌های ارز هنوز هم یک چالش است. ایران نیاز به گذار به سمت سیاست نرخ ارز ثابت دارد در حالی که موضوعات نقدینگی و قدرت پرداخت دین را نیز در سیستم بانکی مدیریت می‌کند. بانک مرکزی می‌تواند این قدرت را داشته باشد که یک مسیر گذر معتبر را برای ریال تعیین و مدیریت نماید به گونه‌ای که بر تورم متمرکز باشد، در حالی که رشد و رقابت‌پذیری را هم مدنظر قرار می‌دهد. یک بررسی مستقل از سیستم بانکی اعلام نمود که گام‌های مهم اولیه به سمت اصلاحات برداشته‌شده و برنامه‌های قوی اتخاذ شده است، اگرچه اجرای آن باید تسریع شود.^{۵۲۰}

ترکیه چنین گذاری را مدیریت کرده است. این کشور شروع به انجام اصلاحات ساختاری و خصوصی‌سازی بانک‌ها پس از بحران بانکی در سال ۲۰۰۰ نمود و در سال ۲۰۰۱ به بانک مرکزی خود استقلال کامل داد. بانک مرکزی به کاهش تورم از بیش از ۵۴ درصد در سال ۲۰۰۱ به کمتر از ۹ درصد در سال ۲۰۰۴ ادامه داد، و نتیجه اینها بازگرداندن قدرت مالی به اقتصاد و ساختن اعتماد لازم برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی بود.^{۵۲۱}

نهادهایی که برای سرمایه‌گذاران، شفاف و معتبر هستند

شرکت‌ها و شهروندان نه تنها به شرایط اقتصادی جاری بلکه نسبت به انتظارات از آینده هم واکنش نشان می‌دهند. اگر دولت و بانک مرکزی بخواهند اعتماد را در انتظارات از ثبات اقتصاد کلان القاء کنند، باید شفافیت و اعتبار را ارتقا داده و شرکت‌ها را قادر به ارزیابی و مدیریت ریسک سرمایه‌گذاری‌های خود نمایند. برخی عناصر کلیدی این تشکیلات نهادی عبارتند از:

- به جریان انداختن برنامه‌های مالی میان‌مدت با فروض معتبر، بر پایه آمار شفاف از آژانس‌های آماری مستقل، به منظور کسب یک رتبه اعتباری قوی.

^{۵۲۰} «جمهوری اسلامی ایران: گزارش مأموریت هیأت مشاوره‌ای ماده ۴ در سال ۲۰۱۴؛ خبرگزاری؛ و اظهارات مدیر اجرایی برای ایران»، صندوق بین‌المللی پول، دسامبر ۲۰۱۵.

^{۵۲۱} چشم انداز اقتصادی جهان، صندوق بین‌المللی پول، اکتبر ۲۰۰۹؛ بررسی‌های اقتصادی سازمان همکاری اقتصادی و توسعه: ترکیه ۲۰۰۱-۲۰۰۰.

▪ استفاده از بهترین استانداردهای بین‌المللی برای تهیه حساب‌های دولت که هم درآمد و مخارج و هم دارایی‌ها و بدهی‌ها را نشان می‌دهد، به منظور تضمین شفافیت و قابلیت مقایسه با دیگر کشورها.

▪ بررسی مستقل برنامه‌های مالی دولت، به عنوان مثال توسط نهادهای بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول.^{۵۲۲}

▪ یک بانک مرکزی مستقل با مسئولیت‌پذیری در مورد ثبات قیمت‌ها و شفافیت فرآیند تصمیم‌گیری.

رقابتی‌تر کردن محیط کسب و کار و قانونگذاری

برای تقویت بخش خصوصی و جذب سرمایه‌گذاری قابل توجه، ایران باید یک رشد سریع و پایدار ایجاد نماید و دولت، انجام کسب و کار در ایران را تسهیل کند.

سه گروه عمده از پرورش محیط کسب و کار جذاب و پایدار منتفع می‌شوند: کارآفرینان داخلی که به دنبال توسعه یا شروع عملیات هستند؛ ایرانیان مقیم خارج که به دنبال سرمایه‌گذاری در ایران هستند؛ و شرکت‌های چندملیتی که با خود تکنولوژی، تخصص و روش‌های بهینه مدیریت و در کنار آن زنجیره‌های عرضه و فرآیندهای کسب و کار را به ایران می‌آورند که می‌تواند به ارتقای محیط کسب و کار ایران کمک کند. این می‌تواند آغاز یک چرخه افزایش ارزش و بهبود کیفیت و رقابت‌پذیری باشد که می‌تواند ایران را قادر سازد که مانع از بروز مصیبت منابع (که برای کشورهای غنی از نظر منابع طبیعی اتفاق می‌افتد) گردد، که عمدتاً به فروش مواد خام بدون ایجاد ارزش در آنها از طریق استخراج و فرآوری‌های اصلی اطلاق می‌شود.^{۵۲۳}

در حال حاضر، امتیازات ایران در رتبه‌بندی‌های جهانی به عنوان یک مقصد سرمایه‌گذاری، پایین است. این کشور در شاخص‌های کسب و کار ۲۰۱۶ بانک جهانی دارای رتبه ۱۱۸ در بین ۱۸۹ کشور است و در گزارش رقابت‌پذیری جهانی ۱۶-۲۰۱۵ مجمع جهانی اقتصاد، رتبه ۷۴ در بین ۱۴۰ کشور را کسب کرده است.^{۵۲۴} برای جذب سرمایه‌گذاری، دولت باید با چالش‌های متعددی در محیط کسب و کار مواجه شود: باید ابزارهای حمایتی مانند تعرفه‌ها و یارانه‌ها را که بازار را مختل کرده و مانع

^{۵۲۲} به عنوان مثال نگاه کنید به، توصیه‌های شورای اصول مؤسسات مالی مستقل، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، فوریه ۲۰۱۴.

^{۵۲۳} برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به معکوس کردن نفرین: حداکثر کردن پتانسیل اقتصادهای منابع محور، مؤسسه جهانی مکنزی، دسامبر ۲۰۱۳.

^{۵۲۴} شاخص انجام کسب و کار ۲۰۱۶: سنجش کیفیت و کارایی قانونگذاری، بانک جهانی، اکتبر ۲۰۱۵؛ گزارش رقابت‌پذیری جهانی ۲۰۱۶ - ۲۰۱۵، مجمع جهانی اقتصاد، سپتامبر ۲۰۱۵.

رقابت‌پذیری می‌شوند، اصلاح نماید، تشریفات اداری را به منظور بهبود هزینه و سهولت انجام کسب و کار کاهش دهد، و تضامین حقوقی و شفافیت را بهبود بخشد.

انجام کسب و کار در ایران باید بسیار آسان‌تر شود.

محدود کردن حمایت از تولیدات داخلی به منظور تقویت رقابت و سرمایه‌گذاری

سیاست‌های اقتصادی همچون نرخ‌های ترجیحی ارز و تعرفه‌های بالای واردات، که برای حمایت از صنایع داخلی طراحی شده‌اند، مانع پیشرفت‌های رقابتی در ایران شده‌اند. به عنوان مثال، در حال حاضر تعرفه واردات خودرو تا ۷۵ درصد است، در حالی که این رقم در مکزیک ۷ درصد و در ترکیه ۳ درصد است.^{۵۲۵} برخی از بخش‌ها به طور کامل یا جزئی به روی سرمایه‌گذاران خارجی بسته شده‌اند. اصل ۱۵۳ قانون اساسی ایران، کنترل خارجی بر منابع نفت و گاز را ممنوع کرده و در زمینه مالی نیز، قانون، مالکیت کامل خارجی بر بانک‌ها را تا همین اواخر ممنوع کرده بود. قوانین مالکیت در بخش مخابرات ایران، حداقل ۵۱ درصد مالکیت داخلی را تصریح می‌کند. پایان دادن به اختلالات بازار ناشی از تعرفه‌های بالا و مقررات‌زدایی از بخش‌های حمایت‌شده، می‌تواند گام‌های اساسی اولیه باشد که منجر به افزایش رقابت، افزایش کیفیت کالاها و خدمات، و کاهش هزینه انجام کسب و کار در ایران می‌گردد.^{۵۲۶}

تعرفه‌ها و ابزارهای حمایتی لزوماً مخرب نیستند. ایران ۶۵ درصد عوارض واردات بر تمام محصولات دارویی تحمیل می‌کند که در داخل کشور تولید می‌شوند، تجربه‌ای که عمدتاً توسط اقتصادهای در حال ظهور به منظور توسعه صنایع دارویی داخلی و دستیابی به خودکفایی دارویی مورد استفاده قرار گرفته است.^{۵۲۷} به علاوه، تعرفه‌های بالا برای ورود فولاد تعیین شده تا از تولیدکنندگان داخلی فولاد در برابر دامپینگ حمایت شود. ابزارهای حمایتی به شرکت‌های داخلی ایرانی اجازه داده بدون کارایی بالا، رونق داشته باشند. در بسیاری از بخش‌ها، از محصولات آرایشی و کالاهای مصرفی تا خودرو، شرکت‌های ایرانی نیروی کامل رقابت را کنار گذاشته‌اند. این تا حدی آمار پایین بهره‌وری اشاره شده در فصل ۲ را توضیح می‌دهد.

^{۵۲۵} پایگاه داده جامع تجارت جهانی، بانک جهانی.

^{۵۲۶} شانائیانان دوارجان و لیلی متقی، «استنباط‌های اقتصادی لغو تحریم‌های ایران»، فصلنامه اقتصادی خاورمیانه و شمال آفریقا، بانک جهانی،

ژوئیه ۲۰۱۵.

^{۵۲۷} گزارش محصولات دارویی و مراقبت بهداشتی ایران، فصل سوم ۲۰۱۵، مؤسسه بین‌المللی بیزنس مانیتر، سپتامبر ۲۰۱۵.

کاهش تعرفه در صنایع متعدد می‌تواند یک مزیت قیمتی کوتاه‌مدت برای مصرف‌کنندگان ایرانی از طریق افزایش رقابت فراهم کند. این کار همچنین یک مزیت بلندمدت برای بنگاه‌ها و اقتصاد دارد زیرا نیروهای رقابتی بین‌المللی باعث افزایش کارایی و کیفیت می‌گردند. در تلاش برای جذب سرمایه‌گذاری و تخصص بین‌المللی و در عین حال حفظ نظام تعرفه، ایران تعدادی مناطق آزاد تجاری را ایجاد نموده که دارای مشوق‌های تعرفه‌ای، معافیت‌های گمرکی و روادید، و بانکداری، بیمه و مقررات نیروی کار کاراتری هستند. سابقه تاریخی مناطق آزاد تجاری در ایران به دهه ۱۹۷۰ برمی‌گردد و اخیراً به ۷ منطقه آزاد تجاری و ۱۶ منطقه ویژه اقتصادی گسترش یافته است.^{۵۲۸} در همین زمان، چارچوب‌های قانونی و تنظیمی حاکم بر مناطق آزاد هم توسعه یافته‌اند. حدود ۴۵ چارچوب، آیین‌نامه و تصویب‌نامه در مورد اداره مناطق آزاد وجود دارد که پتانسیل شرکت‌ها برای دستیابی به مزایای هزینه‌ای و کارایی ارائه شده توسط مناطق آزاد را کاهش می‌دهند.^{۵۲۹}

همانطور که کشور به روی سرمایه‌گذاری و کسب و کار بین‌المللی گشوده می‌شود، دولت احتمالاً از داخل تحت فشار قرار خواهد گرفت تا از شرکت‌های داخلی به نحوی از انحاء نظیر به‌کارگیری یارانه‌ها، تعرفه‌ها، یا دیگر برنامه‌های ترجیحی حمایت کند. در حالی که هدف بلندمدت، ایجاد اصلاحات است اما ممکن است دلایلی برای فازبندی آن وجود داشته باشد. تغییر باید به موقع و با مدیریت دقیق صورت گیرد تا مانع آسیب بی‌جهت به صنایعی شود که شانس دوام و ماندن را دارند اما به مدتی زمان برای تعدیل نیاز دارند، یا بخش‌هایی مانند خودروسازی که دارای اشتغال زیادی هستند. در همین حال، سیاست‌ها نباید مانع دستیابی ایرانیان به بهترین محصولات و خدمات جهانی با قیمت‌های رقابتی شوند.

دولت می‌تواند این اثرات را بر شرکت‌های داخلی از طریق ترغیب ایجاد سرمایه‌گذاری‌های مشترک، ارائه مجموعه‌ای از اصلاحات مالی که جریان اعتبار به شرکت‌ها با هر اندازه‌ای را بهبود بخشد، و پشتیبانی از اقدامات شرکت‌های ایرانی برای ارتقای تکنولوژی از جمله از طریق کمک‌های تحقیق و توسعه، کاهش دهد. دولت همچنین می‌تواند سیاست‌های تأمین اجتماعی و سیاست‌های معطوف به بازار کار خود را تعدیل کند و بر بهبود مهارت و آموزش کارکنان ایرانی برای مواجهه بهتر با جابجایی کوتاه‌مدت نیروی کار در نتیجه ورود رقابت جدید بین‌المللی، تمرکز نماید.

^{۵۲۸} دولت ایران، www.freezones.ir.

^{۵۲۹} راهنمای حقوقی برای سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری صنعتی و مناطق ویژه اقتصادی ایران، پیشروهای انرژی، فوریه ۲۰۱۶.

اصلاح یارانه و مقررات برای حذف انحرافات قیمت، ضروری هستند

دیگر انحرافات بازار که بر محیط کسب و کار ایران اثرگذار هستند، یارانه‌ها و تنظیم متمرکز قیمت‌های خرده‌فروشی است. قیمت برخی از کالاهای اساسی مانند انرژی، برخی مواد غذایی، و کالاهای پزشکی به طور تصنعی پایین است. قیمت‌های مصرف‌کننده در خدمات مالی، مخابرات و کشاورزی به سختی تحت تنظیم و مقررات هستند.

یارانه‌ها در ایران از قدیم، به ویژه در مورد انرژی، بالا بوده است؛ در سال ۲۰۰۹ کل یارانه‌ها بالغ بر ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی بود که این یکی از بالاترین نسبت‌ها در جهان بود و حتی پس از سال‌ها تلاش برای اصلاح، هنوز هم بالا هستند.^{۵۳۰} در سال ۲۰۱۴ ایران متحمل ۷۸ میلیارد دلار یارانه سوخت‌های فسیلی شد، در حالی که این رقم در هند ۳۸ میلیارد دلار و در چین ۱۷ میلیارد دلار بود.^{۵۳۱} تقریباً ۸۰ درصد یارانه در ایران به صورت غیرمستقیم است و در قالب قیمت‌های تصنعی پایین انرژی است که توسط تأسیسات دولتی دریافت می‌شود و متحمل هزینه فرصت قیمت‌گذاری انرژی در سطوح کمتر از بازار می‌شوند. ۲۰ درصد باقیمانده به صورت مستقیم هستند که بخشی از بودجه دولت بوده و عمدتاً به بخش کشاورزی و مواد غذایی اختصاص یافته است.

دولت اقداماتی را برای جایگزینی یارانه‌ها با پرداخت نقدی صورت داده است.^{۵۳۲} در سال ۲۰۱۰، ایران طرح هدفمند کردن یارانه‌ها را تصویب نمود که قیمت‌های انرژی - شامل بنزین، گازوئیل، برق و گاز طبیعی - را تا حدود قیمت‌های متناظر در بازار جهانی افزایش داد. به عنوان مثال، قیمت گازوئیل یارانه‌ای در ایران چهار برابر شد و از ۰/۱ دلار در هر لیتر به ۰/۴ دلار رسید.^{۵۳۳} برای جبران افزایش قیمت‌های انرژی، دولت پرداخت‌های مستقیم را به مردم انجام داد. درآمد اضافی انرژی برای تأمین کامل پرداخت‌های نقدی کافی نبود و دولت این کسری را از طریق افزایش عرضه پول جبران کرد. این خود باعث افزایش تورم، کاهش ارزش ریال و کاهش قیمت دلاری بنزین به ۰/۱۲ دلار برای هر لیتر گردید. در سال ۲۰۱۴ یک افزایش قیمت دیگر صورت گرفته، گرچه قیمت بنزین بسیار ناچیز

^{۵۳۰} چشم انداز انرژی جهان ۲۰۱۰، آژانس بین‌المللی انرژی، نوامبر ۲۰۱۰.

^{۵۳۱} پایگاه داده یارانه‌های سوخت‌های فسیلی، آژانس بین‌المللی انرژی، ۲۰۱۵.

^{۵۳۲} دومینیک گیلام، رومن زایتک، و محمدرضا فرزین، ایران: تاریخچه اصلاح یارانه، نوشتار تجربی صندوق بین‌المللی پول شماره ۱۱/۱۶۷،

ژوئیه ۲۰۱۱؛ «نگاهی به ایران»، وبگاه بانک جهانی، سپتامبر ۲۰۱۵.

^{۵۳۳} گز اینسایت، فکتس گلوبال انرژی، ۳ ژوئیه ۲۰۱۴.

افزایش یافت و از لیتری ۰/۱۲ دلار به ۰/۲۱ رسید.^{۵۳۴} بدین ترتیب، ایران باز هم از بقیه دنیا میزان بیشتری یارانه‌های غیرمستقیم انرژی پرداخت می‌کرد.^{۵۳۵}

دولت ایران، تعهد خود برای آزادسازی نسبی قیمت‌ها و اصلاح یارانه‌ها در برنامه پنج ساله ششم را به منظور بهبود تولید، افزایش اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی، و بهبود رفاه اجتماعی، تجدید کرد. در آوریل ۲۰۱۶ مجلس ایران، پرداخت نقدی یارانه به سه دهک بالای جامعه را با هدف کمک به افراد نیازمندتر و البته پتانسیل پس‌انداز سالانه ۴ میلیارد دلار، حذف کرد.^{۵۳۶} دولت هنوز هم به دنبال آن است که از بخش‌های صنعتی، تولیدی و اجتماعی با استفاده از منابع حاصل از آزادسازی قیمت‌های انرژی، پشتیبانی نماید. دولت با نگاه به جلو می‌تواند رویکردی تدریجی برای آزادسازی بیشتر قیمت‌ها اتخاذ کند و پرداخت‌های نقدی را به منظور حذف انحراف از اقتصاد و بهبود وضعیت مالی دولت، کاهش دهد.

کاهش بروکراسی برای تحریک کارایی

موانع دیگر در انجام کسب و کار ماهیتاً بروکراتیک هستند. این می‌تواند باعث دشواری کار برای تازه‌واردان و متصدیان گردد. به عنوان مثال، بر اساس آمار بانک جهانی، اخذ مجوز برای ساخت یک انبار در ایران نیازمند ۱۵ مرحله مجزا بوده و ۹۷ روز به طول می‌انجامد و هزینه این تشریفات دست و پاگیر به ۲ درصد ارزش انبار بالغ می‌گردد.^{۵۳۷} علاوه بر مقررات بروکراتیک داخلی، موانع غیرتعرفه‌ای قابل توجهی نیز برای تجارت فرامرزی در ایران وجود دارد که اگر این کشور بخواهد پتانسیل خود برای تبدیل به کانون ترانزیت را محقق سازد، باید آنها را بهبود بخشد. واردات کالا به ایران تقریباً ۴۳۲ ساعت زمان می‌طلبد که این زمان در مالزی ۳۴ ساعت و در ترکیه ۴۷ ساعت است. محدودیت‌های زمانی و هزینه‌ای برای صادرات و واردات باعث شده ایران رتبه ۱۶۷ از بین ۱۸۹ کشور را در شاخص‌های تجارت بانک جهانی داشته باشد، و این پایین‌تر از رتبه ۱۳۴ در سال ۲۰۱۰ و بدترین رتبه در بین مجموعه‌ای از ده همتای بین‌المللی است.^{۵۳۸}

^{۵۳۴} همان.

^{۵۳۵} پایگاه داده یارانه‌های سوخت‌های فسیلی، آژانس بین‌المللی انرژی، ۲۰۱۵.

^{۵۳۶} خبرگزاری دانشجویان ایران، ۲ آوریل ۲۰۱۶.

^{۵۳۷} شاخص انجام کسب و کار ۲۰۱۶: سنجش کیفیت و کارایی قانونگذاری، بانک جهانی، اکتبر ۲۰۱۵.

^{۵۳۸} شاخص انجام کسب و کار ۲۰۱۶، بانک جهانی؛ گروه‌های هم‌تا شامل مصر، اردن، مالزی، مکزیک، مراکش، عربستان، آفریقای جنوبی، تونس و ترکیه است.

به عنوان اولین گام برای غلبه بر این چالش‌ها، ایران می‌تواند مرکز خدمات سرمایه‌گذاری خارجی خود را به یک پنجره واحد برای شرکت‌هایی تبدیل کند که به دنبال کار در ایران هستند و به آنها کمک کند که کارهای قانونی را انجام دهند. در بلندمدت، تمام این عرصه‌ها باید مورد اصلاحات جامع قرار بگیرند تا چارچوب قواعد کسب و کار ایران، با سطح بین‌المللی منطبق گردد. کشورهای دیگر که با موفقیت توانسته‌اند جذب سرمایه‌گذاری را مدیریت کنند، واحدهای بلندپایه بین‌وزارت‌خانه‌ای ایجاد کرده‌اند که کار آنها، ارتباط نزدیک با شرکت‌ها و ایجاد اطمینان از این است که نه تنها مقررات کسب و کار بهبود یافته بلکه دولت نیز به تعهداتش عمل می‌کند. به عنوان مثال در ترکیه، از سال ۲۰۰۱ کمیته‌هایی برای بهبود محیط سرمایه‌گذاری ایجاد شده‌اند که هماهنگی را بین وزارت‌خانه‌های دولت به وجود آورده و تجارت دوجانبه و توافقات سرمایه‌گذاری را تسهیل می‌کنند. در سال ۲۰۰۳ این کشور یک دستورالعمل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جدید معرفی نمود که الزامات سرمایه‌گذاری را حداقل کرده، الزام سرمایه‌گذاران خارجی به تأسیس شرکت‌های با مسئولیت محدود یا سرمایه‌گذاری مشترک را حذف کرده و فرآیند اخذ مجوز برای فعالیت تجاری در ترکیه را تسهیل نموده است. اینها همه باعث جهش قوی جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی طی ۱۰ سال گذشته شده است.^{۵۳۹}

شرکت‌های داخلی هم از تشریفات زائد اداری رنج می‌برند و دولت اقداماتی را برای کاهش مقررات و فرآیندهای اداری انجام داده است. در سال ۲۰۱۱ مجلس ایران قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار را تصویب نمود و در سال ۲۰۱۳ هیئتی را برای نظارت بر بهبودها ایجاد نمود. دولت همچنین فرآیند شناسایی و دسته‌بندی تمام مجوزهای موجود را شروع کرده تا تعیین کند که در راستای تسهیل فرایندهای قانونی، کدام یک از آنها می‌توانند حذف یا ترکیب شوند.^{۵۴۰} در نوامبر ۲۰۱۵، دولت تعهد داد که در آینده نزدیک تمام مجوزها را به صورت دیجیتالی در دسترس قرار دهد.^{۵۴۱}

برای بهبود تسهیل ورود شرکت‌های بین‌المللی و کمک به موفقیت بیشتر کسب و کارهای داخلی، صنعت خدمات حرفه‌ای باید توسعه پیدا کند. بنگاه‌های حسابداری و حقوقی، و محققان و مشاوران

^{۵۳۹} سفیک هردم، «در مسیر حرکت: بازار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ترکیه»، مالیه جهانی، ۱۷ ژانویه ۲۰۱۴.

^{۵۴۰} «دفتر پایش و بهبود فضای کسب و کار»، وبگاه وزارت امور اقتصادی و دارایی ایران.

^{۵۴۱} مصاحبه با شاپور محمدی، معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی. «وزارت نیرو در بهبود فضای کسب و کار بسیار اثربخش عمل کرده است»، خبرگزاری کار، ۲ نوامبر ۲۰۱۵.

بازار می‌توانند به پرورش یک اکوسیستم کمک کنند که ایجاد کسب و کار را تسهیل می‌کند، از کسب و کارهایی که به دنبال افزایش مقیاس هستند پشتیبانی می‌کند، و عملیات را بهبود می‌بخشد.

تضمین یک محیط کسب و کار شفاف و عادلانه

علاوه بر کنترل انحرافات بازار و حذف موانع اداری، دولت باید سرمایه‌گذاران بین‌المللی و همچنین بنگاه‌های خصوصی داخلی که به دنبال شریک یا توسعه هستند، را درباره توانایی ایران برای تأمین یک محیط کسب و کار شفاف و عادلانه با سطوح قابل پذیرش از ریسک و حمایت‌های قانونی کافی، متقاعد کند. ایران در برخی از رتبه‌بندی‌های بین‌المللی بهتر از بقیه عمل می‌کند؛ این کشور از لحاظ اجرای قراردادها که منعکس‌کننده تغییرات در آیین دادرسی از سال ۲۰۱۱ است، بالاتر از میانگین منطقه‌ای قرار دارد.^{۵۴۲}

برخی از چالش‌هایی که ایران با آنها مواجه می‌گردد در ارتباط با سیستم قانونی حاکم بر سرمایه‌گذاری است. ایران از لحاظ حمایت از سرمایه‌گذاران خرد رتبه ۱۵۰ را در بین ۱۸۹ کشور دارد و از ۱۰ امتیاز شفافیت شرکتی بانک جهانی، امتیاز ۲ را کسب نموده است.^{۵۴۳} حقوق مالکیت، هم فیزیکی و هم معنوی، نیاز به حفاظت دارد.^{۵۴۴} فرآیند ورشکستگی به طور میانگین ۴/۵ سال به طول می‌انجامد و به اندازه ۱۵ درصد دارایی فرد بدهکار، هزینه دارد و نرخ وصول آن نیز ۱۸ درصد است که بسیار پایین‌تر از نمونه‌های موفق جهانی است.^{۵۴۵} ورشکستگی باید مشمول یک نظام مرتب و شفاف باشد. علاوه بر این، برخی موضوعات در ارتباط با حسابداری و حاکمیت شرکتی می‌توانند از طریق اتخاذ بهترین روش‌هایی که توسط سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^{۵۴۶} و گروه ۲۰^{۵۴۷} وضع شده‌اند، بهبود یابند.^{۵۴۸}

دولت ایران همچنین نیاز دارد که اقداماتی را در برابر عملیات بازار سیاه، سوءاستفاده و فساد انجام دهد که سرمایه‌گذاران و سازمان‌های بین‌المللی آنها را مشکل‌زا می‌دانند؛ در شاخص سال ۲۰۱۴ ادراک فساد سازمان شفافیت بین‌الملل، ایران رتبه ۱۳۶ در بین ۱۷۵ کشور را کسب کرد.^{۵۴۹} نهایتاً

^{۵۴۲} شاخص انجام کسب و کار ۲۰۱۶، بانک جهانی.

^{۵۴۳} همان.

^{۵۴۴} جایگاه آخر ایران در بین ۱۷ کشور خاورمیانه و شمال آفریقا از نظر شاخص حقوق مالکیت در شاخص آزادی اقتصادی ۲۰۱۵، منتشر شده توسط نشریه وال استریت در بنیاد هریتیج.

^{۵۴۵} شاخص انجام کسب و کار ۲۰۱۶: سنجش کیفیت و کارایی قانونگذاری، بانک جهانی، اکتبر ۲۰۱۵.

^{۵۴۶} OECD

^{۵۴۷} G20

^{۵۴۸} اصول حاکمیت شرکتی سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، گروه ۲۰/سازمان همکاری اقتصادی و توسعه ۲۰۱۵.

^{۵۴۹} شاخص ادراک فساد، سازمان شفافیت بین‌الملل، دسامبر ۲۰۱۴.

دولت باید سرمایه‌گذاران بین‌المللی را متقاعد کند که آنها می‌توانند بدون ریسک سیاسی در این کشور سرمایه‌گذاری کنند.

یک بازار نیروی کار منعطف‌تر که مهارت‌ها را با نیازها تطبیق می‌دهد

اگر ایران می‌خواهد از مزایای کامل ارتباط مجدد با اقتصاد جهانی بهره‌مند شود، نیاز به نیروی کار مولد و انعطاف‌پذیر با مهارت‌های لازم دارد که کارفرمایان داخلی و خارجی به دنبال آن هستند. در حالی که ایران دارای حجم عظیمی از جوانان با مهارت‌های ریاضی و علمی مناسب است اما بازار نیروی کار آن به طور کلی با ضعف‌های چشمگیر مواجه است. ایران دارای سطح پایینی از مشارکت نیروی کار به ویژه در زنان و جوانان است و نرخ بیکاری آن در سال ۲۰۱۶ حدود ۱۳ درصد باقی می‌ماند. کاهش این نرخ مستلزم رشد سریع اقتصادی است: تنها در ۴ سال باقیمانده تا سال ۲۰۲۰، بیش از ۲/۲ میلیون ایرانی به سن اشتغال می‌رسند و بسیاری از آنها به بازار کار خواهند پیوست.^{۵۰} در طرف عرضه، تعداد زیاد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی که در فصل اول توصیف شد، ایران را با یک عدم تطابق بین مهارت‌های نیروی کار و نیازهای کارفرمایان از جمله در بحث مدیریت، مواجه کرده است. در شاخص رقابت‌پذیری جهانی مجمع جهانی اقتصاد، ایران رتبه ۱۲۴ را در بین ۱۴۴ کشور از لحاظ استفاده کارا از استعدادها کسب نمود.^{۵۱}

در حالی که می‌توان بر برخی از این چالش‌ها از طریق تقویت رشد اقتصادی غلبه کرد، اما بقیه شامل مشکلات ساختاری هستند که نیاز به رسیدگی از طریق بازار نیروی کار و ابزارهای آموزشی دارند. دولت اقداماتی را برای بهبود عملکرد بازار نیروی کار انجام داده که عبارتند از فراهم کردن قوانین کار منعطف‌تر برای شرکت‌های دانش‌بنیان و سرمایه‌گذاران بین‌المللی در مناطق آزاد تجاری، تلاش برای ارتقای آموزش و کارآموزی‌های شغلی. در حالی که این اقدامات، بهبودهای قابل توجهی را در آموزش ایجاد می‌کنند اما اثر آنها بر بازار کار محدود بوده است. در کنار فشار اقتصاد کلان، توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با چالش‌هایی، هم به دلیل محدودیت‌های اطلاعات و هم به دلیل هماهنگی غیر اثر بخش بین توسعه‌دهندگان برنامه‌های آموزشی و کسب و کارها، مواجه هستند.^{۵۲}

بازار کار قادر به جذب تعداد فزاینده فارغ‌التحصیلان دانشگاهی نیست و نرخ بیکاری در میان ایرانیان تحصیلکرده به شدت افزایش یافته است.

^{۵۰} آمارهای جمعیت سازمان ملل متحد، ۲۰۱۳.

^{۵۱} گزارش رقابت‌پذیری جهانی ۲۰۱۴-۱۵، مجمع جهانی اقتصاد، سپتامبر ۲۰۱۴.

^{۵۲} گزارش ملی در مورد سوادآموزی و آموزش بزرگسالان، کمیسیون ملی یونسکو در ایران، آوریل ۲۰۰۸.

تطبیق مهارت‌ها و آموزش با نیازهای محیط کاری

همانطور که در فصل ۱ یادآور شدیم، سیستم آموزشی ایران توانایی تربیت دانشجویانی با استعدادهایی در کلاس جهانی در رشته‌های علمی را دارد (شکل ۲۹). با این حال، مزیت و برتری نخبگان آموزشی در استانداردهای مبنایی آموزش ایران که همسطح کشورهای در حال توسعه است، منعکس نشده است.^{۵۵۳}

سیستم آموزش عالی از دهه ۱۹۹۰ متحمل تغییرات مهمی شده و ورود دانشجویان و اماکن دانشگاهی نیز افزایش شایانی یافته است.^{۵۵۴} طی دهه گذشته، میزان پذیرش آموزش عالی سالانه حدود ۱۱ درصد رشد یافت و به حدود ۴/۴ میلیون دانشجو یا سه برابر تعداد دانشجویان در سال ۲۰۰۰ رسید.^{۵۵۵} از سال ۲۰۱۳، نرخ افزایش در پذیرش، ثابت مانده است.

بازار نیروی کار قادر به جذب تمام این فارغ‌التحصیلان نیست و نرخ بیکاری در میان ایرانیان تحصیل کرده به شدت افزایش یافته است. نرخ بیکاری در میان فارغ‌التحصیلان آموزش عالی از ۱۷ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۲۶ درصد در سال ۲۰۰۸ رسید و این آخرین سالی بود که آمار آن در دسترس است.^{۵۵۶}

رشد احتمالی در اشتغال که ما در فصل ۲ به آن اشاره کردیم، تنها در صورتی ممکن است که استعداد ایران دارای فرصت‌های بهتری برای آماده‌شدن برای بخش‌های رقابتی و دانش‌بنیان جهانی داشته باشد. تقاضا برای فارغ‌التحصیلان در زمینه‌های علم، تکنولوژی، مهندسی و ریاضیات که به واسطه‌ی رشد اقتصادی در این بخش‌ها ایجاد شده، به طور کامل توسط جوانان ایرانی تأمین نمی‌گردد مگر اینکه نظام آموزشی تأکید بیشتری بر آموزش‌های شغلی و مدیریتی نماید. در حال حاضر، کارفرمایان غالباً ترجیح می‌دهند که کارکنان قدیمی را که مهارت‌های تجربی و سابقه تجاری دارند حفظ نمایند.

^{۵۵۳} به عنوان مثال، در سال ۲۰۱۱ نمره TIMSS ایران ۴۷۴ برای ریاضیات و ۴۳۱ برای علوم بود. این با نمرات ۵۲۴ و ۴۹۸ انگلستان، ۵۵۱ و

۵۱۷ کره جنوبی، ۵۲۴ و ۴۹۸ روسیه، و ۴۹۱ و ۴۶۲ ترکیه مقایسه می‌گردد.

^{۵۵۴} مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی ایران.

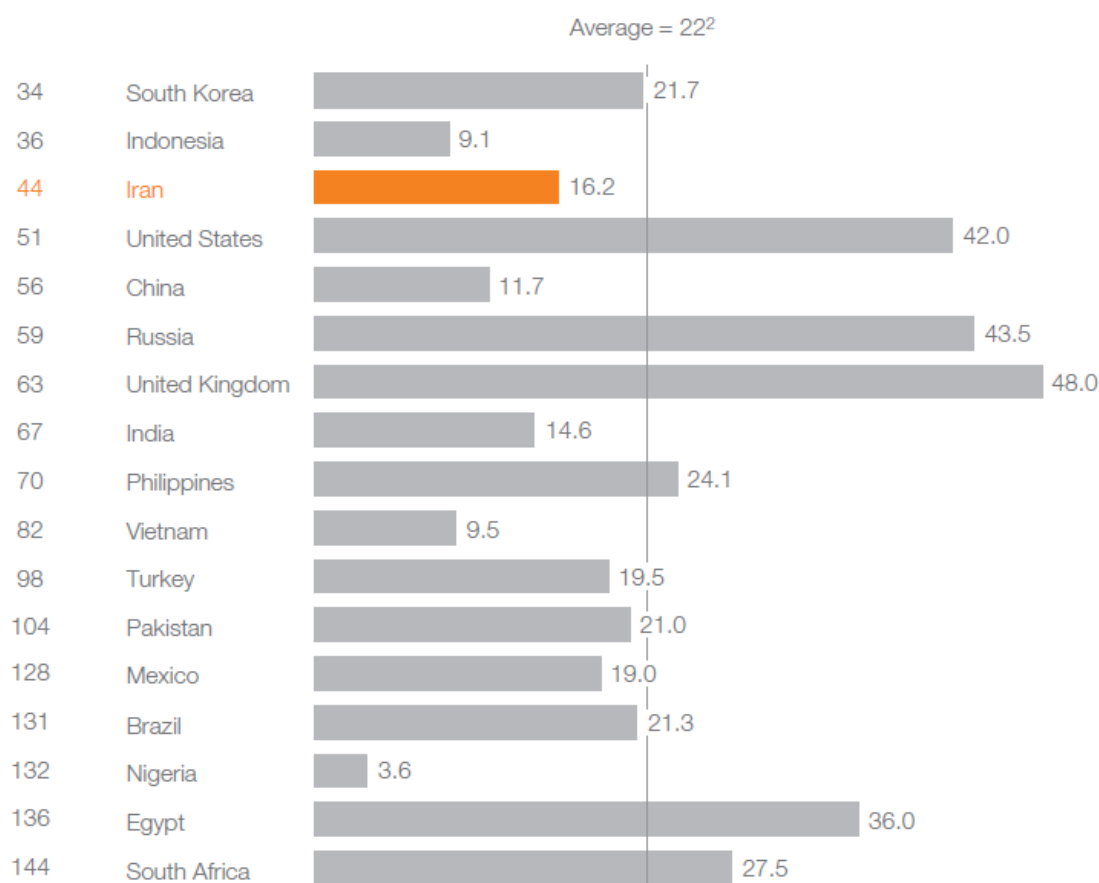
^{۵۵۵} مؤسسه آمار یونسکو.

^{۵۵۶} شاخص‌های توسعه جهانی، بانک جهانی، ۲۰۱۵.

کیفیت ایران در آموزش‌های علمی و ریاضی در اشتغال افراد با مهارت نمود نمی‌یابد

Share of high-skilled employees, 2015¹
%

Quality of mathematics
and science education
Ranking, 2014–15



¹Using BRICs, next 11 countries, and OECD benchmarks for comparison.

²Average excluding Iran.

SOURCE: *Human capital report 2015*, World Economic Forum, 2015; *Global competitiveness report 2014–15*, World Economic Forum, September 2014; McKinsey Global Institute analysis

دولت ایران به طور تاریخی، سیاست افزایش جذب آموزش عالی را تعقیب می‌کند، اما کار چندانی برای هموار کردن راه آموزش به اشتغال، از جمله از طریق مشوق‌های پولی مانند تنفس‌های مالیاتی یا دوره‌های کارآموزی و فرصت‌های مهارت‌آموزی نکرده است. بر اساس شاخص رقابت‌پذیری جهانی مجمع جهانی اقتصاد، ایران از لحاظ آموزش‌های ضمن خدمت رتبه ۱۱۵ را در بین ۱۴۴ کشور دارد. در سال ۲۰۰۶ تنها ۱۶ درصد از دانش‌آموزان متوسطه در برنامه‌های شغلی ثبت‌نام کردند، در حالی که

در اندونزی ۳۵ درصد و در ترکیه ۳۸ درصد دانش‌آموزان در این دوره‌ها ثبت‌نام کردند.^{۵۵۷} قانون کار، اشتغال بدون دستمزد را به رسمیت نمی‌شناسد و این باعث کمبود دوره‌های کارآموزی و فرصت‌های کارورزی می‌گردد که آموزش را در خارج از سیستم آموزشی تأمین می‌کنند. از میان دیگر ابزارها، دولت با برخی از مؤسسات بین‌المللی برای مرور، بررسی و ارتقای کیفیت آموزش‌های شغلی کار کرده است. از راه‌حل‌های ممکن دیگر، پیشنهاد مشوق‌هایی به بخش خصوصی برای تأمین حداقل سطح آموزش است.

مهارت‌های مدیریتی نیز به طور خاص مورد نیاز است زیرا دانشکده‌های بازرگانی گروه نسبتاً اندکی از دانشجویان مدیریت ارشد کسب و کار را برای کشوری به وسعت ایران تربیت می‌کنند. یک همبستگی کاملاً مستدل و قوی بین مهارت‌های مدیریتی و بهره‌وری وجود دارد، و توانایی‌های مدیریتی ناکافی مانع تمرکز بر برنامه‌ریزی بلندمدت گشته و مانع تحقق پتانسیل رشد نیروی کار آزموده می‌گردد. در حالی که تلاش‌هایی، همچون ایجاد مدرسه بازرگانی در تهران توسط بخش خصوصی در سال ۲۰۰۷، برای مواجهه با این نیاز صورت گرفته، اما این پرداختن به این چالش باید در اولویت‌های بالای دولت قرار داشته باشد.^{۵۵۸}

تمرکز بر رقابتی کردن هزینه‌های نیروی کار و افزایش بهره‌وری

حداقل دستمزدها در ایران در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته، رقابتی هستند. به عنوان مثال، با دستمزد ۲۵۰ دلاری برای هر ماه در مارس ۲۰۱۵ با نرخ ارز بازار (حدود ۸۶۰ دلار بر مبنای برابری قدرت خرید)، حداقل دستمزد ایران برای شرکت‌های بین‌المللی نسبتاً جذاب است و با کاهش ارزش ریال، این جذابیت بیشتر می‌شود.^{۵۵۹} صادرات فلزات، سیمان و محصولات پتروشیمی به دلیل هزینه‌های نسبتاً پایین نیروی کار در کنار مواهب عظیم طبیعی، تا اندازه‌ای رقابتی هستند. هنوز هم در شرایط اسمی، حداقل دستمزد ایران بیش از دو برابر سطوح دستمزد در ترکیه و به طور قابل توجهی بالاتر از حداقل دستمزدها در مصر، کویت، مراکش و دیگر کشورهای منطقه است.^{۵۶۰} علاوه بر این، ایران یکی از بالاترین نسبت‌های حداقل دستمزد به بهره‌وری را در جهان دارد. این نسبت حدوداً ۱/۵ برابر میانه جهانی است (شکل ۳۰).^{۵۶۱}

^{۵۵۷} مشارکت در برنامه‌های آموزشی و کارآموزی فنی و حرفه‌ای در سرتاسر جهان: یک مطالعه آماری مقدماتی، یونسکو ۲۰۰۶.

^{۵۵۸} مدرسه بازرگانی ایران، www.ibsproject.org و www.ibs.ir

^{۵۵۹} وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.

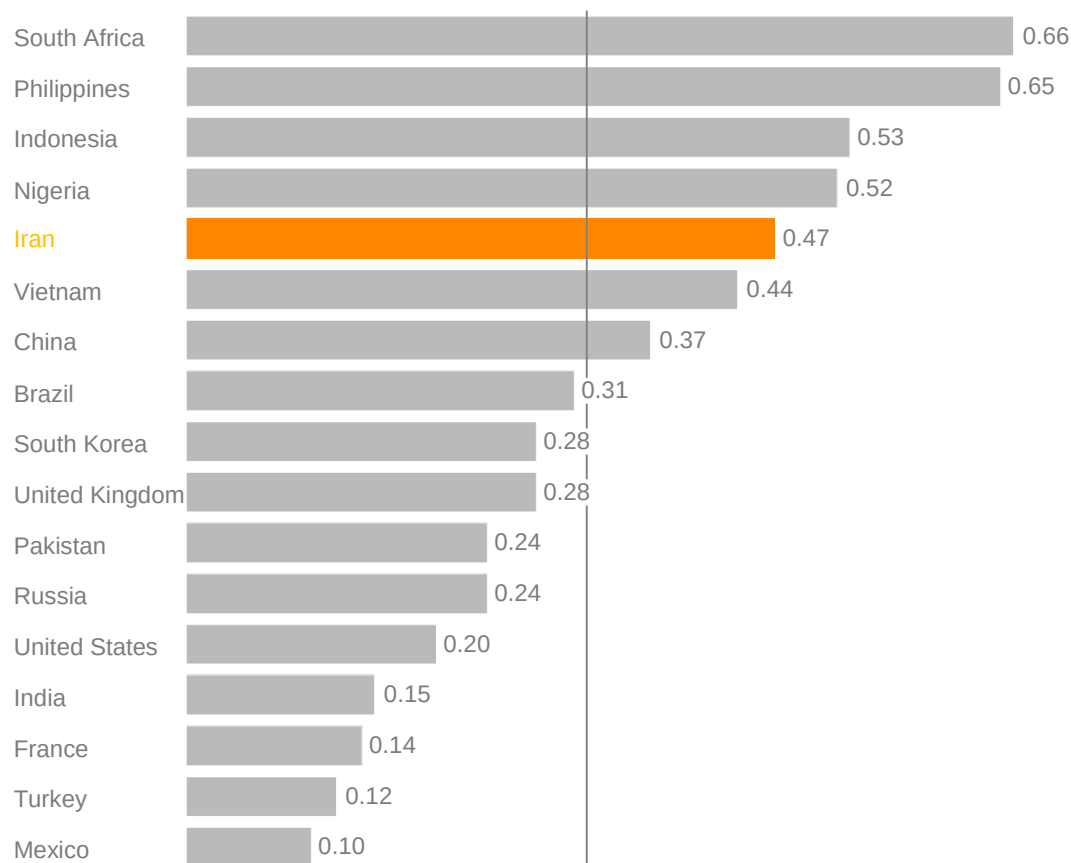
^{۵۶۰} شاخص کسب و کار ۲۰۱۴: درک مقررات برای بنگاه‌های خرد و متوسط، بانک جهانی، اکتبر ۲۰۱۳. پایگاه داده حداقل دستمزد بخش تولید.

^{۵۶۱} شاخص کسب و کار ۲۰۱۵: حرکت به سوی کارایی، بانک جهانی، اکتبر ۲۰۱۴.

نسبت حداقل دستمزد به بهره‌وری ایران در مقایسه با کشورهای دیگر، بالا است^۱

Ratio of minimum wage to average value added per worker, 2014

World average = 0.32



¹ Iran is ranked 38th out of 153 countries.

SOURCE: *Doing business 2014: Understanding regulations for small and medium-size enterprises*, World Bank, October 2013; McKinsey Global Institute analysis

افزایش تولید بدون کاهش دستمزدها، مستلزم افزایش در بهره‌وری نیروی کار است. این افزایش بهره‌وری می‌تواند از حداقل سه منبع تأمین شود: سرمایه‌گذاری، تکنولوژی و تجارت بین‌المللی مورد بحث در فصل ۲؛ تطبیق بهتر مهارت‌ها با فرصت‌های مطروحه فوق؛ و حرکت به سمت بازار کار رقابتی‌تر اما پایدار از طریق روابط سازنده بین کسب و کار، نیروی کار و دولت. به عنوان مثال، حداقل دستمزد هر ساله از طریق مذاکره بین دولت، کارفرمایان و نمایندگان کارگران تعیین می‌گردد. هر سه گروه از ذینفعان، با تورم و رشد اقتصادی کُند دست و پنجه نرم می‌کنند. یک راه حل که می‌تواند هم رقابت‌پذیری کسب و کار و هم درآمد خانوارها را تضمین نماید، از طریق ترکیبی از رشد بهره‌وری،

تلاش مستمر دولت برای مهار تورم، و توافق در مورد قوانین منعطف نیروی کار که سرمایه‌گذاری جدید را جذب نموده و اشتغال را افزایش می‌دهد، به دست می‌آید.

ارایه قوانین منعطف‌تر برای استفاده بهتر از نیروی کار

برخی از سیاست‌های ایران به عنوان مانع برای شرکت‌هایی عمل می‌کنند که اشتغال دائم را پیشنهاد می‌دهند. یکی از سخت‌ترین آنها، دشواری و هزینه‌های خاتمه دادن به شغل است. به عنوان مثال، کارکنانی که با کمتر از ۱۰ سال سابقه کار اخراج می‌شوند، به طور میانگین مستحق دریافت حق انفصال از خدمت (بیمه بیکاری) به میزان ۲۳ هفته هستند. این رقم در برزیل و آفریقای جنوبی کمتر از ۹ هفته است. این حق انفصال از خدمت در ایران بیش از دو برابر حق انفصال از خدمت در روسیه و هند است.^{۵۶۲} اخراج یک کارگر در ایران منوط به موافقت از جانب شورای اسلامی کار و اخطار مکتوب به کارگر است. استخدام کارگران جدید ساده یا نیمه ماهر به صورت تمام وقت در ایران، دارای دوره آزمایشی نسبتاً کوتاه یک ماهه است.^{۵۶۳}

شرکت‌ها با مواجهه با این قانون کار محدودکننده که مطابق با نیازهای کسب و کار نیست، راه‌حل‌های خلاقانه‌ای یافته‌اند که به آنها اجازه انعطاف‌پذیری بیشتر همچون اشتغال پاره‌وقت را می‌دهد. یکی از نتایج آن، عدم تمایل شرکت‌ها برای استخدام کارکنان تمام وقت است. در حال حاضر، بیش از ۸۰ درصد کارگران ایرانی بر مبنای قراردادهای با شرایط ثابت کار می‌کنند که تجدید شده‌اند.^{۵۶۴} گزارش شده که کار غیررسمی در ایران بسیار بالا بوده و بیش از ۴۸ درصد کل اشتغال را شامل می‌شود. این عدد شامل کارکنانی هم می‌شود که هم کار رسمی و هم کار غیررسمی دارند، اما با این وجود باز هم بسیار بالا است. به عنوان مثال، برآورد این نسبت برای ترکیه ۳۳ درصد و برای روسیه ۹ درصد است.^{۵۶۵} اشتغال نیمه دائم و غیررسمی در بلندمدت به اقتصاد آسیب می‌رساند زیرا کارفرمایان دیگر تمایلی برای سرمایه‌گذاری به منظور توسعه مهارت‌های کارکنان نخواهند داشت.

از سال ۲۰۰۳، کسب و کارهای با کمتر از ۱۰ کارکن از برخی الزامات قانون کار معاف شده‌اند و این به نوبه خود احتمال اینکه کارآفرینان بتوانند از طریق کسب و کارهای خرد هم شغل ایجاد کنند را افزایش می‌دهد. در بلندمدت، اصلاحاتی که بازار نیروی کار منعطف‌تر را ترویج می‌کنند، پایدار

^{۵۶۲} شاخص کسب و کار ۲۰۱۵: حرکت به سوی کارایی، بانک جهانی، اکتبر ۲۰۱۴.

^{۵۶۳} جمهوری اسلامی ایران، قانون کار، ۲۰ نوامبر ۱۹۹۰؛ سازمان بین‌المللی کار.

^{۵۶۴} مهدی منصور، مهران لطفی فروشانی و پرویز باقری، «آثار قراردادهای موقت در حقوق کار ایران»، نشریه بین‌المللی حقوق و علوم اجتماعی مجمع جهانی علم و فناوری، جلد ۲، شماره ۱، دسامبر ۲۰۱۲.

^{۵۶۵} یوهانس پی. ژوتینگ و یوان آر. دو لگلسیا و همکاران، آیا غیررسمی، معمول است؟ به سوی مشاغل بیشتر و بهتر در کشورهای در حال توسعه، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، آوریل ۲۰۰۹.

خواهند بود اگر از طریق هماهنگی سازنده بین کسب و کار، نیروی کار و دولت برنامه‌ریزی شده باشند. چنین توافقاتی ممکن است راه‌های جایگزینی را برای فراهم کردن تأمین اجتماعی پیدا کنند و تضمین نمایند که دستمزدها مطابق با افزایش بهره‌وری هستند که می‌تواند ناشی از انعطاف‌پذیری باشد.

ایران نیاز به یک نظام مالی با کارکرد مناسب دارد که محرک رشد باشد

اگر اقتصاد ایران بخواهد که با قدرت رشد کند و تریلیون‌ها دلار سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی را هم جذب کرده و هم به کار گیرد، باید با یک نظام مالی مناسب پشتیبانی شود. بخش مالی شامل بانک‌ها و بازارهای سرمایه باید نقش اصلی را به عنوان توانمندکننده‌های رشد آتی، از طریق جذب سرمایه از منابع متعدد و سپس تخصیص آنها به مصارف مولد، ایفا کنند.

بانک مرکزی ایران به دنبال تطبیق دادن بانک‌های داخلی با استانداردهای بین‌المللی بانکداری بازل ۲ و بازل ۳ بوده‌است.

عمق بازار مالی نشان‌دهنده میزانی است که کسب و کارها، خانوارها و دولت قادر به تأمین مالی خود از طریق واسطه‌های مالی هستند. تحقیقات مؤسسه جهانی مکنزی نشان داده که کشورهای توسعه یافته دارای بازارهای مالی بسیار عمیق‌تر نسبت به اقتصادهای در حال ظهور هستند به طوری که کل دارایی و بدهی باقی‌مانده این بازارها در اروپای غربی، ایالات متحده و ژاپن به اندازه ۴۰۰ درصد تولید ناخالص داخلی است در حالی که در بسیاری از بازارهای در حال ظهور، این رقم ۲۰۰ درصد یا کمتر است.^{۵۶۶} بازار مالی ایران دارای دارایی و بدهی باقی‌مانده به اندازه ۱۰۰ درصد تولید ناخالص داخلی است و عمق آن به اندازه‌ای نیست که با توجه به تولید ناخالص داخلی سرانه این کشور از آن انتظار می‌رود.

نظام بانکی قدیمی نیازمند تجدید سرمایه، ارتقا و ارتباطات جهانی است

همانطور که در فصل ۲ بیان شد، بانک‌های ایرانی دارای سرمایه کافی نیستند: در سال ۲۰۱۱ تا ۵۷ درصد از سپرده‌ها در نظام بانکداری رسمی، در بانک‌هایی بودند که سرمایه کافی نداشتند.^{۵۶۷} ایران می‌تواند به تجربه کشورهای دیگر همچون اسپانیا بنگرد که بانک‌های خود را پس از بحران مالی

^{۵۶۶} ترسیم بازارهای جهانی سرمایه ۲۰۱۱: تحقیق به روز شده، مؤسسه جهانی مکنزی، اوت ۲۰۱۱.

^{۵۶۷} زهرا خشنود و مرضیه اسفندیاری، ارزیابی سرمایه بانک بر اساس استانداردهای بین‌المللی، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ایران، نوشتار تجربی شماره MBRI-PN93008، ۲۰۱۴.

مجدداً ساماندهی نمود. این شامل تلاش‌هایی همچون اتحاد مؤسسات ضعیف با مؤسسات قوی‌تر، انتقال دارایی‌های مشکل‌دار به یک واحد ملی مورد حمایت دولت، و تزریق سرمایه به بانک‌های معسر که با مشکل نقدینگی روبرو شده‌اند، می‌گردد.

اگرچه سازمان ملل و اتحادیه اروپا تحریم‌ها را در ژانویه ۲۰۱۶ لغو نمودند، اما بانک‌های ایرانی در انجام تراکنش‌های بین‌المللی با مشکل مواجه هستند. پس از سال‌ها جدا ماندن کشور از نظام مالی جهانی، فرآیندهای ریسک و پذیرش دیگر قدیمی و منسوخ شده‌اند. به عنوان مثال، بانک‌های ایرانی هنوز با قواعد بازل ۱ در ارتباط با کفایت سرمایه و پذیرش ریسک اداره می‌شوند. آنها باید به سمت استانداردهای بین‌المللی بازل ۲ و بازل ۳ بروند تا بتوانند الزامات شرکت‌های بین‌المللی را به جا آورند. به طور مشابه، بانک‌های ایرانی باید فرآیندهای شفافیت، حسابرسی و افشا را بهبود بخشیده و رتبه اعتباری خود را قبل از انجام کسب و کار با بسیاری از بنگاه‌های خارجی، تقویت نمایند. در نتیجه، شرکت‌های چندملیتی که به دنبال انجام معاملات از طریق بانک‌های ایرانی باشند، باید منتظر بمانند تا بخش مالی تجدید سرمایه شود و بانک‌ها هم کنترل‌ها و ارتقاها را مورد نیاز برای تطبیق با قواعد بین‌المللی برای ورود به معاملات بین‌المللی، را اجرا کنند.

دولت ایران می‌تواند با الزام بانک‌های داخلی به پیروی از استانداردهای بین‌المللی، نقش کلیدی را در این فرآیند ایفا نماید و در عین حال، نظارت خود را نیز بر این بانک‌ها تقویت کند. بانک مرکزی ایران به دنبال تطبیق دادن بانک‌های داخلی با استانداردهای بین‌المللی بانکداری بازل ۲ و بازل ۳ بوده اما پیشرفت بسیار محدودی داشته است. دولت همچنین می‌تواند اعتماد خارجی به بانک‌های ایرانی را از طریق بکارگیری استانداردهای شدیدتر در مورد پولشویی و حاکمیت شرکتی و اصلاح قوانین ورشکستگی، افزایش دهد.

در عین حال، شرکت‌های چندملیتی، انتقال پول به و از ایران از طریق بانک‌های خارجی را دشوار یافته‌اند. اگرچه اجرای برنامه جامع اقدام مشترک به بانک‌های اروپایی و آسیایی اجازه معامله با هم‌تایان ایرانی خود را می‌دهد، اما تداوم تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران، مانع ورود افراد و نظام مالی آمریکا به این معاملات می‌شود و توانایی ایران در دسترسی به دلار آمریکا را محدود می‌سازد.^{۵۸} از آنجایی که این پیوند مالی متصل‌تر و پیچیده‌تر شده، بسیاری از بانک‌های جهانی انجام معاملات با دلار را بدون عبور از قلمرو ایالات متحده دشوار یافته‌اند. ممنوعیت در این تراکنش‌های به اصطلاح دوربرگردان (U-Turn)، که در آنها معاملاتی مانند فروش نفت که با دلار آمریکا قیمت‌گذاری شده‌اند

^{۵۸} «به گفته دبیر خزانه داری آمریکا، سیستم مالی این کشور به روی ایران بسته باقی خواهد ماند»، المانیتور، ۱۱ آوریل ۲۰۱۶.

از اتاق تهاتر یک بانک ایالات متحده عبور کرده اما آنجا باقی نمی‌مانند، تا حد زیادی توانایی ایران برای پرداخت به تأمین‌کنندگان بین‌المللی و ارتباط کامل با نظام مالی جهانی را محدود می‌کند. مضاف بر این، بسیاری از بانک‌های بزرگ اروپایی که در آمریکا نیز فعالیت می‌کنند، می‌توانند نگران انجام کسب و کار با ایران باشند حتی اگر هیچ دسترسی به دلار یا نظام مالی آمریکا نیاز نباشد.^{۵۶۹} پیچیدگی قانون تحریم‌های ایالات متحده می‌تواند باعث تأخیر همکاری تجاری بسیاری از بانک‌ها با ایران شود. این پیچیدگی به همراه جریمه‌های سنگین بر بانک‌های چندملیتی برای نقض تحریم‌ها قبل از توافق هسته‌ای، می‌تواند بانک‌های اروپایی را، تا زمانی که ایالات متحده این موارد را شفاف کرده و در برابر پیامدهای معکوس، تضمین ارایه نماید، از معامله با هم‌تایان ایرانی خود بازدارد.

در زمان انتشار این گزارش، بانک‌های اروپایی متعدد با اندازه‌های خرد تا متوسط، از جمله کی بی سی^{۵۷۰} بلژیک، دی زد بانک^{۵۷۱} آلمان و مدیوبانکا^{۵۷۲} و پوپولاره دی سوندوریو^{۵۷۳} ایتالیا، معامله با بنگاه‌های ایرانی را از سر گرفته‌بودند، در حالی که بانک‌های بزرگ‌تر هنوز در حال دسته‌بندی پیچیدگی‌های فنی و حقوقی شروع عملیات بودند.^{۵۷۴} دولت‌های متعدد اروپایی بر بانک‌های خود، برای از سرگیری معامله با ایران به منظور تسهیل کسب و کار و هم‌راستایی با سیاست‌های دولت برای عادی‌سازی روابط تجاری با ایران، فشار وارد کرده‌اند. دفتر کنترل دارایی‌های خارجی خزانه‌داری آمریکا، اقداماتی را به صورت میدانی در سرتاسر اروپا به انجام رسانده تا توضیح دهد که چگونه معاملات مالی می‌توانند بدون نقض تحریم‌های باقیمانده انجام شوند و جزئیاتی را به شرکت‌های بیمه ارائه نموده که چه معاملات خاصی، قانونی هستند.^{۵۷۵} زمان حل شدن این موضوعات اساسی، یک عامل تعیین‌کننده برای سرعت توانایی ایران برای استفاده کامل از مزایای ارتباط مجدد با اقتصاد جهانی خواهد بود.

یک بازار سرمایه کم‌عمق که می‌تواند گسترش یافته و آزادسازی شود

نسبت به اندازه کشور، بازارهای سرمایه ایران بسیار کوچک هستند. در سال ۲۰۱۵ کل سرمایه بازار سهام ایران حدود ۱۱۰ میلیارد دلار یا ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی بود.^{۵۷۶} این کمتر از نصف

^{۵۶۹} پیچیدگی و آمیختگی تحریم‌ها، باعث نگرانی بانک‌های اروپایی در تعامل با ایران می‌گردد»، فایننشال تایمز، ۱۷ ژانویه ۲۰۱۶.

^{۵۷۰} KBC

^{۵۷۱} DZ Bank

^{۵۷۲} Mediobanca

^{۵۷۳} Popolare di Sondrio

^{۵۷۴} «بانک‌های اروپایی، بازگشت مقدماتی و آزمایشی خود را به ایران آغاز می‌کنند»، فایننشال تایمز، ۳ آوریل ۲۰۱۶.

^{۵۷۵} «مقامات: ایالات متحده به دنبال تسهیل محدودیت‌های دلاری برای کمک به ایران»، آسوشیتد پرس، ۳۱ مارس ۲۰۱۶.

^{۵۷۶} بولتن ماهانه سازمان بورس و اوراق بهادار تهران، مارس ۲۰۱۶.

نسبت تولید ناخالص داخلی کشورهای بریک و کمتر از یک سوم میانگین جهانی است.^{۵۷۷} علاوه بر این، بازار سهام ایران نسبتاً نامتنوع است: ۱۰ شرکت برتر، تقریباً ۴۰ درصد ارزش بازار را در اختیار دارند. بازار اوراق از این هم کوچک‌تر است. در سال ۲۰۱۵ تنها ۲/۹ میلیارد دلار اوراق معامله شد؛ در مقابل، قریب به ۳۰۰ میلیارد دلار اوراق بدهی در همان سال در ترکیه منتشر شد. با توجه به نیاز ایران به سرمایه‌گذاری هنگفت برای رشد ۶ درصدی طی ۲۰ سال آینده، برآورد می‌کنیم که بازار سهام و اوراق باید تا حدود یک تریلیون دلار تا سال ۲۰۳۵ افزایش یابد.

دولت، رشد بازار اوراق را در اولویت قرار داده است؛ در سال ۲۰۱۶ دولت چهار ابزار بدهی را برای تأمین مالی مخارج خود و تسویه بدهی به پیمانکاران به کار گرفت. این اقدامات می‌تواند مسیر را هموار کند و زیرساخت را برای بازار قوی‌تر اوراق قرضه شرکتی، که در حال حاضر وجود ندارد، آماده نماید. شبکه‌ای از مؤسسات توانمندکننده مانند بانک‌های سرمایه‌گذاری و آژانس‌های رتبه‌بندی اعتباری برای رشد بازار اوراق قرضه مورد نیاز است.

برای توسعه بیشتر بازار اوراق قرضه، ایران می‌تواند به موفقیت‌های تاریخی دیگر بازارهای در حال ظهور بنگرد. از زمان ایجاد کلیبرنگ کورپوریشن^{۵۷۸} در هند در سال ۲۰۰۱ برای تهاتر و تسویه اوراق بهادار دولت، هند به سمت توسعه و نوسازی بازار اوراق، حرکت به سمت دفاتر سفارش الکترونیک، برگزاری منظم و برنامه‌ریزی شده حراج‌ها و پیشنهاد طیف وسیعی از ابزارهای بدهی، پیش رفته است. هیئت اوراق بهادار و سهام هند، تنظیم‌گر مستقل کشور، از جایگاه مدرن معاملات سهام کشور به منظور ایجاد یک بازار ثانویه نقد برای اوراق بدهی استفاده کرده است. این تا حد زیادی در مورد بدهی دولت موفقیت‌آمیز بود.

امروزه در ایران، حدود یک درصد از سهام و اوراق به صورت بین‌المللی در تملک هستند در حالی که میانگین جهانی آن ۳۰ درصد است.^{۵۷۹} این بسیار پایین‌تر از سطوح اقتصادهای در حال ظهور با اندازه و ثروت ایران است، و این بیانگر این است که فرصت‌های بکر زیادی برای بازارهای مالی ایران برای یکپارچه‌تر شدن با بازارهای جهانی وجود دارد. ریسک‌هایی در جهانی‌شدن مالی وجود دارد که از آن جمله عبارتند از بی‌ثباتی احتمالی بازار، فشارهای نرخ ارز و آسیب‌پذیری نسبت به تغییر جهت ناگهانی جریان‌های سرمایه. این ریسک‌ها بر اهمیت یک نظام بانک مرکزی قوی با تخصص فنی مناسب و ابزارهای سیاستی برای نظارت و مدیریت ثبات نظام مالی، تأکید می‌کنند.

^{۵۷۷} پایگاه داده دارایی‌های مالی مؤسسه جهانی مکنزی.

^{۵۷۸} Clearing Corporation

^{۵۷۹} جهانی شدن مالی: عقب نشینی یا بازنشانی؟ مؤسسه جهانی مکنزی، مارس ۲۰۱۳.

تعیین یک دستور کار برای اقدام

مجموعه اصلاحاتی که در این گزارش برشمردیم می‌تواند در برخی زمینه‌ها دشوار باشد اما در محیطی مبهم که استقرار مجدد اقتصادی یک الزام است، بسیار سخت‌تر خواهد بود. پرداختن به این نااطمینانی بستگی به زمان‌بندی، پیوستگی و کیفیت اصلاحات دولت و واکنش شرکت‌های داخلی و بین‌المللی دارد.

برای پرداختن به تمام این چالش‌ها، دولت باید یک برنامه گذار بلندپروازانه را آغاز نماید.

سفر دکتر حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران به اروپا در ژانویه ۲۰۱۶ و اعلام بیش از ۱۳۰ میلیارد دلار تعاملات بین‌المللی، هم عزم دولت ایران و هم عمق منافع خارجی در ایران را نشان می‌دهد.^{۵۸۰} برای پیشبرد این تفاهمات اولیه و نشان دادن نتایج احتمالی آن به سرمایه‌گذاران محتاط‌تر، اصلاحاتی که بیان کردیم باید به موقع اجرا شوند. برخی از آنها اکنون در حال انجام هستند و موتور محرکی برای اصلاحات بعدی خواهند بود. به عنوان مثال، کاهش نرخ تورم از اوج ۴۵ درصدی در سال ۲۰۱۳ به ۱۰ درصد در سال ۲۰۱۵ بدین معنی است که کسب و کارها اکنون می‌توانند دقیق‌تر برنامه‌ریزی کنند و کاراتر عمل نمایند. به طور مشابه، تثبیت نرخ ارز و حفاظت از بودجه دولت در برابر نوسانات قیمت‌های جهانی نفت، مورد نیاز وزارتخانه‌ها و شرکت‌های خارجی برای برنامه‌ریزی بلندمدت جهت سرمایه‌گذاری است.

دولت ایران با یک چالش اضطراب‌آور مواجه است: چگونه خدماتی ارائه کند که انتظارات فزاینده عموم را برآورده نموده و در عین حال، کارایی دولت را افزایش دهد، محیط اقتصاد کلان را تثبیت نماید، رقابت‌پذیری داخلی را تضمین کند و سرمایه‌گذاری خارجی را جذب نماید. برای مواجهه با این چالش، دولت باید یک برنامه‌ی گذار بلندپروازانه را در وزارتخانه‌ها و استان‌ها شروع کند. توانایی برای ارتباط با سرمایه‌گذاران و ذینفعان کسب و کار و کار کردن برای تغییر اثربخش، مخصوصاً به دلیل پیوستگی بالای بخش خصوصی و عمومی در ایران، حائز اهمیت است.

شرکت‌های داخلی و بین‌المللی به یک راهبرد هدفمند در مورد چگونگی نزدیکی به بازار و مواجهه با رقابت بین‌المللی نیاز دارند. دامنه‌ای از بهبودها در عملیات کسب و کار، به بنگاه‌های موجود کمک می‌کند که رقابتی‌تر شوند و اتحاد می‌تواند مقیاس مورد نیاز را تأمین نماید. بازار ایران مملو از پیچیدگی و ظرایف است و سرمایه‌گذاران بین‌المللی احتمالاً تمایل دارند که این بازار را بشناسند و قبل از تصمیم‌گیری برای حضور در آن، فرصت‌های آن را بیازمایند. برای اینکه کشور

^{۵۸۰} نگاه کنید به ضمیمه.

بتواند پتانسیل رشد خود را محقق کند، دولت و شرکت‌های داخلی و خارجی، همه به یک دستور کار برای اقدام نیاز دارند که دولت سرعت تغییر را مشخص می‌کند.

شتاب‌بخشی به دگرگونی در مقیاس بزرگ

دولت ایران برای انتفاع از گشایش مجدد اقتصاد خود، مصمم است و رشد ۸ درصدی تولید ناخالص داخلی را هدف‌گذاری کرده، و علاوه بر آن به دنبال تورم و نرخ بیکاری کمتر از ۸ درصد است. برای دستیابی به این اهداف و فرصت‌هایی که در این گزارش به آنها اشاره کردیم، دولت باید یک برنامه تغییر با حجم و حیطه وسیع را آغاز نماید.

ایران اولین کشوری نیست که با نیاز به تغییر برای میسر کردن رشد اقتصادی مواجه می‌شود. سنگاپور، استونی و مالزی گام‌های مهمی را برای بهبود مدیریت دولت برداشته‌اند و بینش‌های ارزشمندی را می‌توان از اینها و دیگر برنامه‌های اصلاحات کسب نمود. از میان این تجارب، چهار ابتکار عمل، دستور کار برای تغییر را برای دولت ایران تشکیل می‌دهند. ساماندهی مجدد و کامل رویکرد دولت به اداره مالیه عمومی، و در کنار آن، بازطراحی خدمات عمومی به منظور بهبود کیفیت و کارایی هزینه، ضروری است. بهبود ساختار، اندازه و مدل عملیاتی دولت برای کاهش بروکراسی نیز یک کلید خواهد بود. نهایتاً، برای یک تغییر سریع و مولد، یک تصویر شفاف از مکانیزم‌های پاسخگویی برای تضمین پیشرفت، مورد نیاز خواهد بود.

روش‌های اثربخش مدیریت مالیه عمومی، همچون مدیریت بودجه‌ریزی، سرمایه‌گذاری و درآمد و سرمایه در گردش، برای ارتقای رشد اقتصادی، اساسی هستند. حرکت به سمت بودجه‌ریزی مبتنی بر خروجی، همانطور که دولت سوئد آن را تجربه کرده، یا اقدام برای جای دادن بهره‌وری سرمایه در فرآیندهای برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری، آنطور که در سنگاپور اتفاق افتاد، می‌تواند منجر به مدیریت مالی بهتر گردد. برنامه پنج ساله ۲۰۱۶-۲۱ ایران شامل برخی رویکردها به مالیه عمومی با هدف ویژه بهبود مدیریت درآمدهای نفت و گاز از طریق استقلال بیشتر صندوق توسعه ملی و بانک مرکزی است. مدیریت مستقل صندوق، کمک‌های نفت و گاز به مؤسسات دولتی را دشوارتر می‌کند. دولت همچنین برنامه‌هایی را برای انتشار اوراق تسویه قابل خرید و فروش برای پرداخت به پیمانکاران دارای طلب‌های معوق اعلام نموده است و بنابراین نقدینگی را برای بستن کاران از دولت فراهم می‌کند.

بازطراحی خدمات عمومی هم می‌تواند به پایین نگه داشتن مخارج و بهبود کیفیت کمک کند. استونی با موفقیت توانسته خدمات عمومی را از طریق سرمایه‌گذاری فراوان برای آنلاین کردن

فرآیندها و برنامه‌ها، ارتقا دهد. در سال ۲۰۰۳، این کشور اولین نسخه از پورتال دولت الکترونیک را راه‌اندازی کرد؛ ۱۰ سال بعد بیش از ۹۰ درصد شهروندان از کارت شناسایی الکترونیک برای دادن رأی، پرداخت مالیات، و دسترسی به بیش از ۱۶۰ خدمت آنلاین از بیمه بیکاری تا ثبت مالکیت، استفاده می‌کردند. نهادهای بخش خصوصی در استونی همچون بانک‌ها و شرکت‌های مخابراتی، می‌توانند خدماتی را از طریق پورتال دولتی ارائه کنند و لذا برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت آن انگیزه دارند. در ایران، اقدامات اندکی برای بهبود خدمات عمومی در آخرین برنامه پنج ساله دولت آمده است. همانطور که قبلاً در این فصل مطرح گردید، دولت برنامه‌هایی را برای تسهیل و دیجیتالی کردن خدمات مجوزدهی، به منظور دسترسی آسان‌تر و هزینه‌های اجرایی کمتر، اعلام کرده است. دولت همچنین پیشنهادی را مبنی بر ایجاد یک سیستم آماری ملی جامع برای سنجش بهتر نتایج سیاست، مطرح نموده است.

کاهش بروکراسی، شرکت‌ها را قادر می‌سازد تا با کارایی بیشتری کار کنند، اما همچنین نیازمند تغییرات در ساختار و مدل عملیاتی دولت است. دولت ایران برنامه‌های متعددی برای حداقل کردن اثر موانع بروکراتیک مطرح کرده است. اگر این اصلاحات با سرعت و شفافیت انجام شود، می‌تواند محیط کسب و کار را برای شرکت‌های داخلی و خارجی بهبود بخشند. علاوه بر خصوصی‌سازی، دولت در حال اصلاح یارانه‌ها و تعرفه‌ها، ساده‌سازی چارچوب‌های قانونی برای سرمایه‌گذاری خارجی و هدف‌گذاری برای کاهش تعدد مجوزها و رویه‌های کسب و کار در ایران است.

اصلاحات پیچیده‌تر مستلزم برنامه‌ریزی قوی و مکانیسم‌های پاسخگویی برای دستیابی به نتایج است. مالزی قادر بود تنها در ۸ ماهه اول یک برنامه تغییر بزرگ مقیاس، به ۵۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری -۱۲ درصد هدف ۱۰ ساله خود- دست یابد. دولت با استفاده از تنها ۷۹ درصد وجوه بودجه، به ۱۱۲ درصد شاخص‌های کلیدی عملکرد تعیین‌شده برای سال اول دست یافت. از ضروریات برای سرعت و کیفیت تغییرات در مالزی، یک واحد متمرکز مدیریت عملکرد با اهداف مستحکم و مکانیسم‌های پاسخگویی در تمام آژانس‌های دولتی بود.^{۵۸۱} ایران می‌تواند از این نمونه‌ها و از تغییرات اثربخش کسب و کار، برای تعیین اهداف روشن و مدیریت حرکت به سمت آنها استفاده کند. اصلاحات سریع مستلزم این است که دولت، نیروی کار و توانایی‌های خود را به خصوص در ارتباط با مدیریت تغییر، تقویت نماید. یک تغییر موفق دولت نمی‌تواند بدون همکاری و هماهنگی افراد مستعد در تمام وزارت‌خانه‌ها و در تمام سطوح دولت، اتفاق بیافتد.

^{۵۸۱} یون دالی و سیلان سینگهام، «جهش رشد مالزی: مصاحبه با ادریس جالا»، فصلنامه مکنزی، اکتبر ۲۰۱۱.

برای دستیابی به پتانسیل‌های مطروحه، دولت باید اطمینان حاصل کند که اصلاحات آن هم پیوسته و هم سریع هستند و به طور شفاف آن‌ها را اطلاع‌رسانی کند. زمانی که میانگین رشد سالانه از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۷ برابر ۶ درصد بود، ایران نشان داد که سیاست اقتصاد کلان باثبات می‌تواند اثرات بلندمدت داشته باشد. با پیش رفتن به جلو، توانایی دولت برای حفظ ثبات، امری مهم برای اعتماد سرمایه‌گذاران است. به عنوان مثال، مواهب طبیعی ارزان قیمت ایران در انرژی و معدن، به خودی خود برای جذب سرمایه‌گذاری کافی نیست. شرکت‌ها به دنبال اطمینان در چارچوب‌های قانونی جدید هستند. ارزش اعتماد ناشی از مدیریت درست انتظارات و انجام تعهدات مربوط به اصلاحات، همانند ارزش خود منابع است.

برای دستیابی به پتانسیل‌های مطروحه، دولت باید اطمینان حاصل کند که اصلاحات آن هم پیوسته و هم سریع هستند و به طور شفاف آن‌ها را اطلاع‌رسانی کند.

تعیین اولویت‌ها برای شرکت‌های داخلی و بین‌المللی

بخش خصوصی ایران نیز نیاز به بهبودهای سریع برای رقابت جهانی و کسب وفاداری مشتریانی دارد که انتخاب‌های فراوانی دارند. اگر محصولات با برندهای بین‌المللی و با کیفیت بیشتر و قیمت کمتر وارد بازار شوند، مصرف‌کنندگان ایرانی بعید به نظر می‌رسد که برندهای داخلی را خریداری نمایند. به طور مشابه، اگر قیمت‌های رقابتی با گواهی‌نامه‌های ایمنی بی‌عیب و نقص و کیفیت همراه نباشند، مشتریان خودرو در کشورهای همسایه به دنبال برندهای جهانی ساخته شده در ایران نخواهند بود. پیشنهادی رقابتی در فناوری اطلاعات و ارتباطات و خدمات حرفه‌ای، پیش‌شرط‌های موفقیت در بخش‌هایی هستند که مبتنی بر تکنولوژی دیجیتال و مشاوره کسب و کار هستند. با توجه به اینکه شرکت‌های ایرانی از رقابت بین‌المللی جدا افتاده بودند و اینکه دولت در اقتصاد نقش پررنگی دارد، تغییر مرحله‌ای در کارایی و عملیات، ضروری است. بهبودهای بهره‌وری سرمایه، روش‌های مدیریت ناب، دانش سازمانی، دیجیتالی نمودن، و تحلیل داده‌ها، می‌توانند برای تغییر در کسب و کار ایران مورد استفاده قرار گیرند. مضاف بر این، شرکت‌های ایرانی باید یکپارچه شدن و افزایش مقیاس را مدنظر قرار دهند. به عنوان مثال، شرکت‌های غیرمتمرکز در بخش مواد اساسی می‌توانند برای سرمایه‌گذاری در تکنولوژی‌های نو که باعث بهبود بهره‌وری سرمایه می‌گردد، ادغام شوند، و یکپارچگی در بخش دارویی، باعث رقابتی‌تر شدن بنگاه‌های داخلی می‌گردد.

اقدام جدی در همراهی با شرکت‌های سرمایه‌گذاری نیز از ضروریات است. تحقیقات مؤسسه جهانی مکنزی نشان داده که رشد بازار در حال ظهور، به ندرت خطی است و ورود موفق به بازار مستلزم پیش‌بینی رشد ناگهانی است. همانطور که این گزارش نشان می‌دهد، ایران به زودی می‌تواند به این نقطه عطف برسد - بازگشت سریع به اقتصاد جهانی با ثروتی از سرمایه معنوی، منابع طبیعی و یک پایگاه مصرف‌کننده قوی. شرکت‌های بین‌المللی دارای سابقه در ایران، در بهترین موقعیت برای بهره‌برداری از آن هستند و در حال حاضر نیز گام‌هایی را برای شروع مجدد و گسترش فعالیت‌ها برداشته‌اند. در بخش خودروسازی، شرکت سیتروئن فرانسه خبر از یک سرمایه‌گذاری ۴۳۵ میلیون دلاری و تجدید مشارکت با شرکت ایران خودرو داده است، در حالی که شرکت نوو نوردیسک با سابقه توزیع در ایران، اولین شرکت بزرگ دارویی خواهد بود که یک واحد تولیدی به ارزش ۱۰۰ میلیون دلار در ایران می‌سازد. برای شرکت‌های جهانی که سابقه حضور در ایران ندارند، دستیابی به رشد مستلزم مدیریت پیچیدگی و نااطمینانی بازار جدید از طریق شروع برنامه‌هایی برای شناخت بازار، آزمودن فرصت‌های جدید، و تثبیت وجود در ایران است. با توجه به محیط کسب و کار پیچیده ایران، شرکت‌آزمایی قوی برای ارزیابی ریسک‌ها و فرصت‌ها و برنامه‌ریزی برای ورود احتمالی، ضروری است.

پتانسیل رشد ایران چیست؟ بزرگی این فرصت برای شرکت‌های بین‌المللی چقدر می‌تواند باشد؟ چه تعداد شغل جدید می‌تواند ایجاد شود؟ در این گزارش ما به دنبال پاسخ به این سؤالات از طریق تحلیل جزء به جزء ۱۸ بخش صنعت بوده‌ایم. یک تریلیون دلار رشد احتمالی که ما پیش‌بینی می‌کنیم قابل توجه است، و معادل اضافه کردن یک درصد به تولید ناخالص داخلی جهان است. با این حال، همانطور که گفتیم، رشدی با این اندازه یک شبه به دست نمی‌آید و به صورت خودکار با لغو تحریم‌ها نیز ایجاد نمی‌گردد. ایران باید به دقت برنامه‌ریزی کند و تغییرات در اقتصاد کلان و محیط کسب و کار، بازار نیروی کار، نظام مالی و ظرفیت دولت برای تغییر را اولویت‌بندی کند. دولت، اصلاحات مهم و هدف‌های بلندپروازانه‌ای را اعلام کرده است. با این حال حتی با اصلاحات سیاستی درست و اولویت‌بندی دقیق، دولت و بخش خصوصی نیاز به این دارند که ایران بتواند اعتماد و اطمینان سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را جلب نماید. ایران همچنین باید به یک بازیگر معتبر و باثبات در اقتصاد جهانی تبدیل شود. تلاش، انرژی و عزم تمام ذینفعان از جمله ۸۰ میلیون جمعیت ایران، قابل توجه خواهد بود، اما ۱ تریلیون دلار فرصت رشد، پاداشی است که برای جذب شدن خودنمایی می‌کند.

ضمیمه؛ معاملات بین‌المللی از زمان توافق هسته‌ای



Sector	South Korea	Italy	Germany	Russia	France	Japan	China	India	UK	Others	Total
Oil and gas	10	8	1	8	2	6	2	2	2	13	54
Transport	6	4	6	3	5		5	1	2	8	40
Automotive			2	4	3	4				5	18
Financial services	2	1	5		1	1			1	6	17
Metals and mining	4	1	1		1	1	4	3		1	16
Infrastructure	10	2	1			1		6		1	21
Healthcare	4	4								2	10
Trade	2	1	1	2					1	2	9
Energy		2	1	3					1	5	12
Chemicals	1	1	1			1	1			2	7
Professional Services	1		1			1				1	4
Telecom		1							1	1	3
Manufacturing			1		1					1	3
Tourism					1					3	4
Pharmaceutical					2					1	3
Consumer				1						1	2
ICT		1									1
Agriculture										2	2
Total	40	26	21	21	16	15	13	12	7	55	226

Out of the 226 deals, values have been announced for at least 52 deals totaling more than \$130 billion

¹ Data as of May 27, 2016

SOURCE: McKinsey Global Institute analysis

ضمیمه فنی

برای این گزارش، مؤسسه جهانی مکنزی یک مدل اقتصادی تکراری^{۵۸۲} ایجاد نمود که داده‌های موجود از منابع چندگانه را با هم ترکیب نموده تا رشد اقتصاد ایران تا سال ۲۰۳۵ را شبیه سازی نماید. هر بخش به صورت مستقل بررسی شد و سپس با هم ترکیب شدند تا پتانسیل تولید ناخالص داخلی ایران را تشکیل دهند. هدف از این کار، رسیدن به رشد تولید ناخالص داخلی بدون فروض از بالا به پایین در مورد رشد کلی اقتصاد بود؛ در عوض یک روش پایین به بالا برای تعیین پتانسیل بخش و متعاقب آن نرخ رشد کلی تولید ناخالص داخلی به کار گرفتیم.

مدل اقتصادی مؤسسه جهانی مکنزی برای ایران، از دو بخش به هم پیوسته یعنی بخش سرمایه‌گذاری و بخش ارزش افزوده ناخالص تشکیل شده که با هم، پیش‌بینی‌های تولید ناخالص داخلی ۲۰۳۵ را فراهم می‌کنند. بخش سرمایه‌گذاری برای پیش‌بینی کل سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای تمام اقتصاد به کار گرفته می‌شود. بخش ارزش افزوده ناخالص جهت پیش‌بینی ارزش افزوده ناخالص اقتصاد ایران و سطوح بهره‌وری و اشتغال مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این ضمیمه، فروض کلیدی و روش‌های مورد استفاده برای هر بخش را به جزئیات بیان خواهیم نمود.

ذکر برخی نکات حائز اهمیت است. اول اینکه، با توجه به نااطمینانی ذاتی در پیش‌بینی‌های بلندمدت اقتصادی، این ارقام نباید به عنوان پیش‌بینی مؤسسه جهانی مکنزی یا مکنزی و شرکت برای اقتصاد ایران در نظر گرفته شوند. در عوض، این مدل، ابزاری برای درک بهتر اقتصاد در سال ۲۰۳۵ است و بستگی به دامنه‌ای از عوامل داخلی و خارجی دارد.

دوم، این مدل بر اساس بررسی جامع داده‌های قابل دسترس عمومی از داخل و خارج ایران در مورد اقتصاد ایران و دیگر اقتصادها صورت گرفته است (نگاه کنید به کادر A1، با عنوان منابع اصلی داده‌ها و مصاحبه‌ها). با توجه به برخی اختلافات و اشتباهات محاسباتی در داده‌های قابل دسترس عمومی، ما سعی کرده‌ایم که از پایگاه‌های داده سازگار برای هر تحلیل استفاده کنیم تا به موثق‌ترین منابع دست یابیم.

سوم، گرچه این مدل رویکردی جامع به پتانسیل رشد اقتصادی دارد اما به وضوح حلقه‌های بازخورد بین سیاست اقتصاد کلان و فعالیت‌های بخش خصوصی را در نظر نمی‌گیرد. در واقع، توسعه در سیاست، سرمایه‌گذاری و رشد بخشی احتمالاً تابع یکدیگر بوده و به هم مرتبط خواهند بود. مدل‌های بخشی که ایجاد کرده‌ایم، به عنوان مثال تأخیرهای احتمالی را که ناشی از فرآیند تصمیم‌گیری سیاسی یا سرمایه‌گذاری محتاطانه هستند، مدنظر قرار نمی‌دهد.

کادر A1. منابع داده اصلی و مصاحبه‌ها

ما از منابع اصلی زیر از داخل و خارج ایران برای تحقیق و مدل سازی خود استفاده کردیم: منابع ایرانی: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛ سازمان گمرک ایران؛ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛ وزارت جهاد کشاورزی؛ وزارت صنعت، معدن و تجارت؛ وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی؛ وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات؛ وزارت نفت؛ وزارت راه و شهرسازی؛ دفتر ریاست جمهوری اسلامی ایران؛ سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران؛ مرکز آمار ایران؛ بورس اوراق بهادار تهران.

منابع بین‌المللی: Ceritus؛ یورومانیتر اینترنشنال؛ عرضه و تقاضای ICIS، IHS، آژانس بین‌المللی انرژی، سازمان جهانی کار، صندوق بین‌المللی پول، سازمان ملل متحد، وود مکنزی، بانک جهانی، سرویس جهانی اطلاعات سلولی، مجمع جهانی اقتصاد.

طرح سرمایه‌گذاری^{۵۸۳}

طرح سرمایه‌گذاری، کل سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای تمام اقتصاد تا سال ۲۰۳۵ را پیش‌بینی می‌کند. داده‌های اصلی این طرح عبارتند از داده‌های تاریخی سرمایه‌گذاری (هم در ایران و هم در کشورهای مشابه) و ارزش افزوده بخش. ما سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای هر بخش را برآورد می‌کنیم. تحقیقات مؤسسه جهانی مکنزی یک رابطه تجربی قوی بین نرخ سرمایه‌گذاری کشور و نرخ رشد آن ایجاد نموده است. ما این را «قاعده ۲/۵» می‌نامیم. در واقع این قاعده تصریح می‌کند که به ازای هر سرمایه‌گذاری اضافی به میزان ۲/۵ واحد درصد از تولید ناخالص داخلی، به اندازه یک درصد رشد تولید ناخالص داخلی اضافه می‌شود. ما از این رابطه تجربی برای بررسی و تصدیق کل سرمایه‌گذاری مورد نیاز در اقتصاد ایران استفاده کرده‌ایم.

طرح ارزش افزوده ناخالص

طرح ارزش افزوده ناخالص، ارزش افزوده، بهره‌وری و اشتغال هر بخش را پیش‌بینی می‌کند. داده‌های اصلی این طرح عبارتند از ارزش افزوده ناخالص تاریخی بخش، اشتغال، و معیارهای بین‌المللی بهره‌وری نیروی کار و همچنین رابطه خاص هر بخش با بقیه اقتصاد (به عنوان مثال، حساسیت به شرایط اقتصاد کلان وسیع‌تر و سطح درآمد شهروندان). ما ۱۸ بخش را به طور عمیق بررسی کردیم:

نفت و گاز، پتروشیمی، معدن، کشاورزی، خودرو، مواد اصلی، کالاهای مصرفی روزانه، خرده فروشی، گردشگری، مالی و بیمه، خدمات حرفه‌ای، فناوری اطلاعات و ارتباطات، محصولات دارویی، مراقبت بهداشتی و سلامت، حمل و نقل، املاک، خدمات عمومی، و ساختمان. همچنین ارزش افزوده ناخالص فزاینده را برای دو بخش دیگر محاسبه کردیم: بخش عمومی و دیگر بخش‌های تولید. ما از یک مجموعه واحد کشورهای هم‌تا برای هر بخش استفاده نکردیم. در عوض، به منظور استفاده از مرتبط‌ترین معیارها برای صنایع، برای هر بخش از کشورهای هم‌تا مجزا استفاده نمودیم. خروجی‌های هر بخش در یک مدل تکراری وارد گردید تا نرخ رشد کل اقتصاد مورد استفاده برای کل ارزش افزوده ناخالص در سال ۲۰۱۴ را تعیین نماید. سپس کاهش ارزش پول رایج را در این خروجی به کار گرفتیم و برای تعیین تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۳۵، آن را با مالیات‌ها و یارانه‌ها جمع کردیم. این به هر یک از بخش‌ها برای تعیین تولید ناخالص داخلی بخش تخصیص داده شد.

ما بهره‌وری فعلی نیروی کار در ایران را از طریق تقسیم ارزش افزوده ناخالص بر کل اشتغال به صورت بخش به بخش، برآورد نمودیم. برای کالاهای قابل فروش، از ارزش افزوده ناخالص به ازای هر کارکن به عنوان معیاری برای بهره‌وری و برای کالاهای غیرقابل فروش از ارزش افزوده ناخالص بر مبنای برابری قدرت خرید برای در نظر گرفتن تفاوت‌های قیمت نسبی، استفاده نمودیم. در این تحلیل برخی از بخش‌ها دارای سطوح بهره‌وری بسیاری بالا و برخی دیگر دارای سطوح بسیار پایین بهره‌وری بودند. این عدم تقارن، نشان دهنده آرایش اقتصادی منحصر به فرد کشور از جمله مواهب عظیم منابع طبیعی و این واقعیت است که برخی از بخش‌ها هنوز هم نسبتاً کوچک و در مراحل ابتدایی توسعه هستند. این مشاهدات ما را به سمت رویکردهای ویژه برای مدل‌سازی بهره‌وری آینده نیروی کار، هدایت نمود.

هم‌آیی نرخ ارز و کاهش ارزش پول رایج

نتایج تحلیل و پیش‌بینی‌های ما در قالب نرخ‌های ارز واقعی پیش‌بینی‌شده بیان شده‌اند. نرخ‌های ارز واقعی به جای نرخ ارز بازار یا برابری قدرت خرید، بهترین برآورد از ارزش دلاری مورد انتظار عواید یا درآمد در پول رایج داخلی را به دست می‌دهد. در عمل، ما از دلار ثابت ۲۰۱۴ (با نرخ ارز بازار) به عنوان مبنا استفاده نموده و سپس عامل ۱/۱ درصد سالانه کاهش ارزش پول رایج را تا سال ۲۰۳۵ به کار بردیم. این کاهش نرخ ارز را از تفاوت بین نرخ رشد تولید ناخالص سرانه ایران و ایالات متحده و تعدیل آن با سهم کالاهای غیرقابل فروش در اقتصاد، به دست آوردیم. بنابراین، برآورد ما از تولید

ناخالص داخلی احتمالی سال ۲۰۳۵ شامل کاهش ارزش پول رایج نیز بوده و بر حسب نرخ ارز واقعی پیش‌بینی شده در سال ۲۰۳۵ بیان شده است.^{۵۸۴}

تحلیل بخش با موتور محرک رشد

تحلیل بخش بر اساس موتور رشد به شرح زیر سازماندهی شده است:

- بهره‌برداری از منابع طبیعی
- نفت و گاز، پتروشیمی، معدن، کشاورزی
- پرورش صنایع رقابت پذیر بین‌المللی
- خودرو، مصالح اصلی، کالاهای مصرفی روزانه، خرده فروشی، گردشگری
- گذار به اقتصاد دانش‌بنیان:
- خدمات مالی، خدمات حرفه ای و دیگر خدمات، فناوری اطلاعات و ارتباطات، محصولات دارویی، مراقبت بهداشتی
- گسترش و نوسازی زیرساخت‌ها:
- حمل و نقل، خدمات عمومی، املاک، ساختمان

بهره‌برداری از منابع طبیعی

نفت و گاز

ما ارزش افزوده ناخالص نفت و گاز را به صورت مجزا محاسبه نمودیم. برای هر کدام، درآمد را بر مبنای سناریوهای قیمت و تولید برآورد نمودیم که به نوبه خود تابعی از سرمایه‌گذاری هستند. ما ارزش افزوده ناخالص را به عنوان درآمد منهای هزینه‌های عملیاتی غیر نیروی کار محاسبه نمودیم. برای مایعات، نفت خام و میعانات، دامنه‌ای از سناریوهای قیمتی را در نظر گرفتیم که توسط مکنزی انرژی اینسایت تا سال ۲۰۳۵ به تفصیل تهیه شده بود. فرض را بر این گذاشتیم که تولیدکنندگان ایران تا زمانی به فروش نفت و گاز به بازار داخلی ادامه خواهند داد که سود فروش داخلی و صادرات به تعادل برسند. اگر هر گونه مداخله دولت در بازار وجود داشته باشد، این مورد صادق نخواهد بود، اما در یک پیش‌بینی ۲۰ ساله، این یک فرض ساده‌کننده معنادار است. کمترین قیمت، ۳۰ دلار در هر

^{۵۸۴} نرخ‌های ارز واقعی به جای نرخ ارز بازار یا برابری قدرت خرید، بهترین برآورد را از ارزش دلاری مورد انتظار عواید یا درآمد در پول رایج داخلی را به دست می‌دهد. جهان شهری: ترسیم قدرت اقتصادی شهرها، مؤسسه جهانی مکنزی، مارس ۲۰۱۱. برای مباحث تئوری، نگاه کنید به پل ساموئلسون، «یادداشت‌های نظری بر مشکلات تجارت»، مرور اقتصاد و آمار، شماره ۲، می ۱۹۶۴، و بلا بالاسا، «اصل برابری قدرت خرید: ارزیابی نو»، نشریه اقتصاد سیاسی، شماره ۶، ۱۹۶۴.

بشکه بود که به قیمت‌های فعلی نزدیک است اما از لحاظ تاریخی بسیار پایین است، در حالی که بالاترین قیمت ۱۱۰ دلار برای هر بشکه همانند اوج به دست آمده از ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ بود. برای گاز طبیعی، از دامنه ۳ دلار برای هر یک میلیون Btu تا ۹ دلار برای هر یک میلیون Btu استفاده کردیم که بازتاب دامنه قیمت‌ها در بازار گاز طبیعی مایع آسیا طی ۵ سال گذشته منهای ۳ دلار به ازای هر یک میلیون Btu در هزینه‌های مایع سازی و ۱ دلار به ازای هر یک میلیون Btu برای حمل و نقل است.

برای محاسبه سناریوهای تولید، ابتدا یک هزینه بلندمدت ۱۱ دلار برای هر بشکه در مایعات با ۵ دلار در هر بشکه هزینه سرمایه را بر مبنای معیار عراق برای میادین و تحلیل صنعت مشابه، و ۲ دلار برای هر بشکه هزینه سرمایه برای معادل نفتی گاز بر مبنای تولید تاریخی در میدان پارس جنوبی در زمان مداخله شرکت‌های خارجی را در نظر گرفتیم. سپس سناریوهای سرمایه‌گذاری را اجرا کردیم که سرمایه‌گذاری را تا سال ۲۰۲۵ با نرخ رشد سالانه ثابت مرکب افزایش داد. ما ۵ درصد استهلاک را در نظر گرفتیم و هزینه سرمایه ثابت را بر اساس داده‌های تولید و سرمایه‌گذاری فعلی از وود مکنزی محاسبه نمودیم. سپس می‌توانستیم هزینه سرمایه آینده را محاسبه نموده و آن را از کل هزینه سرمایه کم کنیم تا سهم آن را در تولید جدید به دست آوریم.

هزینه‌ها را با استفاده از سطوح تاریخی هزینه عملیاتی به ازای هزینه سرمایه ثابت محاسبه نمودیم. سپس این هزینه‌ها را از عواید کسر نموده و هزینه‌های نیروی کار را اضافه کردیم تا ارزش افزوده ناخالص را پیدا کنیم.

با استفاده از نرخ رشد سالانه مرکب ۷ درصدی برای سرمایه‌گذاری تا سال ۲۰۲۵ و سپس ثبات آن تا سال ۲۰۳۵ به صورت تقسیم ۵۰-۵۰ برای مایعات و گاز، به رقم ۱۲۵ تا ۳۷۵ میلیارد دلار ارزش افزوده ناخالص برای سال ۲۰۳۵ دست یافتیم. کل سرمایه‌گذاری در این سناریو، ۳۵۰ میلیارد دلار است (که از این میزان، حدود ۱۰۰ میلیارد دلار برای پایین دست بوده و هزینه سرمایه در مورد هزینه سرمایه پس از ۲۰۱۵ ثابت است). ارزش‌های میان رده در این گزارش مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در این سناریو، تولید برای سال ۲۰۳۵ حدود ۵/۴ میلیون بشکه روزانه نفت خام و میعانات، سالانه حدود ۴۰۰ میلیارد مترمکعب گاز، و ۳۴۰ هزار بشکه معادل نفت در روز برای تولید معادل‌های مایع گاز طبیعی است. این ارقام متضمن نرخ‌های سرمایه‌گذاری پایین‌تری نسبت به چیزی است که دولت در برنامه پنج ساله ششم در نظر گرفته است، اما ما فرض می‌کنیم که حتی اگر این اهداف رویایی سرمایه‌گذاری هم محقق شوند، تا سال ۲۰۳۵ ادامه نخواهند داشت.

ما فروض قوی در مورد اشتغال و بهره‌وری در نظر نگرفتیم زیرا نیروی کار، بخش کوچکی از هزینه است. در عوض، فرض نمودیم که اشتغال متناسب با هزینه‌های عملیاتی بوده و رشد متوسط ۲/۵

درصدی در سال را با دستمزدهای واقعی خواهد داشت و از نقطه آغازین ۱۷۳ هزار شغل به ۴۵۰ هزار شغل رشد خواهد نمود.

پتروشیمی

همانند نفت و گاز، ارزش افزوده ناخالص محصولات پتروشیمی را با تفکیک درآمد و هزینه محاسبه نمودیم. ما از مدل هزینه مکنزی برای برآورد هزینه‌ها عمدتاً بر مبنای اتیلن استفاده کردیم. این باعث کم برآورد کردن میانگین حاشیه سود می‌گردد زیرا برخی محصولات مستلزم فرآوری‌های بیشتری هستند (و حاشیه سود کمتری دارند) اما اکثر تولید و تولید برنامه‌ریزی شده ناشی از محصولات شیمیایی اصلی است و ارزش افزوده ناخالصی که ما با استفاده از این مدل محاسبه نمودیم، با داده‌های IHS سال ۲۰۱۴ سازگار بود. سپس یک بهبود در بهره‌وری را تا حد معیار ۹۰ درصدی جهانی فرض نمودیم و سناریو را بر مبنای ظرفیت پیش‌بینی شده ICIS و برنامه بسیار بلند پروازانه‌تر دولت، یعنی دامنه تولید ۹۰ میلیون تن در سال تا تقریباً ۱۸۰ میلیون تن در سال ۲۰۳۵، اجرا نمودیم. با استفاده از قیمت‌های ثابت بر مبنای میانگین قیمت برای هر تن بر اساس داده‌های دولت، این سناریوهای تولید متضمن ۳۰ تا ۵۰ میلیارد دلار ارزش افزوده ناخالص است.

بر اساس هدف ۸۰ میلیارد دلاری دولت برای سرمایه‌گذاری و فرض تداوم هزینه سرمایه ۳ درصدی، کل سرمایه‌گذاری می‌تواند به ۱۳۰ میلیارد دلار یا بالاتر از ۵۰ میلیارد دلار در سناریو اولیه برسد. همانند نفت و گاز، ارزش‌های میان رده در این گزارش مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

همانند نفت و گاز، نیروی کار بخش کوچکی از هزینه‌ها را شامل می‌شود، و این باعث کاهش فشار برای صرفه‌جویی در نیروی کار می‌گردد. بنابراین، اشتغال را هم راستا با هزینه‌های عملیاتی از ۴۱۴ هزار به ۷۵۰ هزار نفر تا سال ۲۰۳۵ پیش‌بینی کردیم.

معدن

همانند دیگر بخش‌های منابع طبیعی، ارزش افزوده ناخالص معدن را از طریق پیش‌بینی تولید و با استفاده از سناریوهای قیمتی برون‌زا برای تعیین عواید، محاسبه می‌کنیم. به جای محاسبه تک تک مواد معدنی به صورت مجزا، از سنگ آهن و مس (حدود سه چهارم درآمد در فلزات) به عنوان نماینده‌ای برای رشد کل بخش استفاده کردیم. پیش‌بینی‌های قیمتی از داده‌های بانک جهانی گرفته شده و سپس تثبیت گردید. همانند نفت و گاز، نااطمینانی‌های زیادی در این فروض وجود دارد.

برای سنگ آهن، ما از هدف تولید تعیین شده توسط ایمیدرو یعنی ۱۳۸ میلیون تن در سال ۲۰۳۵ یا ۵/۲ نرخ رشد سالانه مرکب استفاده نمودیم. با این حال، از آنجایی که قیمت‌ها از سال ۲۰۱۴ سقوط

نمود و پیش‌بینی‌ها به آن سطح بر نمی‌گردد، رشد ارزش افزوده ناخالصی که ما پیش‌بینی کردیم از ۱/۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ تا ۱/۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۳۵ است. نااطمینانی‌های زیادی در این ارقام وجود دارد: در قیمت ثابت و رشد ۵/۲ درصدی تولید، ارزش افزوده ناخالص سنگ آهن در سال ۲۰۳۵ حدود ۴/۶ میلیارد دلار خواهد بود.

محاسبات مشابهی را برای مس انجام دادیم و فرض کردیم که ایران تولید را افزایش خواهد داد تا به نسبت‌های جهانی ذخیره به تولید برسد، پیش‌بینی‌های قیمتی بانک جهانی را مدنظر قرار دادیم و سالانه یک درصد بهبود بهره‌وری را در نظر گرفتیم. این باعث نرخ رشد ۶ درصدی ارزش افزوده ناخالص و افزایش آن از ۵۷۰ میلیون دلار به بیش از ۲ میلیارد دلار می‌گردد. با استفاده از معیار بین‌المللی ۱۰ هزار دلار هزینه سرمایه برای هر تن برای یک معدن ۳۰ ساله، افزایش تولید مستلزم ۹ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری است. پیش‌بینی برای کل بخش، به ما رقم ۳۵ میلیارد دلار را تا سال ۲۰۳۵ می‌دهد که با ۲۰ میلیارد دلار ایمیدرو برای پروژه‌ها تا سال ۲۰۲۵ سازگار است.

این محاسبات برای مس و سنگ آهن باهم، افزایش در ارزش افزوده ناخالص از ۲/۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ به ۳/۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۳۵ را نشان می‌دهد. با استفاده از میانگین وزنی ارزش افزوده ناخالص سنگ آهن و مس برای بقیه بخش، به رشد ۴/۳ درصدی ارزش افزوده ناخالص برای بخش معدن می‌رسیم. بر مبنای ارزش افزوده ۳/۶ میلیارد دلار گزارش شده توسط دولت برای سال ۲۰۱۴، به ارزش افزوده ۱۰ میلیارد دلاری برای سال ۲۰۳۵ دست می‌یابیم. با بازگشت قیمت‌های سنگ آهن به سطوح سال ۲۰۱۴، این رقم به ۱۴ میلیارد دلار می‌رسد. همانند نفت و گاز، ارزش‌های میان رده در این گزارش به کار گرفته شده است. با استفاده از رقم مبنایی دولت مبنی بر ۹۴ هزار کارکن در سال ۲۰۱۴، اشتغالی که در نرخ بهره‌وری کلی ۶ درصدی افزایش می‌یابد به بیش از ۳۰۰ هزار نفر می‌رسد.

کشاورزی

در بخش کشاورزی، پتانسیل‌های رشد متفاوتی را برای محصولات پر ارزش و کم ارزش در نظر گرفتیم. بر مبنای میانگین مساحت مزرعه برای خرده‌مالکان، مزارع با اندازه متوسط و کسب و کارهای کشاورزی بزرگ، کشورهای معیار را جهت مدل سازی رشد برای محصولات پر ارزش شامل شیر، زعفران، میوه‌های خاص و محصولات شیلاتی مانند خاویار، انتخاب کردیم. فرض کردیم که این محصولات از میانگین وزنی نرخ رشد ۳/۵ درصدی سالانه کشورهای معیار با اندازه کسب و کارهای کشاورزی مشابه، پیروی می‌کنند. در مورد بقیه محصولات کشاورزی کم ارزش، فرض را بر این گذاشتیم که

مطابق با نرخ رشد سالانه ۳ درصدی کشاورزی ایران از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ رشد خواهند نمود. با وارد کردن عامل کاهش ارزش پول رایج، بخش کشاورزی به طور کلی با نرخ ۴ درصد رشد خواهد نمود. در مورد بهره‌وری، فرض کردیم که بهره‌وری نیروی کار کشاورزی در ایران از سال ۲۰۱۴ تا سال ۲۰۳۵ با نرخ مشابه ترکیه طی ۵ سال گذشته رشد خواهد کرد. این یک نرخ رشد سالانه ۲/۷ درصدی است. این نشان دهنده افزایش بهره‌وری نیروی کار ایران از ۷۹۰۰ دلار به ازای هر کارگر در سال ۲۰۱۴ به ۱۳۶۰۰ دلار به ازای هر کارگر در سال ۲۰۳۵ است و ۲۵۰ هزار شغل به این بخش اضافه می‌نماید. فرض بر این بود که سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی نیز با نرخ مشابه کل بخش رشد خواهد نمود و انتظار می‌رود که اکثر این رشد ناشی از منابع داخلی باشد. با سطوح فعلی سرمایه‌گذاری در کشاورزی به اندازه ۲ میلیارد دلار در سال، برآورد می‌کنیم که کل سرمایه‌گذاری طی ۲۰ سال حدود ۷۰ میلیارد دلار باشد.

پرورش صنایع رقابت پذیر بین‌المللی

خودروسازی

برای برآورد ارزش افزوده ناخالص تولید وسایل نقلیه ایران در سال ۲۰۳۵، گروهی از اهداف صادراتی محتمل را شناسایی نمودیم: ده واردکننده برتر سابق خودروهای ایرانی، همسایگان جغرافیایی و دیگر کشورهای خاورمیانه و آسیای مرکزی. برای پیش‌بینی اندازه بازار برای هر یک از این کشورها، از تحلیل رگرسیون چندگانه برای ۹۸ کشور استفاده کردیم تا رابطه بین ضریب نفوذ خودرو و تولید ناخالص داخلی سرانه کشور و میانگین قیمت بنزین را تعیین نماییم. سپس ضریب نفوذ ضمنی ۲۰۱۴ و ۲۰۳۵ را محاسبه نموده و سپس رشد بین این دو را در ضریب نفوذ واقعی ۲۰۱۴ در این کشورهای هدف اعمال نمودیم. سپس ضریب نفوذ ۲۰۳۵ را در جمعیت مورد انتظار در سال ۲۰۳۵ ضرب کردیم تا حجم فروش هر کشور را در سال ۲۰۳۵ برآورد کنیم. برای محاسبه نفوذ بازار قابل دستیابی ایران در آسیای مرکزی، از سهم تاریخی بازار ترکیه به عنوان مبنا استفاده کردیم. برای عراق و سوریه، از ضریب نفوذ فعلی استفاده کردیم. برای پاکستان، ترکیه، و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، ظرفیت‌های تولید ایران را با ترجیحات خودرویی و دیگر نیروهای بازار این کشورها (به عنوان مثال ضریب نفوذ بالای گاز طبیعی فشرده در پاکستان و بازار داخلی قوی ترکیه) مقایسه نمودیم. سپس ضریب نفوذهای قابل دستیابی ۲۰۳۵ را در پیش‌بینی‌های خود از اندازه بازار در سال ۲۰۳۵ اعمال کردیم تا پتانسیل صادراتی ایران در سال ۲۰۳۵ را تعیین کنیم، و حاشیه ارزش افزوده ناخالص ۲۶ درصد را برای ایران

استفاده کردیم. برای پیش بینی رشد در فروش داخلی، رویکرد مشابهی را به کار گرفته و برای حذف انحراف ناشی از تحریم‌ها از ضریب نفوذ خودروی ایران قبل از ۲۰۱۱ به عنوان مبنا استفاده کردیم. برای محاسبه کل سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای دستیابی به پیش‌بینی‌های ما، یک برآورد هزینه پایین به بالا از سه نوع مختلف سرمایه‌گذاری مورد نیاز انجام دادیم. اول، سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای بهبود کیفیت محصولات موجود را تحلیل نمودیم - دامنه برآورد ما از حداقل هزینه نوسازی تجهیزات تا بازسازی کامل مدل‌های موجود بود. دوم، هزینه افزایش بهره‌وری کارخانه تا سطح کشورهای هم‌تا از طریق اضافه نمودن خطوط تولید جدید را برآورد کردیم. نهایتاً، هزینه ساخت امکانات جدید برای تأمین تقاضای اضافی را مدنظر قرار دادیم. علاوه بر این، فرض کردیم که هزینه نگهداری دارایی‌های سرمایه‌ای موجود در سطوح تاریخی ایران باقی می‌ماند و شامل مخارج اضافی مرتبط با استهلاک است. همچنین میانگین هزینه‌های ورود را برای بازارهای صادراتی جدید در نظر گرفتیم. برای برآورد کل اشتغال آینده، بهره‌وری ایران در سال ۲۰۳۵ را در سطح فعلی ترکیه فرض کردیم.

مصالح اصلی

ارزش افزوده ناخالص در مصالح اصلی برای بازارهای داخلی و صادراتی را با حاشیه‌های بالاتر ناشی از هزینه‌های پایین حمل و نقل و در مورد فولاد، تعرفه‌های پایین، محاسبه نمودیم. در هر مورد، ابتدا تقاضای داخلی را با در نظر گرفتن میانگین شدت مصرف (کیلوگرم سرانه) به عنوان تابعی از تولید ناخالص داخلی سرانه کشور و در مقایسه با روند اخیر ایران محاسبه نمودیم. این داده‌ها بیانگر این است که مصرف سیمان و فولاد ایران طی ۵ تا ۱۰ سال آینده بیشتر از رشد تولید ناخالص داخلی خواهد بود و پس از آن ممکن است به کمتر از رشد تولید ناخالص داخلی برسد. برای سادگی در مدل تجمعی پویا، رشد در مصالح اصلی را با نرخ $\frac{1}{3}$ و رشد تولید ناخالص داخلی را با نرخ یک درصد برای دو دوره ده ساله بین ۲۰۱۵ و ۲۰۳۵ برآورد کردیم. با این حال، محاسبات را به صورت جزئی‌تر در هر یک از دو بخش انجام دادیم.

در مورد سیمان، مصرف را با نرخ رشد مرکب سالانه $\frac{6}{5}$ درصد از ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ و سپس یک کاهش برای سطوح جایگزینی سیمان پیش‌بینی نمودیم. ما فرض کردیم که ظرفیت بر اساس هدف‌گذاری دولت، سالانه حدود ۴ درصد افزایش می‌یابد. با فرض همانندی حاشیه سودهای آینده در فروش داخلی با حاشیه سودهای قبلی ۳۰ تا ۳۵ درصدی در ایران و ۲۰ درصدی برای صادرات، به نرخ رشد مرکب سالانه $\frac{5}{1}$ درصدی برای سیمان، بتون و کل تا سال ۲۰۳۵ دست یافتیم. با استفاده از رشد ظرفیت مشابه برای سنگ، کل ارزش افزوده ناخالص برای سال ۲۰۳۵ به ۱۶ میلیارد دلار رسید.

شدت هزینه سرمایه برای هر تن سیمان را ۲۰۰ دلار برای هر تن با دوره استهلاك ۲۵ سال بر مبنای معیارهای صنعت در نظر گرفتیم. این یک صنعت به شدت سرمایه‌بر است و مستلزم حدود ۴۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری برای تأمین برآوردهای تولید است. عوامل دیگر این بخش، عمدتاً بتون و سنگ‌های ساختمانی، به این شدت سرمایه‌بر نیستند و به طور کلی ۶۰ میلیارد دلار هزینه سرمایه را بین ۲۰۱۴ تا ۲۰۳۵ برای کل بخش برآورد می‌کنیم.

ایران در یک دوره توسعه قرار دارد که شدت مصرف فولاد در آن، همانند سیمان بالا است و احتمالاً از این نیز بیشتر می‌گردد. پیش‌بینی رشد شدت مصرف از دوره ۱۱-۲۰۰۵ تا ۲۰۲۵ می‌تواند به سرانه ۴۵۰ کیلوگرم برسد. این تقاضا معادل ۳۷/۵ میلیون تن در سال است، که این برابر نرخ رشد مرکب سالانه ۶/۳ درصدی است. سپس فرض کردیم که رشد به سطحی بین رشد جمعیت و رشد تولید ناخالص داخلی ۳ درصد کاهش یافته و به ۵۰ میلیون تن در سال تا سال ۲۰۳۵ می‌رسد. با فرض اینکه ایران می‌تواند تولید را با نرخ بالا همانند دوره ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴ افزایش دهد (نرخ رشد مرکب سالانه ۸/۶ درصد)، این کشور می‌تواند در سال ۲۰۲۲ به خودکفایی برسد، در سال ۲۰۳۰ به اندازه ۵۰ میلیون تن و در سال ۲۰۳۵ سالانه ۶۵ میلیون تن تولید نماید. در حالی که این یک نرخ رشد سریع برای تولید است اما هنوز از هدف‌گذاری ۱۱ درصدی دولت برای رسیدن به تولید سالانه ۵۲ میلیون تن تا سال ۲۰۲۵ کمتر است.

با استفاده از این برآوردهای عرضه و تقاضا و پیش‌بینی حاشیه سودهای تاریخی ۳۰ درصد برای فروش داخلی و برآورد حاشیه سود کمتر و ۱۰ درصدی برای صادرات احتمالی، به نرخ رشد مرکب سالانه ۵/۳ درصدی ارزش افزوده ناخالص برای سال ۲۰۳۵ رسیدیم. با اعمال این نرخ رشد و کاهش ارزش پول رایج در ارزش افزوده ناخالص کل مصالح تولیدی از IHS، به افزایش از ۴ میلیارد دلار به ۱۶ میلیارد دلار رسیدیم. سپس هم مصالح ساختمانی و هم فلزات، با نرخ ارز واقعی برای برآورد ۲۰۳۵ ما تعدیل گردیدند. استفاده از معیار برنامه‌های دولت مبنی بر شدت هزینه سرمایه ۵۷۰ دلار در هر تن، دلالت بر الزام ۲۵ میلیارد دلار برای فولاد و ۴۰ میلیارد دلار برای فلزات به طور کلی است. با فرض اینکه ایران می‌تواند بهره‌وری خود را دو برابر کرده و به نصف بهره‌وری ترکیه نزدیک گردد، ۳۰۰ هزار شغل به این بخش اضافه شده و کل اشتغال بخش به ۹۰۰ هزار نفر نزدیک می‌گردد. یک افزایش مشابه در بهره‌وری در غیرفلزات، اشتغال این بخش را از ۵۰۰ هزار نفر به بیش از ۷۰۰ هزار نفر افزایش خواهد داد.

کالاهای مصرفی روزانه و تجارت خرده فروشی

برای استنتاج رابطه بین فروش دسته کالاهای مصرفی روزانه و تولید ناخالص داخلی سرانه، از یک مدل با اثرات ثابت برای محاسبه ضریب فزاینده رشد برای هر یک از طبقات خرده فروشی استفاده کردیم. سپس این ضرایب فزاینده را با هم جمع کردیم تا بتوانیم رشد کل فروش خرده فروشی را پیش‌بینی نماییم. از آنجایی که فروش خرده فروشی، محرک تولید کالاهای مصرفی روزانه است، نرخ رشد کلی یکسانی را برای فروش سال ۲۰۱۴ برای هر دو طبقه به کار گرفتیم، که نهایتاً به ما پیش‌بینی ۲۰۳۵ فروش سالانه داخلی بخش‌های کالاهای مصرفی روزانه و خرده فروشی را داد. در مورد کالاهای مصرفی روزانه، خالص صادرات را با معیار سهم صادرات ایران (صادرات به عنوان درصدی از کل فروش) به دیگر مراکز تولیدی منطقه (یعنی الجزایر، مصر، مراکش، تونس و ترکیه) و خالص کردن واردات پیش‌بینی شده (که از طریق ارتباط دادن نرخ رشد سالانه مرکب تاریخی واردات به واردات فعلی محاسب شده بود) مدنظر قرار دادیم. برای محاسبه ارزش افزوده ناخالص داخلی، حاشیه ارزش افزوده ناخالص موجود را (۲۲ درصد برای خرده فروشی و ۲۶ درصد برای کالاهای مصرفی روزانه) به کل فروش پیش‌بینی شده ۲۰۳۵ ارتباط دادیم.

برای محاسبه سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای هر دو بخش کالاهای مصرفی روزانه و خرده فروشی، از معیارهای تاریخی حاشیه هزینه سرمایه استفاده کردیم. برای کالاهای مصرفی روزانه، از یک میانگین ۱۰ ساله از حاشیه هزینه سرمایه (هزینه سرمایه به عنوان درصدی از فروش) گروهی منتخب از کشورهای هم‌تای ایران برای برآورد سرمایه‌گذاری استفاده نمودیم. در مورد خرده فروشی، میانگین حاشیه هزینه سرمایه ۲۵۰ خرده فروش برتر خواروبار را به عنوان نماینده برای کل سرمایه‌گذاری خرده فروشی به کار بردیم. برای محاسبه کل سرمایه‌گذاری مورد نیاز، این را در پیش‌بینی خود از فروش خرده فروشی در سال ۲۰۳۵ اعمال نمودیم. برای برآورد اشتغال آتی در خرده فروشی، بهره‌وری سال ۲۰۳۵ ایران را با سطح فعلی بهره‌وری ترکیه محک زدیم. در مورد کالاهای مصرفی روزانه، با توجه به سطوح بالای توسعه در حال حاضر، ایران را با مکزیک محک زدیم.

گردشگری

برای محاسبه پتانسیل ارزش افزوده ناخالص گردشگری، تغییر در تعداد گردشگران و میزان مخارج سرانه هر گردشگر در هر یک از دو زیربخش اصلی گردشگری بین‌المللی و داخلی را پیش‌بینی کردیم. در گردشگری داخلی، فرض کردیم که تعداد گردشگران هم‌راستا با رشد جمعیت ایران افزایش یافته و مخارج هر گردشگر نیز با همان نرخ تولید ناخالص داخلی کلی ایران افزوده گردد. برای گردشگری

بین‌المللی، فرض را بر این گذاشتیم که باز شدن اقتصاد ایران، تمرکز بیشتر دولت و کسب‌وکارها بر بخش گردشگری، و پویای عمده بازاریابی بین‌المللی می‌تواند گردشگران بیشتری را طی ۱۰ سال آینده جذب نماید. ما این افزایش‌ها را مشابه تجربه مالزی از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۷ پس از آغاز پویای «مالزی: جلوه‌ای از تمام آسیا» فرض کردیم. ما فرض نمودیم که با ارتقای تسهیلات گردشگری و تمایل گردشگران برای خرج کردن بیشتر برای موارد بهبود یافته، مخارج هر گردشگر بین‌المللی تا سطح فعلی ترکیه رشد خواهد نمود. در مورد گردشگران بین‌المللی، آنهایی که شب را نمی‌مانند، فرض کردیم که مخارج به ازای هر گردشگر به سطوح قبل از تحریم‌ها بر می‌گردد در حالی که تعداد این نوع گردشگران هم‌راستا با میانگین افزایش مشاهده شده در مالزی از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۷ رشد خواهد نمود.

ما فرض نمودیم که با توجه به گسترش بخش و اعمال بهترین رویه‌های بین‌المللی، ایران تا سال ۲۰۳۵ می‌تواند به سطح فعلی بهره‌وری ترکیه برسد. اشتغال آتی از طریق تقسیم ارزش افزوده ناخالص پیش‌بینی شده برای سال ۲۰۳۵ در گردشگری بر عدد بهره‌وری سال ۲۰۳۵ محاسبه شده بود و بر حسب ارزش افزوده ناخالص به ازای هر کارکن بیان گردیده است.

نهایتاً، سرمایه‌گذاری را با محک زدن با سه کشور در حال توسعه یعنی مالزی، مراکش و اوکراین، که رشد چشمگیر در گردشگری را طی یک دوره ۲۰ ساله تجربه کرده‌اند محاسبه نمودیم. ما سرمایه‌گذاری هر یک از این کشورها را در بخش گردشگری طی این دوره‌ها بر تعداد گردشگران بین‌المللی در هر سال تقسیم کردیم تا میزان سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای هر گردشگر اضافی را به دست آوریم. میانگین این ارقام را در افزایش پیش‌بینی شده گردشگران سالانه ایران اعمال کردیم تا سرمایه‌گذاری مورد نیاز ایران برای جذب و پشتیبانی این گردشگران جدید را برآورد نماییم.

گذر به اقتصاد دانش بنیان

خدمات مالی

بخش مالی یک بخش توانمندکننده است که ارزش آن به طور برابر هم بر ارزش کل اقتصاد تأثیر گذاشته و هم از آن تأثیر می‌پذیرد. در حالی که خروجی اصلی بخش مالی، خدمات مالی از جمله واسطه‌گری و معاملات است، برآورد ارزش افزوده آنها می‌تواند دشوار باشد. یک معیار استوارتر برای اندازه بخش مالی، دارایی‌های مالی است که به عنوان کل ارزش بدهی معوق و ابزارهای سهام تعریف می‌گردد. تحقیقات مؤسسه جهانی مکنزی نشان داده که نسبت دارایی‌های مالی به کل تولید ناخالص داخلی در بازارهای در حال ظهور به طور میانگین ۲۰۰ درصد است.^{۵۸۵} با فرض حاشیه ارزش افزوده

^{۵۸۵} ترسیم بازارهای سرمایه جهانی ۲۰۱۱: تحقیق به روز شده، مؤسسه جهانی مکنزی، اوت ۲۰۱۱.

ناخالص ثابت در آینده، ورودی بخش بانکی به مدل جامع ارزش افزوده ناخالص آن است که بخش را به همان نسبت میانگین بازارهای در حال ظهور رشد می‌دهد.

الزامات سرمایه‌ای در بخش بانکی تحت تحریک میزان سرمایه مورد نیاز بانک‌ها برای ارائه وام و میزان سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای گسترش بازارهای سرمایه است. در مورد اول، ما با استفاده از میانگین ساختار سرمایه بازارهای در حال ظهور و معیار قرار دادن الزامات سرمایه کشورهای در حال توسعه همتا، سرمایه مورد نیاز بخش بانکی تا سال ۲۰۳۵ برای رسیدن به ۱۴۰ میلیارد دلار را محاسبه نمودیم. ما همچنین ۸۰ میلیارد دلار اضافی برای کاهش ارزش در نظر گرفتیم (با استفاده از نرخ ۴ درصد بر مبنای تحقیقات قبلی مؤسسه مکنزی) تا سرمایه‌هایی را جبران کند که به واسطه وام‌های معوق از بین رفته یا صرف ساخت یا نگهداری از فناوری‌ها و زیرساخت می‌گردند.^{۵۸۶} این باعث شد تا کل سرمایه‌گذاری در بخش بانکی به ۲۲۰ میلیارد دلار بالغ گردد. برای گسترش بازارهای سرمایه، ۲۵ میلیارد سرمایه مازاد، با استفاده از نسبت مشابه سرمایه‌گذاری به ارزش افزوده ناخالص بین بخش بانکی و مدیریت بازار سرمایه و فعالیت‌های بخش فروش، محاسبه نمودیم. این، سرمایه‌گذاری تجمعی بخش بانکی از ۲۰۱۴ تا ۲۰۳۵ را به حدود ۲۵۰ میلیارد دلار می‌رساند.

اشتغال در بخش بانکی و بازارهای سرمایه تحت تأثیر رشد ارزش افزوده ناخالص و بهره‌وری خواهد بود. بر اساس محاسبات فوق، پیش‌بینی گردیده که ارزش افزوده ناخالص بانکداری ایران با نرخ رشد سالانه مرکب ۱۰ درصد رشد نماید. در همین حال، فرض کردیم که بهره‌وری در بخش بانکی، همراستا با رشد در ترکیه طی ۱۵ سال قبل، سالانه ۵ درصد رشد نماید. رشد در بهره‌وری باعث رشد ۴/۷ درصدی در اشتغال گشته و اشتغال در بخش بانکداری ایران را از ۲۸۰ هزار نفر در سال ۲۰۱۴ به ۷۳۰ هزار نفر در سال ۲۰۳۵ می‌رساند.

رشد در بخش بیمه ایران به طور مجزا برای بیمه‌های وسایل نقلیه، سلامت، عمر و تمام انواع غیرعمر دیگر در نظر گرفته شده است. بر مبنای ناوگان فعلی ایران، فروش انتظاری خودروها، و اسقاط سالانه خودروهای قدیمی، انتظار می‌رود ارزش افزوده ناخالص بیمه وسایل نقلیه موتوری همراستا با رشد تعداد خودروها در ایران طی ۲۰ سال آینده سالانه کمی بیشتر از ۵ درصد رشد نماید. رشد در ارزش افزوده ناخالص بیمه‌های عمر و سلامت تحت تأثیر نرخ‌های نفوذ فعلی و رشد درآمد مورد انتظار است. با استفاده از پایگاه داده جهانی بیمه مکنزی برای محاسبه نسبت حق بیمه‌های سلامت ترکیه به رشد تولید ناخالص داخلی سرانه از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴، رشد بیمه سلامت در ایران را سالانه ۶/۴ درصد

^{۵۸۶} جهانی شدن مالی: عقب نشینی یا بازنشانی؟ مؤسسه جهانی مکنزی، مارس ۲۰۱۳.

برآورد کردیم. به طور مشابه، با استفاده از نسبت حق بیمه‌های عمر ترکیه به رشد تولید ناخالص داخلی سرانه از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴، رشد بیمه عمر در ایران را سالانه ۵/۴ درصد برآورد کردیم. انتظار می‌رود که تمام بیمه‌های غیرعمر دیگر، همراه با اقتصاد ایران تا سال ۲۰۳۵ رشد نمایند. با در نظر گرفتن هر چهار بخش و لحاظ نمودن کاهش ارزش پول رایج، برآورد گردید که بخش بیمه ایران طی ۲۰ سال آینده سالانه ۶/۷ درصد رشد نماید.

برآوردهای اشتغال نیز با بهره‌وری بخش مالی و بیمه ترکیه بر مبنای برابری قدرت خرید محک زده شد و فرض بر این بود که ایران تا سال ۲۰۳۵ به این سطوح معیار رسیده و حدود ۵۵ هزار شغل نیز به اقتصاد اضافه می‌نماید. پیش‌بینی گردید که سرمایه‌گذاری سرمایه‌ای در بخش بیمه ایران بر مبنای سطوح فعلی سرمایه‌گذاری، با نرخ مشابه ارزش افزوده ناخالص بخش تا سال ۲۰۳۵ رشد نماید.

خدمات حرفه‌ای و دیگر خدمات

خدمات حرفه‌ای به سه بخش تقسیم گردید: فعالیت‌های حرفه‌ای، علمی و فنی؛ خدمات خصوصی خانوار؛ و اجاره ماشین آلات و تجهیزات.

پیش‌بینی گردید که ارزش افزوده ناخالص فعالیت‌های حرفه‌ای، علمی و فنی همراه با تجربه کشورهای هم‌تا طی دهه گذشته، سالانه ۶ درصد رشد نماید.^{۵۸۷} بهره‌وری بر حسب برابری قدرت خرید، بالاتر از کشورهای مورد مقایسه بود و بنابراین فرض گردید که تا سال ۲۰۳۵ ثابت بماند. سرمایه‌گذاری به عنوان درصدی از ارزش افزوده ناخالص در بخش خدمات کسب و کار طی چند سال اخیر بسیار بالا بوده و در مواقعی از ارزش افزوده ناخالص نیز جلوتر بوده است. با توسعه کشور، سرمایه‌گذاری به عنوان درصدی از ارزش افزوده ناخالص کاهش می‌یابد. انتظار داریم که سرمایه‌گذاری به عنوان درصدی از ارزش افزوده ناخالص در خدمات کسب و کار کاهش یابد تا به میانگین فعلی جهانی برسد.

خدمات خصوصی خانوارها بخش کوچکی از اقتصاد ایران را تشکیل می‌دهد. ما فرض کردیم که این بخش مشابه سطوح ترکیه بین سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۴ رشد خواهد کرد. در مورد بهره‌وری نیز برآورد گردید که به سطح ترکیه برسد. فرض گردید که سرمایه‌گذاری به عنوان درصدی از ارزش افزوده ناخالص، به اندازه میانگین شدت سرمایه‌گذاری ایران طی ۱۰ سال گذشته است.

پیش‌بینی گردید که اجاره ماشین آلات و تجهیزات مشابه سطوح ترکیه بین سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۴ رشد خواهد کرد. بهره‌وری در ایران بر حسب برابری قدرت خرید، بالا است و بنابراین فرض گردید که تا

^{۵۸۷} شامل کشورهای اروپای شرقی و مرکزی از جمله مجارستان، اسلواکی و اسلونی.

سال ۲۰۳۵ ثابت بماند. سرمایه‌گذاری به عنوان درصدی از ارزش افزوده ناخالص طی ۵ سال گذشته در ایران کاهش یافته و فرض می‌گردد که در سطحی مشابه باقی می‌ماند.

فناوری اطلاعات و ارتباطات

برای ایجاد یک چشم انداز جامع از این بخش در مدل، به زیربخش‌ها به طور مجزا نگاه کردیم: ارتباطات همراه، ارتباطات ثابت، خدمات نرم افزاری و فناوری اطلاعات، و سخت افزار. این رویکرد مدل سازی که کمی متفاوت از ساختار فصل ۲ است، بر مهمترین زیربخش‌های راهبردی تمرکز دارد. **ارتباطات همراه.** درآمد اپراتورهای تلفن همراه تایعی از میانگین درآمد به ازای هر کاربر و تعداد مشترکین است. میانگین درآمد به ازای هر کاربر تلفن همراه ایران، عمدتاً به واسطه پیامک و تماس صوتی است و بخش اندکی از درآمد ناشی از داده است. ما فرض کردیم که در آینده، سهم پیامک و تماس صوتی از درآمد به ازای هر کاربر کاهش یافته و عمده درآمد ناشی از مصرف بالای داده تلفن همراه باشد. ما از این پیش‌بینی‌ها برای محاسبه اندازه بخش ارتباطات همراه ایران در سال ۲۰۳۵ استفاده کردیم:

- مصرف داده، رشدی را همانند رشد پیش بینی شده خاورمیانه و شمال آفریقا توسط سیسکو تا سال ۲۰۱۹ تجربه خواهد نمود. پس از ۲۰۱۹ به دلیل دشواری پیش بینی نرخ‌های رشد، از تحلیل رگرسیون بین شاخص آمادگی شبکه‌ای و ارزش افزوده ارتباطات به عنوان پیش بینی کننده رشد مصرف داده در ایران تا سال ۲۰۳۵ استفاده کردیم.
 - برآورد شده بود که میانگین درآمد پیامک به ازای هر کاربر با همان نرخ چین طی ۵ سال گذشته کاهش یابد و میانگین درآمد تماس صوتی به ازای هر کاربر طی ۲۰ سال آینده ثابت بماند زیرا خدمات نوین جایگزین تماس صوتی سنتی می‌شود و افزایش در استفاده، با کاهش قیمت ناشی از افزایش تقاضا جبران می‌گردد.
- از آنجایی که ضریب نفوذ تلفن همراه در ایران در حال حاضر بسیار بالا است، پیش‌بینی کردیم که تعداد مشترکین نیز متناسب با رشد جمعیت افزایش یابد.
- ایران دوره‌هایی از شدت هزینه سرمایه بالا به دلیل معرفی فناوری‌های نو و دوره‌های با شدت هزینه پایین ناشی از تحریم‌ها و موانع انحصاری را از سال ۲۰۰۸ تجربه کرده است. ما برآورد کردیم که میانگین سرمایه‌گذاری به عنوان درصدی از درآمد، با همان نرخ میانگین بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴ رشد نماید. از آنجایی که بهره‌وری در این بخش بالا است، بنابراین فرض گردید که تا سال ۲۰۳۵ ثابت بماند.

ارتباطات ثابت. ارزش افزوده ارتباطات ثابت به دو بخش پهن باند ثابت و تلفن ثابت تقسیم شده است. پیش‌بینی نمودیم که ارزش افزوده پهن باند ثابت بر مبنای شاخص آمادگی شبکه‌ای و ارزش افزوده ناخالص در روش رگرسیون مطروحه فوق رشد نماید. برای بهره‌وری، ما از تعداد مشترکین به ازای هر معادل تمام وقت به عنوان یک معیار استفاده کردیم و برآورد نمودیم که ایران تا سطح بزرگترین اپراتور پهن باند ثابت ترکیه بهبود خواهد یافت. سرمایه‌گذاری در پهن باند ثابت تحت سلطه معرفی فناوری فیبر نوری خواهد بود. ما از پایگاه داده اختصاصی وان بنچمارک مؤسسه جهانی مکنزی برای برآورد سرمایه‌گذاری مورد نیاز ایران برای رسیدن به سطح کره جنوبی در تعداد خانه‌های مرتبط به شبکه‌های فیبر در منزل، استفاده کردیم. ما استهلاك ۲۰ ساله مستقیم را برای سرمایه‌گذاری در نظر گرفتیم.

ارزش افزوده تلفن ثابت بین مصرف‌کننده و کسب و کارها تقسیم گردید. ما فرض کردیم که درآمد ناشی از مشتریان تجاری با همان نرخ رشد می‌نماید که تعداد کسب و کارهای جدید در ترکیه بین ۲۰۰۴ و ۲۰۱۴ رشد نمودند. در این اثنا، به دلیل ضریب نفوذ بالا، فرض کردیم که ارزش افزوده ناخالص مشتریان خانگی متناسب با جمعیت رشد خواهد کرد. بهره‌وری در ارتباطات تلفن ثابت در ایران بیشتر از برخی دیگر از اپراتورهای بزرگ تلفن ثابت در این اندازه است، و لذا فرض کردیم که این بهره‌وری ثابت می‌ماند. میانگین شدت سرمایه در ایران بین ۲۰۰۸ و ۲۰۱۴ همراستا با ۸ کشور دیگر مورد مقایسه بود، و بنابراین، فرض گردید که شدت سرمایه نیز به همین منوال ادامه خواهد یافت. اثرات سرریز مثبت نفوذ پهن باند بر اشتغال و تولید ناخالص داخلی، در مدل کلی لحاظ نشده‌اند زیرا فرصت‌های رشد هر بخش به صورت مجزا در نظر گرفته شده است. در این گزارش و در جایی که اثرات سرریز را مطرح کرده‌ایم، از این روش استفاده کرده‌ایم: بر اساس تحقیقات اتحادیه بین‌المللی ارتباطات مخابراتی، افزایش ۲۷ درصدی در ضریب نفوذ پهن باند دلالت دارد بر کشش تولید ناخالص داخلی $1/6$ تا $-1/9$ $= (0/6 \text{ تا } -0/7) * 2/7$ درصدی تولید ناخالص داخلی. در همین حال، کشش اشتغال را به اندازه ۰/۵ درصد رشد تولید ناخالص داخلی فرض نمودیم. به عبارت دیگر، ۰/۵ درصد افزایش در اشتغال به ازای هر یک درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی، باعث ایجاد ۲۰۰ هزار شغل در تمام بخش‌ها به واسطه اثرات سرریز می‌گردد.

برنامه‌نویسی رایانه‌ای و فعالیت‌های مرتبط. این بخش شامل ۵ زیربخش است: تولید تصاویر متحرک و انتشار موسیقی؛ فعالیت‌های برنامه‌نویسی و رسانه‌ای؛ فعالیت‌های برنامه‌نویسی رایانه‌ای و مشاوره‌ای؛ فعالیت‌های خدمات اطلاعاتی؛ و بخش برون سپاری فناوری اطلاعات. از آنجایی که داده‌های اشتغال در ایران تنها به صورت کلی بخش در دسترس بود، ما از ترکیه به عنوان معیار برای تقسیم اشتغال به

هر یک از زیربخش‌ها استفاده کردیم. با توجه به منحصر به فرد بودن ایران در دو زیربخش اول، فرض کردیم که ارزش افزوده ناخالص در این زیربخش‌ها با همان نرخ رشد سالانه مرکب ارزش افزوده ناخالص ایران در این بخش‌ها طی ۱۴ سال گذشته، رشد می‌کند. ما فرض کردیم که دو زیربخش بعدی با همان نرخ رشد ارزش افزوده ناخالص ترکیه بین سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۴ رشد می‌نمایند. انتظار داریم که بهره‌وری کل بخش تا سال ۲۰۳۵ به سطح ترکیه برسد. برآورد می‌کنیم که عواید بخش برون سپاری فناوری اطلاعات تا سال ۲۰۲۵ به ۱ میلیارد دلار برسد، همان سطحی که مصر پس از ده سال تمرکز برای تبدیل شدن به مرکز برون سپاری فناوری اطلاعات به آن رسید. پس از آن از سال ۲۰۲۵ تا ۲۰۳۵، فرض کردیم که بخش برون سپاری فناوری اطلاعات با همان سطوح تجربه شده در دیگر مراکز برون سپاری فناوری اطلاعات از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۰ رشد نماید. انتظار داریم که بهره‌وری و سهم صادرات این زیربخش در ایران به همان اندازه مصر باشد.

سخت افزار. این بخش شامل رایانه‌ها، تجهیزات اداری، تجهیزات ارتباطی مانند نیمه رساناها و تلویزیون‌ها می‌شود. ما پتانسیلی را برای ایران در جهت گسترش توانایی‌های داخلی خود در این بخش ندیدیم. در نتیجه، ارقام ارزش افزوده و سرمایه‌گذاری ثابتی را تا سال ۲۰۳۵ فرض کردیم. علاوه بر این، بهره‌وری فعلی ایران در سطح ترکیه و دیگر کشورها است و لذا انتظار داریم که بهره‌وری نیز ثابت بماند.

محصولات دارویی

روش ما برای پیش بینی تولید ناخالص داخلی، بهره‌وری، اشتغال و سرمایه‌گذاری در تولید محصولات دارویی، از رشد بخش دارویی لهستان از ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۲ به عنوان یک معیار بین‌المللی استفاده کرده است. شباهت‌های زیادی بین لهستان در سال ۱۹۹۲ و امروز ایران وجود دارد که لهستان را به یک معیار مناسب تبدیل می‌کند. لهستان هم در سال ۱۹۹۲ یک بازار محصولات دارویی استفاده نشده، جمعیت در حال پیرشدن، ثروت در حال رشد، وجود مبانی صنعتی، و اقتصاد بسته داشت. این کشور می‌توانست از بازگشایی کشور به روی سرمایه‌گذاری غربی در پایان جنگ سرد، به عنوان اهرمی برای تقویت بخش دارویی خود استفاده کند.

برای پیش بینی تولید ناخالص داخلی، ما بررسی کردیم که چقدر بخش دارویی لهستان نسبت به کل تولید ناخالص داخلی این کشور بین ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۲ رشد نمود. با توجه به شباهت‌های بین این دو کشور، یک ضریب یکسان را در ایران فرض کردیم و آن را در پیش بینی رشد تولید ناخالص داخلی ایران اعمال نمودیم تا اندازه احتمالی این صنعت را در سال ۲۰۳۵ برآورد کنیم. در مورد سطوح

بهره‌وری، از آنجایی که این بخش در حال گسترش و اتخاذ روش‌های بهینه بین‌المللی است، فرض کردیم که ایران می‌تواند تا سال ۲۰۳۵ به سطح بهره‌وری فعلی لهستان دست یابد یا به عبارتی بهره‌وری خود را ۴ برابر کند. اشتغال‌های دیگر از طریق تقسیم ارزش افزوده ناخالص پیش بینی شده این بخش برای ۲۰۳۵ بر عدد بهره‌وری سال ۲۰۳۵ محاسبه گردیده و بر حسب ارزش افزوده ناخالص به ازای هر کارکن بیان می‌گردد. نهایتاً، فرض کردیم که ایران در ۲۰ سال آینده به همان اندازه سرمایه‌گذاری نیاز دارد که لهستان بین ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۲ انجام داد. ما این رقم را با احتساب اندازه بزرگتر این صنعت در ابتدای کار و جمعیت بیشتر ایران، به سمت بالا تعدیل نمودیم.

خدمات بهداشتی

ما فرض کردیم که بخش مراقبت بهداشتی ایران همراستا با نرخ رشد کلی اقتصاد به اضافه نرخ رشد جمعیت رشد خواهد کرد، زیرا ایران زیرساخت‌های سلامت خود را گسترش داده تا بتواند به جمعیت بزرگتر و ثروتمندتری خدمات دهد. ما چنین فرض کردیم که بهره‌وری به اندازه میانگین بخش‌های دیگر اقتصاد رشد خواهد نمود. اشتغال در بخش سلامت از طریق تقسیم ارزش افزوده ناخالص پیش بینی شده برای سال ۲۰۳۵ بر بهره‌وری سال ۲۰۳۵ محاسبه شده و بر حسب ارزش افزوده ناخالص به ازای هر کارکن بیان گردیده است.

برای محاسبه کل سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای بخش سلامت ایران، ما از معیار سرانه تاریخی هزینه سرمایه سلامت در لهستان از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۲ استفاده نمودیم. ما لهستان را در این دوره انتخاب کردیم زیرا شباهت‌های فراوانی با ایران دارد، از جمله قطع عمده سرمایه‌گذاری غربی و داشتن اندازه مشابه افراد مسن و نرخ‌های مشابه رشد تولید ناخالص داخلی. سپس سرانه تاریخی هزینه سرمایه سلامت در لهستان را در جمعیت پیش بینی شده ایران تا سال ۲۰۳۵ اعمال کردیم و تجمعی آن را محاسبه نمودیم.

گسترش و نوسازی زیرساخت

حمل و نقل

انتظارات رشد در حمل و نقل در بخش حمل و نقل باری، حمل و نقل شهری و خدمات پستی متفاوت بوده است. فرض ما بر این بود که رشد ارزش افزوده حمل و نقل، باعث تقویت بیشتر رشد اقتصادی می‌گردد و در عین حال به واسطه رشد دیگر بخش‌های اقتصاد نیز رشد می‌یابد. فرض شده که حمل و نقل باری شامل باربری ریلی، حمل و نقل هوایی، کشتیرانی، حمل با کامیون و انبارداری، همراستا با رشد ارزش افزوده ناخالص مورد انتظار در بخش‌های مصالح اصلی، نفت و گاز، ساختمان، کشاورزی

و کالاهای مصرفی روزانه و متناسب با بار پوشش داده شده برای هر یک از این بخش‌ها رشد نماید. فروض رشد برای حمل و نقل شهری بر مبنای نرخ‌های رشد شهرهای نظیر به خصوص شانگهای و مسکو بود که سیستم‌های حمل و نقل عمومی خود را گسترش داده‌اند. با استفاده از نسبت رشد حمل و نقل به نرخ‌های شهرنشینی در این شهرهای نظیر، نرخ رشد حدود ۶ درصدی را برای ارزش افزوده ناخالص حمل و نقل شهری برآورد نمودیم. آخرین عنصر در رشد حمل و نقل، یعنی خدمات پستی و ارسال مرسولات، هم بر مبنای رشد جمعیت انتظاری و هم افزایش مورد انتظار در تجارت الکترونیک بود.

در مورد سطوح بهره‌وری، ما فرض کردیم که ایران تا سال ۲۰۳۵ می‌تواند به میانگین سطوح بهره‌وری حمل و نقل مجموعه‌ای از کشورهای با ترکیبی سنگین از باربری دریایی و ریلی برسد. این کشورها که حول بهره‌وری ۹۳۶۰۰ دلاری بر مبنای برابری قدرت خرید جمع شده‌اند شامل فنلاند، یونان، هلند، نروژ، پاناما، پرتغال و ترکیه هستند. این معیار، مستلزم بیش از دو برابر شدن بهره‌وری حمل و نقل در ایران همراه با نوسازی بخش و اتخاذ روش‌های بهینه جهانی است.

برآوردهای سرمایه‌گذاری تحت تأثیر نسبت‌های میانگین فعلی زیرساخت حمل و نقل به ارزش افزوده حمل و نقل در آلمان، ترکیه و انگلستان بود، با توجه به اینکه این اقتصادهای با حجم بالای حمل و نقل، یک نقطه میانی بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه فراهم می‌کنند. با استفاده از این نسبت و بر مبنای برآورد خود از ارزش افزوده ناخالص حمل و نقل در سال ۲۰۳۵ و فرض استهلاک ۵ درصد، سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای حرکت زیرساخت فعلی حمل و نقل ایران به سمت سطوح مورد لزوم تا سال ۲۰۳۵ را محاسبه نمودیم.

خدمات عمومی

بخش خدمات عمومی شامل گاز، برق و آب می‌گردد. داده‌های ارزش افزوده ناخالص بین این سه قسمت تقسیم گردید و خدمات برق بیشترین سهم را به خود اختصاص داد. برای ارزش افزوده ناخالص گاز، کسب تقاضا برای افزایش جمعیت و افزایش درآمد همراه با افزایش پیش بینی شده در قیمت‌ها و اثر آن بر تقاضا را برآورد نمودیم و در نتیجه، به نرخ رشد مرکب سالانه ۳ درصدی برای ارزش افزوده ناخالص گاز، دست یافتیم. برق به دو بخش مصرف مسکونی و غیرمسکونی تقسیم می‌گردد. فرض شد که نرخ رشد ارزش افزوده ناخالص مصرف مسکونی به دلیل افزایش قیمت‌ها، کمی بیشتر از نرخ رشد جمعیت باشد. انتظار می‌رود که مصرف غیرمسکونی به همان نرخ کل اقتصاد رشد نماید. رشد برق می‌تواند کاهش یابد اگر از ابزارهای مقرون به صرفه انرژی استفاده گردد، یا افزایش یابد اگر

صادرات با سرعت بیشتری رشد نماید. با لحاظ نمودن موضوعات قابلیت اطمینان برق در کشورهای همسایه، برآورد ما این است که صادرات خدمات عمومی ایران با همان نرخ‌های سابق افزایش خواهد یافت. همچنین انتظار داریم که بخش آب به واسطه تلاش‌های صورت گرفته برای افزایش درآمد از طریق بهبود نظارت و دریافت هزینه استفاده، با سرعتی کمی بیشتر از کل اقتصاد رشد نماید.

خدمات عمومی نیاز به نیروی انسانی کمی دارند و لذا فرض ما بر این است که بعید به نظر می‌رسد اشتغال در این بخش به صورت ناگهانی و چشمگیر افزایش یابد. ما از کشورهای با بهره‌وری بالا به عنوان معیار استفاده کردیم. بهره‌وری بخش خدمات عمومی اسپانیا بر مبنای برابری قدرت خرید، نشان می‌دهد که این منطقی است که ایران بهره‌وری نیروی کار خود را حدود ۵۰ درصد افزایش دهد.

املاک

ارزش افزوده ناخالص بخش املاک عمدتاً به واسطه اجاره انتسابی املاک تجاری و مسکونی است. برای تفکیک ارزش افزوده این بخش، مکنزی سیتی اسکوپ را برای تقاضای املاک تجاری و مسکونی مدنظر قرار داده‌ایم. انتظار داریم که ارزش افزوده ناخالص املاک تجاری با همان نرخ کل اقتصاد رشد نماید. در مورد ارزش افزوده ناخالص املاک مسکونی، پیش بینی‌های ما بر مبنای مکنزی سیتی اسکوپ برای نرخ رشد سالانه مرکب فضاهای مسکونی تا سال ۲۰۲۵ است؛ و آن را به صورت قیاسی به ۲۰۳۵ تعمیم دادیم. انتظار داریم که شدت سرمایه‌گذاری به عنوان درصدی از ارزش افزوده ناخالص در بخش املاک ایران از روند میانگین ۱۰ سال گذشته این کشور تبعیت نماید.

اکثر کارفرمایان املاک در ایران، آژانس‌های املاک هستند. برای محاسبه بهره‌وری، از تعداد کل معاملات سالانه به ازای هر کافرما به عنوان یک سنجه استفاده نمودیم. به لطف همانندی‌های موجود بین بخش املاک ایران و روسیه، بهره‌وری روسیه را در این بخش به عنوان معیار قرار دادیم. برای یافتن کل معاملات در سال ۲۰۳۵، از تعداد برابر معاملات به ازای هر خانوار برای ایران و روسیه استفاده کردیم و مکنزی سیتی اسکوپ را برای برآورد تعداد خانوارها به کار گرفتیم.

ساختمان

ما بخش ساختمان را به عنوان ساخت املاک، حمل و نقل، خدمات عمومی، زیرساخت‌های اجتماعی و تأسیسات صنعتی به جز بالادست نفت و گاز تعریف می‌کنیم. این ساختمان، تابعی از سرمایه‌گذاری بخش‌های دیگر است. برای تعیین ارزش افزوده ناخالص سال ۲۰۳۵، سرمایه‌گذاری هر بخش را بررسی نموده و نسبت‌های نوعی از سرمایه‌گذاری را به ساختمان اختصاص دادیم. به عنوان مثال در بخش ارتباطات مخابراتی، ما فرض کردیم که ساختمان به عنوان سهمی از سرمایه‌گذاری، حدود ۲۲ درصد

خواهد بود. در همین حال، سرمایه‌گذاری املاک مستلزم مخارج ۷۰ درصدی در بخش ساختمان است. انتظار می‌رود که صادرات خدمات ساختمانی تا سال ۲۰۳۵ به ۵ میلیارد دلار برسد.

بهره‌وری و اشتغال این بخش با استفاده از بهره‌وری نیروی کار لهستان به عنوان معیار تعیین گردید. بهره‌وری نیروی کار لهستان پس از بازگشایی این کشور به روی غرب، به طور چشمگیری بهبود یافته و از بهره‌وری نیروی کار فعلی ایران بسیار بالاتر است، اگرچه هنوز عقب‌تر از کشورهای پیشرو در این بخش است. دستیابی به این معیار مستلزم حدود ۶۰ درصد بهبود در بهره‌وری نیروی کار ایران است. برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، الزامات سرمایه‌گذاری ایران و همچنین نسبت‌های سرمایه‌گذاری به ارزش افزوده ناخالص را مدنظر قرار دادیم. سپس نرخ‌های احتمالی بهبود را در مخارج سرمایه‌گذاری اعمال نمودیم تا ببینیم که آیا شرکت‌های ساختمانی و صاحبان دارایی، اقدامات و راهبردهای خود را بهبود بخشیده‌اند یا خیر. بالا بردن کارایی در تحویل پروژه‌ها می‌تواند ۱۵ درصد سرمایه‌گذاری را کاهش دهد و استفاده بهینه از زیرساخت‌های موجود، مخارج سرمایه‌ای را تا ۸ درصد کاهش می‌دهد. اینها و دیگر بهبودها، منجر به کاهش احتمالی در مخارج سرمایه‌گذاری به اندازه ۳۸ درصد می‌گردد.

بخش‌های دیگر

بخش عمومی

برای پیش بینی رشد در بخش عمومی، از عملکرد تاریخی ترکیه به عنوان معیار استفاده نمودیم. فرض کردیم که ارزش افزوده ناخالص، همراستا با میانگین تاریخی ۲۰ درصدی ترکیه در بخش عمومی و خدمات اجتماعی رشد می‌نماید. ما اشتغال یا بهره‌وری آتی بخش عمومی را پیش‌بینی نکردیم، زیرا اشتغال بخش خصوصی در تحلیل‌های اشتغال ما مدنظر قرار داشت.

برای سرمایه‌گذاری، همراستا با تحقیقات قبلی مؤسسه جهانی مکنزی، فرض کردیم که ۲/۵ برابر تولید ناخالص داخلی اضافه شده توسط بخش عمومی، سرمایه‌گذاری مورد نیاز است.

دیگر بخش‌های تولید

فرض کردیم که دیگر بخش‌های تولید همراستا با کل نرخ رشد اقتصادی رشد می‌نمایند. با توجه به بهره‌وری پایین ایران، فرض نمودیم که اشتغال تا سال ۲۰۳۵ یکنواخت باقی خواهد ماند. برای محاسبه بهره‌وری سال ۲۰۳۵، ارزش افزوده ناخالص سال ۲۰۳۵ را بر اشتغال سال ۲۰۳۵ تقسیم نمودیم.

برای سرمایه‌گذاری، همراستا با تحقیقات قبلی مؤسسه جهانی مکنزی، فرض کردیم که به میزان ۲/۵ برابر تولید ناخالص داخلی اضافه شده توسط دیگر بخش‌های تولید، سرمایه‌گذاری مورد نیاز است.

محاسبه سرمایه‌گذاری خارجی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

برای برآورد درصد سرمایه‌گذاری خارجی، از تشکیل سرمایه ثابت ناخالص استفاده کردیم که سنجش سرمایه‌گذاری ناخالص در دارایی‌های سرمایه ثابت به عنوان نماینده‌ای از کل سرمایه‌گذاری است. ما کل جریان‌های سرمایه به عنوان درصدی از کل تشکیل سرمایه ثابت ناخالص طی ۲۱ سال گذشته برای کشورهای هم‌تا را مدنظر قرار دادیم تا درصدی از کل سرمایه‌گذاری ایران را پیدا کنیم که می‌تواند از منشأ خارجی تأمین گردد. برای برآورد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، از روش مشابهی استفاده کردیم و کل جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان درصدی از کل تشکیل سرمایه ثابت ناخالص طی ۲۱ سال گذشته برای کشورهای هم‌تا را مدنظر قرار دادیم و آن را در محاسبه ارقام سرمایه‌گذاری خود اعمال نمودیم. بر مبنای این محاسبات، ۳۳ درصد از کل سرمایه‌گذاری می‌تواند از منابع خارجی باشد و ۱۰ درصد از کل سرمایه‌گذاری نیز از محل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأمین گردد.